



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

میزان حکمت

عربی - فارسی

مندی رکی شمیری

۲

موسسه فرهنگی
تولید و نشر کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میزان الحکمه

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

دارالحديث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۷	میزان الحکمۃ جلد ۳
۲۷	مشخصات کتاب
۲۸	اشاره
۴۱	حرف الحاء
۴۲	حج
۴۲	حج
۴۳	فلسفه حج
۴۴	فقرزدایی حج
۴۵	حج گناهان را پاک می کند
۴۵	آنچه حج بدان کامل و تمام می شود
۴۵	عاقبت ترک حج
۴۶	تعطیل کردن حج
۴۶	برتر از هفتاد حج
۴۶	حاجیان واقعی کم هستند
۴۶	آداب حج گزار
۴۷	آداب مراقبین
۴۸	آداب احرام بستن
۴۸	انواع حج
۴۸	ثواب کسی که در راه حج بمیرد
۴۸	حرمت حرم
۴۹	حضور امام غایب در موسم حج
۴۹	حجت

- حجت ۴۹
- نسبت دادن معرفت به خدا. ۴۹
- حجت رسا ویژه خداست ۵۰
- نیروی شهریار حجت ۵۰
- قاطع ترین و رساترین حجت ۵۰
- حجیت راویان حدیث ۵۱
- حجت (متفرقه) ۵۱
- حدیث ۵۱
- حدیث ۵۱
- محدث ۵۲
- ثواب کسی که چهل حدیث حفظ کند. ۵۲
- فهمیدن حدیث ۵۲
- نقل کردن و فهمیدن ۵۳
- فراوانی کسانی که در زمان حیات پیامبر بر او دروغ می بستند. ۵۳
- برحذر داشتن از دروغ بستن به پیامبر (ص) ۵۳
- نهی از دروغ شمردن سخنی که دروغ بودن آن معلوم نیست ۵۳
- ارائه اصول با ما و بدست آوردن فروع با شما. ۵۴
- درستی حدیث و سازگاری آن با قرآن ۵۴
- درستی حدیث وسازگاری آن با فطرت ۵۴
- درستی حدیث و سازگاری آن با حق ۵۴
- جایز بودن نقل به معنای حدیث ۵۵
- آنچه باید در نقل حدیث رعایت کرد. ۵۵
- دشواری فهم و تحمل برخی احادیث ۵۵
- فراگیر بودن قرآن و سنت ۵۵

- ۵۶ علت پوشیده داشتن برخی دانشها و احکام .
- ۵۶ علل اختلاف احادیث .
- ۵۶ احادیث متشابه .
- ۵۷ حدود.
- ۵۷ هر چیزی حدی دارد.
- ۵۷ دور کردن حدود و مجازاتها.
- ۵۷ جاری کردن حدود.
- ۵۸ به کار نبستن حدود.
- ۵۸ شفاعت و وساطت کردن در حدود روا نیست .
- ۵۹ در حد، کفالت (ضمانت تن) پذیرفته نمی شود.
- ۵۹ در حد جای سوگند نیست .
- ۵۹ نهی از تاخیر در اجرای حدود.
- ۶۰ نهی از تجاوز کردن از حدود.
- ۶۰ نقش جاری کردن حدود در پاک کردن گناه .
- ۶۰ نهی از اهانت کردن به شخص حد خورده .
- ۶۱ در صورت اعتراف مجرم به گناه امام اجازه دارد او را ببخشد.
- ۶۱ مباح کردن خون .
- ۶۲ کسی که حد خورده بار سوم باید کشته شود.
- ۶۲ جاری کردن حد در سرزمین دشمن .
- ۶۲ تعزیر.
- ۶۲ آداب جاری کردن حد.
- ۶۳ جنگ .
- ۶۳ (جدید)
- ۶۳ عوامل جنگ افروز.

- ۶۳ جنگ با حق ستیزان .
- ۶۳ جنگیدن با مسلمان .
- ۶۳ غافلگیر کردن دشمن .
- ۶۴ تشویق به جنگ در راه خدا.
- ۶۴ خداوند رزمندگان در راه خود رادوست دارد.
- ۶۴ نهی از جنگیدن با این گروهها.
- ۶۴ نکاتی که پیش از شروع جنگ باید رعایت کرد.
- ۶۵ دعا در هنگام رو به رو شدن با دشمن .
- ۶۵ پیشقراولان سپاه .
- ۶۵ آموزشهای نظامی .
- ۶۶ ارائه اصول با ما و بدست آوردن فروع با شما.
- ۶۶ درستی حدیث و سازگاری آن با قرآن .
- ۶۶ درستی حدیث و سازگاری آن با فطرت .
- ۶۷ درستی حدیث و سازگاری آن با حق .
- ۶۷ جایز بودن نقل به معنای حدیث .
- ۶۷ آنچه باید در نقل حدیث رعایت کرد.
- ۶۷ دشواری فهم و تحمل برخی احادیث .
- ۶۸ فراگیر بودن قرآن و سنت .
- ۶۸ علت پوشیده داشتن برخی دانشها و احکام .
- ۶۸ علل اختلاف احادیث .
- ۶۹ احادیث متشابه .
- ۶۹ حدود.
- ۶۹ هر چیزی حدی دارد.
- ۶۹ دور کردن حدود و مجازاتها.

- جاری کردن حدود. ۷۰
- به کار نبستن حدود. ۷۰
- شفاعت و وساطت کردن در حدود روا نیست ۷۰
- در حد، کفالت (ضمانت تن) پذیرفته نمی شود. ۷۱
- در حد جای سوگند نیست ۷۱
- نهی از تاخیر در اجرای حدود. ۷۲
- نهی از تجاوز کردن از حدود. ۷۲
- نقش جاری کردن حدود در پاک کردن گناه ۷۲
- نهی از اهانت کردن به شخص حد خورده ۷۳
- در صورت اعتراف مجرم به گناه امام اجازه دارد او را ببخشد. ۷۳
- مباح کردن خون ۷۳
- کسی که حدخورده بارسوم باید کشته شود. ۷۴
- جاری کردن حد در سرزمین دشمن ۷۴
- تعزیر. ۷۴
- آداب جاری کردن حد. ۷۵
- جنگ ۷۵
- جنگ ۷۵
- عوامل جنگ افروز. ۷۵
- جنگ با حق ستیزان ۷۵
- جنگیدن با مسلمان ۷۵
- غافلگیر کردن دشمن ۷۶
- تشویق به جنگ در راه خدا. ۷۶
- خداوند رزمندگان در راه خود رادوست دارد. ۷۶
- نهی از جنگیدن با این گروهها. ۷۶

- ۷۷ نکاتی که پیش از شروع جنگ باید رعایت کرد.
- ۷۷ دعا در هنگام رو به رو شدن با دشمن .
- ۷۷ پیشقراولان سپاه .
- ۷۸ آموزشهای نظامی .
- ۷۸ آداب جنگ .
- ۷۹ جنگ نیرنگ است .
- ۸۰ نهی از فرار از جنگ .
- ۸۱ چه وقت فرار از جنگ رواست ؟ .
- ۸۱ به کارگیری انواع جنگ افزارها در جنگ .
- ۸۱ طولانی شدن جنگ .
- ۸۱ نیروی دریایی .
- ۸۲ شرکت زنان در جنگ .
- ۸۲ محارب .
- ۸۲ محارب .
- ۸۴ دار زدن .
- ۸۴ بریدن دست و پا از چپ و راست .
- ۸۴ تبعید .
- ۸۵ نگاهبانان .
- ۸۵ نگاهبانان .
- ۸۵ نگهبانی کردن از پیامبر .
- ۸۵ اجل نیکو نگهبانی است .
- ۸۶ آزادی و آزادگی .
- ۸۶ آزادی و آزادگی .
- ۸۶ همه مردم آزادند .

- ۸۶ آزاده همیشه آزاده است .
- ۸۶ خوی آزاد مرد .
- ۸۷ آنچه آزادگی می آورد .
- ۸۷ به جا آوردن شرایط آزادگی .
- ۸۷ آزادگی (متفرقه) .
- ۸۸ آزمندی .
- ۸۸ آزمندی .
- ۸۸ آزمند .
- ۸۸ آزمند خوار است .
- ۸۹ حریص محروم است .
- ۸۹ آزمند نیازمند است .
- ۸۹ آزمند بدبخت است .
- ۹۰ سیری ناپذیری آزمند .
- ۹۰ آزمندی روزی را زیاد نمی کند .
- ۹۰ تفسیر آزمندی .
- ۹۰ ریشه آزمندی .
- ۹۰ عوامل باز دارنده آزمندی .
- ۹۱ آزمندی انسان نسبت به هر آنچه که از او باز دارند .
- ۹۱ آن جا که آزمندی شایسته و نیکوست .
- ۹۱ پیشه .
- ۹۱ پیشه .
- ۹۱ تحریف .
- ۹۲ تحریف .
- ۹۲ حرام .

- اجتناب از محرّمات ۹۲
- دعوت عقل به دوری کردن از حرامها. ۹۳
- محرّمات (۱). ۹۳
- محرّمات (۲). ۹۳
- حرام خواری ۹۳
- ثواب کسی که توانایی ارتکاب حرام را داشته باشد و آن را انجام ندهد. ۹۴
- حزب ۹۴
- حزب خدا. ۹۴
- حزب شیطان ۹۵
- هر حزبی به آنچه دارد دلخوش است ۹۶
- دور اندیشی ۹۶
- عاقبت اندیشی ۹۶
- دور اندیشی و تصمیم گیری ۹۷
- تفسیر دور اندیشی ۹۷
- دور اندیش ۹۷
- دور اندیش ترین مردم ۹۸
- دور اندیشی (متفرقه) ۹۹
- اندوه ۹۹
- عوامل اندوه زا. ۹۹
- عوامل اندوه زدا (۱) ۱۰۰
- عوامل اندوه زدا (۲) ۱۰۱
- عوامل اندوه زدا (۳) ۱۰۱
- عوامل اندوه زدا (۴) ۱۰۲
- غم و شادی با هم هستند. ۱۰۲

- ۱۰۲ گره هر اندوهی گشوده می شود جز اندوه دوزخیان .
- ۱۰۲ علت شادی و اندوهی که به ظاهر دلیل ندارند.
- ۱۰۳ اندوه پسندیده .
- ۱۰۳ حسابرسی .
- ۱۰۴ حسابرسی .
- ۱۰۴ تشویق به محاسبه نفس .
- ۱۰۴ پیش از آن که به حساب شما رسیده شود خود به حساب خویش برسید.
- ۱۰۵ ضرورت محاسبه هر روز نفس .
- ۱۰۵ سختگیری در محاسبه نفس .
- ۱۰۵ چگونگی حسابرسی .
- ۱۰۶ ثمره محاسبه نفس .
- ۱۰۶ نخستین چیزی که انسان درباره آن مورد سؤال قرار می گیرد.
- ۱۰۶ آنچه مورد باز خواست قرار نمی گیرد (۱).
- ۱۰۷ آنچه مورد بازخواست قرار نمی گیرد (۲).
- ۱۰۷ آنچه مورد باز خواست قرار می گیرد (۱).
- ۱۰۷ آنچه مورد باز خواست قرار می گیرد (۲).
- ۱۰۷ آنچه حسابرسی روز رستاخیز را آسان می سازد.
- ۱۰۸ گروههای مردم در حسابرسی .
- ۱۰۸ حسابرسی سخت و شدید.
- ۱۰۹ کسانی که آسان حسابرسی می شوند.
- ۱۰۹ کسانی که بدون حسابرسی به بهشت می روند.
- ۱۱۰ کسانی که بدون حسابرسی به دوزخ می روند.
- ۱۱۱ سریعترین حسابرس .
- ۱۱۱ حسد.

- ۱۱۱ حسد.
- ۱۱۲ حسود.
- ۱۱۲ ناراحتی حسود از نعمتهای خدا.
- ۱۱۳ حسود.
- ۱۱۳ هر متنعمی محسود است .
- ۱۱۳ حسادت و ایمان .
- ۱۱۳ حسد و کفر.
- ۱۱۳ زیانهای جسمانی حسادت .
- ۱۱۴ حسادت و تقدیر.
- ۱۱۴ نشانه حسود.
- ۱۱۴ در موقع احساس حسد چه باید کرد؟
- ۱۱۴
- ۱۱۴ حسادت پسندیده .
- ۱۱۴ دریغ .
- ۱۱۴ دریغ .
- ۱۱۴ دریغ خورترین مردمان .
- ۱۱۵ نیکی .
- ۱۱۵ نیکی .
- ۱۱۵ تاثیر کار نیک پس از کار بد.
- ۱۱۵ چند برابر شدن نیکیها.
- ۱۱۶ بهترین کار نیک .
- ۱۱۶ خوشحال شدن از کار خوب .
- ۱۱۶ نیکی کردن .
- ۱۱۷ نیکوکاری و محبت .

- ۱۱۷ با احسان دلها به دست می آید.
- ۱۱۸ خوبی کردن به کسی که بدی کرده است .
- ۱۱۸ نیکوکار.
- ۱۱۸ خداوند با نیکوکاران است .
- ۱۱۸ تفسیر نیکوکاری .
- ۱۱۹ هر که نیکی کند به خود کرده است .
- ۱۱۹ نتایج نیکوکاری در دنیا.
- ۱۱۹ نتیجه نیکوکاری مشرکان .
- ۱۲۰ نمک شناسی .
- ۱۲۰ نیکی کردن (متفرقه).
- ۱۲۰ حافظه .
- ۱۲۰ حافظه .
- ۱۲۰ حفظ کردن در خردسالی .
- ۱۲۰ آنچه حافظه را زیاد می کند.
- ۱۲۰ کینه توزی .
- ۱۲۱ کینه توزی .
- ۱۲۱ کینه توز.
- ۱۲۲ کینه در دل مؤمن نمی پاید.
- ۱۲۲ آنچه کینه می آورد.
- ۱۲۲ آنچه کینه را می برد.
- ۱۲۲ تحقیر.
- ۱۲۲ نهی از حقیر دانستن مردم .
- ۱۲۲ بر حذر داشتن از تحقیر مؤمن .
- ۱۲۳ حق .

- ۱۲۳ حق .
- ۱۲۳ حق باطل را درهم می کوبد.
- ۱۲۳ حق و عزت .
- ۱۲۴ سنگینی حق .
- ۱۲۴ تحمل کردن حق .
- ۱۲۴ لزوم حق گویی هر چند به زبان خود.
- ۱۲۵ گفتن حق در حال خشنودی و خشم .
- ۱۲۵ حقگویی در برابر پیشوای ستمگر.
- ۱۲۵ گفتن سخن حق به منظور باطل .
- ۱۲۵ حق پذیری .
- ۱۲۶ دریا دلی برای پذیرفتن حق .
- ۱۲۶ رویگرداندن از حق .
- ۱۲۶ کسی که حق سودش ندهد باطل زبانش رساند.
- ۱۲۶ معیار شناخت حق .
- ۱۲۷ عمار با حق است .
- ۱۲۷ دمدمی مزاج .
- ۱۲۷ حق دو جانبه است .
- ۱۲۷ حق (متفرقه) .
- ۱۲۸ حقوق .
- ۱۲۸ حقوق خدای تعالی .
- ۱۲۸ حقوق مردم نسبت به یکدیگر.
- ۱۲۸ مقدم داشتن حقوق مردم .
- ۱۲۸ مهمترین حقوق .
- ۱۲۸ حقوق برادران .

- ۱۲۹ حقوق مؤمنان بر یکدیگر.
- ۱۳۰ کمترین حق مؤمن بر برادرش .
- ۱۳۰ لزوم حق شناسی متقابل .
- ۱۳۰ بر خود حق و حقوق واجب نکنید.
- ۱۳۰ احتکار.
- ۱۳۰ احتکار.
- ۱۳۱ محتکر.
- ۱۳۱ آن که چهل روز احتکار کند.
- ۱۳۱ حکمت .
- ۱۳۱ حکمت .
- ۱۳۲ حکیم .
- ۱۳۲ حکمت گمشده مؤمن است .
- ۱۳۲ کارهایی که برازنده حکیم نیست .
- ۱۳۳ تفسیر حکمت (۱).
- ۱۳۳ تفسیر حکمت (۲).
- ۱۳۴ تفسیر حکمت (۳).
- ۱۳۴ راس حکمت .
- ۱۳۴ آنچه حکمت می آورد.
- ۱۳۵ آنچه مانع کسب حکمت می شود (۱).
- ۱۳۵ آنچه مانع کسب حکمت می شود(۲).
- ۱۳۵ کسی که از حکمت بهره ای نمی برد.
- ۱۳۵ آثار حکمت .
- ۱۳۶ مراقبت از حکمت .
- ۱۳۶ حکمتهای تازه ودلنشین .

- ۱۳۶ سوگند خوردن .
- ۱۳۶ نهی از سوگند خوردن به خدای سبحان .
- ۱۳۶ پرهیز از سوگند دروغ .
- ۱۳۷ پیامدهای سوگند دروغ .
- ۱۳۷ کسانی که شکستن سوگندشان گناه و کفاره ندارد .
- ۱۳۷ نحوه سوگند دادن ستمگر .
- ۱۳۷ کسی که به دروغ بگوید : خدا می داند .
- ۱۳۸ حلال .
- ۱۳۸ حلال .
- ۱۳۸ دشواری به دست آوردن مال حلال .
- ۱۳۸ استفاده از مال مؤمن جز با رضایت او حلال نیست .
- ۱۳۹ بردباری .
- ۱۳۹ بردباری .
- ۱۴۰ تمرین بردباری .
- ۱۴۰ بردبار .
- ۱۴۰ آنچه بردباری می آورد .
- ۱۴۰ دستاوردهای بردباری .
- ۱۴۱ تفسیر بردباری .
- ۱۴۱ بردباری و دانش .
- ۱۴۲ بردباری در هنگام خشم .
- ۱۴۲ بردبارترین مردم .
- ۱۴۲ آفت بردباری .
- ۱۴۲ بردباری خداوند پاک .
- ۱۴۲ بردباری (متفرقه) .

- ۱۴۳ ستایش .
- ۱۴۳ ستایش از آن خداست .
- ۱۴۳ سپاس و ستایش کردن خدا در همه حال .
- ۱۴۳ حماقت .
- ۱۴۴ صفات احمق .
- ۱۴۴ همنشینی با احمق .
- ۱۴۵ درمان احمق .
- ۱۴۵ احمق ترین مردم .
- ۱۴۶ جواب احمق .
- ۱۴۶ حماقت (متفرقه) .
- ۱۴۶ حمام .
- ۱۴۶ حمام .
- ۱۴۶ نیاز .
- ۱۴۷ نیاز .
- ۱۴۷ بر آوردن نیازها .
- ۱۴۷ محبوبترین مردم نزد خداسودمندترین آنها برای مردم است .
- ۱۴۷ گام برداشتن برای رفع حاجت مؤمن .
- ۱۴۸ روا ساختن حاجت مؤمن .
- ۱۴۸ روا ساختن حاجت مؤمن برتر از حج است .
- ۱۴۸ کسی که از برآوردن نیاز برادر خودامتناع کند .
- ۱۴۹ کسی که خود را از دسترس مؤمن نیازمند دور نگه دارد .
- ۱۴۹ کسی که برادر مؤمن خود را بیوشاند .
- ۱۵۰ شتاب در برآوردن نیازها .
- ۱۵۰ آداب حاجت خواهی .

۱۵۰	حاجت خواهی از نوکیسه .
۱۵۰	نیازمند شدن به بدان .
۱۵۰	احتیاط .
۱۵۰	برای دین خود احتیاط کن .
۱۵۱	چاره .
۱۵۱	چاره .
۱۵۱	زندگی .
۱۵۱	زندگی .
۱۵۱	آب و زندگی .
۱۵۱	بهتر از زندگی .
۱۵۱	زندگی حقیقی .
۱۵۲	انواع زندگی .
۱۵۲	حیوانات .
۱۵۲	حقوق حیوانات .
۱۵۳	زدن حیوانات .
۱۵۳	ثواب مهربانی با حیوانات .
۱۵۳	کیفر آزار دادن حیوانات .
۱۵۳	کشتن به ناحق حیوانات .
۱۵۴	نهی از به جان هم انداختن حیوانات .
۱۵۴	شرم .
۱۵۴	شرم .
۱۵۴	شرم در راس مکارم اخلاق است .
۱۵۴	پیامدهای شرم .
۱۵۵	شرم و ایمان .

- ۱۵۵ شرم نکوهیده .
- ۱۵۵ حیای خردمندانه و حیای نابخردانه .
- ۱۵۶ نتیجه بی شرمی .
- ۱۵۶ آدم بی شرم از هیچ کاری ابا ندارد.
- ۱۵۶ شرم داشتن از خدا.
- ۱۵۶ شرم داشتن از دو فرشته همراه آدمی .
- ۱۵۶ شرم حقیقی .
- ۱۵۷ اوج شرم .
- ۱۵۷ شرم (متفرقه) .
- ۱۵۷ حرف خا .
- ۱۵۸ فرجام .
- ۱۵۸ فرجام .
- ۱۵۸ ملاک کار عاقبت آن است .
- ۱۵۹ موجبات نیک فرجامی .
- ۱۶۰ موجبات بد فرجامی .
- ۱۶۰ مواد مخدر .
- ۱۶۰ مصرف مواد مخدر .
- ۱۶۰ خدمت کردن .
- ۱۶۰ خدمت کردن .
- ۱۶۱ خوارج .
- ۱۶۱ قاسطین , ناکثین , مارقین .
- ۱۶۱ ناکثین .
- ۱۶۱ مارقین .
- ۱۶۳ خبر دادن پیامبر از دو حکم .

- ۱۶۳ احتجاج امام در موضوع حکمین .
- ۱۶۴ خبر دادن امام از سرنوشت خوارج .
- ۱۶۴ علت نامگذاری خوارج به حروریه .
- ۱۶۴ کشته شدن عبدالله بن خباب .
- ۱۶۵ نظر امام درباره قاتلان ابن خباب .
- ۱۶۵ پس از کشته شدن خوارج .
- ۱۶۶ نهی امام از کشتن خوارج بعد از ایشان .
- ۱۶۶ نهی از جنگیدن با خوارج در صورتی که با فرمانروای ستمگر مخالفت کنند .
- ۱۶۶ زیانکاری .
- ۱۶۶ آنان که خود را به زیان افکنده اند .
- ۱۶۷ زیانکاران .
- ۱۶۷ زیانکاری در دنیا و آخرت .
- ۱۶۸ زیانکارترینان .
- ۱۶۸ خشوع .
- ۱۶۸ خشوع .
- ۱۶۹ صفات خاشعان .
- ۱۶۹ خشوع زیور اولیاست .
- ۱۷۰ خاشع نمایی منافقانه .
- ۱۷۰ مشاجره .
- ۱۷۰ مشاجره .
- ۱۷۱ خطبه .
- ۱۷۱ خطبه .
- ۱۷۱ خط و خوشنویسی .
- ۱۷۱ خط و خوشنویسی .

- ۱۷۱ اخلاص .
- ۱۷۲ اخلاص .
- ۱۷۲ دشوار بودن اخلاص .
- ۱۷۳ کافی بودن کار اندک اما مخلصانه .
- ۱۷۳ مخلص .
- ۱۷۴ اخلاص موسی (ع) .
- ۱۷۴ نقش اخلاص در پذیرفته شدن اعمال .
- ۱۷۴ غیر مخلص .
- ۱۷۴ دین خالص .
- ۱۷۵ حقیقت اخلاص .
- ۱۷۵ آنچه اخلاص می آورد .
- ۱۷۶ موانع اخلاص .
- ۱۷۶ آثار و پیامدهای اخلاص .
- ۱۷۷ میان اخلاص و ریا .
- ۱۷۷ اختلاف .
- ۱۷۷ (جدید)
- ۱۷۷ اگر خدا می خواست شما را یکپارچه می کرد .
- ۱۷۸ امت اسلامی یکپارچه است .
- ۱۷۸ تشویق به دور افکندن اختلاف .
- ۱۷۸ پیامدهای اختلاف .
- ۱۷۹ اختلاف کیفی الهی است .
- ۱۸۰ معنای ((پراکندگی امت من رحمت است)).
- ۱۸۰ معنای ((پراکندگی اصحاب من رحمت است)).
- ۱۸۰ معنای جماعت و جدایی .

- ۱۸۱ علت تفرقه و جدایی .
- ۱۸۱ جانشینی .
- ۱۸۱ آفرینش .
- ۱۸۱ (جدید)
- ۱۸۲ نخستین آفریده خدای سبحان .
- ۱۸۲ آفرینش جهان .
- ۱۸۳ آفرینش آسمانها .
- ۱۸۴ هفت آسمان .
- ۱۸۴ آفرینش آسمانها و زمین در شش روز .
- ۱۸۴ آسمان نزدیک .
- ۱۸۵ ستون آسمان .
- ۱۸۵ عرش و کرسی .
- ۱۸۶ شکوه و عظمت آفرینش پنهان از دید ما .
- ۱۸۶ خصوصیت جهان برین .
- ۱۸۶ جهانها .
- ۱۸۶ آفرینش نیکو .
- ۱۸۷ آفریدگار .
- ۱۸۷ (جدید)
- ۱۸۷ ناتوانی خردها از انکار خدا .
- ۱۸۹ هر پدیده قائم به غیر معلول است .
- ۱۸۹ دلیل بر حدوث اجسام چیست ؟ .
- ۱۸۹ اثبات وجود خدا .
- ۱۹۰ اثبات وجود خدا .
- ۱۹۱ اثبات وجود خدا .

- ۱۹۲ اثبات وجود خدا.
- ۱۹۳ آفرینش انسان از خاک .
- ۱۹۴ صورتگری در زهد آنها.
- ۱۹۵ آفرینش روح .
- ۱۹۵ آفرینش جفتها.
- ۱۹۶ جفت بودن اشیا.
- ۱۹۶ روزی و خداشناسی .
- ۱۹۷ تعیین حد و اندازه اشیا.
- ۱۹۸ تعلیم انسان .
- ۱۹۸ تنوع زبانها و رنگها.
- ۱۹۸ پوشاک , سایه , خانه .
- ۱۹۸ خواب .
- ۱۹۹ گردش شب و روز.
- ۱۹۹ آفرینش زمین .
- ۲۰۰ آفرینش کوهها.
- ۲۰۰ آفرینش آبها.
- ۲۰۱ رام کردن دریاها.
- ۲۰۱ آفرینش گیاهان .
- ۲۰۲ فرستادن بادها.
- ۲۰۲ آفرینش خورشید و ماه .
- ۲۰۲ آفرینش آسمانها.
- ۲۰۳ اثبات وجود خدا.
- ۲۰۳ طبیعت و نسبت دادن آفرینش به آن .
- ۲۰۴ خداشناسی حیوانات .

۲۰۴ علت انکار خدا.

۲۰۵ پاورقی ها

۲۰۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

میزان الحکمة جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان قراردادی: میزان الحکمة . فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: میزان الحکمة (با ترجمه فارسی)/ محمدی ری شهری؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ مقابله و تصحیح علی حجیمی... [و دیگران]؛ ویراستار فارسی سعیدرضا علی عسکری، محمد باقری زاده اشعری، قاسم شیرجعفری؛ ویراستار عربی کمال کاتب... [و دیگران].

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۵.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۰-۷؛ دوره، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۰-۹؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱ ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۱-۲۰۰-۴؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۱-۶؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲ □ چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۲-۱-۲۰۰-۴؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۲-۳؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۳، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۳-۰-۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۴ ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۴-۵؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۴، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۴-۷؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۵، چاپ هفتم)؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۵، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۵-۴؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۶، چاپ هفتم)؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۶، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۶-۱-۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۷، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۷-۸؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۸، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۸-۵؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۹، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۵۹-۲-۴۹۳-۲۰۸-۳؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۰-۶؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۰-۸؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ دوازدهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۰-۸؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۰-۷؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ هشتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۱-۳؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۱-۵؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۲، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۲-۰؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۲، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۲-۲؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۱۳، چاپ هفتم)؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۳، چاپ هشتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۰-۷؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۳، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۳-۹؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۴، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۴-۴؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال (ج. ۱۴ □ چاپ هشتم)؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۴، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۴-۶

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ هفتم.

یادداشت: ج. ۱ - ۸، ۹ و ۱۰ - ۱۴ (چاپ نهم: ۱۳۸۷).

یادداشت: ج. ۲ □ ۴، ۵، ۶، ۸ □ ۱۰ - ۱۴ (چاپ هفتم: ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۸ و ۱۰ (چاپ دوازدهم: ۱۳۹۰).

یادداشت: ج. ۱۱، ۱۳ □ ۱۴ (چاپ هشتم: ۱۳۸۶).

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - ب. ج. ۲. ب - ح. ج. ۳. ح - خ. ج. ۴. د - ر. ج. ۵. ز - ش. ج. ۶. ش - ظ. ج. ۷. ع. ج. ۸. ع - غ. ج. ۱۱. م - ن. ج. ۱۲. ن - ه. ج. ۱۳. ه - ی. ج. ۱۴. فهرست‌ها

موضوع : احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ - مترجم

شناسه افزوده : علی‌عسکری، سعیدرضا، ۱۳۴۴ - ویراستار

شناسه افزوده : کاتب، کمال، ویراستار

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۱۱۶/۵/۳م ۹۰۴۱/۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۱۷۱۴

اشاره

حرف الحاء.

حج .

فلسفه حج .

فقرزدایی حج .

حج گناهان را پاک می کند.

آنچه حج بدان کامل و تمام می شود.

عاقبت ترک حج .

تعطیل کردن حج .

برتر از هفتاد حج .

حاجیان واقعی کم هستند.

آداب حج گزار.

آداب مراقبین .

آداب احرام بستن .

انواع حج .

ثواب کسی که در راه حج بمیرد.

حرمت حرم .

حضور امام غایب در موسم حج .

حجت .

- نسبت دادن معرفت به خدا.
- حجت رسا ویژه خداست .
- نیروی شهریار حجت .
- قاطع ترین و رساترین حجت .
- حجیت راویان حدیث .
- حجت (متفرقه) .
- حدیث .
- محدث .
- ثواب کسی که چهل حدیث حفظ کند.
- فهمیدن حدیث .
- نقل کردن و فهمیدن .
- فراوانی کسانی که در زمان حیات پیامبر بر او دروغ می بستند.
- برحذر داشتن از دروغ بستن به پیامبر (ص) .
- نهی از دروغ شمردن سخنی که دروغ بودن آن معلوم نیست .
- ارائه اصول با ما و بدست آوردن فروع با شما.
- درستی حدیث و سازگاری آن با قرآن .
- درستی حدیث و سازگاری آن با فطرت .
- درستی حدیث و سازگاری آن با حق .
- جایز بودن نقل به معنای حدیث .
- آنچه باید در نقل حدیث رعایت کرد.
- دشواری فهم و تحمل برخی احادیث .
- فراگیر بودن قرآن و سنت .
- علت پوشیده داشتن برخی دانشها و احکام .
- علل اختلاف احادیث .
- احادیث متشابه .
- حدود.
- هر چیزی حدی دارد.
- دور کردن حدود و مجازاتها.
- جاری کردن حدود.
- به کار نبستن حدود.
- شفاعت و وساطت کردن در حدود روا نیست .
- در حد، کفالت (ضمانت تن) پذیرفته نمی شود.
- در حد جای سوگند نیست .

- نهی از تاخیر در اجرای حدود.
- نهی از تجاوز کردن از حدود.
- نقش جاری کردن حدود در پاک کردن گناه.
- نهی از اهانت کردن به شخص حد خورده.
- در صورت اعتراف مجرم به گناه امام اجازه دارد او را ببخشد.
- مباح کردن خون.
- کسی که حدخورده بارسوم باید کشته شود.
- جاری کردن حد در سرزمین دشمن.
- تعزیر.
- آداب جاری کردن حد.
- جنگ.
- عوامل جنگ افروز.
- جنگ با حق ستیزان.
- جنگیدن با مسلمان.
- غافلگیر کردن دشمن.
- تشویق به جنگ در راه خدا.
- خداوند رزمندگان در راه خود رادوست دارد.
- نهی از جنگیدن با این گروهها.
- نکاتی که پیش از شروع جنگ باید رعایت کرد.
- دعا در هنگام رو به رو شدن با دشمن.
- پیشقراولان سپاه.
- آموزشهای نظامی.
- آداب جنگ.
- جنگ نیرنگ است.
- نهی از فرار از جنگ.
- چه وقت فرار از جنگ رواست؟
- به کارگیری انواع جنگ افزارها در جنگ.
- طولانی شدن جنگ.
- نیروی دریایی.
- شرکت زنان در جنگ.
- محارب.
- دار زدن.
- بریدن دست و پا از چپ و راست.

تبعید.

نگاهبانان .

نگهبانی کردن از پیامبر.

اجل نیکو نگهبانی است .

آزادی و آزادگی .

همه مردم آزادند.

آزاده همیشه آزاده است .

خوی آزاد مرد.

آنچه آزادگی می آورد.

به جا آوردن شرایط آزادگی .

آزادگی (متفرقه).

آزمندی .

آزمند.

آزمند خوار است .

حریص محروم است .

آزمند نیازمند است .

آزمند بدبخت است .

سیری ناپذیری آزمند.

آزمندی روزی را زیاد نمی کند.

تفسیر آزمندی .

ریشه آزمندی .

عوامل باز دارنده آزمندی .

آزمندی انسان نسبت به هر آنچه که از او باز دارند.

آن جا که آزمندی شایسته و نیکوست .

پیشه .

تحریف .

حرام .

اجتناب از محرمات .

دعوت عقل به دوری کردن از حرامها.

محرمات (۱).

محرمات (۲).

حرام خواری .

ثواب کسی که توانایی ارتکاب حرام را داشته باشد و آن را انجام ندهد.

حزب .

حزب خدا.

حزب شیطان .

هر حزبی به آنچه دارد دلخوش است .

دور اندیشی .

عاقبت اندیشی .

دور اندیشی و تصمیم گیری .

تفسیر دور اندیشی .

دور اندیش .

دور اندیش ترین مردم .

دور اندیشی (متفرقه) .

اندوه .

عوامل اندوه زا.

عوامل اندوه زدا (۱).

عوامل اندوه زدا (۲).

عوامل اندوه زدا (۳).

عوامل اندوه زدا (۴).

غم و شادی با هم هستند.

گره هر اندوهی گشوده می شود جز اندوه دوزخیان .

علت شادی و اندوهی که به ظاهر دلیل ندارند.

اندوه پسندیده .

حسابرسی .

تشویق به محاسبه نفس .

پیش از آن که به حساب شما رسیده شود خود به حساب خویش برسید.

ضرورت محاسبه هر روز نفس .

سختگیری در محاسبه نفس .

چگونگی حسابرسی .

ثمره محاسبه نفس .

نخستین چیزی که انسان درباره آن مورد سؤال قرار می گیرد.

آنچه مورد بازخواست قرار نمی گیرد (۱).

آنچه مورد بازخواست قرار نمی گیرد (۲).

آنچه مورد بازخواست قرار می گیرد (۱).

آنچه مورد بازخواست قرار می گیرد (۲).

آنچه حسابرسی روز رستاخیز را آسان می‌سازد.

گروههای مردم در حسابرسی .

حسابرسی سخت و شدید.

کسانی که آسان حسابرسی می‌شوند.

کسانی که بدون حسابرسی به بهشت می‌روند.

کسانی که بدون حسابرسی به دوزخ می‌روند.

سریعترین حسابرس .

حسد.

حسود.

ناراحتی حسود از نعمتهای خدا.

حسود.

هر متنعمی محسود است .

حسادت و ایمان .

حسد و کفر.

زیانهای جسمانی حسادت .

حسادت و تقدیر.

نشانه حسود.

در موقع احساس حسد چه باید کرد؟ .

حسادت پسندیده .

دریغ .

دریغ خورترین مردمان .

نیکی .

تاثیر کار نیک پس از کار بد.

چند برابر شدن نیکیها.

بهترین کار نیک .

خوشحال شدن از کار خوب .

نیکی کردن .

نیکوکاری و محبت .

با احسان دلها به دست می‌آید.

خوبی کردن به کسی که بدی کرده است .

نیکوکار.

خداوند با نیکوکاران است .

تفسیر نیکوکاری .

هر که نیکی کند به خود کرده است .
 نتایج نیکوکاری در دنیا .
 نتیجه نیکوکاری مشرکان .
 نمک شناسی .
 نیکی کردن (متفرقه) .
 حافظه .
 حفظ کردن در خردسالی .
 آنچه حافظه را زیاد می کند .
 کینه توزی .
 کینه توز .
 کینه در دل مؤمن نمی پاید .
 آنچه کینه می آورد .
 آنچه کینه را می برد .
 تحقیر .
 نهی از حقیر دانستن مردم .
 بر حذر داشتن از تحقیر مؤمن .
 حق .
 حق باطل را درهم می کوبد .
 حق و عزت .
 سنگینی حق .
 تحمل کردن حق .
 لزوم حق گویی هر چند به زیان خود .
 گفتن حق در حال خشنودی و خشم .
 حقگویی در برابر پیشوای ستمگر .
 گفتن سخن حق به منظور باطل .
 حق پذیری .
 دریا دلی برای پذیرفتن حق .
 رویگرداندن از حق .
 کسی که حق سودش ندهد باطل زیانش رساند .
 معیار شناخت حق .
 عمار با حق است .
 دمدمی مزاج .
 حق دو جانبه است .

- حق (متفرقه).
- حقوق.
- حقوق خدای تعالی.
- حقوق مردم نسبت به یکدیگر.
- مقدم داشتن حقوق مردم.
- مهمترین حقوق.
- حقوق برادران.
- حقوق مؤمنان بر یکدیگر.
- کمترین حق مؤمن بر برادرش.
- لزوم حق شناسی متقابل.
- بر خود حق و حقوق واجب نکنید.
- احتکار.
- محتکر.
- آن که چهل روز احتکار کند.
- حکمت.
- حکیم.
- حکمت گمشده مؤمن است.
- کارهایی که برازنده حکیم نیست.
- تفسیر حکمت (۱).
- تفسیر حکمت (۲).
- تفسیر حکمت (۳).
- راس حکمت.
- آنچه حکمت می آورد.
- آنچه مانع کسب حکمت می شود (۱).
- آنچه مانع کسب حکمت می شود (۲).
- کسی که از حکمت بهره ای نمی برد.
- آثار حکمت.
- مراقبت از حکمت.
- حکمت‌های تازه ودلنشین.
- سوگند خوردن.
- نهی از سوگند خوردن به خدای سبحان.
- پرهیز از سوگند دروغ.
- پیامدهای سوگند دروغ.

- کسانی که شکستن سوگندشان گناه و کفاره ندارد.
 نحوه سوگند دادن ستمگر.
 کسی که به دروغ بگوید: خدا می داند.
 حلال .
 دشواری به دست آوردن مال حلال .
 استفاده از مال مؤمن جز با رضایت او حلال نیست .
 بردباری .
 تمرین بردباری .
 بردبار .
 آنچه بردباری می آورد.
 دستاوردهای بردباری .
 تفسیر بردباری .
 بردباری و دانش .
 بردباری در هنگام خشم .
 بردبارترین مردم .
 آفت بردباری .
 بردباری خداوند پاک .
 بردباری (متفرقه) .
 ستایش .
 ستایش از آن خداست .
 سپاس و ستایش کردن خدا در همه حال .
 حماقت .
 صفات احمق .
 همنشینی با احمق .
 درمان احمق .
 احمق ترین مردم .
 جواب احمق .
 حماقت (متفرقه) .
 حمام .
 نیاز .
 بر آوردن نیازها.
 محبوبترین مردم نزد خدا سودمندترین آنها برای مردم است .
 گام برداشتن برای رفع حاجت مؤمن .

- روا ساختن حاجت مؤمن .
- روا ساختن حاجت مؤمن برتر از حج است .
- کسی که از برآوردن نیاز برادر خود امتناع کند.
- کسی که خود را از دسترس مؤمن نیازمند دور نگه دارد.
- کسی که برادر مؤمن خود را بپوشاند.
- شتاب در برآوردن نیازها.
- آداب حاجت خواهی .
- حاجت خواهی از نوکیسه .
- نیازمند شدن به بدان .
- احتیاط.
- برای دین خود احتیاط کن .
- چاره .
- زندگی .
- آب و زندگی .
- بہتر از زندگی .
- زندگی حقیقی .
- انواع زندگی .
- حیوانات .
- حقوق حیوانات .
- زدن حیوانات .
- ثواب مهربانی با حیوانات .
- کیفر آزار دادن حیوانات .
- کشتن به ناحق حیوانات .
- نهی از به جان هم انداختن حیوانات .
- شرم .
- شرم در راس مکارم اخلاق است .
- پیامدهای شرم .
- شرم و ایمان .
- شرم نکوهیده .
- حیای خردمندانه و حیای نابخردانه .
- نتیجه بی شرمی .
- آدم بی شرم از هیچ کاری ابا ندارد.
- شرم داشتن از خدا.

- شرم داشتن از دو فرشته همراه آدمی .
- شرم حقیقی .
- اوج شرم .
- شرم (متفرقه) .
- فرجام .
- ملاک کار عاقبت آن است .
- موجبات نیک فرجامی .
- موجبات بد فرجامی .
- مواد مخدر .
- مصرف مواد مخدر .
- خدمت کردن .
- خوارج .
- قاسطین ، ناکثین ، مارقین .
- ناکثین .
- مارقین .
- خبر دادن پیامبر از دو حکم .
- احتجاج امام در موضوع حکمین .
- خبر دادن امام از سرنوشت خوارج .
- علت نامگذاری خوارج به حروریه .
- کشته شدن عبدالله بن خباب .
- نظر امام درباره قاتلان ابن خباب .
- پس از کشته شدن خوارج .
- نهی امام از کشتن خوارج بعد از ایشان .
- نهی از جنگیدن با خوارج در صورتی که با فرمانروای ستمگر مخالفت کنند .
- زیانکاری .
- آنان که خود را به زیان افکنده اند .
- زیانکاران .
- زیانکاری در دنیا و آخرت .
- زیانکارترینان .
- خشوع .
- صفات خاشعان .
- خشوع زیور اولیاست .
- خاشع نمایی منافقانه .

- مشاجرہ .
- خطبہ .
- خط و خوشنویسی .
- اخلاص .
- دشوار بودن اخلاص .
- کافی بودن کار اندک اما مخلصانه .
- مخلص .
- اخلاص موسی (ع) .
- نقش اخلاص در پذیرفته شدن اعمال .
- غیر مخلص .
- دین خالص .
- حقیقت اخلاص .
- آنچه اخلاص می آورد .
- موانع اخلاص .
- آثار و پیامدهای اخلاص .
- میان اخلاص و ریا .
- اختلاف .
- مردم امتی واحد بودند .
- اگر خدا می خواست شما را یکپارچه می کرد .
- امت اسلامی یکپارچه است .
- تشویق به دور افکندن اختلاف .
- پیامدهای اختلاف .
- اختلاف کیفری الهی است .
- معنای ((پراکندگی امت من رحمت است)) .
- معنای ((پراکندگی اصحاب من رحمت است)) .
- معنای جماعت و جدایی .
- علت تفرقه و جدایی .
- جانشینی .
- جانشین خدا .
- آفرینش .
- منشا آفرینش .
- نخستین آفریده خدای سبحان .
- آفرینش جهان .

آفرینش آسمانها.
 هفت آسمان .
 آفرینش آسمانها و زمین در شش روز.
 آسمان نزدیک .
 ستون آسمان .
 عرش و کرسی .
 شکوه و عظمت آفرینش پنهان از دید ما.
 خصوصیت جهان برین .
 جهانها.
 آفرینش نیکو.
 آفریدگار.
 دعوت عقل به دفع ضرر احتمالی .
 ناتوانی خردها از انکار خدا.
 هر پدیده قائم به غیر معلول است .
 دلیل بر حدوث اجسام چیست ؟ .
 اثبات وجود خدا.
 اثبات وجود خدا.
 اثبات وجود خدا.
 اثبات وجود خدا.
 آفرینش انسان از خاک .
 صورتگری در زهد آنها.
 آفرینش روح .
 آفرینش جفتها.
 جفت بودن اشیا.
 روزی و خداشناسی .
 تعیین حد و اندازه اشیا.
 تعلیم انسان .
 تنوع زبانها و رنگها.
 پوشاک , سایه , خانه .
 خواب .
 گردش شب و روز.
 آفرینش زمین .
 آفرینش کوهها.

- آفرینش آبها.
- رام کردن دریاها.
- آفرینش گیاهان .
- فرستادن بادها.
- آفرینش خورشید و ماه .
- آفرینش آسمانها.
- اثبات وجود خدا.
- طبیعت و نسبت دادن آفرینش به آن .
- خدایشناسی حیوانات .
- علت انکار خدا.

حرف الحاء.

- الحج: ((حج)) ۹۹۹.
- الحجّة: ((حجت)) ۱۰۱۹.
- الحديث: ((حدیث)) ۱۰۲۷.
- الحدود: ((حدود)) ۱۰۴۳.
- الحرب: ((جنگ)) ۱۰۶۱.
- المحارب: ((محارب)) ۱۰۷۹.
- الحرس: ((نگهبانان)) ۱۰۸۹.
- الحرية: ((آزادی و آزادیگی)) ۱۰۹۵.
- الحرص: ((آزمندی)) ۱۱۰۳.
- الحرفة: ((پیشه)) ۱۱۱۳.
- التحريف: ((تحریف)) ۱۱۱۷.
- الحرام: ((حرام)) ۱۱۲۱.
- الحزب: ((حزب)) ۱۱۲۹.
- الحزم: ((دوران‌دیشی)) ۱۱۳۵.
- الحزن: ((اندوه)) ۱۱۴۵.
- الحساب: ((حسابرسی)) ۱۱۶۱.
- الحسد: ((حسد)) ۱۱۸۱.
- الحسرة: ((دریغ)) ۱۱۹۱.
- الحسنه: ((نیکی)) ۱۱۹۵.
- الاحسان: ((نیکی کردن)) ۱۲۰۱.
- الحفظ: ((حافظه)) ۱۲۱۳.

- الحقد: ((کینه توزی)) ۱۲۱۷.
- التحقیر: ((تحقیر)) ۱۲۲۳.
- الحق: ((حق)) ۱۲۲۷.
- الحقوق: ((حقوق)) ۱۲۴۳.
- الاحتکار: ((احتکار)) ۱۲۵۱.
- الحکمه: ((حکمت)) ۱۲۵۷.
- الحلف: ((سوگند خوردن)) ۱۲۷۱.
- الحلال: ((حلال)) ۱۲۷۹.
- الحلم: ((بردباری)) ۱۲۸۵.
- الحمد: ((ستایش)) ۱۲۹۷.
- الحمق: ((حماقت)) ۱۳۰۱.
- الحمام: ((حمام)) ۱۳۱۱.
- الحاجه: ((نیاز)) ۱۳۱۵.
- الاحتیاط: ((احتیاط)) ۱۳۲۹.
- الحیله: ((چاره)) ۱۳۳۳.
- الحیاء: ((زندگی)) ۱۳۳۷.
- الحیوان: ((حیوانات)) ۱۳۴۳.
- الحیا: ((شرم)) ۱۳۵۱.

حج .

حج .

قرآن .

- ((خداوند زیارت این خانه را بر کسانی که توانایی رفتن به آن را دارند واجب کرده است)).
- ((و مردم را به حج فراخوان تا پیاده یا سوار بر اشتران تکیده از راههای دور نزد تو بیایند)).
- امام علی (ع) در وصیت خود به هنگام وفات فرمود: خدا را! خدا را! در حق خانه پروردگارتان ، تا زنده اید آن را وا مگذارید که اگر رها شود، (از عذاب الهی) مهلت داده نخواهد شد ((۱)).
- حج جهاد هر ناتوانی است .
- (ثواب) یک درهم هزینه کردن در حج با هزار درهم برابری می کند.
- زائر حج و عمره میهمان خداست و خداوند به او آموزش هدیه می کند.
- امام صادق (ع) : هرگاه کسی بخواهد حج رود و خود را برای این کار آماده سازد اما موفق به زیارت حج نشود (بداند که) به سبب گناهی از این ثواب محروم شده است .
- امام باقر یا امام صادق (ع) : ابراهیم مردم را به حج فرا خوانده گفت : ای مردم ! من ابراهیم خلیل الله هستم خداوند شما را

فرمان داده که این خانه را زیارت کنید، پس به زیارت آن بروید تمام کسانی که تا روز قیامت حج می روند این ندای ابراهیم را پاسخ داده اند و نخستین کسی که دعوت او را لیک گفت از مردم یمن بود.

فلسفه حج .

- فضل بن یونس : ابن ابی العوجا خدمت امام صادق (ع) آمد و با جمعی از هم مسلکانش نزد آن حضرت نشست و آن گاه گفت : ای ابا عبدالله ! مجلسها در حکم امانتند و هر که سرفه ای دارد باید سرفه کند آیا اجازه می دهی سخن بگویم ؟ امام صادق (ع) فرمود: هر چه می خواهی بگو.

ابن ابی العوجا گفت : تا کی این خرمن را می کوبید و به این سنگ پناه می برید و این خانه برافراشته با خشت و کلوخ را می پرستید و چون شتر رمیده بر گرد آن می دوید؟

هر که در این کار بیندیشد و ارزیابی کند پی می برد که این کار را یک آدم غیر حکیم و خام اندیش پایه گذاری کرده است تو که سردمدار و قله نشین این امری و پدیرت بنیاد و نظام آن بود، جوابم رابده .

امام صادق (ع) فرمود : هر که خدا گمراهش کند و دیده دلش را کور سازد حق را ناگوار یابد و طعم شیرین آن را نچشد و شیطان دوستش گردد و او را به آبخورهای هلاکت برد و دیگر بازش نگرداند.

این خانه ای است که خداوند خلق خود را به وسیله آن به پرستش واداشته تا با حضور در آن فرمانبری آنان را بیازماید از این رو آنها را به بزرگداشت و زیارت آن تشویق فرموده و آن را جایگاه پیامبران و قبله نماز گزارانش کرده است این خانه شاخه ای از رضوان و خشنودی خداست و راهی است که به آموزش او می انجامد و بر بنیاد کمال استوار و مرکز عظمت است .

- امام رضا (ع) : علت حج ، وارد شدن بر خدای تعالی است و طلب کردن ثواب بسیار و بیرون آمدن از همه گناهان گذشته و شروع کردن زندگی آینده از نو همچنین است خرج کردن اموال و به رنج افکندن بدن و باز داشتن آن از خواهشها و لذتها (نیز) به منفعت رسیدن کسانی که در شرق و غرب عالمند، در دریا و خشکی اند، چه آنان که حج می کنند و چه آنان که حج نمی کنند از تاجر و وارد کننده کالا و فروشنده و خریدار و پیشه ور و مستمند و نیز برآورده شدن نیازهای حومه نشینان و جاهایی که محل اجتماع مردم است تا سودهایی را که از آن آنهاست بینند.

- امام صادق (ع) : هیچ جایی نزد خدای تعالی محبوبتر از مسعی نیست ، زیرا که هر گردنکش و متکبری در آن جا خوار و ذلیل می شود.

- امام علی (ع) : آیا نمی بینید که خدای سبحان مردمان را از زمان آدم --- صلوات الله علیه --- تا پایان جهان با سنگهایی که نه سودی می رسانند نه زیانی و نه می بینند و نه می شنوند آزمایش کرد و آن سنگها را خانه با حرمت خود ساخت و آن را جایگاه گرد آمدن مردم قرارداد سپس آن را در سنگلاخترین مکانها و بی گیاهترین نقاط زمین و تنگترین دره ها جای داد، در میان کوههای خشن و ریگهای داغ و چشمه های کم آب و آبادیهای دور از هم که نه شتری آن جافربه می شود، نه اسبی ، نه گاو و نه گوسفندی سپس خداوند آدم و فرزندان او را فرمود تا به سوی آن روی آورند پس ، بیت الحرام سر منزل مقصود و باراندازشان گردید مردمان با تمام وجود از میان فلاتها و دشتهای دور دست و از درون وادیها و دره های پر شیب و از جزیره های از هم پراکنده دریاها به آن جا روی می آورند تا به هنگام سعی از سرخواری و خاکساری شانۀ های خود را تکان دهند و لا اله الا الله گویان بر گرد آن بچرخند و با موهای آشفته و پیکرهای گرد گرفته هروله کنان بشتابند جامه های شخصی خود را به کناری انداخته با اصلاح نکردن موها قیافه زیبای خود را تغییر دهند این آزمونی بزرگ و امتحانی سخت و آزمایش آشکار و

خالصگردانی و پاکسازی مؤثری است که خداوند بزرگ آن را سبب رحمت خود و رسیدن به بهشتش قرار داده است .

اگر خدای سبحان می خواست خانه با حرمت خود و مشعرهای ارجمند خویش را در میان باغها و جویبارها و سرزمینهای هموار و پر درخت و پر میوه که خانه هایش به هم پیوسته و روستاهایش نزدیک به هم است ، در میان گندمزارها و باغهای خرم و زمینهای پر گیاه و دشتهای پر آب و در وسط باغستانهای خرم و بهجت زا و جاده های آباد قرار می داد هر آینه به همان نسبت که آزمایش و امتحان ساده تر بود پاداش و جزا کم بود.

اگر شالوده کعبه و سنگهایی که در ساخت آن به کار رفته از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنائی بود از رخنه شک و تردید در سینه ها(ی ظاهر بینان) کم می کرد کوشش شیطان را از دلها بر کنار می زد و تلاطم تردید و وسوسه را از مردم دور می ساخت اما خداوند بندگانش را با انواع سختیها می آزماید و آنان را با مجاهدتهای گونه گونه به بندگی می گیرد و به گرفتاریهای مختلف آزمایششان می کند، تا بدین وسیله کبر و خودپسندی را از دلهایشان بیرون کند و فروتنی و خاکساری را در جانهایشان بنشانند، درهای فضل و رحمتش را به روی آنان بگشاید و اسباب عفو خویش را بسانی در اختیارشان نهد.

- امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال هشام بن حکم از علت حج و طواف کعبه فرمود: خداوند متعال مردمان را بیافرید و آنها را به پیروی از دین و آنچه مصلحت دنیاشان در آن است فرمان داد و نهی نمود و حج را مایه فراهم آمدن مردم از شرق و غرب عالم و آشنا شدن آنها با هم (و آگاه شدنشان از حال و روز یکدیگر) قرار داد و تا بازرگانانی که از شهری به شهری کالا می برند سود برند و کرایه دهندگان و شترداران به فایده ای رسند و تا آثار پیامبر خدا(ص) شناخته شود و خبرهای آن حضرت نقل و بازگو شود و از یادها نرود.

اگر هر قومی و مردمی ((فقط)) به شهر و سرزمین خود بسنده می کردند، نابود می شدند و شهرها ویران می گشت و در آمدها و سودها افت می کرد و خبرها پوشیده می ماند و کسی از آنها آگاه نمی شد این است علت حج .

- امام علی (ع) : خداوند زیارت بیت الحرام خود را که قبله مردمانش کرد، بر شما واجب گردانید آنان همانند چارپایان (که بر آب وارد شوند) به آن جا وارد می شوند و همچون کبوتران (که به آشیانه خود بازمی گردند) مشتاقانه به آن جا روی می آورند خداوند آن خانه را نشانه ای برای فروتنی مردمان در برابر عظمت خویش و اعترافشان به قدرت و عزت خویش قرار داد.

- امام صادق (ع) : این خانه را پیوسته زیارت کنید که زیارتهای پیوسته شما از آن ، ناخوشیهای دنیا و سختیها و هراسهای روز رستاخیز را از شما دور می کند.

- امام باقر (ع) : حج آرامش بخش دلهاست .

- امام سجاد (ع) : حج و عمره به جای آورید تا بدنهایتان سالم بماند و روزیها (و در آمدهایتان) زیاد شود و ایمانتان استوار گردد و هزینه مردم و خانه خود را تامین کنید.

- امام رضا (ع) : اگر بپرسد: چرا فرمان حج داده شده است ؟

در پاسخ گفته شود علتش وارد شدن بر خداوند عزوجل و طلب فزونی از اوست به علاوه آگاه شدن از مسائل دینی و رساندن اخبار امامان (ع) به هر سو و ناحیه ای چنان که خدای تعالی فرموده است : چرا از هر گروهی دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین فقیه و آگاه شوند و تا آن که منافع خود را بیابند.

فقرزدایی حج .

- امام صادق (ع) : هر کس دوبار حج به جا آورد تا زنده است در خیر و خوبی به سر خواهد برد.

- هر کس سه بار حج به جا آورد، هرگز به فقر گرفتار نیاید.

- پیامبر خدا (ص) : حج فقر و تهیدستی را از بین می برد.

- امام صادق (ع) : ندیده ام که چیزی همانند مداومت بر زیارت این خانه چنان سریع توانگری آورد و فقر را بزدايد.

- پیامبر خدا (ص) : حج کنید تا بی نیاز شوید.

- امام صادق (ع) در پاسخ به اسحاق بن عمار که عرض کرد: من خودم را آماده کرده ام که هر ساله به حج بروم یا مردی از افراد

خانواده ام را با هزینه خودم به حج بفرستم , فرمود: آیا بر این کار مصمم هستی ؟

عرض کردم : آری فرمود: اگر چنین کنی یقین داشته باش که ثروتت زیادخواهد شد و تو را نوید توانگری می دهم .

حج گناهان را پاک می کند.

- امام سجاد (ع) : حق حج (بر تو) این است که بدانی بدان وسیله بر پروردگارت وارد می شوی و از گناهانت به سوی آن می

گریزی و به وسیله آن توبه ات پذیرفته می شود و فریضه و تکلیفی را که خدا بر تو واجب کرده است ادامی کنی .

- امام علی (ع) : به جا آوردن حج و عمره ناداری را از بین می برند, گناهان را پاک می کنند و موجب رفتن به بهشت می

شوند.

آنچه حج بدان کامل و تمام می شود.

قرآن .

((حج و عمره را برای خدا کامل گردانید)).

- امام باقر (ع) : تمامیت حج به ملاقات کردن با امام است .

- امام صادق (ع) --- درباره آیه ((لیقضوا تفثهم)) --- : منظور ملاقات امام است .

- امام علی (ع) : هرگاه به زیارت خانه خدا رفتید با (زیارت) پیامبر خدا (ص) حج خود را کامل کنید که ترک زیارت

رسول خدا جفای به اوست , شما به این کار فرمان دارید و حج خود را با زیارت قبوری که خداوند حق و زیارت آنها را بر شما

لازم کرده است کامل گردانید و از (برکت و جود) این قبرها روزی بطلید.

- امام صادق (ع) : هرگاه یکی از شما حج گزارد, باید حج خود را به دیدار از ما پایان دهد, زیرا زیارت ما جزئی از حج است

.

- امام باقر (ع) : مردم فرمان دارند که بیایند و بر گرد این سنگها بگردند و پس از آن نزد مایایند و نسبت به ما اظهار ولایت و

دوستی کنند و هواداری شان را از ما اعلام نمایند.

عاقبت ترک حج .

قرآن .

((زیارت کعبه برای کسانی که توانایی رفتن به آن راداشته باشند حق خداست بر مردم و هر کس کفر ورزد همانا خداوند از

جهانیان بی نیاز است)).

- پیامبر خدا (ص) : ای علی ! ده کس از این امت به خدای بزرگ کفر ورزیده است : و کسی که توانایی حج داشته باشد اما تا

زنده هست حج نگزارد.

- هر کس در رفتن حج چندان تعلل ورزد تا مرگش فرا رسد, خداوند او را در روز رستاخیز یهودی یا نصرانی برانگیزد.

- امام علی (ع): هر کس حج را به سبب مشکل و نیازی دنیوی ترک کند، تا زمانی که حاجیان را نبیند (حاجیان از حج برگردند یا خودش به حج رود) نیاز و مشکلش برطرف نشود.
- امام صادق (ع): هر کس بمیرد و حج نگزارده باشد، اگر نه به سبب فقر شدید، یا بیماری بازدارنده از حج و یا ممانعت قدرتمندی از حج خودداری کرده باشد، باید که یهودی بمیرد اگر خواهد و یا نصرانی.
- درباره آیه ((هر کس در این سرای کور باشد در آخرت نیز کور است و گمراهتر)) فرمود: او کسی است که حج، یعنی حج واجب، را به تاخیر اندازد و بگوید: امسال حج می روم، سال دیگر حج می روم، تا آن که سرانجام مرگش فرا رسد.

تعطیل کردن حج .

- قرآن .
- ((خداوند کعبه، بیت الحرام، را قوام کار مردم گردانید)).
- عبدالرحمن به امام صادق (ع) عرض کرد: عده ای از این قصه گویان می گویند: اگر کسی یک حج به جا آورد و سپس (به جای رفتن مکرر به حج) صدقه بدهد و صله رحم به جا آورد کاربهتری انجام داده است حضرت فرمود: دروغ می گویند اگر مردم این کار را بکنند این خانه به تعطیلی کشانده می شود حالی که خداوند این خانه را قوام کار مردم گردانیده است .
- امام صادق (ع): اگر مردم حج را به تعطیلی کشانند بر امام لازم است که آنها را، چه بخواهند و چه نخواهند، به رفتن حج مجبور کند، زیرا این خانه برای همین حج و زیارت بر پا شده است .

برتر از هفتاد حج .

- امام باقر (ع): اگر خانواده مسلمانی را سرپرستی کنم و گرسنگی آنها را برطرف نمایم و بدن برهنه شان را بپوشانم و آبرویشان را در میان مردم حفظ کنم خوشتر دارم از این که آن قدر حج بگذارم تا شمار حجهایم به هفتاد رسد.

حاجیان واقعی کم هستند.

- عبدالرحمن بن کثیر: با امام صادق (ع) به حج رفتن هنگام عبور از راهی آن حضرت بر فراز کوهی رفت و از آن بالا- به مردم نگریست و فرمود: چه بسیار است هیاهو و چه اندکند حاجیان !.
- ابوبصیر: با امام صادق (ع) در حج بودم در هنگام طواف به ایشان عرض کردم: فدایت شوم ای زاده رسول خدا! آیا خداوند این مردمان را می آمرزد؟
- فرمود: ای ابابصیر! بیشتر آنهايي که می بینی بوزینه و خوکنند عرض کردم: آنها را به من نشان بده ابو بصیر می گوید: امام سخنانی با خود گفت و آن گاه دستش را برچشم کشید در این هنگام آنان (حاجیان) را چونان بوزینگان و خوکان دیدم! وحشت کردم امام دوباره دستش را به چشم کشید و من آنها را مثل اول دیدم .

آداب حج گزار.

- قرآن .
- ((حج در ماههای معینی است هر که در آن ماهها این فریضه را ادا کند [بداند که] در اثنای آن همبستری و گناه و جدال [روا] نیست)).

- امام باقر (ع): کسی که این خانه را زیارت کند، اگر سه خصلت در او نباشد، ارزش ندارد: ورعی که او را از معاصی خدای تعالی باز دارد، حلمی که با آن خشمش را مهار کند و خوش رفتاری با کسی که با وی همنشینی و مصاحبت دارد.

- امام صادق (ع): چون احرام بستنی تقوای خدا را در پیش گیر و یاد خدا بسیار گو و جز به خیرسخننگی مگو، زیرا همچنان که خدای تعالی فرموده از تمامیت حج و عمره این است که آدمی زبانش را از جز سخن خیر نگه دارد خداوند عز و جل فرموده است: ((پس هر که در آن ماهها این فریضه را ادا کند [باید بداند که] همبستری و)).

آداب مراقبین .

- مصباح الشریعة: امام صادق (ع) فرمود: چون خواستی حج کنی، پیش از آن که عزم رفتن کنی، دلت را از هر دلبستگی و مشغله‌ای و از هر حجابی برای خدا خالی کن، همه کارهایت را به آفریدگارت واگذار و در تمام حرکات و سکانات به او توکل کن و سر سپرده قضا و قدر و حکم او شو و با دنیا و آسایش و مردمان بدرود گوی و حقوقی را که از مردم به گردن داری بپرداز و بر توشه راه و مرکب و همسفران و نیرو و جوانی و مال و دارایی خود تکیه مکن که بیم آن می رود این همه دشمن و مایه وبال تو گردند، زیرا آن که مدعی خشنودی خدا باشد و با این حال به چیزی دیگر پشتگرم شود خداوند همان چیز را دشمن و مایه وبال و زحمت او گرداند، تا به او بفهماند که اگر خدا نگهدار نباشد و توفیق ندهد نه او و نه هیچ کس دیگر را توان و چاره‌ای نیست.

چنان آماده شو که گویی امید برگشت نداری، همسفر و همنشینی خوش و نیکو باش، اوقات فرایض خداوند و سنتهای پیامبرش (ص) و چیزهای دیگری را که رعایت آنها بر تو لازم است مانند ادب، بردباری، شکیبایی، سپاسگزاری، مهربانی، بخشش و ایثار ره توشه خود به همسفران را در تمام اوقات پاس بدار.

آن گاه با آب توبه‌ای که گناهان را پاک می کند خود را شستشوده و جامه صدق و صفا و خضوع و خشوع بر تن کن. خویشتن را از هر آنچه تو را از یاد خدا و طاعت او باز می دارد محرم ساز آن گاه که خدای عزوجل را می خوانی او را لبیک گوی، لبیکی خالص و پاکیزه و ناب و به دستگیره استوار او (عروة الوثقی) چنگ زن.

همان گونه که با مسلمانان بر گرد خانه خدا طواف می کنی، دلت را همراه فرشتگان بر گرد عرش به طواف آر. در هنگام هروله کردن از هوای نفس خویش بگریز و از همه نیرو و توانت دست بشوی.

آن گاه که به سوی منی خارج می شوی، از بی خبری و لغزشهای خود نیز به درآی و آنچه را بر تو روا نیست و سزاوارش نیستی تمنا مکن.

در عرفات به خطاها و گناهان خود اعتراف کن و با خداوند بر وحدانیت و یگانگی او تجدید پیمان کن. در مزدلفه با اطمینان به خدا نزدیک شو.

آن گاه که بر کوه (مشعر) بالا می روی روح را نیز به سوی ملا اعلی بفرست.

آن گاه که قربانی می کنی گلوی هوی و طمع را نیز ببر.

در هنگام رمی جمرات نیز به خواهشها و پستی و دنائت و کردارهای زشت و نکوهیده سنگ بینداز.

در هنگام تراشیدن سر، عیبهای آشکار و پنهان را نیز بستر.

آن گاه که به حرم قدم می گذاری خود را، از این که دنبال خواهش روی، در امان و پناه و کنف حمایت خداوند در آر.

با یقین به عظمت صاحب خانه و شناخت شکوه و شوکت و قدرت او خانه را زیارت کن.

از سر خشنودی به قسمت خداوند و خضوع در برابر عزت و قدرت او حجر الاسود را استلام کن.

با طواف وداع با هر چه جز اوست بدرود گوی.

آن گاه که بر صفا می ایستی، جان و درون خود را برای آن روزی که به دیدار خدا می روی پاک گردان.

در مروه مروت داشته باش و با فانی کردن اوصاف تقوای خدا در پیش گیر.

بر شرایطی که در این حج خود نهاده ای و پیمانی که با خدایت بسته ای و تا روز رستاخیز آن را برگردن گرفته ای استوار و پا برجا باش.

آداب احرام بستن.

- مالک بن انس: سالی با امام صادق (ع) به حج رفته وقتی مرکبش در محل احرام ایستاد هر چه سعی می کرد تلبیه بگوید صدایش در گلو بریده می شد و نزدیک بود از مرکبش به زیر افتد عرض کردم: ای پسر رسول خدا! لیبیک بگو باید بگویی فرمود: ای پسر ابی عامر! چگونه جرات کنم بگویم: لیبیک اللهم لیبیک می ترسم خدای عز و جل در جوابم بگوید: لا لیبیک و لا سعدیك !!

- امام صادق (ع): اگر انسان مال حرامی به دست آورد و با آن به زیارت خانه خدا رود و تلبیه بگوید، (در جوابش) ندا آید که: لا لیبیک و لا سعدیك و اگر از راه حلال به دست آورده باشد ندا آید که: لیبیک و سعدیك.

- پیامبر خدا (ص): هر کس با مال حرام حج کند و بگوید: لیبیک اللهم لیبیک، خداوند به او فرماید: لا لیبیک و لا سعدیك، حجت از آن خودت باد!

- امام رضا (ع): از آن رو مردم به احرام بستن فرمان داده شده اند که پیش از وارد شدن به حرم خدا و حوزه امنیت او دلهایشان خاشع گردد و به هیچ چیز از امور دنیا و زیورها و لذت‌های آن دل نبندند و در آن حال و وضعی که دارند جدی و کوشا باشند و آهنگ او کنند و با تمام وجود رو به سوی او آورند.

انواع حج.

- امام صادق (ع): حج بر دو گونه است: حج برای خدا و حج برای مردم کسی که برای خدا حج گزارد خداوند بهشت را به او پاداش دهد و هر که برای مردم حج رود پاداش و ثوابش در روز قیامت به عهده همان مردم است.

- در باره نشانه های ظهور مهدی (عج) فرمود: و حج رفتن و جهاد کردن برای غیر خدا رادیدی در آن زمان به هوش باش و از خدا نجات (و فرج) را بطلب.

- هر کس برای خدا حج گزارد و قصدش ریاکاری و شهرت طلبی نباشد، به یقین خداوند او رابیمرزد.

ثواب کسی که در راه حج بمیرد.

- امام صادق (ع): هر کس در راه رفتن به مکه یا برگشتن از آن بمیرد، روز قیامت از آن ترس و هراس بزرگ در امان باشد.

- هر کس در حال احرام بمیرد، خداوند او را لیبیک گویند برانگیزد.

- هر کس در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد خداوند او را در زمره کسانی برانگیزد که از عذاب خدا در امانند و هر کس در فاصله میان دو حرم بمیرد، نامه اعمال او گشوده نخواهد شد.

حرمت حرم.

قرآن.

((و هر کس به آن درآید در امان است)).

- امام صادق (ع) در باره آیه ((و هر کس به آن درآید در امان است)) فرمود: هر انسانی که وارد حرم شود و به آن پناه برد از خشم خدا در امان است و هر حیوان و پرنده ای وارد آن شود نباید آن را رم داد یا آزارش رساند تا آن گاه که از حرم خارج شود.
- همچنین در تفسیر این آیه فرمود: اگر سارقی در جای دیگری غیر از مکه دزدی کند یا نسبت به خود مرتکب جنایتی شود و به مکه بگریزد تا زمانی که در حرم هست نباید دستگیر شود، اما از رفتنش به بازار باید جلوگیری شود و کسی با او خرید و فروش و مجالست نکند تا از حرم خارج گردد آن گاه دستگیر می شود اما اگر آن کار را در حرم کرده باشد باید او را دستگیر کرد.
- پیامبر خدا (ص): بر هیچ یک از شما روا نیست که در مکه اسلحه با خود حمل کند.

- این مردم نبودند که مکه را محترم شمردند، بلکه خداوند آن را حرمت نهاد و از این رو تا روز قیامت محترم است سرکش ترین مردم بر خدا کسی است که در حرم مرتکب قتل شود و مردی که کسی را که قصد جان او را نداشته است بکشد و مردی که به کینه توزیهای جاهلیت دست یازد.

- ابو هریره: هنگامی که خداوند مکه را برای پیامبر خود فتح کرد آن حضرت در میان مردم برخاست و حمد و ثنای الهی گفت و آن گاه فرمود: خداوند [اصحاب] فیل را از حمله به مکه بازداشت و پیامبر خود و مؤمنان را بر آن چیره گردانید این شهر فقط ساعتی از روز برای من حلال شده و سپس تا روز قیامت حرام و محترم است، درختش را نباید برید و صیدش را نباید رم داد.

حضور امام غایب در موسم حج .

- امام صادق (ع): مردم امام خود را گم می کنند، ولی آن حضرت در موسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند اما آنها او را نمی بینند.

حجت .

حجت .

قرآن .

((و ما هیچ قومی را عذاب نمی کنیم تا آن گاه که بر ایشان پیامبری نفرستیم)).

((تا هر که هلاک می شود به دلیلی هلاک شود و هر که زنده می ماند به دلیلی زنده ماند)).

- امام صادق (ع): خدای عز و جل به وسیله آنچه به مردم داده و به ایشان شناسانده است، بر آنان اقامه حجت کرده است .
- درباره آیه ((خدا قومی را که هدایت کرده است گمراه نکند، تا بر ایشان روشن کند که از چه چیز باید بپرهیزند)) فرمود: تا آنچه را مایه خشنودی و خشم اوست به آنان شناساند.

نسبت دادن معرفت به خدا.

قرآن .

((همانا بر ماست هدایت کردن)).

((بلکه خداوند بر شما منت می گذارد که به ایمان هدایتتان کرد)).

((اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است حتما می گویند: خداوند بگو: ستایش از آن خداست ، اما اکثر آنان نمی دانند)).

- امام صادق (ع) در پاسخ به این پرسش که : معرفت کار چه کسی است ؟ فرمود: کار خداوند است و بندگان در پدید آوردن آن نقشی ندارند.

- صفوان می گوید از امام رضا(ع) پرسیدم : آیا بندگان در پدید آوردن معرفت نقش دارند؟ حضرت فرمود: نه پرسیدم : آیا در برابر آن مزد و پاداشی دارند؟

فرمود: آری خداوند به فضل خود به آنها معرفت داده و به فضل خود آنها را هدایت فرموده است .

- عبدالاعلی می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم : آیا در مردم ابزاری نهاده شده است تا بدان وسیله به معرفت دست یابند؟

فرمود: نه عرض کردم : آیا به کسب معرفت مکلف شده اند؟

فرمود: نه بر خداست که بیان کند و خداوند بندگان را جز به اندازه توانشان تکلیف نکند و هیچ کس را جز به آنچه به وی داده است مکلف نسازد.

حجت رسا ویژه خداست .

قرآن .

((بگو: حجت رسا ویژه خداست اگر می خواست همه شمارا هدایت می کرد)).

- امام صادق (ع) در توضیح آیه ((بگو: حجت رسا ویژه خداست)) فرمود: خدای تعالی در روز قیامت به بنده فرماید: بنده من ! آیا می دانستی ؟

اگر پاسخ دهد: آری خداوند به او فرماید: آیا به آنچه می دانستی عمل کردی ؟

و اگر پاسخ دهد: نمی دانستم بدو فرماید: چرا نیاموختی تا (بدانی و) عمل کنی پس ، او مجاب و محکوم شود این است آن حجت قاطع و رسا.

- حجت خدا پیش از خلق بوده و با خلق هست و بعد از خلق نیز خواهد بود.

نیروی شهریار حجت .

قرآن .

((خدا مقرر داشته است که : به یقین من و پیامبرانم پیروزی شویم ، زیرا خدا توانا و پیروزمند است)).

- امام علی (ع) : نیروی شهریار حجت بیشتر از نیروی شهریار قدرت است .

قاطع ترین و رساترین حجت .

قرآن .

((پیامبرانی مژده دهنده و بیم دهنده تا زان پس مردم را بر خدا حجتی نباشد و خدا پیروزمند و حکیم است)).

- امام علی (ع) : ای مردم ! خدای سبحان را در زمین حجتی استوارتر از پیامبر ما محمد(ص) و حکمتی رساتر از کتابش نیست .

- خدای تبارک و تعالی را در زمین حجتی و حکمتی رساتر و قاطع تر از کتابش نباشد.

حجیت راویان حدیث .

- امام مهدی (ع) : در زمینه رخدادهایی که به وقوع می پیوندد به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم .

حجت (متفرقه) .

قرآن .

((و کسانی که درباره خدا پس از اجابت [دعوت] اواحتجاج می کنند، نزد پروردگارشان حجتشان ناچیز است بر آنهاست خشم خدا و بر آنهاست عذابی سخت)).

((هان ای اهل کتاب ! گرفتم که در آنچه بدان علم دارید مجادله تان روا باشد، چرا در آنچه بدان علم ندارید مجادله می کنید؟ درحالی که خدا می داند و شما نمی دانید)).

- امام صادق (ع) : هر کس بر اساس شک یا گمان کار کند، کارش پوچ و هدر است ، زیرا حجت خدا روشن و آشکار است .

- امام علی (ع) : کسی که گفتارش راست است ، حجتش قوی است .

- امام صادق (ع) : خداوند به وسیله آنچه به مردم داده و شناسانده ، بر آنان اقامه حجت کرده است .

- امام باقر (ع) --- در پاسخ به سؤال از حجت خدا بر بندگان --- : این است که آنچه می دانند بگویند و از اظهار نظر پیرامون آنچه نمی دانند خودداری ورزند.

- امام علی (ع) : کسی که ضلالتی راهدایت پندارد و به سوی آن رود یا حقی را گمراهی انگارد و آن را فروگذارد و بدین سبب به هلاکت و نابودی درافتد، عذرش نزد هیچ کس پذیرفته نباشد.

- امام صادق (ع) : هیچ بنده ای نیست مگر آن که خدا را بر او حجت است : چه در گناهی که مرتکب شده و چه در نعمتی که درشکرش کوتاهی کرده است .

حدیث .

حدیث .

- پیامبر خدا (ص) : خداوند شاداب و خرم گرداند بنده ای را که گفتار مرا بشنود و آن را بفهمد و سپس از طرف من به دیگران برساند.

- امام باقر (ع) : همانا حدیث و سخن مادلها را زنده می کند.

- اگر یک حدیث از فردی راستگو فراگیری ، برای تو بهتر از تمام دنیاست .

- پیامبر خدا (ص) : با یکدیگر مذاکره (علمی) و ملاقات کنید و حدیث بگویید، زیرا حدیث دلها را صیقل می دهد همانا دلها همچون شمشیر زنگار می گیرد و صیقل دهنده آنها حدیث است .

- امام باقر (ع) : در طلب دانش بکوشید، زیرا سوگند به آن که جانم در دست اوست اگر یک حدیث درباره حلال و حرام از فردی راستگو فراگیری ، بهتر است از دنیا و همه زر و سیمی که داری .

- به خدا سوگند اگر یک حدیث درباره حلال و حرام از فردی راستگو بیاموزی برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و

غروب می کند.

- پیامبر خدا (ص): هر کس دو حدیث سودمند برای خود بیاموزد یا آنها را به دیگری آموزش دهد که از آن دو حدیث بهره مند شود، بهتر از شصت سال عبادت است.

- امام صادق (ع): جایگاه و منزلت مردم نزد ما را از اندازه روایاتی که از ما نقل می کنند بشناسید.

- پیامبر خدا (ص): هر کس به امت من حدیثی رساند که به سبب آن سنتی بر پای شود یا در بدعتی رخنه افتد بهشت از آن او باشد.

- حفظ کردن (حدیث) زیور روایت است و حفظ برهانها و دلایل زیور دانش.

محدث .

- پیامبر خدا (ص) سه بار فرمود: خدایا! جانشینان مرا رحمت کن عرض شد: [ای رسول خدا!] جانشینان تو چه کسانی هستند؟

فرمود: آنها که بعد از من می آیند و احادیث و سنت مرا روایت می کنند و پس از من آنها را به مردم آموزش می دهند.

- سه بار فرمود: خدایا! جانشینان مرا بیامرز عرض شد: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان که حدیث و سنت مرا ابلاغ می کنند و آن را به امت من آموزش می دهند.

- امام صادق (ع): آن که حدیث ما را روایت کند و بدان وسیله دلهای شیعیان ما را قوی و استوار گرداند از هزار عابد برتر است.

- آن که حدیث روایت کند و در دین فقیه و آگاه باشد بهتر است از هزار عابد که دین فهم و راوی حدیث نباشد.

- پیامبر خدا (ص): هر کس به امت من حدیثی برساند که به سبب آن سنتی برپا شود یا بدعتی آسیب بیند در بهشت است.

ثواب کسی که چهل حدیث حفظ کند.

- پیامبر خدا (ص): هر کس از امت من چهل حدیث حفظ داشته باشد، خداوند در روز رستاخیز او را فقیه و عالم برانگیزد.

- هر کس از امت من به خاطر خدا و آخرت چهل حدیث حفظ کند، خداوند در روز رستاخیز او را با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور فرماید و آنان همدمان نیکی هستند.

- امام صادق (ع): هر کس چهل حدیث از احادیث ما درباره حلال و حرام حفظ کند خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم برانگیزد و عذابش نکند.

- پیامبر خدا (ص): کسی که برای امت من چهل حدیث حفظ کند که در کار دینشان از آنها بهره مند شوند، خداوند در روز رستاخیز او را فقیه و عالم برانگیزد.

فهمیدن حدیث .

قرآن .

((تا آن را مایه اندر زتان گردانیم و گوش نگه دارنده اندر ز، آن را فرا گیرد)).

- امام صادق (ع): یک حدیث بفهمی بهتر است از آن که هزار حدیث (نفهمیده) نقل کنی .

- امام باقر (ع): مقام و منزلت شیعه را از اندازه روایت و شناخت آنها بشناس شناخت، همان فهمیدن برای روایت است .

- پیامبر خدا (ص): خداوند شاداب و خرم گرداند بنده ای را که سخن مرا بشنود و آن را خوب فرا گیرد و سپس به دیگران

- برسانند، زیرا چه بسا کسانی که بار فقه را بر دوش می کشند اما فقیه نیستند و چه بسا کسانی که فقه را به افرادی منتقل می کنند که از خود آنان (انتقال دهندگان) بهتر می فهمند.
- خداوند شاد و خرم گرداند مردی را که حدیث ما را بشنود و آن را همان گونه که شنیده است به دیگران منتقل کند، زیرا بسا کسی که حدیثی به او رسیده آن را بهتر بفهمد از کسی که حدیث را شنیده است .
 - امام علی (ع) : بر شما باد به فهمیدن (احادیث) نه روایت کردن .
 - همت نابخردان نقل کردن است و همت دانایان فهمیدن .
 - امام صادق (ع) : غم دانایان فهمیدن است و غم نادانان نقل کردن .

نقل کردن و فهمیدن .

- امام علی (ع) : هرگاه سخن حق را شنیدید به اندیشه پایبندی آن را فرا گیرید نه به اندیشه نقل ، که روایان کتاب بسیارند اما پایبندان بدان ، اندک .
- هرگاه خبری را شنیدید آن را برای پایبندی فراگیرید نه برای بازگویی ، زیرا روایان علم بسیارند و پایبندان آن اندک .
- امام باقر (ع) در نامه ای به سعد الخیر نوشت : مردمان نادان از این که روایت حفظ داشته باشند شاد می شوند و دانشمندان از ترک پایبندی بدان اندوهگین می شوند.

فراوانی کسانی که در زمان حیات پیامبر بر او دروغ می بستند.

- امام علی (ع) در پاسخ به سؤال از احادیث ساختگی فرمود: در میان مردم سخنان حق و باطل و راست و دروغ و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و محکم و متشابه و آنچه در حافظه سپرده شده و آنچه راوی گمان برده حدیث است ، وجود دارد در زمان پیامبر خدا (ص) بر او چندان دروغ بستند که خطبه ای ایراد کرد و فرمود: ((هر که به عمد بر من دروغ بندد جایش دوزخ است)) حدیث را جز چهار کس نزد تونیاورند.
- در زمان حیات پیامبر چندان به آن حضرت دروغ بستند که خطبه ای ایراد کرد و فرمود: ای مردم! کسانی که بر من دروغ می بندند زیاد شده اند، هر کس از روی عمد به من دروغ بندد جایش در آتش است با این حال بعد از پیامبر باز بر او دروغ بسته شد.

برحذر داشتن از دروغ بستن به پیامبر (ص).

- پیامبر خدا (ص) : هر کس از روی عمد به من دروغ بندد جایگاهش آتش است .
- هر کس از قول من حدیثی را که می داند دروغ است نقل کند دومین دروغگوست .
- هر کس به من دروغ بندد، در دوزخ برایش خانه ای ساخته شود که در آن بچرد.
- هر کس برای گمراه کردن مردم به دروغ از من نقل قول کند، جایگاهش در آتش است .
- بار خدایا! من بر آنان حلال و روا نمی دانم که بر من دروغ بندند.
- از بزرگترین گناهان کبیره این است که کسی سخنی را به من نسبت دهد که من نگفته ام .

نهی از دروغ شمردن سخنی که دروغ بودن آن معلوم نیست .

قرآن .

((چیزی را دروغ شمرند که به آن احاطه علم نیافته بودند و هنوز از تاویل آن بی خبر بودند کسانی که پیش از آنان بودند نیز پیامبران را چنین به دروغ نسبت دادند بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بوده است)).

--

--

- امام باقر یا امام صادق (ع) : اگر یک نفر مرجئی یا قدری و یا خارجی از قول ما حدیثی به شما گفت آن را دروغ بشمارید، زیرا شما نمی دانید، شاید سخن حقی در آن باشد و با تکذیب آن خدا را برفراز عرشش تکذیب کرده باشید.

- پیامبر خدا (ص) : هر کس حدیثی از من به او برسد و آن را انکار کند، در روز رستاخیز من برضد او دادخواهی کنم پس هرگاه حدیثی از من به شما رسید که نمی دانید از من است یا نه بگویید: خدا بهتر می داند.

- هر کس حدیثی از من به او برسد و آن را دروغ بشمارد، هر آینه سه کس را تکذیب کرده است : خدا و رسول او و کسی که حدیث را برایش بازگو کرده است .

ارائه اصول با ما و بدست آوردن فروع با شما.

- امام رضا (ع) : برماست که اصول رایان داریم و بر شماست که فروع را استخراج کنید.

- امام صادق (ع) : ما وظیفه داریم اصول را برای شما بگوییم و شما موظفید فروع را از آنها استخراج کنید.

درستی حدیث و سازگاری آن با قرآن .

- پیامبر خدا (ص) : حدیث مرا با کتاب خدا بسنجید، اگر موافق آن بود آن حدیث از من است و من آن را گفته ام .

- هر حقی حقیقتی دارد و هر امر درستی نوری ، پس آنچه با کتاب خدا سازگار بود آن را بپذیرید و اگر مخالف کتاب خدا بود رهاش کنید.

- امام صادق (ع) : هر حدیثی که با قرآن سازگار نباشد، ساختگی است .

درستی حدیث و سازگاری آن با فطرت .

- پیامبر خدا (ص) : هرگاه از من حدیثی شنیدید که دلهایتان به (صحت) آن گواهی داد، موها و پوست بدنانتان آن را خوش داشت و دیدید که به شما نزدیک است بدانید که من به آن سخن از شما نزدیکترم (آن را من گفته ام) اما اگر از قول من حدیثی شنیدید که دلهایتان با آن آشنا نباشد و موها و پوستهای بدنانتان از آن گریزان گردد و دیدید که از شما دور است بدانید که دوری من از آن سخن بیشتر است تا دوری شما از آن .

- هر حدیثی که از قول آل محمد، صلوات الله علیهم ، به شما رسید و دلهایتان در برابرش نرم شدو با آن احساس آشنایی کردید آن را بپذیرید و اگر دلهایتان از آن رمید و آن را بیگانه حس کردید آن را به خدا و پیامبر و عالم از خاندان محمد (ص) موکول کنید.

درستی حدیث و سازگاری آن با حق .

- پیامبر خدا (ص) : هر حدیثی که از من به شما می رسد اگر موافق حق بود من آن را گفته ام و اگر با حق سازگار نبود من نگفته

ام، زیرا من هرگز جز حق نمی گویم .

برای شناخت درستی احادیث ملاکها و موازین دیگری نیز هست که در کتابهای مربوط از آنها بحث شده است .

جایز بودن نقل به معنای حدیث .

- امام صادق (ع) : هرگاه حدیثی را درست فهمیدی و معنایش را رساندی هرگونه که می خواهی آن را بیان کن .

- در پاسخ به سؤال از نقل حدیث به معنای خود: اگر آن را درست فهمیدی اشکالی ندارد و مثل این است که بگویی : تعال و هلم (یعنی بیا)، واقعد و اجلس (یعنی بنشین).

- محمد بن مسلم : به امام صادق (ع) عرض کردم : حدیثی را از شما می شنوم و آن را کم و زیاد می کنم فرمود: اگر معانی آن را برسانی اشکالی ندارد.

- پیامبر خدا (ص) : پس و پیش کردن کلمات حدیث ، در صورتی که معنایش را درست برسانی ، اشکالی ندارد.

- کم و زیاد کردن حدیث ، به شرط آن که (با این کار) حلالی را حرام یا حرامی را حلال نکنی و معنا را درست برسانی ، اشکالی ندارد.

آنچه باید در نقل حدیث رعایت کرد.

- پیامبر خدا (ص) : احادیثی از من را برای امتم بگویند که اندیشه آنها تحمل پذیرش آن را داشته باشد.

- ما فرمان داریم که با مردم در خور فهمشان سخن بگوئیم .

- اگر حدیثی را برای مردم بگویی که اندیشه شان آن را بر نتابد بیگمان برخی از آنها را گرفتار فتنه (و گمراهی) خواهی کرد.

- هر کس حدیثی بشنود که تفسیرش رانه خود او بفهمد و نه آن کس که حدیث را برایش نقل کرده است ، آن حدیث مایه گمراهی او و کسی است که آن را نقل کرده است .

- امام علی (ع) : آیا دوست دارید خدا و پیامبرش دروغزن شمرده شوند؟

احادیثی را که مردم می شناسند برایشان بگویند و از گفتن آنچه نمی توانند بفهمند و انکار می کنند خودداری ورزید (در غیر این صورت حدیث را انکار می کنند و انکار آن به منزله دروغگو شمردن خدا و پیامبر او است).

- پیامبر خدا (ص) : هر گاه با مردم از پروردگارش سخن گفتید چیزی نگویند که آنان را به وحشت اندازد و پذیرفتنش بر ایشان سنگین باشد.

دشواری فهم و تحمل برخی احادیث .

- امام صادق (ع) : همانا حدیث ما دشوار و بسیار سنگین است و آن را جز فرشته مقرب ، یا پیامبر مرسل ، یا بنده ای که خداوند دلش را با ایمان آزموده و یا شهری نفوذ ناپذیر بر نمی تابد.

عمرومی گوید: به شعیب --- راوی حدیث --- گفتم : ای ابا الحسن ! منظور از شهر نفوذناپذیر چیست ؟

گفت : من هم از امام صادق (ع) همین را پرسیدم ، آن حضرت فرمود : دل پهناور و استوار.

فراگیر بودن قرآن و سنت .

قرآن .

((هیچ جنبه‌ای در روی زمین نیست و هیچ پرنده‌ای با بالهای خود در هوا نمی‌پرد مگر آن که چون شما امت‌هایی هستید ما در این کتاب هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم و سپس همه نزد پروردگارشان گردآورده می‌شوند)).
 ((امروز دین شمارا کامل کردم)).

- ابو اسامه: در خدمت امام صادق (ع) بودم و مردی از مغیره نیز حضور داشت او پیرامون سنتها از امام سؤال کرد امام فرمود: هیچ چیزی نیست که انسانها به آن نیاز داشته باشند مگر آن که از سوی خدا و پیامبرش درباره آن سنتی (دستوری) رسیده است اگر چنین نبود باحجت‌هایی که آورده بر ما اقامه حجت نمی‌کرد مغیره پرسید: خداوند با چه چیز بر ما اقامه حجت کرده است؟
 امام صادق (ع) فرمود: این سخن خدا که می‌فرماید: ((امروز دین شما را برایتان کامل کردم)).
 - پیامبر خدا (ص): هیچ چیزی نیست که شمارا به بهشت نزدیک کند و از دوزخ دور سازد، مگر این که درباره آن امر و نهی کرده ام.

علت پوشیده داشتن برخی دانشها و احکام.

- امام صادق (ع): به ابو بصیر فرمود: به خدا سوگند اگر در میان شما سه مؤمن راز دار می‌یافتم هرگز برخورد روا نمی‌شمردم که حدیثی را از آنان پوشیده دارم.
 - امام باقر (ع): اگر من سه گروه ((۲)) می‌یافتم که شایستگی آن را داشتند تا دانش (خود) را به ایشان بسپارم، هر آینه می‌گفتم آن چیزی را که با وجود آن نیازی نبود به بررسی حلال و حرام و آن چه تا روز قیامت رخ خواهد داد، پرداخته شود.
 - امام صادق (ع): اگر بیم آن نبود که به دست غیر شما بیفتد، کما این که قبلا کتابهای دیگر به دست غیر افتاد، هر آینه به شما کتابی می‌دادم که تاقیام قائم --- عجل الله تعالی فرجه --- نیاز به احدی پیدا نمی‌کردید.
 - کسی را نمی‌یابم که برایش حدیث بگویم اگر به یکی از شما حدیثی بگویم هنوز آن شخص از مدینه خارج نشده آن حدیث نزد من آورده می‌شود (عده‌ای می‌آیند و می‌گویند شما این حدیث را گفته‌اید؟
 (ومن می‌گویم: آن را نگفته‌ام).

علل اختلاف احادیث.

- امام صادق (ع): کسی که می‌داند ما جز حق نمی‌گوییم باید همین شناختش درباره ما او را بس باشد، پس اگر از ماسخنی شنید که با شناخت او از ما سازگار نیست باید بداند که آن سخن را برای دفاع از او گفته ایم و او را ترجیح داده ایم.
 - به ابو عمرو کنانی فرمود: ای ابا عمرو! اگر برایت حدیثی گفتم یا فتوایی دادم و بعد دوباره آمدی و در همان موضوع از من سؤال کردی و من برخلاف سخن و فتوای قبلی خود به تو پاسخ و فتوا دادم به کدام گفته‌ام عمل می‌کنی؟
 عرض کردم: جدیدتر را می‌گیرم و آن دیگری را رهامی کنم فرمود: درست گفتی ای ابا عمرو! خداوند جز این نخواهد که نهانی عبادت شود بدانیده خدا سوگند اگر این کار را بکنید برای من و خود شما بهتر است و خداوند برای ما و شما نسبت به دینش جز تقیه نخواسته است.

احادیث متشابه.

- امام رضا (ع): در اخبار ما نیز همچون قرآن محکم و متشابه وجود دارد پس، اخبار متشابه به ما را به محکمت آن ارجاع دهید و بدون توجه به محکمت آن از متشابهاتش پیروی نکنید که گمراه می‌شوید.

حدود.**هر چیزی حدی دارد.**

قرآن .

((هیچ جنبه‌ای در روی زمین نیست و هیچ پرنده‌ای ببالهای خود در هوا نمی‌پرد، مگر آن که امتهایی چون شما هستند ما در این کتاب هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم و سپس همه نزد پروردگارشان گردآورده می‌شوند)).

- امام باقر (ع) : خداوند تبارک و تعالی برای هر چیزی حد و مرزی قرار داده و برای نشان دادن آن مرز، نشانه‌ای گذاشته است و برای کسی که از آن حد فراتر رود حد معین کرده است .

- امام صادق (ع) : هیچ چیزی نیست مگر آن که همانند این خانه من حد و مرزی دارد، هرچه در کوچه است جز همان و هرچه داخل خانه است متعلق به خانه می‌باشد.

- خداوند هیچ حلال و حرامی را نیافریده است مگر آن که مثل همین خانه من حد و مرزی دارد حتی دیه وارد آوردن خراش و جز آن و یک تازیانه و نصف تازیانه .

- علی (ع) حلال و حرام اخبار را بیان می‌کرد و قرآن را آموزش می‌داد هر یک از این دو (حلال و حرام) حد و مرزی دارد.

- ابولبید بحرانی : مردی در مکه خدمت امام باقر (ع) رسید و عرض کرد : ای محمدبن علی ! شما می‌گویید هیچ چیز نیست مگر آن که حدی دارد ؟

امام باقر (ع) فرمود : آری ، من می‌گویم : هرچه خدا آفریده است ، از کوچک و بزرگ ، برایش حدی قرار داده است که اگر از آن حد بگذرد از حدی و مرزی که خدا برایش نهاده تجاوز کرده است .

عرض کرد : حد این سفره شما چیست ؟

فرمود : حدش این است که وقتی آن را می‌گشایی نام خدا را بری و چون آن را جمع می‌کنی خدا را سپاس گویی و زیرش را بروبی عرض کرد: حد این کوزه شما چیست ؟

فرمود: حدش این است که از دهانه آن و نیز از جای شکستگی اش آب نخوری .

- پیامبر خدا (ص) : هیچ چیز نیست که شمارا به بهشت نزدیک گرداند و از آتش دور کند مگر این که من درباره آن امر ونهی کرده ام .

دور کردن حدود و مجازاتها.

- پیامبر خدا (ص) : تا جایی که می‌توانید مجازاتها و حدود را از مسلمانان دور کنید اگر برای مسلمانان محمل و مفری یافتید او را آزاد کنید ، زیرا اگر امام در بخشودن خطا کند بهتر است که در کیفر دادن گرفتار خطا شود.

- تا زمانی که می‌توانید گریزگاهی پیدا کنید ، از جاری ساختن حدود بر بندگان خدا خود داری ورزید.

- کیفرها را با شبهات دور کنید (با پیش آمدن تردید در مجرم بودن کسی از اجرای حد خودداری کنید).

جاری کردن حدود.

- پیامبر خدا (ص) : جاری کردن یک حد از حدود الهی بهتر است از چهل شب بارش باران در سرزمینهای خدا.

- بر پا شدن یک حد (الهی) در روی زمین پاکیزه تر از عبادت شصت سال است.
- امام علی (ع): اگر حدود خدای سبحان را پاس دارید فضل و برکت خود را که وعده داده شده است سریعاً به شما ارزانی می‌دارد.
- و بر پاداشتن حدود برای اهمیت دادن به حرامهای خداست.
- امام صادق (ع) --- در توضیح آیه ((در دین خدا شمارا نسبت به آن دو رافت و دلسوزی نگیرد)) فرمود: یعنی در جاری کردن حدود.
- در سفارشهای خود به کسی فرمود: بر تو باد به اجرای حدود بر خویش و بیگانه و داوری بر اساس کتاب خدا در حال خشنودی و خشم و تقسیم عادلانه (بیت المال) میان سفید و سیاه.
- پیامبر خدا (ص): از لغزشهای کریمان در گذرید مگر آن جا که پای حدی از حدود خدا در میان باشد.
- امام علی (ع): حال که ناچارید از یکدیگر پیشی بگیرید، پس در راه بر پاداشتن حدود خداوند امر به معروف از هم سبقت بگیرید.

به کار نبستن حدود.

- امام صادق (ع): زنی را که در میان قوم و قبیله خود شرافت و حرمتی داشت به جرم دزدی نزد پیامبر آوردند پیامبر فرمود دست او را قطع کنند عده‌ای از قریش نزد پیامبر آمدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! دست زن شریفی مثل او را به خاطر خطای کوچکی قطع می‌کنی؟
- فرمود: آری، پیشینیان شما به سبب چنین کاری به نابودی افتادند آنها حدود و کیفرها را درباره بیچارگان اعمال می‌کردند و با قدرتمندان و اشراف خود، کاری نداشتند از این رو هلاک گشتند.
- امام علی (ع): هیچ کس خوشبخت نشود مگر با اقامه حدود خداوند و هیچ کس به بدبختی نیفتد مگر به سبب فرو گذاشتن آن حدود.
- مرد شکم‌گنده رنجوری را که زنا کرده بود نزد پیامبر آوردند رسول خدا یک چوب خوشه خرما که صد سر شاخه داشت آورد و به عنوان حد یک ضربه به او نواخت، زیرا خوش نداشت که حدی از حدود خدا به کار گرفته نشود.

شفاعت و وساطت کردن در حدود روا نیست.

- امام صادق (ع): از پدرش از پدران او از رسول خدا (ص) نقل فرمود که: آن حضرت از شفاعت کردن در حدود نهی کرد امام (ع) فرمود: هر کس برای اعمال نشدن حدی از حدود الهی پادر میانی کند و در راه از کار انداختن حدود او بکوشد، خداوند متعالی در روز قیامت عذابش کند.
- پیامبر خدا (ص): به اسامه فرمود: ای اسامه! در کار حد وساطت مکن.
- عایشه: زنی از بنی مخزوم کالا به عاریت می‌گرفت و سپس انکار می‌کرد (که کالایی گرفته است) پیامبر (ص) دستور داد دست او را قطع کنند خانواده آن زن نزد اسامه رفتند و از او خواستند نزد پیامبر (ص) وساطت کند اسامه نیز درباره آن زن با پیامبر (ص) صحبت کرد پیامبر (ص) فرمود: ای اسامه! نبینم درباره (جاری نشدن) حدی از حدود خدا صحبت می‌کنی! پیامبر (ص)، سپس، به ایراد خطبه پرداخت و فرمود: پیشینیان شما از آن رو هلاک شدند که اگر در میان آنها نجیب زاده‌ای

دزدی می کرد کاری به او نداشتند و اگر ضعیف و بیچاره ای دست به سرقت می زد دستش را می بریدند سوگند به آن که جانم در دست اوست اگر فاطمه دختر محمد هم این کار را می کرد دستش را قطع می کردم آن گاه دست آن زن مخزومی را قطع کرد.

- نقل شده است که امیر المؤمنین (ع) مردی از بنی اسد را به منظور جاری کردن حدی بر او بازداشت کرد بنی اسد نزد حسین بن علی (ع) رفتند و از او خواهش کردند پادر میانی کند آن حضرت نپذیرفت پس نزد امیر المؤمنین رفتند و از ایشان خواهش کردند حد را جاری نکنند حضرت فرمود: هر چه از من بخواهید که مال من باشد البته به شما خواهم داد بنی اسد باخوشحالی امیر المؤمنین را ترک کردند پس بر حسین (ع) گذشتند و سخن امیر المؤمنین (ع) را برای آن حضرت بازگو کردند حسین (ع) فرمود: اگر با رفیق خود کاری دارید برگردید شاید کارش تمام شده باشد آنان برگشتند و دیدند امیر المؤمنین (ع) حد را جاری کرده است گفتند: ای امیر المؤمنین! مگر به ما قول ندادی؟

حضرت فرمود: من به شما قول دادم که آنچه مال من باشد به شما بدهم و این حد از آن خداست و من مالک و اختیاردار آن نیستم.

- پیامبر خدا (ص): هر کس با وساطت خود مانع جاری شدن حدی از حدود الهی شود پیوسته در خشم الهی به سر برد تا آن که وساطتش را پس بگیرد.

- امام علی (ع): شفاعت کردن در حدودی که مردم حق دارند در آنها وساطت کنند اشکالی ندارد به شرط آن که به امام ارجاع نداده باشند اما بعد از آن که حد به امام ارجاع داده شد هیچ شفاعتی پذیرفته نیست.

در حد، کفالت (ضمانت تن) پذیرفته نمی شود.

- امام علی (ع): در هیچ حدی از حدود ضمانت وجود ندارد.

- امام صادق (ع): پیامبر خدا (ص) فرمود: در هیچ حدی ضمانت پذیرفته نمی شود.

- امیر المؤمنین (ع) چنین قضاوت فرمود که در حد ضمانت پذیرفته نمی شود.

در حد جای سوگند نیست.

- امام علی (ع): کسی که باید حد بخورد سوگند داده نمی شود.

- پیامبر خدا (ص): در حد نه وساطت پذیرفته است، نه ضمانت و نه سوگند.

- امام صادق (ع): مردی کسی را نزد امیر المؤمنین (ع) آورد و عرض کرد: این مرد به من تهمت زده است او برای ادعای خود دلیلی نداشت، لذا عرض کرد، ای امیر المؤمنین او را سوگند بده حضرت فرمود: در حد سوگند وجود ندارد و در استخوان قصاص نیست.

نهی از تاخیر در اجرای حدود.

- امام علی (ع): هر گاه حد واجب شد، باید آن را به کار بست، در اجرای حدود تاخیر و انتظار کشیدن روا نیست.

- امام باقر (ع): سه نفر شهادت دادند که مردی زنا کرده است امیر المؤمنین (ع) فرمود: نفر چهارم کجاست؟

گفتند: الان می آید امیر المؤمنین (ع) فرمود: این سه نفر را حد بزنید، زیرا در حدود حتی یک لحظه انتظار کشیدن روا نیست.

- امام علی (ع): هر گاه در حد پای ((شاید)) و ((امیداست)) به میان آید حد به تعطیلی کشانده می شود.

نهی از تجاوز کردن از حدود.

قران .

((اینها حدود خداست , از آنها تجاوز مکنید و هر کس از حدود خدا فراتر رود, آنان همان ستمکارانند)).

((و هر کس از حدود الهی تجاوز کند, هر آینه به خود ستم کرده است)).

((هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود او فراتر رود, خداوند او را به آتش ابدی برد و برایش عذابی خوارکننده باشد)).

- پیامبر خدا (ص) : خداوند برای شما حدودی معین کرده است , از آنها تجاوز نکنید.

- امام باقر (ع) : امیر المؤمنین (ع) به قبر دستور داد مردی را حد بزند قبر از روی عصبانیت سه تازیانه بیشتر زد علی (ع) قبر را با سه تازیانه قصاص کرد.

- عبدالله بن معقل : علی دستور داد مردی را تازیانه بزند جلاد دو تازیانه بیشتر زد علی او را با دو تازیانه قصاص کرد.

- پیامبر خدا (ص) : (در روز قیامت) حاکمی را که یک تازیانه از حد کاسته است می آورند او می گوید : پروردگارا! از روی دلسوزی به بندگانت این کار را کردم خداوند به او می فرماید : آیا تو به آنان از من دلسوزتری ؟

! آن گاه دستور داده می شود او را در آتش افکنند سپس کسی را که یک تازیانه بیشتر زده است می آورند او نیز می گوید : برای آن تازیانه ای بیشتر زدم تا از گناهانت باز ایستند پس فرمان می رسد که او را نیز در آتش افکنند.

- امام باقر (ع) : درباره آیه ((اینها حدود خداست , از آنها تجاوز نکنید و هر کس از حدود خدا تجاوز کند پس همانانند ستمگران)) فرمود : خداوند بر زناکار خشم آورده و صد تازیانه برای او قرار داده است پس هر کس از روی خشم بیش از این بزند من نزد خداوند از او بیزار می جویم .

نقش جاری کردن حدود در پاک کردن گناه .

- پیامبر خدا (ص) : هر که گناهی کند و حد آن گناه بر او جاری شود, همان کفاره اوست .

- هر که در دنیا گناهی مرتکب شود و به سبب آن مجازات گردد, خداوند داد گزیر از آن است که بنده خود را دوباره (در آخرت) کیفر دهد.

- شمشیر بر هیچ جرم و گناهی نگذرد, مگر این که آن را پاک کند.

- سنگسار شدن کفاره گناهی است که (آن زن) کرده است .

- امام علی (ع) : هرگاه خداوند بنده مؤمنی را در این دنیا کیفر دهد بخشنده تر و بزرگوارتر از آن است که روز قیامت نیز او را دوباره کیفر دهد.

نهی از اهانت کردن به شخص حد خورده .

- پیامبر خدا (ص) --- دستور داد مردی را سنگسار کردند --- مردم گفتند : او آدم پلیدی است پیامبر فرمود : نگو پلید است , زیرا به خدا سوگند که او نزد خداوند از رایحه مشک خوشتر و پاکیزه تر است .

- مرد زناکاری را سنگسار کرد مردی به رفیق خود گفت : او مثل سگ کشته شد پیامبر با آن دو بر لاشه مرداری گذشتند , به آنان فرمود : با دندان خود تکه ای از این لاشه را برکنید عرض کردند : ای رسول خدا! درود خدا بر تو , مرداری را گاز بگیریم ؟

فرمود: آنچه از برادران بر گرفتید گنبدیده تر از این لاشه است.

- عبدالرحمن بن ابی لیلی: علی (ع) بر مردی حد جاری کرد مردم شروع کردند به دشنام دادن و لعن کردن او علی (ع) فرمود: او از این گناه خود دیگر باز خواست نخواهد شد.

- زنی که از زنا آبهستن شده بود خدمت پیامبر خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من سزاوار حد شده ام آن را بر من جاری کن! پیامبر خدا سرپرست آن زن را احضار کرد و فرمود: با او مدارا کن تا وضع حمل کند آن گاه نزد من بیاورش آن مرد چنین کرده پس پیامبر خدا دستور داد جامه آن زن را رویش کشیدند و او را پوشاندند سپس فرمود: سنگسارش کردند و آن گاه بر وی نماز خواند عمر عرض کرد: یا رسول الله! بر این زناکار نماز می خوانی؟

پیامبر فرمود: هر آینه او چنان توبه ای کرد که اگر توبه اش میان هفتاد نفر از مردم مدینه تقسیم شود همه را در برگیرد آیا توبه ای برتر از این دیده ای که به خاطر خدای تعالی خودش را فدا کرد؟

در صورت اعتراف مجرم به گناه امام اجازه دارد او را ببخشد.

- سارق را نزد علی (ع) آوردند و او به سرقت خود اعتراف کرد علی (ع) به او فرمود: آیا از قرآن چیزی حفظ داری؟ عرض کرد: آری، سوره بقره را حضرت فرمود: دستت را به سوره بقره بخشیدم اشعث به امام گفت: حدی از حدود خدا را تعطیل می کنی؟

حضرت فرمود: تو چه می دانی؟

اگر بینه اقامه شود، امام حق عفو مجرم را ندارد اما اگر مردی اعتراف کند که دزدی کرده است اختیار با امام است که او را ببخشد یا کیفر دهد.

مباح کردن خون.

- محمد بن عیسی بن عبید: امام ابوالحسن عسکری (ع) دستور قتل فارس بن حاتم قزوینی را صادر فرمود و برای کشتن او بهشت راضمانت کرد جنید او را به قتل رساند فارس شیطان صفتی بود که مردم را به گمراهی می کشاند و به کارهای بدعت آمیز فرامی خواند پس، از ابوالحسن دستور آمد: این فارس ملعون به نام من مردم را گمراه می کند و به بدعت فرامی خواند خونش برای هر که او را بکشد مباح است کیست که او را بکشد و مرا از شرش آسوده گرداند تا در عوض من نزد خداوند برایش بهشت راضمانت کنم؟

- پیامبر خدا (ص): هر کس شمشیر بکشد خونش هدر است.

- جابر: رسول خدا (ص) فرمود: چه کسی کار کعب بن اشرف را می سازد؟

زیرا که او خدا و پیامبرش را آزرده است محمد بن مسلمه گفت: ای پیامبر خدا! می خواهی او را بکشم؟

فرمود: آری عرض کرد: اجازه فرما که چیزهایی را که لازم است بگویم فرمود: بگو پس محمد نزد کعب رفت و با او سخنانی گفت و از گذشته خود با وی سخن گفت و اظهار داشت: این مرد (یعنی پیامبر (ص)) خواسته خوبی کند اما ما را به رنج و زحمت انداخته است وقتی کعب سخنان محمد را شنید گفت: به خدا قسم که تو نیز از او (پیامبر) دلگیری.

محمد بن مسلمه با کعب وعده گذاشت که با حارث و ابی عبس بن جبر و عباد بن بشر نزد وی بیایند آنها نزد کعب آمدند و

شب او را دعوت کردند و کعب نزد آنان رفت .

محمد به آن سه نفر گفت : وقتی آمد من دستم را به طرف سر او دراز می کنم وقتی سرش رامحکم گرفتم شما حمله کنید . کعب حمایل بسته نزد آنان آمد آنها گفتند : بوی عطر از تو به مشامان می رسد کعب گفت : آری ، فلانی را به همسری دارم که خوشبوترین زن عرب است محمد گفت : اجازه می دهی از این عطر ببویم کعب گفت : بله ، بو کن ، محمد بدن او را بو کرد سپس گفت : اجازه می دهی باز هم ببویم ؟ در این هنگام محمد سر کعب را توانست بگیرد سپس گفت : حمله کنید و او را کشتند .
- پیامبر خدا (ص) : به مسلمانانی که گردش را گرفته بودند فرمود : ای مردم ! پس از من دیگر پیامبری نخواهد آمد و بعد از سنت من نیز سنتی وجود نخواهد داشت پس ، هر کس چنین ادعایی کند ادعا و بدعت او هر دو در دوزخند و هر کس ادعای پیامبری کرد بکشیدش .

کسی که حد خورده بار سوم باید کشته شود.

- امام کاظم (ع) : کسانی که به سبب ارتکاب گناهی کبیره دوبار حد بخورند بار سوم باید کشته شوند .
- امام رضا (ع) : علت آن که دربار سوم حد قتل (بر زانی و زانیه) جاری می شود این است که تازیانه خوردن را به چیزی نمی گیرند و به آن اهمیتی نمی دهند چندان که گویی در کار زنا آزادند و سر خود علت دیگرش این است که کسی که خدا و حد را ناچیز و خفیف بشمارد کافر است و به سبب کافر شدن مستوجب قتل می باشد .

جاری کردن حد در سرزمین دشمن .

- امام علی (ع) : در سرزمین دشمن بر هیچ کس حدی جاری نمی کنم تا زمانی که از آن جا خارج شود ، زیرا ممکن است غیرتی شود و به دشمن پیوندد .

تعزیر .

- حماد بن عثمان می گوید از امام صادق (ع) درباره تعزیر پرسیدم ، فرمود : پایین تر از حد است عرض کردم : کمتر از هشتاد تازیانه ؟

فرمود : نه ، بلکه کمتر از چهل تازیانه که حد برده می باشد عرض کردم : چقدر است ؟

فرمود : بسته به نظر حاکم دارد که ببیند جرم فرد و توان بدنی او چه اندازه است .

- پیامبر خدا (ص) : بیشتر از ده ضربه نباید زد مگر آن جا که پای حدی از حدود خدا در میان باشد .

- برای گوشمالی دادن بیشتر از سه ضربه نباید بزنی اگر بیشتر بزنی در روز قیامت قصاص خواهی شد .

- بر هیچ مؤمن به خدا و روز واپسین روا نباشد که از ده تازیانه بیشتر بزند مگر آن که پای حدی در میان باشد .

- بر هیچ حاکمی که به خدا و روز واپسین ایمان دارد روا نیست که بیش از ده تازیانه بزند مگر آن جا که حد باشد .

- امام صادق (ع) : در پاسخ به این سؤال که اندازه تعزیر چقدر است ؟

فرمود : بین ده تا بیست تازیانه .

آداب جاری کردن حد .

- در مناقب آمده است: زمانی که امیرالمؤمنین (ع) عمروین عبود را در چنگ خود گرفتار کرد او را نکشت و اندکی درنگ کرد و افراد زبان به نکوهش از علی گشودند حذیفه به دفاع از آن حضرت برخاست پیامبر (ص) فرمود: آرام باش ای حذیفه! بزودی علی (ع) علت درنگ خود را خواهد گفت.

علی (ع) سپس عمرو را کشت وقتی برگشت و پیامبر (ص) علت درنگش را جویا شد، عرض کرد: او مادرم را دشنام داد و به صورتم آب دهان انداخت و من ترسیدم اگر او را بکشم برای تسکین خودم باشد، لذا رهایش کردم تا خشمم فرو نشست و سپس او را به خاطر خدا کشتم.

جنگ.

جنگ.

(جدید)

امام حسین (ع): بدانید که جنگ شرش شتابنده است و طعمش زشت و نفرت انگیز، هر کس خود را برای آن آماده کند و ساز و برگش را فراهم آورد و پیش از فرارسیدن هنگام جنگ پیکر خود را از زخمهای آن دردمند نکند جنگ را برده است، اما آن که پیش از رسیدن فرصت و زمان جنگ و آگاه شدن از توانایی جنگی خود به آن مبادرت ورزد مستحق همان است که سپاهیان خود را سودی نرساند و خویشان را نیز به نابودی اندازد.

- امام علی (ع): بسا جنگی که سودش بیشتر از صلح است.

عوامل جنگ افروز.

- امام علی (ع): اختلاف و ناسازگاری جنگ خیز است.

- لجاجت خیزشگاه جنگهاست.

- از لجاجت بیجا و نکوهیده پرهیز که آن جنگها بر می افروزد.

جنگ با حق ستیزان.

- امام علی (ع): به جان خودم سوگند که در جنگ با حق ستیزان و فرو رفتگان در ورطه گمراهی، هرگز سازشکاری و سستی روانمی دارم پس، ای بندگان خدا! از خدای پرهیزید و از (عذاب) خدا به خدا بگریزید و در راه روشنی که فرابیش شما نهاده است پیش روید و به آنچه شما را بدان مکلف فرموده قیام کنید اگر در این دنیا پیروزی نصیب شما نشد، علی پیروزی در آن دنیا را برای شما ضمانت می کند.

جنگیدن با مسلمان.

- پیامبر خدا (ص): جنگیدن مسلمان با برادر خود کفر است و دشنام دادن به او فسق.

غافلگیر کردن دشمن.

- امام علی (ع): پیش از آن که دشمن بر شما بتازد بر او یورش برید، زیرا به خدا سوگند هیچ ملتی در میان سرزمین خود مورد

حمله قرار نگرفت، جز آن که به خاک مذلت افتاد.

- هان! من شما را شب و روز و در آشکار و نهان به نبرد با این قوم فرا خواندم و به شما گفتم: پیش از آن که آنان به شما یورش آورند، شما بر آنان بتازید، زیرا به خدا سوگند با هیچ مردمی در دل سرزمین خودشان جنگ نشد مگر آن که به خواری افتادند.

تشویق به جنگ در راه خدا.

قرآن .

((ای کسانی که ایمان آورده اید! چیست که چون به شما گویند برای جنگ در راه خدا بیرون شوید کندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شده اید؟ متاع این دنیا در برابر متاع آن سرانگیز نیست)).

((سبکبار و گرانبار، بسیج شوید و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر بدانید)).

- امام علی (ع): رحمت خدا بر شما باد! به پیکار با دشمن خود بیرون روید و کندی نکنید که با خواری و خفت بر جای خواهید ماند و پست ترین چیز دنیا (فرومایگی و ذلت) نصیبتان خواهد شد همانا سرباز رزمنده بیدار است و آن [رزمنده ای] که در خواب غفلت به سر برد بداند که دشمنش از او غافل نیست .

خداوند رزمندگان در راه خود را دوست دارد.

قرآن .

((خداوند کسانی را که در راه او در صفوفی همچون دیوار سربی می جنگند دوست دارد)).

- امام علی (ع): در خطبه ای که در جنگ صفین ایراد کرد فرمود: ای مردم! خدای بلند نام، شمارا به تجارتی رهنمون شده که شما را از عذاب می رهاند و به خیر و خوبی نزدیک می گرداند آن تجارت عبارت است از ایمان به خدا و رسولش و پیکار کردن در راه او، ثواب آن (جهاد) را آمرزش گناهان قرار داده و خانه هایی پاکیزه در بهشت های جاویدان و البته رضوان و خشنودی خدا برتر است (از اینها) او کسی را که دوست دارد به شما معرفی کرده و فرموده است: ((خدا دوست دارد کسانی را که می جنگند)) پس صفوف خود را همچون ساختمانی برافراشته از سرب استوار کنید، زره پوشان را جلو اندازید و بی زرهان را در صفوف عقب قرار دهید.

نهی از جنگیدن با این گروهها.

- امام علی (ع): با کسی که به دین چنگ آویخته است مجنگ، زیرا آن که با دین پنجه افکند درهم شکسته شود.
- با آن که حق را یار و پشتیبان خود گرفته است، مستیز که ستیزنده با حق شکست خورد.

نکاتی که پیش از شروع جنگ باید رعایت کرد.

- پیامبر خدا (ص): با مردم مدارا کنید و به آنها فرصت دهید و پیش از آن که به حق دعوتشان کنید بر ایشان متازید، زیرا که اگر مردمان روی زمین را، از شهرنشین و چادر نشین، مسلمان نزد من آورید خوشتر دارم تا زنان و فرزندان ایشان را (اسیر) نزد من آورید و مردانشان را بکشید.

- امام علی (ع) : در صفین فرمود : به خدا سوگند یک روز جنگ را به تاخیر نینداختم مگر از این رو که امید داشتم گروهی به من پیوندند و به سبب من هدایت شوند و در پرتو من بیارامند , این را خوشتر دارم تا آنان را در حال که گمراهند بکشم .
- به فرزند خود حسن (ع) فرمود : هرگز مبارز مطلب , اما اگر به مبارزه دعوت شدی بپذیر , زیرا آن که به مبارزه فرا خواند سرکش است و سرکش به خاک افتد.

دعا در هنگام رو به رو شدن با دشمن .

- پیامبر خدا (ص) : هرگاه به جنگ می رفت , می گفت : خدایا ! تو پشتیبان و یاور منی , از تو نیرو می گیرم و با یاری تو حمله می برم و با کمک تو می جنگم .

- از دعای امام علی (ع) در آن هنگام که آهنگ رو یا رویی با سپاه معاویه در صفین کرد : خدایا ! ای پروردگار آسمان برافراشته اگر ما را بر دشمنان پیروز گردانیدی از ستم و تجاوزگری بدورمان دار و در راه حق استوارمان گردان و اگر آنان را بر ما چیره ساختی شهادت را روزیمان کن و از فتنه و گمراهی محفوظمان دار .

- امام علی (ع) : در هنگام رویارو شدن با دشمن در جنگ می گفت : خدایا ! دلها به سوی تو پر کشیده و گردنها سوی تو کشیده شده است پروردگارا ! از نبودن پیامبرمان و زیادی دشمنانمان و پراکندگی خواسته هایمان , به درگاه تو شکایت می آوریم .

- در روز صفین چنین دعا کرد : از نبودن پیامبرمان و فراوانی دشمنانمان و اندک بودن شمارمان و سختگیری زمان بر ما و سر برداشتن فتنه ها بر ضد ما , به تو شکایت می کنیم با پیروزی هر چه زودتر و با آن نصرتی که بدان قدرت حق را می افزایی و چیره اش می گردانی ما را در برابر دشمنانمان یاری رسان .

- هرگاه رهسپار جنگی می شد , پیش از آن که بر مرکب بنشیند نام خدا را می برد و می گفت --- : خدا را بر نعمتها و فضلی که به ما بخشیده است سپاس می گوئیم , پاک و منزّه است خدایی که این (مرکب) را رام ما ساخت و گرنه ما را توان آن نبود آن گاه رو به قبله می کرد و دستان خود را به آسمان بر می داشت و عرض می کرد : پروردگارا ! گامها به سوی تو روان است و پیکرها خود را برای تو به رنج می افکنند و دلها به سوی تو پر می کشد و دستها به سوی تو برداشته شده است و دیدگان خیره توست .

- امام صادق (ع) : امیرالمؤمنین هرگاه می خواست به جنگ رود این دعاها را می خواند : خدایا ! تو این راه را به ما نشان دادی و خشنودیت را در آن قرار دادی و دوستانت را به سوی آن فراخواندی و آن را ارزشمندترین راه خود دانستی .

- امام علی (ع) --- هرگاه با دشمن رویاروی می شد عرض می کرد --- : خدایا ! تو نگهبان و یاور من هستی و از آسیبها حفظ می کنی خدایا ! به کمک تو یورش می برم و با یاری تو می جنگم .

پیشقراولان سپاه .

- امام علی (ع) --- در سفارش خود به زیادبن نصر فرمود --- : بدان که پیشقراولان سپاه چشمهای آن هستند و چشمان پیشقراولان , طلایه داران ایشانند پس , هرگاه از مرزهای سرزمین خود بیرون رفتی و به دشمنت نزدیک شدی بیدرنک طلایه داران را در هر سو و در پاره ای از دره ها و درخت زارها و کمینگاهها و در هر گوشه ای بگمار تا دشمن در کمین شما نباشد و ناگهان بر شما نتازد .

آموزشهای نظامی .

- امام علی (ع) : در آموزش فنون جنگ و جنگجویی می فرماید : ای گروه مسلمانان ! خدا ترسی را جامه زیرین خود کنید و ردای آرامش را پوشید و دندانهایتان را برهم بفشارید ، زیرا که این کار تاثیر شمشیرها را بر سر کمتر می کند ، زره کامل پوشید و پیش از بر کشیدن شمشیرها آنها را در نیامشان بجنابانید و خشمگنانه با گوشه چشم بنگرید و از چپ و راست نیزه بزنید و با تیزی شمشیرها ضربه زنید و با پیش نهادن گامهایتان شمشیرها را به دشمن برسانید و بدانید که زیر نظر خدا هستید .

- زره پوشان را در صف جلو و بی زرهان را در صفوف عقب قرار دهید و دندانها را بر هم بفشارید ، که این کار تاثیر شمشیر را بر سر کمتر می کند ، در اطراف نیزه ها پیچ و تاب خورید ، که با این کار در برابر نیزه ها بهتر می توان جا خالی کرد ، دیدگانتان را فرو اندازید که این کاریبتر قوت قلب و آرامش دل می بخشد ، صداهای خود را خاموش کنید که این کار در زدودن ترس و سستی مؤثرتر است .

--

--

- امام باقر یا امام صادق (ع) : اگر یک نفر مرجئی یا قدری و یا خارجی از قول ما حدیثی به شما گفت آن را دروغ بشمارید ، زیرا شما نمی دانید ، شاید سخن حقی در آن باشد و با تکذیب آن خدا را بفرز عرشش تکذیب کرده باشید .

- پیامبر خدا (ص) : هر کس حدیثی از من به او برسد و آن را انکار کند ، در روز رستاخیز من برضد او دادخواهی کنم پس هر گاه حدیثی از من به شما رسید که نمی دانید از من است یا نه بگویید : خدا بهتر می داند .

- هر کس حدیثی از من به او برسد و آن را دروغ بشمارد ، هر آینه سه کس را تکذیب کرده است : خدا و رسول او و کسی که حدیث را برایش بازگو کرده است .

ارائه اصول با ما و بدست آوردن فروع با شما.

- امام رضا (ع) : برماست که اصول را بیان داریم و بر شماست که فروع را استخراج کنید .

- امام صادق (ع) : ما وظیفه داریم اصول را برای شما بگوییم و شما موظفید فروع را از آنها استخراج کنید .

درستی حدیث و سازگاری آن با قرآن .

- پیامبر خدا (ص) : حدیث مرا با کتاب خدا بسنجید ، اگر موافق آن بود آن حدیث از من است و من آن را گفته ام .

- هر حقی حقیقتی دارد و هر امر درستی نوری ، پس آنچه با کتاب خدا سازگار بود آن را بپذیرید و اگر مخالف کتاب خدا بود رهاش کنید .

- امام صادق (ع) : هر حدیثی که با قرآن سازگار نباشد ، ساختگی است .

درستی حدیث و سازگاری آن با فطرت .

- پیامبر خدا (ص) : هر گاه از من حدیثی شنیدید که دلهایتان به (صحت) آن گواهی داد ، موها و پوست بدنانتان آن را خوش داشت و دیدید که به شما نزدیک است بدانید که من به آن سخن از شما نزدیکترم (آن را من گفته ام) اما اگر از قول من حدیثی شنیدید که دلهایتان با آن آشنا نباشد و موها و پوستهای بدنانتان از آن گریزان گردد و دیدید که از شما دور است بدانید که دوری من از آن سخن بیشتر است تا دوری شما از آن .

- هر حدیثی که از قول آل محمد ، صلوات الله علیهم ، به شما رسید و دلهایتان در برابرش نرم شد و با آن احساس آشنایی کردید آن

را بپذیرید و اگر دل‌هایتان از آن رمید و آن را بیگانه حس کردید آن را به خدا و پیامبر و عالم از خاندان محمد (ص) موکول کنید.

درستی حدیث و سازگاری آن با حق .

- پیامبر خدا (ص) : هر حدیثی که از من به شما می‌رسد اگر موافق حق بود من آن را گفته‌ام و اگر با حق سازگار نبود من نگفته‌ام ، زیرا من هرگز جز حق نمی‌گویم .
برای شناخت درستی احادیث ملاکها و موازین دیگری نیز هست که در کتابهای مربوط از آنها بحث شده است .

جایز بودن نقل به معنای حدیث .

- امام صادق (ع) : هرگاه حدیثی را درست فهمیدی و معنایش را رساندی هرگونه که می‌خواهی آن را بیان کن .
- در پاسخ به سؤال از نقل حدیث به معنای خود: اگر آن را درست فهمیدی اشکالی ندارد و مثل این است که بگویی : تعال و هلم (یعنی بیا)، واقعد و اجلس (یعنی بنشین) .
- محمد بن مسلم : به امام صادق (ع) عرض کردم : حدیثی را از شما می‌شنوم و آن را کم و زیاد می‌کنم فرمود: اگر معانی آن را برسانی اشکالی ندارد.
- پیامبر خدا (ص) : پس و پیش کردن کلمات حدیث ، در صورتی که معنایش را درست برسانی ، اشکالی ندارد .
- کم و زیاد کردن حدیث ، به شرط آن که (با این کار) حلالی را حرام یا حرامی را حلال نکنی و معنا را درست برسانی ، اشکالی ندارد .

آنچه باید در نقل حدیث رعایت کرد.

- پیامبر خدا (ص) : احادیثی از من را برای امتم بگویید که اندیشه آنها تحمل پذیرش آن را داشته باشد .
- ما فرمان داریم که با مردم در خور فهمشان سخن بگوییم .
- اگر حدیثی را برای مردم بگویی که اندیشه شان آن را بر نتابد بیگمان برخی از آنها را گرفتار فتنه (و گمراهی) خواهی کرد .
- هر کس حدیثی بشنود که تفسیرش رانه خود او بفهمد و نه آن کس که حدیث را برایش نقل کرده است ، آن حدیث مایه گمراهی او و کسی است که آن را نقل کرده است .
- امام علی (ع) : آیا دوست دارید خدا و پیامبرش دروغزن شمرده شوند؟
احادیثی را که مردم می‌شناسند برایشان بگویید و از گفتن آنچه نمی‌توانند بفهمند و انکار می‌کنند خودداری ورزید (در غیر این صورت حدیث را انکار می‌کنند و انکار آن به منزله دروغگو شمردن خدا و پیامبر و امام است) .
- پیامبر خدا (ص) : هرگاه با مردم از پروردگارش سخن گفتید چیزی نگویید که آنان را به وحشت اندازد و پذیرفتنش بر ایشان سنگین باشد .

دشواری فهم و تحمل برخی احادیث .

- امام صادق (ع) : همانا حدیث ما دشوار و بسیار سنگین است و آن را جز فرشته مقرب ، یا پیامبر مرسل ، یا بنده ای که خداوند دلش را با ایمان آزموده و یا شهری نفوذ ناپذیر بر نمی‌تابد .

عمرومی گوید: به شعیب --- راوی حدیث --- گفتم: ای ابا الحسن! منظور از شهر نفوذناپذیر چیست؟
گفت: من هم از امام صادق (ع) همین را پرسیدم، و آن حضرت فرمود: دل پهناور و استوار.

فراگیر بودن قرآن و سنت.

قرآن.

((هیچ جنبه‌ای در روی زمین نیست و هیچ پرنده‌ای بالهای خود در هوا نمی‌پرد مگر آن که چون شما امتهایی هستند ما در این کتاب هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم و سپس همه نزد پروردگارشان گردآورده می‌شوند)).
(امروز دین شمارا کامل کردم)).

- ابو اسامه: در خدمت امام صادق (ع) بودم و مردی از مغیره نیز حضور داشت او پیرامون سنتها از امام سؤال کرد امام فرمود: هیچ چیزی نیست که انسانها به آن نیاز داشته باشند مگر آن که از سوی خدا و پیامبرش درباره آن سنتی (دستوری) رسیده است اگر چنین نبود باحجت‌هایی که آورده بر ما اقامه حجت نمی‌کرد مغیری پرسید: خداوند با چه چیز بر ما اقامه حجت کرده است؟
امام صادق (ع) فرمود: این سخن خدا که می‌فرماید: ((امروز دین شما را برایتان کامل کردم)).
- پیامبر خدا (ص): هیچ چیزی نیست که شمارا به بهشت نزدیک کند و از دوزخ دور سازد، مگر این که درباره آن امر و نهی کرده ام.

علت پوشیده داشتن برخی دانشها و احکام.

- امام صادق (ع): به ابو بصیر فرمود: به خدا سوگند اگر در میان شما سه مؤمن راز دار می‌یافتم هرگز بر خود روا نمی‌شمردم که حدیثی را از آنان پوشیده دارم.
- امام باقر (ع): اگر من سه گروه ((۲)) می‌یافتم که شایستگی آن را داشتند تا دانش (خود) را به ایشان بسپارم، هر آینه می‌گفتم آن چیزی را که با وجود آن نیازی نبود به بررسی حلال و حرام و آن چه تا روز قیامت رخ خواهد داد، پرداخته شود.
- امام صادق (ع): اگر بیم آن نبود که به دست غیر شما بیفتد، کما این که قبلا کتابهای دیگر به دست غیر افتاد، هر آینه به شما کتابی می‌دادم که تاقیام قائم --- عجل الله تعالی فرجه --- نیاز به احدی پیدا نمی‌کردید.
- کسی را نمی‌یابم که برایش حدیث بگویم اگر به یکی از شما حدیثی بگویم هنوز آن شخص از مدینه خارج نشده آن حدیث نزد من آورده می‌شود (عده‌ای می‌آیند و می‌گویند شما این حدیث را گفته اید؟
(ومن می‌گویم: آن را نگفته ام).

علل اختلاف احادیث.

- امام صادق (ع): کسی که می‌داند ما جز حق نمی‌گوییم باید همین شناختش درباره ما او را بس باشد، پس اگر از ماسخنی شنید که با شناخت او از ما سازگار نیست باید بداند که آن سخن را برای دفاع از او گفته ایم و او را ترجیح داده ایم.
- به ابو عمرو کنانی فرمود: ای ابا عمرو! اگر برایت حدیثی گفتم یا فتوایی دادم و بعد دوباره آمدی و در همان موضوع از من سؤال کردی و من برخلاف سخن و فتوای قبلی خود به تو پاسخ و فتوا دادم به کدام گفته ام عمل می‌کنی؟
عرض کردم: جدیدتر را می‌گیرم و آن دیگری را رهامی کنم فرمود: درست گفתי ای ابا عمرو! خداوند جز این نخواهد که نهانی عبادت شود بدانیده خدا سوگند اگر این کار را بکنید برای من و خود شما بهتر است و خداوند برای ما و شما نسبت به

دینش جز تقیه نخواست است .

احادیث مشابه .

- امام رضا (ع) : در اخبار ما نیز همچون قرآن محکم و متشابه وجود دارد پس ، اخبار متشابه به ما را به محکمت آن ارجاع دهید وبدون توجه به محکمت آن از متشابهاتش پیروی مکنید که گمراه می شوید.

حدود.

هر چیزی حدی دارد.

قرآن .

((هیچ جنبه ای در روی زمین نیست و هیچ پرنده ای با بالهای خود در هوا نمی پرد، مگر آن که امتهایی چون شما هستند ما در این کتاب هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم و سپس همه نزد پروردگارشان گردآورده می شوند)).

- امام باقر (ع) : خداوند تبارک و تعالی برای هر چیزی حد و مرزی قرار داده و برای نشان دادن آن مرز ، نشانه ای گذاشته است و برای کسی که از آن حد فراتر رود حد معین کرده است .

- امام صادق (ع) : هیچ چیزی نیست مگر آن که همانند این خانه من حد و مرزی دارد، هرچه در کوچه است جز همان و هرچه داخل خانه است متعلق به خانه می باشد.

- خداوند هیچ حلال و حرامی را نیافریده است مگر آن که مثل همین خانه من حد و مرزی دارد حتی دیه وارد آوردن خراش و جز آن و یک تازیانه و نصف تازیانه .

- علی (ع) حلال و حرام اخبار را بیان می کرد و قرآن را آموزش می داد هر یک از این دو (حلال و حرام) حد و مرزی دارد.

- ابولبید بحرانی : مردی در مکه خدمت امام باقر (ع) رسید و عرض کرد : ای محمد بن علی ! شما می گویی هیچ چیز نیست مگر آن که حدی دارد ؟

امام باقر (ع) فرمود : آری ، من می گویم : هرچه خدا آفریده است ، از کوچک و بزرگ ، برایش حدی قرار داده است که اگر از آن حد بگذرد از حدی و مرزی که خدا برایش نهاده تجاوز کرده است .

عرض کرد : حد این سفره شما چیست ؟

فرمود : حدش این است که وقتی آن را می گشایی نام خدا را بری و چون آن را جمع می کنی خدا را سپاس گویی و زیرش را بروبی عرض کرد : حد این کوزه شما چیست ؟

فرمود : حدش این است که از دهانه آن و نیز از جای شکستگی اش آب نخوری .

- پیامبر خدا (ص) : هیچ چیز نیست که شمارا به بهشت نزدیک گرداند و از آتش دور کند مگر این که من درباره آن امر ونهی کرده ام .

دور کردن حدود و مجازاتها.

- پیامبر خدا (ص) : تا جایی که می توانید مجازاتها و حدود را از مسلمانان دور کنید اگر برای مسلمانان محمل و مفری یافتید او را آزاد کنید ، زیرا اگر امام در بخشودن خطا کند بهتر است که در کیفر دادن گرفتار خطا شود.

- تا زمانی که می‌توانید گریزگاهی پیدا کنید، از جاری ساختن حدود بر بندگان خدا خود داری ورزید.
- کیفرها را با شبهات دور کنید (با پیش آمدن تردید در مجرم بودن کسی از اجرای حد خودداری کنید).

جاری کردن حدود.

- پیامبر خدا (ص): جاری کردن یک حد از حدود الهی بهتر است از چهل شب بارش باران در سرزمینهای خدا.
- بر پا شدن یک حد (الهی) در روی زمین پاکیزه تر از عبادت شصت سال است.
- امام علی (ع): اگر حدود خدای سبحان را پاس دارید فضل و برکت خود را که وعده داده شده است سریعاً به شما ارزانی می‌دارد.
- و بر پاداشتن حدود برای اهمیت دادن به حرامهای خداست.
- امام صادق (ع) --- در توضیح آیه ((در دین خدا شمارا نسبت به آن دو رافت و دلسوزی نگیرد)) فرمود: یعنی در جاری کردن حدود.
- در سفارشهای خود به کسی فرمود: بر تو باد به اجرای حدود بر خویش و بیگانه و داوری بر اساس کتاب خدا در حال خشنودی و خشم، و تقسیم عادلانه (بیت المال) میان سفید و سیاه.
- پیامبر خدا (ص): از لغزشهای کریمان در گذرید مگر آن جا که پای حدی از حدود خدا در میان باشد.
- امام علی (ع): حال که ناچارید از یکدیگر پیشی بگیرید، پس در راه بر پاداشتن حدود خداوندو امر به معروف از هم سبقت بگیرید.

به کار نبستن حدود.

- امام صادق (ع): زنی را که در میان قوم و قبیله خود شرافت و حرمتی داشت به جرم دزدی نزد پیامبر آوردند پیامبر فرمود دست او را قطع کنند عده ای از قریش نزد پیامبر آمدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! دست زن شریفی مثل او را به خاطر خطای کوچکی قطع می‌کنی؟
- فرمود: آری، پیشینیان شما به سبب چنین کاری به نابودی افتادند آنها حدود و کیفرها را دوباره بیچارگان اعمال می‌کردند و با قدرتمندان و اشراف خود، کاری نداشتند از این رو هلاک گشتند.
- امام علی (ع): هیچ کس خوشبخت نشود مگر با اقامه حدود خداوند و هیچ کس به بدبختی نیفتد مگر به سبب فرو گذاشتن آن حدود.
- مرد شکم‌گنده رنجوری را که زنا کرده بود نزد پیامبر آوردند رسول خدا یک چوب خوشه خرما که صد سر شاخه داشت آورد و به عنوان حد یک ضربه به او نواخت، زیرا خوش نداشت که حدی از حدود خدا به کار گرفته نشود.

شفاعت و وساطت کردن در حدود روا نیست.

- امام صادق (ع): از پدرش از پدران او از رسول خدا (ص) نقل فرمود که: آن حضرت از شفاعت کردن در حدود نهی کرد.
- امام (ع) فرمود: هر کس برای اعمال نشدن حدی از حدود الهی پادر میانی کند و در راه از کار انداختن حدود او بکوشد، خداوند متعالی در روز قیامت عذابش کند.

- پیامبر خدا (ص) : به اسامه فرمود : ای اسامه ! در کار حد وساطت مکن .

- عایشه : زنی از بنی مخزوم کالا به عاریت می گرفت و سپس انکار می کرد (که کالایی گرفته است) پیامبر (ص) دستور داد دست او را قطع کنند خانواده آن زن نزد اسامه رفتند و از او خواستند نزد پیامبر (ص) وساطت کند اسامه نیز درباره آن زن با پیامبر (ص) صحبت کرد پیامبر (ص) فرمود : ای اسامه ! نینم درباره (جاری نشدن) حدی از حدود خدا صحبت می کنی ! پیامبر (ص) , سپس , به ایراد خطبه پرداخت و فرمود : پیشینیان شما از آن رو هلاک شدند که اگر در میان آنها نجیب زاده ای دزدی می کرد کاری به او نداشتند و اگر ضعیف و بیچاره ای دست به سرقت می زد دستش را می بریدند سوگند به آن که جانم در دست اوست اگر فاطمه دختر محمد هم این کار را می کرد دستش را قطع می کردم آن گاه دست آن زن مخزومی را قطع کرد.

- نقل شده است که امیر المؤمنین (ع) مردی از بنی اسد را به منظور جاری کردن حدی بر او بازداشت کرد بنی اسد نزد حسین بن علی (ع) رفتند و از او خواهش کردند پادر میانی کند آن حضرت نپذیرفت پس , نزد امیر المؤمنین رفتند و از ایشان خواهش کردند حد را جاری نکنند حضرت فرمود : هر چه از من بخواهید که مال من باشد البته به شما خواهم داد بنی اسد باخوشحالی امیر المؤمنین را ترک کردند پس , بر حسین (ع) گذشتند و سخن امیر المؤمنین (ع) را برای آن حضرت بازگو کردند حسین (ع) فرمود : اگر با رفیق خود کاری دارید برگردید شاید کارش تمام شده باشد آنان برگشتند و دیدند امیر المؤمنین (ع) حد را جاری کرده است گفتند : ای امیر المؤمنین ! مگر به ما قول ندادی ؟
حضرت فرمود : من به شما قول دادم که آنچه مال من باشد به شما بدهم و این حد از آن خداست و من مالک و اختیاردار آن نیستم .

- پیامبر خدا (ص) : هر کس با وساطت خود مانع جاری شدن حدی از حدود الهی شود پیوسته در خشم الهی به سر برد تا آن که وساطتش را پس بگیرد.

- امام علی (ع) : شفاعت کردن در حدودی که مردم حق دارند در آنها وساطت کنند اشکالی ندارد به شرط آن که به امام ارجاع نداده باشند اما بعد از آن که حد به امام ارجاع داده شد هیچ شفاعتی پذیرفته نیست .

در حد, کفالت (ضمانت تن) پذیرفته نمی شود.

- امام علی (ع) : در هیچ حدی از حدود ضمانت وجود ندارد.

- امام صادق (ع) : پیامبر خدا (ص) فرمود: در هیچ حدی ضمانت پذیرفته نمی شود.

- امیر المؤمنین (ع) چنین قضاوت فرمود که در حد ضمانت پذیرفته نمی شود.

در حد جای سوگند نیست .

- امام علی (ع) : کسی که باید حد بخورد سوگند داده نمی شود.

- پیامبر خدا (ص) : در حد نه وساطت پذیرفته است , نه ضمانت و نه سوگند.

- امام صادق (ع) : مردی کسی را نزد امیر المؤمنین (ع) آورد و عرض کرد : این مرد به من تهمت زده است او برای ادعای خود دلیلی نداشت , لذا عرض کرد , ای امیر المؤمنین او را سوگند بده حضرت فرمود : در حد سوگند وجود ندارد و در استخوان قصاص نیست .

نهی از تاخیر در اجرای حدود.

- امام علی (ع) : هرگاه حد واجب شد، باید آن را به کار بست، در اجرای حدود تاخیر و انتظار کشیدن روا نیست.
- امام باقر (ع) : سه نفر شهادت دادند که مردی زنا کرده است امیر المؤمنین (ع) فرمود : نفر چهارم کجاست ؟
- گفتند : الان می آید امیر المؤمنین (ع) فرمود : این سه نفر را حد بزنید، زیرا در حدود حتی یک لحظه انتظار کشیدن روا نیست.
- امام علی (ع) : هرگاه در حد پای ((شاید)) و ((امیداست)) به میان آید حد به تعطیلی کشانده می شود.

نهی از تجاوز کردن از حدود.

- قران .
- ((اینها حدود خداست، از آنها تجاوز مکنید و هرکس از حدود خدا فراتر رود، آنان همان ستمکارانند)).
- ((و هرکس از حدود الهی تجاوز کند، هر آینه به خود ستم کرده است)).
- ((هرکس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود او فراتر رود، خداوند او را به آتش ابدی برد و برایش عذابی خوارکننده باشد)).
- پیامبر خدا (ص) : خداوند برای شما حدودی معین کرده است، از آنها تجاوز نکنید.
- امام باقر (ع) : امیر المؤمنین (ع) به قنبر دستور داد مردی را حد بزند قنبر از روی عصبانیت سه تازیانه بیشتر زد علی (ع) قنبر را با سه تازیانه قصاص کرد.
- عبدالله بن معقل : علی دستور داد مردی را تازیانه بزنند جلاد دو تازیانه بیشتر زد علی او را با دو تازیانه قصاص کرد.
- پیامبر خدا (ص) : (در روز قیامت) حاکمی را که یک تازیانه از حد کاسته است می آورند او می گوید : پروردگارا! از روی دلسوزی به بندگان این کار را کردم خداوند به او می فرماید : آیا تو به آنان از من دلسوزتری ؟
- ! آن گاه دستور داده می شود او را در آتش افکنند سپس کسی را که یک تازیانه بیشتر زده است می آورند او نیز می گوید : برای آن تازیانه ای بیشتر زدم تا از گناهانت باز ایستند پس فرمان می رسد که او را نیز در آتش افکنند.
- امام باقر (ع) : درباره آیه ((اینها حدود خداست، از آنها تجاوز نکنید و هرکس از حدود خدا تجاوز کند پس همانانند ستمگران)) فرمود : خداوند بر زناکار خشم آورده و صد تازیانه برای او قرار داده است پس هرکس از روی خشم بیش از این بزند من نزد خداوند از او بیزاری می جویم .

نقش جاری کردن حدود در پاک کردن گناه.

- پیامبر خدا (ص) : هر که گناهی کند و حد آن گناه بر او جاری شود، همان کفاره اوست .
- هر که در دنیا گناهی مرتکب شود و به سبب آن مجازات گردد، خداوند داد گزتر از آن است که بنده خود را دوباره (در آخرت) کیفر دهد.
- شمشیر بر هیچ جرم و گناهی نگذرد، مگر این که آن را پاک کند.
- سنگسار شدن کفاره گناهی است که (آن زن) کرده است .
- امام علی (ع) : هرگاه خداوند بنده مؤمنی را در این دنیا کیفر دهد بخشنده تر و بزرگوarter از آن است که روز قیامت نیز او را دوباره کیفر دهد.

نهی از اهانت کردن به شخص حد خورده .

- پیامبر خدا (ص) --- دستور داد مردی را سنگسار کردند --- مردم گفتند: او آدم پلیدی است پیامبر فرمود: نگو پلید است و زیرا به خدا سوگند که او نزد خداوند از رایحه مشک خوشتر و پاکیزه تر است .

- مرد زناکاری را سنگسار کرد مردی به رفیق خود گفت: او مثل سگ کشته شد پیامبر با آن دو بر لاشه مرداری گذشتند و به آنان فرمود: با دندان خود تکه ای از این لاشه را برکنید عرض کردند: ای رسول خدا! درود خدا بر تو و مرداری را گاز بگیریم؟ فرمود: آنچه از برادران برگرفتید گندیده تر از این لاشه است .

- عبدالرحمن بن ابی لیلی: علی (ع) بر مردی حد جاری کرد مردم شروع کردند به دشنام دادن و لعن کردن او علی (ع) فرمود: او از این گناه خود دیگر باز خواست نخواهد شد.

- زنی که از زنا آبهستن شده بود خدمت پیامبر خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من سزاوار حد شده ام آن را بر من جاری کن! پیامبر خدا سرپرست آن زن را احضار کرد و فرمود: با او مدارا کن تا وضع حمل کند آن گاه نزد من بیاورش آن مرد چنین کرده پس پیامبر خدادستور داد جامه آن زن را رویش کشیدند و او را پوشاندند سپس فرمود: سنگسارش کردند و آن گاه بر وی نماز خواند عمر عرض کرد: یا رسول الله! بر این زناکار نماز می خوانی؟

پیامبر فرمود: هر آینه او چنان توبه ای کرد که اگر توبه اش میان هفتاد نفر از مردم مدینه تقسیم شود همه را در برگیرد آیا توبه ای برتر از این دیده ای که به خاطر خدای تعالی خودش را فدا کرد؟

در صورت اعتراف مجرم به گناه امام اجازه دارد او را ببخشد.

- سارق را نزد علی (ع) آوردند و او به سرقت خود اعتراف کرد علی (ع) به او فرمود: آیا از قرآن چیزی حفظ داری؟ عرض کرد: آری و سوره بقره را حضرت فرمود: دستت را به سوره بقره بخشیدم اشعث به امام گفت: حدی از حدود خدا را تعطیل می کنی؟

حضرت فرمود: تو چه می دانی؟

اگر بینه اقامه شود، امام حق عفو مجرم را ندارد اما اگر مردی اعتراف کند که دزدی کرده است اختیار با امام است که او را ببخشد یا کیفر دهد.

مباح کردن خون .

- محمد بن عیسی بن عبید: امام ابوالحسن عسکری (ع) دستور قتل فارس بن حاتم قزوینی را صادر فرمود و برای کشنده او بهشت راضمانت کرد جنید او را به قتل رساند فارس شیطان صفتی بود که مردم را به گمراهی می کشاند و به کارهای بدعت آمیز فرا می خواند پس و از ابوالحسن دستور آمد: این فارس ملعون به نام من مردم را گمراه می کند و به بدعت فرامی خواند خونش برای هر که او را بکشد مباح است کیست که او را بکشد و مرا از شرش آسوده گرداند تا در عوض من نزد خداوند برایش بهشت راضمانت کنم؟

- پیامبر خدا (ص): هر کس شمشیر بکشد خونش هدر است .

- جابر: رسول خدا (ص) فرمود: چه کسی کار کعب بن اشرف را می سازد؟

زیرا که او خدا و پیامبرش را آزرده است محمد بن مسلمه گفت: ای پیامبر خدا! می خواهی او را بکشم؟

فرمود: آری عرض کرد: اجازه فرما که چیزهایی را که لازم است بگویم فرمود: بگو پس محمد نزد کعب رفت و با او سخنانی گفت و از گذشته خود با وی سخن گفت و اظهار داشت: این مرد (یعنی پیامبر(ص)) خواسته خوبی کند اما ما را به رنج و زحمت انداخته است وقتی کعب سخنان محمد را شنید گفت: به خدا قسم که تو نیز از او (پیامبر) دلگیری.

محمد بن مسلمه با کعب وعده گذاشت که با حارث و ابی عبس بن جبر و عباد بن بشر نزد وی بیایند آنها نزد کعب آمدند و شب او را دعوت کردند و کعب نزد آنان رفت.

محمد به آن سه نفر گفت: وقتی آمد من دستم را به طرف سر او دراز می کنم وقتی سرش رامحکم گرفتم شما حمله کنید.

کعب حمایل بسته نزد آنان آمد آنها گفتند: بوی عطر از تو به مشامان می رسد کعب گفت: آری، فلانی را به همسری دارم که خوشبوترین زن عرب است محمد گفت: اجازه می دهی از این عطر ببویم کعب گفت: بله، بو کن، محمد بدن او را بو کرد سپس گفت: اجازه می دهی باز هم ببویم؟

در این هنگام محمد سر کعب را توانست بگیرد سپس گفت: حمله کنید و او را کشتند.

- پیامبر خدا (ص): به مسلمانانی که گردش را گرفته بودند فرمود: ای مردم! پس از من دیگر پیامبری نخواهد آمد و بعد از سنت من نیز سنتی وجود نخواهد داشت پس، هر کس چنین ادعایی کند ادعا و بدعت او هر دو در دوزخند و هر کس ادعای پیامبری کرد بکشیدش.

کسی که حد خورده بار سوم باید کشته شود.

- امام کاظم (ع): کسانی که به سب ارتکاب گناهی کبیره دوبار حد بخورند بار سوم باید کشته شوند.

- امام رضا (ع): علت آن که دربار سوم حد قتل (بر زانی و زانیه) جاری می شود این است که تازیانه خوردن را به چیزی نمی گیرند و به آن اهمیتی نمی دهند چندان که گویی در کار زنا آزادند و سر خود علت دیگرش این است که کسی که خدا و حد را ناچیز و خفیف بشمارد کافر است و به سب کافر شدن مستوجب قتل می باشد.

جاری کردن حد در سرزمین دشمن.

- امام علی (ع): در سرزمین دشمن بر هیچ کس حدی جاری نمی کنم تا زمانی که از آن جا خارج شود، زیرا ممکن است غیرتی شود و به دشمن پیوندد.

تعزیر.

- حماد بن عثمان می گوید از امام صادق (ع) درباره تعزیر پرسیدم، فرمود: پایین تر از حد است عرض کردم: کمتر از هشتاد تازیانه؟

فرمود: نه، بلکه کمتر از چهل تازیانه که حد برده می باشد عرض کردم: چقدر است؟

فرمود: بسته به نظر حاکم دارد که ببیند جرم فرد و توان بدنی او چه اندازه است.

- پیامبر خدا (ص): بیشتر از ده ضربه نباید زد مگر آن جا که پای حدی از حدود خدا در میان باشد.

- برای گوشمالی دادن بیشتر از سه ضربه نباید بزنی اگر بیشتر بزنی در روز قیامت قصاص خواهی شد.

- بر هیچ مؤمن به خدا و روز واپسین روا نباشد که از ده تازیانه بیشتر بزند مگر آن که پای حدی در میان باشد.
- بر هیچ حاکمی که به خدا و روز واپسین ایمان دارد روا نیست که بیش از ده تازیانه بزند مگر آن جا که حد باشد.
- امام صادق (ع) : در پاسخ به این سؤال که اندازه تعزیر چقدر است ؟
فرمود : بین ده تا بیست تازیانه .

آداب جاری کردن حد.

- در مناقب آمده است : زمانی که امیرالمؤمنین (ع) عمرو بن عبدود را در چنگ خود گرفتار کرد او را نکشت و اندکی درنگ کرد ، افراد زبان به نکوهش از علی گشودند حدیفه به دفاع از آن حضرت برخاست پیامبر (ص) فرمود: آرام باش ای حدیفه ! بزودی علی (ع) علت درنگ خود را خواهد گفت .
- علی (ع) سپس عمرو را کشت وقتی برگشت ، پیامبر (ص) علت درنگش را جویا شد، عرض کرد: او مادرم را دشنام داد و به صورتم آب دهان انداخت و من ترسیدم اگر او را بکشم برای تسکین خودم باشد ، لذا رهایش کردم تا خشمم فرو نشست ، سپس او را به خاطر خدا کشتم .

جنگ .

جنگ .

- امام حسین (ع) : بدانید که جنگ شرش شتابنده است و طعمش زشت و نفرت انگیز، هر کس خود را برای آن آماده کند و ساز و برگش را فراهم آورد و پیش از فرا رسیدن هنگام جنگ پیکر خود را از زخمهای آن دردمند نکند جنگ را برده است ، اما آن که پیش از رسیدن فرصت و زمان جنگ و آگاه شدن از توانایی جنگی خود به آن مبادرت ورزد مستحق همان است که سپاهیان خود را سودی نرساند و خویشان را نیز به نابودی اندازد.
- امام علی (ع) : بسا جنگی که سودش بیشتر از صلح است .

عوامل جنگ افروز.

- امام علی (ع) : اختلاف و ناسازگاری جنگ خیز است .
- لجاجت خیزشگاه جنگهاست .
- از لجاجت بیجا و نکوهیده پرهیز که آن جنگها بر می افروزد.

جنگ با حق ستیزان .

- امام علی (ع) : به جان خودم سوگند که در جنگ با حق ستیزان و فرو رفتگان در ورطه گمراهی ، هرگز سازشکاری و سستی روانمی دارم پس ، ای بندگان خدا ! از خدای پرهیزید و از (عذاب) خدا به خدا بگریزید و در راه روشنی که فراپیش شما نهاده است پیش روید و به آنچه شما را بدان مکلف فرموده قیام کنید اگر در این دنیا پیروزی نصیب شما نشد ، علی پیروزی در آن دنیا را برای شما ضمانت می کند.

جنگیدن با مسلمان .

- پیامبر خدا (ص): جنگیدن مسلمان با برادر خود کفر است و دشنام دادن به او فسق .

غافلگیر کردن دشمن .

- امام علی (ع): پیش از آن که دشمن بر شما بتازد بر او یورش برید , زیرا به خدا سوگند هیچ ملتی در میان سرزمین خود مورد حمله قرار نگرفت , جز آن که به خاک مذلت افتاد .
- هان ! من شما را شب و روز و در آشکار و نهان به نبرد با این قوم فرا خواندم و به شما گفتم : پیش از آن که آنان به شما یورش آورند , شما بر آنان بتازید , زیرا به خدا سوگند با هیچ مردمی در دل سرزمین خودشان جنگ نشد مگر آن که به خواری افتادند .

تشویق به جنگ در راه خدا .

قرآن .

((ای کسانی که ایمان آورده اید ! چیست که چون به شما گویند برای جنگ در راه خدا بیرون شوید کندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شده اید؟ متاع این دنیا در برابر متاع آن سرا اندکی بیش نیست)) .

((سبکبار و گرانبار , بسیج شوید و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر بدانید)).

- امام علی (ع): رحمت خدا بر شما باد ! به پیکار با دشمن خود بیرون روید و کندی نکنید که با خواری و خفت بر جای خواهید ماند و پست ترین چیز دنیا (فرومایگی و ذلت) نصیبتان خواهد شد همانا سرباز رزمنده بیدار است و آن [رزمنده ای] که در خواب غفلت به سر برد بداند که دشمنش از او غافل نیست .

خداوند رزمندگان در راه خود را دوست دارد .

قرآن .

((خداوند کسانی را که در راه او در صفوفی همچون دیوار سربی می جنگند دوست دارد)).

- امام علی (ع): در خطبه ای که در جنگ صفین ایراد کرد فرمود : ای مردم ! خدای بلند نام , شمارا به تجارتی رهنمون شده که شما را از عذاب می رهاند و به خیر و خوبی نزدیک می گرداند آن تجارت عبارت است از ایمان به خدا و رسولش و پیکار کردن در راه او , ثواب آن (جهاد) را آمرزش گناهان قرار داده و خانه هایی پاکیزه در بهشتهای جاویدان و البته رضوان و خشنودی خدا برتر است (از اینها) او کسی را که دوست دارد به شما معرفی کرده و فرموده است : ((خدا دوست دارد کسانی را که می جنگند)) پس صفوف خود را همچون ساختمانی بر افراشته از سرب استوار کنید , زره پوشان را جلواندازید و بی زرهان را در صفوف عقب قرار دهید .

نهی از جنگیدن با این گروهها .

- امام علی (ع): با کسی که به دین چنگ آویخته است مجنگ , زیرا آن که با دین پنجه افکند در هم شکسته شود .
- با آن که حق را یار و پشتیبان خود گرفته است , مستیز که ستیزنده با حق شکست خورد .

نکاتی که پیش از شروع جنگ باید رعایت کرد.

- پیامبر خدا (ص): با مردم مدارا کنید و به آنها فرصت دهید و پیش از آن که به حق دعوتشان کنید بر ایشان متازید، زیرا که اگر مردمان روی زمین را، از شهرنشین و چادر نشین، مسلمان نزد من آورید خوشتر دارم تا زنان و فرزندانشان را (اسیر) نزد من آورید و مردانشان را بکشید.
- امام علی (ع): در صفین فرمود: به خدا سوگند یک روز جنگ را به تاخیر نینداختم مگر از این رو که امید داشتم گروهی به من پیوندند و به سبب من هدایت شوند و در پرتو من بیارامند، این را خوشتر دارم تا آنان را در حال که گمراهند بکشم.
- به فرزند خود حسن (ع) فرمود: هرگز مبارز مطلب، اما اگر به مبارزه دعوت شدی بپذیر، زیرا آن که به مبارزه فرا خواند سرکش است و سرکش به خاک افتد.

دعا در هنگام رو به رو شدن با دشمن.

- پیامبر خدا (ص): هرگاه به جنگ می رفت، می گفت: خدایا! تو پشتیبان و یاور منی، از تو نیرو می گیرم و با یاری تو حمله می برم و با کمک تو می جنگم.
- از دعای امام علی (ع) در آن هنگام که آهنگ رو یا رویی با سپاه معاویه در صفین کرد: خدایا! ای پروردگار آسمان برافراشته اگر ما را بر دشمنان پیروز گردانیدی از ستم و تجاوزگری بدورمان دار و در راه حق استوارمان گردان و اگر آنان را بر ما چیره ساختی شهادت را روزیمان کن و از فتنه و گمراهی محفوظمان دار.
- امام علی (ع): در هنگام رویاروی شدن با دشمن در جنگ می گفت: خدایا! دلها به سوی تو پر کشیده و گردنها سوی تو کشیده شده است پروردگارا! از نبودن پیامبرمان و زیادی دشمنانمان و پراکندگی خواسته هایمان، به درگاه تو شکایت می آوریم.
- در روز صفین چنین دعا کرد: از نبودن پیامبرمان و فراوانی دشمنانمان و اندک بودن شمارمان و سختگیری زمان بر ما و سر برداشتن فتنه ها بر ضد ما، به تو شکایت می کنیم با پیروزی هر چه زودتر و با آن نصرتی که بدان قدرت حق را می افزایی و چیره اش می گردانی ما را در برابر دشمنانمان یاری رسان.
- هرگاه رهسپار جنگی می شد، پیش از آن که بر مرکب بنشیند نام خدا را می برد و می گفت: --- خدا را بر نعمتها و فضلی که به ما بخشیده است سپاس می گوئیم، پاک و منزّه است خدایی که این (مرکب) را رام ما ساخت و گرنه ما را توان آن نبود آن گاه رو به قبله می کرد و دستان خود را به آسمان بر می داشت و عرض می کرد: پروردگارا! گامها به سوی تو روان است و پیکرها خود را برای تو به رنج می افکنند و دلها به سوی تو پر می کشد و دستها به سوی تو برداشته شده است و دیدگان خیره توست.
- امام صادق (ع): امیرالمؤمنین هرگاه می خواست به جنگ رود این دعاها را می خواند: خدایا! تو این راه را به ما نشان دادی و خشنودیت را در آن قرار دادی و دوستانت را به سوی آن فراخواندی و آن را ارزشمندترین راه خود دانستی.
- امام علی (ع) --- هرگاه با دشمن رویاروی می شد عرض می کرد: --- خدایا! تو نگهبان و یاور من هستی و از آسیبها حفظ می کنی خدایا! به کمک تو یورش می برم و با یاری تو می جنگم.

پیشقراولان سپاه.

- امام علی (ع) --- در سفارش خود به زیادابن نصر فرمود ---: بدان که پیشقراولان سپاه چشمهای آن هستند و چشمان

پیشقراولان، طلایه داران ایشانند پس، هرگاه از مرزهای سرزمین خود بیرون رفتی و به دشمن نزدیک شدی بیدرنک طلایه داران را در هر سو و در پاره ای از دره ها و درخت زارها و کمینگاهها و در هر گوشه ای بگمار تا دشمن در کمین شما نباشد و ناگهان بر شما نتازد.

آموزشهای نظامی.

- امام علی (ع): در آموزش فنون جنگ و جنگجویی می فرماید: ای گروه مسلمانان! خدا ترسی را جامه زیرین خود کنید و ردای آرامش را بپوشید و دندانهایتان را برهم بفشیرید، زیرا که این کار تاثیر شمشیرها را بر سرکتر می کند، زره کامل بپوشید و پیش از بر کشیدن شمشیرها آنها را در نیامشان بجنبانید و خشمگنانه با گوشه چشم بنگرید و از چپ و راست نیزه بزنید و با تیزی شمشیرها ضربه زنید و با پیش نهادن گامهایتان شمشیرها را به دشمن برسانید و بدانید که زیر نظر خدا هستید.

- زره پوشان را در صف جلو و بی زرهان را در صفوف عقب قرار دهید و دندانها را بر هم بفشارید، که این کار تاثیر شمشیر را بر سرکتر می کند، در اطراف نیزه ها پیچ و تاب خورید، که با این کار در برابر نیزه ها بهتر می توان جا خالی کرد، دیدگانتان را فرو اندازید که این کار بیشتر قوت قلب و آرامش دل می بخشد، صداهای خود را خاموش کنید که این کار در زدودن ترس و سستی مؤثرتر است.

--
--

- در قسمتی از نامه خود به فرماندهان سپاهش می فرماید: از بنده خدا علی بن ابی طالب امیرمؤمنان به نیروهای مسلح: اما بعد، بر والی است که به سبب نعمتهای فراوانی که بدو رسیده رفتارش نسبت به مردم تغییر نکند اگر چنین کردم بر خداست که شمارا نعمت ارزانی دارد و بر شماست که از من فرمان برید و هرگاه شمارا فرا خواندم درنگ نکنید و در انجام کارهای درست کوتاهی نورزید و در راه حق در گرداب سختیها فرو روید، اما اگر در این کارها با من راست و صادق نباشید هیچ کس در نظر من خوارتر از آن نباشد که کجراهه می رود در این وقت او را کیفری سهمگین خواهم داد و او از کیفر من رهایی نخواهد یافت شما نیز از فرماندهان خود همین پیمان را بگیرید.

- در قسمتی از سخنان آن حضرت در میدان جنگ صفین آمده است: هرکدام شما که در هنگام رویارویی با دشمن در دل خویش احساس دلیری داشت و در برادر خود ترس و خوفی دید، باید به سبب برتری و دلیری که خداوند ارزانیست داشته است دل در دهن مشد اب ی یورایور از برادر خویش دفاع کندهمان گونه که از خویشتن دفاع می کند، زیرا که اگر خدا می خواست او را نیز همچون وی دلیر می آفرید.

آداب جنگ.

- امام علی (ع): با دشمن نجنگید تا او جنگ را آغاز کند، زیرا شما بحمدالله حجت دارید و این که شما آنان را بگذارید تا آغازگر جنگ باشند حجت دیگری است در دست شما برای آنان اگر به اذن خداوند دشمن شکست خورده و فراری شد پشت کرده را نکشید و به آن که در چنگتان گرفتار آمده است صدمه نزنید و کار زخمی را نسازید و زنان را با آزار و اذیت برنیانگیزید.

در نقل دیگری از این خبر آمده است: ((عورتی را کشف نکنید و کشته ای را مثلثه ننمایید)).

- پیامبر خدا (ص): سالخوردهگان فوتوت و کودکان خردسال و زنان را نکشید، در غنایم خیانت نکنید و غنایم خود را سر

جمع کنید و رفتاری شایسته و نیکو داشته باشید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

- چه شده است که نسل کشی می کنید؟

مگر نه این که بهترینهای شما فرزندان همین مشرکان هستند؟

سوگند به آن که جان محمد در دست اوست هیچ نفسی به دنیا نمی آید مگر بر فطرت و سرشت توحید تا آن که زبانش آن را آشکار کند.

- امام علی (ع): رسول خدا (ص) از مسموم کردن شهرهای مشرکان نهی فرمود.

- پیامبر خدا (ص): فرستادگان و گروگانها را نباید کشت.

- امام سجاد (ع): اگر اسیری گرفتی که قدرت راه رفتن نداشت و تو وسیله ای برای حمل او نداشتی او را نکش و آزادش کن و زیرانی دانی که حکم امام درباره او چیست؟

- پیامبر خدا (ص): هیچ انسان و حیوانی را مثله نکنید.

- امام صادق (ع): رسول خدا (ص) هرگاه می خواست سپاهی را گسیل دارد، آنها را فرا می خواند و در برابر خود می نشاند و می فرمود: به نام خدا و با یاری خدا و در راه خدا و بر آیین پیامبر خدا رهسپار شوید، در غنایم خیانت نکنید، دست به مثله کردن نزنید، نیرنگ به کار نبرید، پیرمرد رفتنی و کودک خردسال و زن را نکشید و درختی را قطع نکنید مگر ناچار شوید.

جنگ نیرنگ است.

- ابن عباس: پیامبر خدا (ص) یکی از اصحاب خود را مامور کشتن یک نفر یهودی کرد او عرض کرد: ای رسول خدا! در صورتی از عهده این کار بر می آیم که دستم را باز بگذارید پیامبر خدا (ص) فرمود: اصولاً جنگ حيله و نیرنگ است، هر کار می خواهی بکن.

- پیامبر خدا (ص): جنگ نیرنگ است.

- هرچه به نظرت می رسد بگو، زیرا جنگ نیرنگ است.

- دشمن را از جنگ با ما منصرف کن، که جنگ مکر و نیرنگ است.

- عدی بن حاتم: روزی که امیر المؤمنین (ع) در صفین با معاویه رو به رو شد با صدای بلند که یارانش بشنوند فرمود: به خدا قسم معاویه و یاران او را می کشم سپس در پایان این جمله آهسته گفت: ان شا الله من که نزدیک آن حضرت بودم عرض کردم: ای امیر مؤمنان! شما برای گفته خود سوگند خوردید و سپس ان شا الله گفتید، منظورتان چه بود؟!

حضرت فرمود: همانا جنگ مکر و نیرنگ است من در نظر مؤمنان هرگز دروغگو نیستم خواستم یاران خود را علیه سپاه معاویه برانگیزم تا دچار سستی نشوند بلکه به پیروزی امیدبندند به خواست خدای بزرگ فردا موضوع را به آنها خواهم گفت.

- امام باقر (ع): علی (ع) می فرمود: اگر پرنده مرا برآید خوشتر است نزد من تا به پیامبر سخنی را نسبت دهم که نفرموده است شنیدم پیامبر خدا (ص) در جنگ خندق می فرمود: جنگ یعنی خدعه و نیرنگ و می فرمود: هرچه می خواهید بگویید.

- در جنگ احزاب میان علی (ع) و عمرو بن عبدود سخنانی گذشت علی به او فرمود: ای عمرو! (در بزدلی تو) همین بس نیست که من به جنگ تن به تن با تو آمده ام و تو که شهبوار عربی با خودت کمک آورده ای؟

عمرو برگشت که پشت سر خود را نگاه کند امیر المؤمنین (ع) بیدرنگ چنان ضربه ای بر دو ساق پای او وارد آورد که از پیکرش

جدا شدند و گرد و غباری به هوا برخاست آن حضرت در حالی که بر اثر ضربت عمرو خون از فرقش می ریخت و از شمشیرش نیز خون می چکید نزد رسول خدا (ص) برگشت رسول خدا (ص) فرمود: ای علی! فریض دادی؟ عرض کرد: آری، ای رسول خدا! جنگ نیرنگ است.

نهی از فرار از جنگ.

قرآن .

((جز آنها که برای ساز و برگ نبرد باز می گردند یا آنها که به یاری گروهی دیگر می روند، هر کس که پشت به دشمن کند مورد خشم خدا قرار می گیرد و جایگاه او جهنم است و جهنم بد جایگاهی است)).

- امام علی (ع): به یارانش در جنگ صفین فرمود: پیاپی یورش برید و از گریختن شرم کنید، که گریز از میدان جنگ ننگی است جاویدان در میان اعقاب و روزگاران آینده و موجب آتش در روز حسابرسی با رضایت خاطر بکنید و شادمان و سبک جان به سوی مرگ گام بردارید.

- سوگند به خدا که اگر از شمشیرهای این جهان بگریزید از شمشیرهای آخرت جان سالم به در نخواهید برد، شما بزرگان و مهتران عرب هستید، پس از گریختن شرم کنید که فرار از میدان نبرد جامه ننگ پوشیدن است و به آتش رفتن .

- گریزی که در پی آن بازگشت باشد و شکستی که در پی اش حمله، بر شما سخت و ناگوار نیاید، حق شمشیرها را بگزارید.

- به خدا سوگند اگر از شمشیر این دنیا بگریزید، از شمشیر آن جهان نخواهید رهید شما اشراف و بزرگان عرب هستید همانا فرار از جنگ موجب خشم خداوند و خواری و ننگ جاویدان است به زندگی گریزنده هرگز چیزی افزوده نگردد و چیزی مانع مرگش نشود کیست که همچون تشنه‌ای که به آب می رسد به سوی حق رود؟

بهشت زیر لبه‌های نیزه هاست امروز نهانها آزموده و آشکار می شوند به خدا سوگند که من به رویا رویی آنان بیش از آن اشتیاق دارم که آنها برای رسیدن به خانه‌های خود مشتاقند.

- از سفارشهای جنگی آن حضرت به یارانش ---: ترس و هراس از جنگیدن با کسانی که سزاوار جنگند و در راه گمراهی متحد شده‌اند، مایه گمراهی در دین و از دست دادن دنیا با خواری و خفت است در هنگام فرار رسیدن پیکار، گریختن از میدان جنگ موجب دوزخی شدن است خدای تعالی می فرماید: ((ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه با کافران رویا روی شدید پشت نکنید و نگریزید)).

- امام رضا (ع): خداوند فرار از میدان جهاد را حرام کرده است، چون باعث ضعف دین و خفیف شدن پیامبران و پیشوایان عادل (ع) است .

- امام علی (ع): من هرگز از میدان جنگ نگریخته‌ام و احدی به رزم من نیامده مگر این که زمین را از خون او سیراب کرده‌ام .
- پیامبر خدا (ص): ای ابوذر! پروردگارت عزوجل، به وجود سه نفر بر فرشتگانش می‌بالد: مردی که در جایی تنها باشد و (به وقت اذان) اذان بگوید و نماز بخواند پروردگارت به فرشتگان می‌فرماید: ببینید بنده من نماز می‌خواند و هیچ کس جز من او را نمی‌بیند پس هفتاد هزار فرشته به زمین فرود آیند و پشت سر او به نماز ایستند و تا فردای آن روز برایش آموزش می‌طلبند.

و مردی که شب هنگام در تنهایی برخیزد و نماز گزارد و سجده کند و در حال سجده خوابش برد پس، خدای تعالی فرماید: به بنده من بنگرید که روحش نزد من است و بدنش در طاعت من سجده کنان و مردی که در میدان جهاد باشد و همزمانش بگریزند و او همچنان پایداری ورزد و بجنگد تا کشته شود.

چه وقت فرار از جنگ رواست؟

قرآن:

((ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند بر دویست تن غلبه خواهند یافت و اگر صد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می شوند زیرا آنان مردمی عاری از فهمند)).

- امام صادق (ع): هر کس در جنگ از برابر دو مرد بگریزد، کارش گریختن به شمار می آید و اگر در جنگ از برابر سه نفر بگریزد کارش گریختن به شمار نمی آید.

- پیامبر خدا (ص): گریختن به موقع پیروزی است.

- امام علی (ع): گریختن به جا برابر با پیروزی به موقع است.

- خداوند جنگیدن را بر این امت واجب فرمود و مقرر داشت که هر یک مرد با ده مشرک بجنگد، می فرماید: ((اگر از شما بیست تن باشند که پایداری ورزند بر دویست نفر پیروز شوند)) خدای سبحان سپس این آیه را نسخ کرد و فرمود: ((اینک خداوند بار شما را سبک گردانید)) از آن پس وظیفه مؤمنان در جنگ این شد که اگر تعداد مشرکان بیشتر از دو مرد در برابر یک مرد باشد فرار کننده از جنگ فراری محسوب نمی شود.

به کارگیری انواع جنگ افزارها در جنگ.

قرآن:

((تا می توانید در برابر آنان نیرو فراهم آورید)).

- امام علی (ع): مشرکان را با هر وسیله ممکن، از آهن و سنگ و آب و آتش و جز اینها، باید کشت آن حضرت فرمود که رسول خدا (ص) اهل طائف را به منجیق بست امام (ع) فرمود: اگر در قلعه به همراه مشرکان گروهی از مسلمانان نیز وجود داشتند و مشرکان از خروج آنان جلوگیری کردند و آنان را در برابر خود سپر تیر نکردند به سوی مشرکان تیر اندازی کنید و به مسلمانان اگر به زور در داخل قلعه نگهداری شده اند هشدار دهید و تا می توانید به آنها آسیبی نرسد و چنانچه به یکی از آنها تیر زدید باید دیه اش پرداخت شود.

- حفص بن غیاث: از امام صادق (ع) پرسیدم آیا جایز است در شهری که مردم آن حربی هستند و داخل آن زن و کودک و پیرمرد و اسرای مسلمان و تجار به سر می برند، آب انداخت و آن را به آتش کشید یا آن را به منجیق بست تا مردمش کشته شوند؟

فرمود: این کار را باید با آنان کرد و به خاطر وجود چنین افرادی نباید از مردمان حربی شهردست کشید و مسلمانان در قبال آنها نه دیه ای به گردن دارند نه کفاره ای.

طولانی شدن جنگ.

- امام علی (ع) در قسمتی از نامه جوایبه خود به معاویه می فرماید: اما این که گفته ای ((جنگ عرب را در کام خود فرو برده و جز نیمه جانی از او باقی نگذاشته است)) بدان که هر کس در راه حق فرو خورده شود، رهسپار بهشت گردد و هر که در راه باطل از بین رود راهی دوزخ گردد.

نیروی دریایی.

- پیامبر خدا (ص): هر کس برای خدا و به خاطر دفاع از مسلمانان قدم به دریا گذارد خداوند به تعداد هر قطره ای از دریا برایش ثواب و حسنه بنویسد.

- کسی که موفق نشده در رکاب من بجنگد، در دریا به جنگ رود.

- شهدای جنگ دریایی نزد خداوند برترند از شهدای جنگ زمینی.

شرکت زنان در جنگ.

- امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): رسول خدا (ص) زنان را همراه خود به جنگ برد تا مجروحان را مداوا کنند از غنیمت چیزی میان آنها تقسیم نکرد، اما به آنان (چیزهایی) بخشید.

محارب.

محارب.

قرآن.

((سزای کسانی که با خدا و رسول او جنگ می کنند و در زمین به فساد می کوشند آن است که کشته شوند یا بردار گردند یا دستها و پاهایشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند)).

((هر کس کس دیگر را نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد)).

- امام علی (ع): دزد محارب (دزدی که مسلحانه دست به دزدی زند) را بکش و نگران نباش، خونش به گردن من.

- امام باقر (ع): اگر مردی به خانه ات وارد شد و قصد تجاوز به زن و اموالت را داشت اگر توانستی، در ضربه زدن به او

پیشدستی کن، زیرا چنین دزدی محارب با خدا و پیامبر اوست، پس او را بکش و اگر پیامدی برایت داشت به عهده من.

- هر کس شبانه با خود سلاح حمل کند محارب است مگر آن که کسی باشد که نتوان به او مشکوک شد.

- پیامبر خدا (ص): هر کس (علیه دیگران) شمشیر برکشد خونش هدر است.

- امام علی (ع) درباره مردی که خانه قومی را به آتش کشیده و بر اثر آن، خانه و اثاث آن سوخته بود چنین داوری کرد که:

تاوان خانه و اثاث آن را بپردازد و سپس کشته شود.

- امام باقر (ع): هر که در یکی از شهرها شمشیر برکشد و کسی را زخمی کند باید قصاص شود و از آن شهر تبعید گردد اما اگر

کسی در جای دیگری غیر از شهر سلاح برکشد و دست به ضرب و جرح و ربودن اموال زند ولی کسی را به قتل نرساند، محارب

است و کیفرش کیفر محارب و اختیار با امام است که اگر خواست او را بکشد و به دار آویزد و یا دست و پایش را قطع کند و فرمود

: اگر بجنگد و بکشد و اموال را غارت کند امام باید به کیفر سرقتی که کرده دست راست او را قطع کند و سپس او را تحویل اولیای

مقتول دهد که مال (مسروقه) را از او بگیرند و سپس وی را بکشند.

ابو عبیده به امام عرض کرد: خدایت نیکو گرداند! اگر اولیای مقتول او را بخشیدند چه حکمی دارد؟

امام باقر (ع) فرمود: اگر آنها گذشت کنند امام باید او را بکشد زیرا محارب است و دست به قتل و دزدی زده است.

ابو عبیده عرض کرد: اگر اولیای مقتول بخواهند از او دیه بگیرند و آزادش کنند آیا حق چنین کاری را دارند؟

فرمود: نه، باید کشته شود.

- سوره بن کلب از امام صادق (ع) پرسید مردی از منزل خود به قصد مسجد یا کار دیگری بیرون می آید و مردی از روبه رو

یابست سر می آید و او را می زند و لباسهایش را می گیرد (چه حکمی دارد؟

(حضرت فرمود: علمای ناحیه شما در این باره چه می گویند؟

عرض کردم: می گویند این یک اختلاس آشکاراست و (چنین کسی محارب نیست بلکه) محارب کسی است که در سرزمینهای مشرک نشین باشد حضرت فرمود: حرمت و احترام کدام یک بیشتر است: سرزمین اسلام یا سرزمین شرک؟
عرض کردم: سرزمین اسلام فرمود: اینها مصداق این آیه هستند که می فرماید: ((همانا سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می جنگند)).

- از اهل بیت (ع) روایت شده است که محارب کسی است که سلاح بر کشد و راه را نا امن کند، خواه در شهر باشد یا بیرون از شهر.

- در جاده جلولا عده ای راهزن به حاجیان و دیگر رهگذران حمله کردند و سپس گریختند خبر به معتصم رسید، به کار گزار خود در جلولا نوشت: اینچنین امنیت راهها را برقرار می کنی؟

کنار گوش امیر المؤمنین راهزنی می شود و راهزنان می گریزند؟

! آنها را تعقیب و دستگیر کن و گرنه دستور می دهم هزار تازیانه به تو بزند و سپس در همان جا که راهزنی شده به دارت آویزند.
کار گزار در تعقیب راهزنان بر آمد و آنها را دستگیر کرد و به بند کشید سپس موضوع را به اطلاع معتصم رساند معتصم فقیهان و ابن ابی داود را جمع کرده درباره حکم راهزنان از آنها پرسید ابو جعفر محمد بن علی الرضا (امام جواد) (ع) نیز حضور داشت آنها در جواب معتصم گفتند: خداوند قبلا درباره آنها حکم کرده است آن جا که می فرماید: ((همانا سزای کسانی که با خدا و می جنگند)).

معتصم رو به ابو جعفر کرده پرسید: درباره پاسخی که اینها دادند چه می گویند؟

حضرت فرمود: امیر المؤمنین شنید که این فقیهان و قاضی چه گفتند معتصم گفت: شما هم نظرتان را بگویید حضرت فرمود: اینها در فتوایی که دادند بیراهه رفتند امیر المؤمنین باید ببیند که راهزنان مرتکب چه کاری شده اند اگر فقط راه را نا امن کرده اند و کسی را نکشته و مالی را نبرده اند دستور دهد آنها را به زندان افکنند این است معنای تبعید کردن آنان به علت ایجاد ناامنی در راه و اگر جاده را نا امن کرده و کسی را نیز کشته اند دستور به قتل آنها باید داد و اگر در جاده نا امنی ایجاد کرده و کسی را کشته اند و مالی را برده اند باید دستور داد دست و پای آنها را از چپ و راست ببرند و سپس به دارشان آویزند.

- امام باقر (ع): جنگ دو حکم دارد: اگر هنوز آتش جنگ شعله ور است و سلاحها بر زمین گذاشته نشده و جنگجویان سرگرم پیکارند، هر اسیری که در این حال گرفته شود تصمیم با امام است که او را گردن زند یا دست و پایش را یکی از چپ و یکی از راست ببرد.

اما اگر جنگ تمام شده و رزمندگان از پیکار دست شسته اند، اسیرانی که در این حال گرفته شوند تصمیم با امام است که اگر خواست بر آنان منت نهاده آزادشان کند، یا فدیة بگیرد و رهایشان سازد و یا آنان را به بندگی گیرد.

- جمیل بن دراج از امام صادق (ع) پرسید کدام یک از کیفرهای نامبرده در آیه ((همانا سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می جنگند)) در حق این محاربان باید اعمال شود؟

حضرت فرمود: تصمیم با امام است اگر خواست کیفر قطع را به کار می گیرد، یا دار زدن را، یا کشتن را و یا تبعید کردن را.
- امام صادق (ع): در پاسخ به سؤال مردی از آیه ((همانا سزای کسانی که)) فرمود: تصمیم با امام است که کدام کیفر را انتخاب کند عرض کردم: پس امام در انتخاب هر یک از کیفرها اختیار کامل دارد؟
فرمود: نه، بلکه با در نظر گرفتن نوع جنایت تصمیم می گیرد.

ابن عباس درباره آیه ((همانا سزای کسانی که با خدا و پیامبرش می جنگند)) گفته است: هر که در قلمرو اسلام سلاح برکشد و راه را ناامن کند و آن را در اختیار بگیرد امام و پیشوای مسلمانان مخیر است که او را بکشد، یا به دارش آویزد، یا دست و پایش را ببرد او درباره ((یا از زمین تبعید شوند)) گفته است: یا از سرزمین اسلام به دار الحرب (سرزمین کافران) بیرون رانده شوند.

دار زدن .

- نقل شده است که محاربی را نزد امیرالمؤمنین (ع) آوردند آن حضرت دستور داد او را زنده بر دار کنند برای این کار چوبی را روبه قبله بر افراشت و آن مرد محارب را به گونه ای که پشتش به چوبه دار و رویش به سمت مردم و قبله بود به دار آویخت جسد او سه روز بر دار بود پس از سه روز امام دستور داد آن را پایین آورده بر وی نماز خواند و دفنش کرد.

- پیامبر خدا (ص): شخص به دار آویخته را بیش از سه روز روی چوبه دار نگه ندارید.

بریدن دست و پا از چپ و راست .

- امام صادق (ع): عده ای از بنی ضبه (در حالی که بیمار و رنجور بودند) نزد پیامبر خدا (ص) آمدند رسول خدا (ص) به آنها فرمود: نزد من بمانید، وقتی بهبود یافید شما را با سپاهی می فرستم عرض کردند: ما را در خارج مدینه جای بده پیامبر آنها را با شتری از بیت المال بیرون مدینه فرستاد وقتی حالشان خوب شد و جان گرفتند سه نفری را که همراه شتر بودند کشتند و شتر را با خود بردند.

خبر به پیامبر خدا (ص) رسید آن حضرت علی (ع) را برای دستگیری آنها روانه کرد آنان در دره ای نزدیک یمن سرگردان بودند و نمی توانستند از آن خارج شوند علی (ع) آنها را دستگیر کرد و نزد پیامبر خدا (ص) آورد این آیه ((همانا سزای کسانی که با خدا و رسولش می جنگند)) بر پیامبر نازل شد پیامبر (ص) کیفر قطع دست و پا از چپ و راست را درباره آنها اعمال کرد.

تبعید.

- امام رضا (ع) در پاسخ به سؤال از آیه ((یا از زمین تبعید شوند)) و این که کیفیت تبعید و حد و مرز آن چیست؟ فرمود: از شهری که در آن جنایت کرده به شهر دیگری تبعید شود و به مردم آن شهر اطلاع داده شود که آن شخص تبعیدی است و نباید با وی مجالست و معامله کنند و به او وزن دهند و با او همسفره شوند یک سال با او چنین رفتار می شود اگر در این مدت از آن شهر به شهری دیگر رفت، به مردم آن شهر نیز باید چنین دستورهایی داده شود تا یک سال به سر آید.

- امام صادق (ع) --- نیز در همین باره فرمود ---: نباید با او معامله شود، یا به او پناه داد و یا صدقه داد (کمک مالی نمود).
- درباره آیه ((همانا کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش می جنگند و در زمین به فساد می کوشند این است که کشته شوند)) فرمود: تبعید محارب با تبعید معمولی فرق می کند حاکم به نسبت جرمی که او مرتکب شده است درباره اش حکم کند اگر تبعید او از شهری به شهری دیگر باشد از طریق دریا به تبعید برده و روی دریا برده می شود (ومی مانند)، زیرا تبعید او از شهری به شهری دیگر باید معادل با قتل و دارزدن و قطع دست و پا باشد، و این کیفری است در سطح بریدن دست و پا و دار زدن.

- در پاسخ به سؤال از تبعید محارب فرمود: از شهر تبعید می شود امیر المؤمنین (ع) دو مرد را از کوفه به جای دیگر تبعید کرد.
- در پاسخ به سؤال از تبعید فرمود: از سراسر کشور اسلام تبعید می شود اگر در نقطه ای از خاک اسلام یافت شد باید کشته شود و در امان نیست تا آن که به سرزمین شرک پیوندد.

نگاهبانان .

نگاهبانان .

نگهبانی کردن از پیامبر.

- از سهل بن حنظلیه نقل شده است که در روز جنگ حنین با پیامبر خدا (ص) حرکت کردند و راه زیادی را پیمودند تا آن که شب شد پیامبر فرمود: ((امشب چه کسی از ما نگهبانی می کند؟)) انس بن ابی مرثد غنوی عرض کرد: من، ای رسول خدا. پیامبر فرمود: پس، سوار شو او بر اسب خود نشست و نزد پیامبر خدا (ص) آمد رسول خدا (ص) به او فرمود: بالای این دره برو مبدا امشب از طرف تو غافلگیر شویم. - روایت شده است که چون آیه ((و خداوند تو را از مردم حفظ می کند)) نازل شد، پیامبر (ص) به عده ای از اصحاب خود، مانند سعد و حذیفه، که از او محافظت می کردند فرمود: به خانه های خود بروید، زیرا خدای تعالی مرا از گزند مردم مصون کرد. - عایشه: از پیامبر (ص) همیشه محافظت می شد تا آن که آیه ((و خداوند تو را از مردم حفظ می کند)) نازل شد و پیامبر سرش را از چادر بیرون کرد و فرمود: ای مردم! بروید، خداوند محافظت مرا به عهده گرفت.

اجل نیکو نگهبانی است .

- امام صادق (ع): علی (ع) غلامی داشت به نام قنبر که ایشان را بسیار دوست می داشت هرگاه علی (ع) بیرون می رفت قنبر با شمشیر خود در پی آن حضرت روانه می شد شبی قنبر را دید فرمود: چه می خواهی قنبر؟ عرض کرد: آمده ام که پشت سر شما حرکت کنم ای امیر مؤمنان! مردم را که می شناسی! من بر جان شما بیمناکم حضرت فرمود: وای بر تو! آیا از اهل آسمان مرا محافظت می کنی یا از اهل زمین؟ عرض کرد: از اهل زمین فرمود: مردم روی زمین نمی توانند به من آسیبی برسانند مگر آن خدای عز و جل از آسمان بخواهد، پس بر گرد قنبر برگشت. - امام علی (ع) عرض شد: از شما محافظت نکنیم؟ حضرت فرمود: اجل هر انسانی او را محافظت می کند. - در روز جنگ صفین علی بن ابی طالب (ع) مشغول آرایش دادن گردانهای خود بود معاویه رو به روی آن حضرت بر اسب خود سوار بود و علی (ع) سوار بر اسب رسول خدا (ص) رجز می خواند و زوبین رسول خدا (ص) در دستش بود و شمشیرش ذوالفقار را حمایل کرده بود یکی از یارانش عرض کرد: مواظب باش ای امیر المؤمنین! می ترسیم این معلون بی خبر به تو حمله کند حضرت فرمود: درست است که او پایبند دینش نیست و شقی ترین ستمگران و ملعونترین یاغیان بر امامان رهیافته است اما محافظت اجل کافی است هر انسانی را دو فرشته نگهبان است که از او محافظت می کنند من نیز چنینم هرگاه اجلم فرا رسد شقی ترین اشقیامحاسنم را از خون سرم رنگین خواهد کرد. - یعلی بن مره: علی (ع) شبها برای خواندن نماز مستحبی به مسجد می رفت ما برای محافظت از او رفتیم وقتی نمازش را تمام کردند ما آمد و فرمود: چرا این جا نشسته اید؟

گفتیم: برای محافظت از شما فرمود: آیا از اهل آسمان مرا محافظت می کنید یا از اهل زمین؟ عرض کردیم: از مردمان روی زمین فرمود: در زمین هیچ اتفاقی نیفتد مگر آن که در آسمان مقدر شود بر هر انسانی دو فرشته گمارده شده اند که از او دفاع و محافظت کنند تا آن که تقدیرش فرا رسد چون تقدیرش رسید او را با آن تنها گذارند مرا از جانب خداوند سپری استوار است و چون اجلم فرا رسد آن سپر کنار رود (بدانید) هیچ کس طعم ایمان را نچشد مگر آن که بداند که آنچه به او رسیده نمی توانست نرسد و آنچه به او نرسیده نمی توانست برسد.

آزادی و آزادگی.

آزادی و آزادگی.

- امام صادق (ع): پنج خصلت است که در هر کس یکی از آنها نباشد خیر و بهره زیادی در او نیست: اول: وفاداری، دوم: تدبیر، سوم: شرم و حیا، چهارم: خوش خویی و پنجم: --- که چهار خصلت دیگر را نیز در خود دارد: ---: آزادگی.

- امام باقر (ع): یزید بن معاویه به قصد حج وارد مدینه شد و در پی مردی از قریش فرستاد و او آمد یزید به او گفت: آیا اعتراف می کنی که تو بنده منی، اگر بخواهم می فروشم و اگر بخواهم تو را به بردگی می گیرم؟

آن مرد گفت: به خدا سوگند ای یزید! تو در میان قریش از من نژاده تر و والاتر نیستی و پدرت نیز، چه در زمان جاهلیت و چه در زمان اسلام، از پدر من برتر نبود در دینداری نیز از من برتر و بهتر نیستی پس چگونه به خواست تو گردن نهم؟

یزید گفت: به خدا سوگند اگر اعتراف نکنی تو را می کشم مرد گفت: کشتن من بالاتر و مهمتر از کشتن حسین بن علی (ع)، فرزند رسول خدا، نیست یزید دستور داد او را کشتند.

همه مردم آزادند.

- امام علی (ع): ای مردم! آدم نه بنده ای زاید و نه کنیزی مردم همه آزادند.

- بنده دیگران مباش که خداوند پاک تو را آزاد آفریده است.

- مباد که طمعکاری تو را به بندگی گیرد، حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است.

- بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید چه خوبی است آن خوبی که جز با بدی بدست نیابد و چه آسانی است آن آسانی که جز با سختی به چنگ نیاید؟

آزاده همیشه آزاده است.

- امام صادق (ع): آزاده در همه حال آزاده است اگر بلا و سختی به او رسد شکیبایی ورزد و اگر مصیبتها بر سرش فرو ریزند او را نشکنند هر چند به اسیری افتد و مقهور شود و آسایش را از دست نهاده به سختی و تنگدستی افتد چنان که یوسف صدیق امین و صلوات الله علیه، به بندگی گرفته شد و مقهور و اسیر گشت اما این همه به آزادگی او آسیب نرساند.

- امام علی (ع): انسان آزاده، هر سختی و گزند بیابد، باز آزاده است.

- آزاده، آزاده است هر چند سختی و مرارت بیابد، و بنده، بنده است هر چند تقدیر یاریش کند.

خوی آزاد مرد.

- امام علی (ع) : گشاده رویی خصلت آزادمرد است .

- خوشرویی خوی هر آزاده ای است .

- حیا و عفت از خصلتهای ایمان است این دو سرشت آزادگان و خوی نیکان است .

- زیبایی آزاده مرد به دوری کردن از عیب و ننگ است .

- امام باقر (ع) : گروهی خداوند را از روی سپاسگزاری می پرستند و این پرستش آزادگان است .

- امام علی (ع) : هر که به وعده نیکی و احسانی که در گذشته داده است عمل کند آزادگی اش کامل است .

- آزادگی از کینه توزی و نیرنگ منزّه است .

- آزاده هیچگاه بنده نگردد مگر آن دم که کسی گرهی از کار او بگشاید.

- از موفقیت آزاده این است که مال را از راه حلال به دست آورد.

- دارایی خود را در آنجا که حق است ببخش و با آن دوستانت را یاری رسان که جامه بخشندگی برتن آزاده مرد زینده تر است .

آنچه آزادگی می آورد.

- امام علی (ع) : هر که خواهشهای نفس را فرو گذارد آزاده است .

- امام صادق (ع) : دیندار خواهشها را کنار گذاشت و آزاده شد.

- امام علی (ع) : آن که نفس خود را خرید و آزادش کرد چون کسی نیست که نفس خویش را فروخت و برده اش ساخت .

- بنده قانع آزاد است و آزاد طمعکار , بنده .

- هر که به دنیا پشت کند نفس خویش را آزاد کرده و خدایش را خشنود ساخته است .

- دنیا سرای گذر است و مردم در آن دو دسته اند : مردی که نفس خود را فروخت و آن را اسیر و برده کرد و مردی که نفس

خویش را خرید و آزادش ساخت .

- مسیح (ع) : چه سودی برده است آن که خود را به همه دنیا بفروشد و سپس آنچه را به بهای نفس خویش خریده است

برای دیگران به ارث گذارد ؟

چنین کسی خود راتباه کرده است خوشا به حال کسی که نفس خویش را رهانید و آن را بر همه دنیا برگزید.

به جا آوردن شرایط آزادگی .

- امام علی (ع) : هر که شرایط بندگی را به جا آورد سزاوار آزادی شود و هر که در احکام و شرایط آزادگی کوتاهی ورزد, به

بندگی بازگرفته شود.

آزادگی (متفرقه) .

- امام علی (ع) : مبدا کاری کنی که آزاده ای را از تو گریزان کند , یا قدر تو را بکاهد , یا شر و بدی برایت به بار آورد , یا در

روزرستاخیز بار گناهی بر دوشت باشد.

- با نیکی کردن آزاد مرد را می توان مالکک شد.

- بهترین نیکی آن است که به آزادگان برسد.

- گاه باشد که در حق آزاده ستم شود.
 - آزادگان را پاداشی جز احترام و بزرگداشت نسزد.
 - آن که مردم را به وحشت اندازد از آزادگی بدور است .
 - بهترین گنجها خوبی و احسانی است که به آزادگان سپرده می شود و دانشی است که نیکان فرا می گیرند.
 - هر گاه (بنده ای را) مالک شدی آزاد کن .
 - آیا آزاد مردی نیست که این خرده غذای لابه لای دندانها را برای اهلش واگذارد ؟
 - بدانید که جانبهای شما جز بهشت نیست ، پس آن را جز به بهشت مفروشید.
- ۲.

آزمندی .

آزمندی .

- قرآن .
- ((همانا انسان آزمند آفریده شده است هر گاه بدی به او رسد بیتابی می کند)).
- امام علی (ع) : چه زبینه است که انسان آنچه را شایسته نیست نخواهد.
- آزمندی رنجی جاویدان است .
- آزمندی فرجامی نکوهیده دارد.
- آزمندی سوزنده تر از آتش است .
- آزمندی جوانمردی را لکه دار می کند.
- آزمندی قدر و منزلت آدمی را می کاهد و روزیش را زیاد نمی کند.
- آزمندی مرکب رنج است .
- آزمندی انسان را به عیبهای زیادی در می افکند.
- آزمندی سوار خود را می کشد.

آزمند .

- امام باقر (ع) : حکایت آزمند به دنیا، حکایت کرم ابریشم است هر چه بیشتر ابریشم بر خود می تند ، با بیرون آمدن از پيله بیشتر فاصله می گیرد تا آن که سرانجام دق مرگ می شود.
- امام علی (ع) : آدم حریص همواره در رنج است .
- انسان حریص خود را برای چیزی به رنج می افکند که برایش زیانبار است .
- بسا حریصی که آزمندی او را از پای در آورد.
- آزمند شرم ندارد.

آزمند خوار است .

- امام علی (ع) در پاسخ به این پرسش که : کدام خواری بدتر است ؟

فرمود : آزمندی به دنیا.

- امام صادق (ع) : چه زشت است برای مؤمن که میل و خواهشی خوارکننده داشته باشد.

- امام علی (ع) : آزمندی روزی را زیاد نمی کند , بلکه ارزش آدمی را خوار می سازد.

- آزمند , بنده مطامع است .

- آزمند , اسیری زبون است که از بند اسارت هرگز نرهد.

- آزمندی خواری و رنج است .

- آزمندی آدمی را زبون و نگوینخت می کند.

- هیچ چیز چون آزمندی نفس را زبون نکند و چیزی چون بخل آبرو را نبرد.

حریص محروم است .

- مصباح الشریعہ : پیامبر خدا(ص) فرمود : آدم حریص همیشه محروم است وافزون بر محروم بودن , در هرکاری که می

کند نکوهیده است چگونه محروم نباشد در حالی که از بند خدا گریخته است ؟

- امام صادق (ع) : آزمند از دو خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت را با خود دارد : ازقناعت محروم است و در نتیجه

آسایش را از دست داده است , از رضایت و خرسندی محروم است و در نتیجه یقین را از کف داده است .

- امام علی (ع) : روزی قسمت شده است , حریص محروم است .

آزمند نیازمند است .

- امام علی (ع) : آزمند نیازمند است اگر چه مالک همه دنیا باشد.

- امام حسن (ع) در پاسخ به پدر بزرگوارش که پرسید : فقر چیست ؟

فرمود : آزمندی وسیری ناپذیری .

- امام علی (ع) : آزمندی فقر آور است .

- حرص زدن نیازمندی به بار می آورد.

- آزمندی نشانه نیازمندی است .

- هر آزمندی نیازمند است .

آزمند بدبخت است .

- امام علی (ع) : آزمندی نشانه نگوینختان است .

- آزمندی دومین بدبختی است .

- آزمندی وسیری ناپذیری نگوینختی و خواری می آورند.

- در آزمندی بدبختی و رنج است .

- حرص زیاد آزمند را بدبخت و خوار می سازد.

- آن که حریص شد خود را در بدبختی و رنج افکند.

- آن که زیاد حرص زند شقاوتش بسیار شود.

- شقی ترین شما آزمندترین شماست .

سیری ناپذیری آزمند.

- امام صادق (ع) : دو آزمندند که هرگز سیر نمی شوند: آزمند دانش و آزمند ثروت .

- خداوند هیچ دری از دنیا را به روی بنده ای نگشود مگر آن که دری از آزمندی را نیز به روی او گشود.

- امام علی (ع) : همانا دنیا آدمی را بکلی سرگرم خود می سازد و دنیاپرست به چیزی از آن نرسد، مگر آن که باب حرص و شیفتگی به آن بر رویش گشوده شود و به آنچه از این دنیا دست یافته بسنده نمی کند تا در پی چیزی که به دست نیآورده است نرود.

- امام صادق (ع) : امیر المؤمنین ، صلوات الله علیه ، می فرمود : ای آدمیزاد ! اگر از دنیا به قدر کفایت خواهی همان کمترین دنیا تو را بس باشد و اگر بیش از کفایت خواهی همه دنیا هم تو را بس نباشد.

- امام علی (ع) : آزمند بسنده نمی کند.

آزمندی روزی را زیاد نمی کند.

- امام علی (ع) : آزمندی روزی را زیاد نمی کند بلکه قدر و منزلت را خوار می سازد.

- پیامبر خدا (ص) : آن که حرص نزند روز خود را از دست نمی دهد و آن که حرص زند به آنچه روزیش نیست نمی رسد.

- امام حسین (ع) : نه عفت و مناعت مانع روزی می شود و نه حرص زدن روزی بیشتر می آورد ، زیرا روزی تقسیم شده و اجل حتمی است و حرص زدن طلب گناه است .

- امام علی (ع) : آزمندی قدر مرد را می کاهد و روزی او را هم زیاد نمی کند.

تفسیر آزمندی .

- امام علی (ع) : در پاسخ به این پرسش که : آزمندی چیست ؟

فرمود : به دست آوردن کم با از دست دادن زیاد.

ریشه آزمندی .

- پیامبر خدا (ص) : ای علی ! بدان که ترسویی و بخل و آزمندی یک سرشتند و ریشه آنها بدگمانی (به خدا) است .

- امام علی (ع) : دست رد زدن به سینه آزمندی ریشه سیری ناپذیری و طمعها را قطع می کند.

- بنای آزمندی و بخل شدید بر شک و کم اعتمادی به خدا استوار است .

- آزمندی زیاد ناشی از نیروی سیری ناپذیری و سستی دین است .

عوامل باز دارنده آزمندی .

--

- امام صادق (ع) به ابوبصیر فرمود: آیا اندوهگین نمی شوی؟

آیا غم دلت را نمی گیرد؟

آیا دردمند نمی شوی؟

عرض کردم: به خدا سوگند چرا فرمود: هرگاه چنین حالتی به تو دست داد، مرگ و تنهایی قبر را به یاد آور و آن زمانی را که تخمهای چشمت آب گشته بر گونه هایت جاری شود و بندهایت از هم بگسلد و گوشت بدنت خوراک کرمها شود و پیکرت پوسیده گردد و از دنیا جدا شوی اینها تو را به کار و عمل بر می انگیزند و از حرص زیاد به دنیا بازت می دارند.

آزمندی انسان نسبت به هر آنچه که از او باز دارند.

- پیامبر خدا (ص): همانا آدمیزاد به آنچه که از او باز دارند آزمند است.

- اگر آنها را از رفتن به حج (۳) نهي کنم برخی از ایشان، با آن که نیازی به آن ندارند، خواهند رفت.

آن جا که آزمندی شایسته و نیکوست.

- امام باقر (ع): هیچ حرصی چون رقابت برای رسیدن به درجات عالی نیست.

- امام صادق (ع): مؤمن در دین خود نیرومند است و در فهم دین حریص.

- امام علی (ع): تو که برای به دست آوردن آنچه رسیدنش به تو ضمانت شده است (یعنی روزی) حرص می زنی، در انجام آنچه بر تو واجب شده است نیز حریص باش.

پیشه.

پیشه.

- پیامبر خدا (ص) هرگاه به کسی نگاه می کرد و از او خوشش می آمد، می فرمود: شغلی هم دارد؟

اگر می گفتند: نه می فرمود: از چشمم افتاد عرض می شد: چرا ای رسول خدا؟

! می فرمود: زیرا اگر مؤمن شغل و حرفه ای نداشته باشد دین خود را وسیله امرار معاشش می کند.

- خدای تعالی بنده مؤمن پیشه ور و شاغل را دوست دارد.

- امام علی (ع): به تجارت پردازید، که آن شما را از آنچه در دست مردم است بی نیاز می گرداند و خدای عز و جل بنده پیشه و در دستکار را دوست دارد.

- امام صادق (ع) از شغل یکی از اصحاب خود پرسید، عرض کرد: فدایت شوم، من تجارت را کنار گذاشته ام، فرمود: چرا؟
عرض کرد: منتظر این امر (روی کار آمدن دولت و حکومت شما) هستم حضرت فرمود: این از شما تعجب است، ثروتمندان از بین می رود از تجارت دست مکش و فضل و برکت خدای را بجوی، حجره خود را بگشای و بساط کسب و کارت را پهن کن و از پروردگارت روزی بطلب.

تحریر.

تحریف .

قرآن .

((بعضی از جهودان کلمات خدا را به معنا دگرگون می کنند)).

((و اهل کتاب چون پیمان را شکستند لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم کلمات را از معنای خود منحرف می سازند)).

((گوش به دروغ می سپارند و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نمی آیند سخن چینی می کنند و سخن خدا را دگرگون می سازند)).

((آیا طمع می دارید که به شما ایمان بیاورند و حال آن که گروهی از ایشان کلام خدا را می شنیدند و با آن که حقیقت آن رامی فهمیدند تحریفش می کردند و از کار خویش آگاه بودند ؟
((

((و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم ، تصدیق کننده و حاکم بر کتابهایی است که پیش از آن بوده اند)).

((ما خود قرآن را نازل کرده ایم و خود نگهبانش هستیم)).

علامه طباطبائی در المیزان می نویسد : از توضیحاتی که دادیم روشن شد که قرآنی که خداوند بر پیامبرش (ص) نازل کرده و آن را به ((ذکر)) توصیف کرده ، به همان صورت نازل شده حفظ گردیده است ، باصیانت و محافظت الهی ، همان گونه که خداوند در قرآن به پیامبر خود وعده داده است ، از کم و زیاد شدن و تغییر مصون مانده است .

خلاصه برهان چنین است که : خداوند قرآن را بر پیامبر خود نازل کرد و در آیات فراوانی از آن با اوصاف خاصی یاد نموده است اگر در چیزی از این اوصاف کاهش یا افزایشی پدیدمی آمد یا در لفظ و یا ترتیب قابل توجه آن تغییری رخ می داد آثار این ویژگیها و اوصاف قطعاًاز بین می رفت اما قرآن موجود همه آثار و نشانه های این اوصاف بر شمرده شده را به کاملترین و زیباترین وجه ممکن داراست بنا بر این ، تحریفی که سبب شده باشد چیزی از صفات قرآن از بین رفته باشد در آن به وجود نیامده است قرآنی که در دست ماست عیناً همان قرآنی است که بر پیامبر نازل شده است به فرض که چیزی از قرآن افتاده یا در اعراب یا حروف و یا ترتیب آن تغییری رخ داده باشد باید این افتادگی و تغییر در مواردی باشد که برویژگیهای قرآن مانند اعجاز و نبودن اختلاف و ناسازگاری در آن و هدایت و نورانیت و ذکر بودن آن و برتریش بر دیگر کتابهای آسمانی و ویژگیهای دیگری از این قبیل ، تاثیر ولطمه ای وارد نکرده باشد ، افتادگیها و تغییراتی مانند ساقط شدن آیه تکراری ، یا اختلاف در نقطه یا اعراب و موارد دیگری از این است .

اخبار فراوانی که از پیامبر (ص) --- از طرق عامه و خاصه --- در خصوص لزوم رجوع به قرآن در هنگام فتنه ها و برای حل مشکلات وارد شده است ، نیز حدیث ثقلین که از طرق عامه و خاصه به تواتر رسیده است و می فرماید : من در میان شما دو امر گرانبها می گذارم یکی کتاب خدا و دیگری عترتم همچنین اخبار فراوانی که از پیامبر(ص) و ائمه اهل بیت (ع) درباره لزوم سنجیدن اخبار با قرآن وارد شده است ، همگی نشانگر آن است که در قرآن تحریفی صورت نگرفته است .

حرام .**اجتناب از محرّمات .**

- امام علی (ع) : زیرکی مؤمن به دوری کردن او از حرامها و شتابش به سوی مکارم و بزرگواریهاست .

- حرمتها را نیکو پاس بدار و به جوانمردان روی آر.
- اگر خواهان مکارم و بزرگواریها هستی از حرامها دوری کن .
- از بهترین مکارم اخلاق دوری کردن از حرامهاست .

دعوت عقل به دوری کردن از حرامها.

- امام علی (ع) : اگر خدای سبحان هم از نارواها نهی نمی کرد، بر خردمند لازم بود که از آنها دوری کند.
- خود داری از حرامها خوی خردمندان و خصلت بزرگواران است .

محرمات (۱).

- قرآن .
- ((بگو : بیاید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است ، برایتان بخوانم : این که به خدا شرک نیاورید)).
- ((همانا مردار و خون و گوشت خوگ و آنچه را که هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند بر شما حرام کرد ، اما کسی که ناچار شود به شرط آن که از حد نگذراند و بی میلی جوید ، گناهی مرتکب نشده است ، که خدا آمرزنده و بخشاینده است)).
- ((حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوگ و هر حیوانی که به هنگام کشتنش نام دیگری جز الله را بر آن بگویند و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشد یا از بالا در افتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند مگر آن که ذبحش کنید و نیز هرچه بر آستان بتان ذبح شود و آنچه به وسیله تیرهای قمار قسمت کنید)).
- ((مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان بر شما حرام شده است)).

محرمات (۲).

- قرآن .
- ((بگو : پروردگار من زشتکاریها را چه آشکار باشند و چه پنهان و نیز گناهان و افزونی جستن به ناحق را حرام کرده است نیز حرام است چیزی را شریک خدا سازید که هیچ دلیلی بر وجود آن نازل نشده است ، یا درباره خدا چیزهایی بگویید که نمی دانید)).
- ((چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام)).
- امام علی (ع) : خدای سبحان انسان را از هیچ چیزی نهی نفرموده جز آن که او را از آن بی نیاز کرده است .

حرام خواری .

- پیامبر خدا (ص) : هرکس یک لقمه حرام بخورد نماز چهل شبش پذیرفته نشود.
- خدای عز و جل بهشت را بر بدنی که از مال حرام تغذیه شود حرام کرده است .
- کسی که گوشتش از حرام بروید، به بهشت نمی رود آتش به او سزاوارتر است .
- هرگاه لقمه حرام به اندرون بنده وارد شود، تمام فرشتگان آسمانها و زمین او را نفرین کنند.
- عبادت کردن با وجود حرام خواری مانند ساختن بنایی است بر روی شن ((و به قولی : بر روی آب)).
- امام علی (ع) : بد خوراکی است خوراک حرام .
- امام باقر (ع) : هرگاه انسان مالی از حرام به دست آورد نه حجبی از او پذیرفته شود ، نه عمره ای و نه صله رحمی و حتی در

ازدواج و زناشویی او تاثیر سؤ می گذارد.

- پیامبر خدا (ص) : دور افکندن یک دانگ ((۴)) حرام , نزد خدا برابر است با هفتاد هزار حج پاک و پذیرفته .

- امام صادق (ع) درباره آیه ((و به اعمالی که کرده اند پردازیم وهمه را چون ذرات خاک بر باددهیم)) فرمود: به خدا سوگند گرچه اعمالشان سفیدتر از کتان مصری بود اما چنان بودند که هر گاه با حرامی روبه می شدند آن را فرو نمی گذاشتند.

- پیامبر خدا (ص) : رها کردن یک دانگ حرام نزد خدای تعالی , دوست داشتنی تر است از صدحج که از مال حلال صورت گیرد.

- فرو گذاشتن یک لقمه حرام , نزد خدا محبوبتر است از خواندن هزار رکعت نماز مستحبی .

- امام علی (ع) : خرمایی از نامرغوبترین نوع آن تناول کرد و روی آن آب نوشید و دستی به شکمش زد و فرمود : هر کس آتش وارد شکم خود کند خداوند او را (از رحمت خود) دورسازد.

- امام کاظم (ع) : اهل صفة میهمان رسول خدا (ص) بودند آنها خان ومان خود را رها کرده به مدینه هجرت کرده بودند پیامبر خدا(ص) آنان را که چهل مرد بودند در صفة مسجد اسکان داد آن حضرت هر صبح و شام نزد ایشان می رفت و بر آنان سلام می داد روزی بر صفة نشینان وارد شد, دید یکی کفش خود را پینه می کند , دیگری لباسش را وصله می زند و عده ای هم جامه های خود را از شپش پاک می کنند پیامبر خدا (ص) هر روز یک مد (تقریباً یک چارک) خرما به آنها می داد مردی از میان آنها برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا ! خرمایی که به ما می دهی معده های ما را سوزاند پیامبر(ص) فرمود : بدانید که اگر می توانستم دنیا را خوراک شما کنم این کار را می کردم اما کسانی از شما که پس از من زنده بمانند صبح و شام غذای سیر خواهند خورد هر کدام صبح یک پیراهن خواهید پوشید و شب پیراهنی دیگر و خانه هایتان را , همانند کعبه , بر افراشته و آراسته خواهید کرد.

مردی برخاست و گفت : ای رسول خدا ! من مشتاق چنان روزی هستم ! کی فرا خواهد رسید؟

فرمود : این زمان شما بهتر از آن زمان است شما اگر شکمهای خود را از حلال پر کنید هیچ بعید نیست که از حرام نیز آن را پر نمایید.

نواب کسی که توانایی ارتکاب حرام را داشته باشد و آن را انجام ندهد.

- پیامبر خدا (ص) : هر کس این امکان برایش پیش آید که با زن یا کنیزی به حرام نزدیکی کند اما از ترس خدا دست به این کار نزند, خداوند عز و جل آتش را بر او حرام گرداند و او را از آن هراس بزرگ ایمن دارد و به بهشتش برد.
- هر مردی بتواند کار حرامی انجام دهد و آن را فقط به خاطر ترس از خدا فرو گذارد خداوند , پیش از آخرت , در همین دنیا بهتر از آن را به وی عوض دهد.

حزب .

حزب خدا.

قرآن .

((هر که با خدا و پیامبر او و مؤمنان دوستی کند, بداند که حزب خداوند پیروز است)).

((خدا از ایشان خشنود گشت و آنان از خدا خشنود شدند اینان حزب خداوند بدانید که حزب خدا رستگار و پیروز است)).

- امام علی (ع): آیا خوش داری که از حزب پیروز خدا باشی؟

از خدای سبحان بترس و در همه کارهایت خوب عمل کن، زیرا که خداوند با تقوا پیشگان و نیکوکاران است.

- ماییم آن بزرگان والاتباء، پرچمهای ما پرچمهای پیامبران است و حزب ما حزب خداست و گروه یاغی تجاوزگر حزب شیطان است.

- پیامبر خدا (ص): هر که دوست دارد بر کشتی نجات بنشیند و به دستگیره محکم چنگ زند و به ریسمان ناگسستی خداوند بیاویزد، پس از من با علی دوستی ورزد و با دشمنش دشمنی کند و از امامان هدایتگر نسل او پیروی کند، زیرا که آنان جانشین و وصی من هستند حزب آنان حزب من است و حزب من حزب خدای عزوجل است و حزب دشمنان آنان همان حزب شیطان است.

- امام صادق (ع): ما و شیعیانمان حزب خداییم و حزب خدا پیروز است.

- در زیارت امام حسین (ع) می خوانیم: دلهای شیعیان آنان و حزب خودت را در فرمانبرداری از ایشان و یاری دادنشان و دوستیشان استوار گردان.

- امام علی (ع): به ریسمان خدا و دستگیره او چنگ زنی و از حزب خدا و پیامبر او باشید و عهد و پیمانی را که با خدا بسته اید پاس دارید، که اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد ماند.

- خوشا نفسی که وظیفه خود را به پروردگارش ادا کرد آنان که خوف روز رستخیز شب هنگام چشمانشان را بیدار نگهداشته و پهلوهایشان را از بستر نرم دور ساخته و لبهایشان به ذکر خداوند می جنبید و از بسیاری استغفار گناهانشان زدوده شده است آنان حزب و گروه خداوندند و بدانید که حزب خدا پیروزند.

حزب شیطان .

قرآن .

((شیطان بر آنان چیره شده است و نام خدا را از یادشان برده است ایشان حزب شیطانند آگاه باشید که حزب شیطان زیانکارانند)).

((همانا شیطان دشمن شماست، پس شما نیز او را دشمن دارید، جز این نیست که او حزب خود را فرا می خواند تا از دوزخیان باشند)).

- امام علی (ع): ای مردم! جز این نیست که فتنه ها به سبب پیروی از خواهشهای نفسانی آغاز می شود اگر حق خالص و یکدست بود اختلافی پیش نمی آمد اما اندکی از حق و مشتی از باطل گرفته و درهم آمیخته می شوند در این جاست که شیطان بر دوستداران خود چیره می شود، اما آنان که نیکی (و لطف) خداوند پیشاپیش شامل حالشان شده نجات یابند.

- امام حسین (ع) --- در کربلا وقتی چشمش به سپاهیان کوفه افتاد که سیل آسا به سوی سرزیر شده و از انبوهی چون شب تار سیاه می نمایند سخنانی ایراد کرد و فرمود ---: چه خوب پروردگاری است پروردگار ما و چه بد بندگانی هستید شما، به فرمانبری از خدا اعتراف کردید و به پیامبر محمد ایمان آوردید و اینک کمر به قتل فرزندان و عترت او بسته اید هر آینه شیطان بر شما چیره شده و یاد خدای بزرگ را از ذهن شما برده است.

- امام علی (ع): اما اندوه و تاسف من از این است که بیخردان و نابکاران کار این امت را به دست گیرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را به بندگی خود گیرند و با صالحان بستیزند و تبهکاران را دار و دسته خود کنند.

- قسمتی از خطبه آن حضرت که باشنیدن خبر بیعت شکنان ایراد فرمود ---: هان! شیطان دارو دسته خود را برانگیخته و سپاهش

رابسیج کرده است ، تا ستم در جای خود برقرار ماند و باطل به جایگاه خود باز گردد ، به خداسوگند ناروایی نبود که به من نسبت ندهند و میان من و خودشان به انصاف رفتار نکردند.

- هان ! شیطان دارو دسته خود را بسیج کرده و نیروهای سواره و پیاده خود را از هر سو فراخوانده است ، اما من بصیرت خود را دارم .

- قسمتی از خطبه آن حضرت در توصیف منافقان --- : آنان گروه شیطان و شعله آتش جهنم هستند آنان دار و دسته شیطانند و بدانید که پیروان شیطان بازنده و زیانکارند.

هر حزبی به آنچه دارد دلخوش است .

قرآن .

((هر حزبی به آنچه که دارد دلخوش است)).

دور اندیشی .

دور اندیشی .

- امام علی (ع) : دور اندیشی زیرکی است .

- دور اندیشی فن است ، ثمره دور اندیشی سالم ماندن (از آسیبها) است ، کسی که دوراندیشی او را پیش نبرد ، ناتوانی و درماندگی او را عقب نگه دارد.

- امام هادی (ع) : افسوسهای ناشی از کوتاهی کردن را به یاد آور ، دور اندیشی دیرین را فراچنگ می داری .

- امام علی (ع) : آن که دور اندیش باشد احتیاط کند و آن که دور اندیشی را رها کند بی باک شود.

- امام صادق (ع) : دور اندیشی چراغدان گمان است .

عاقبت اندیشی .

- امام صادق (ع) : مردی خدمت پیغمبر خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا به من سفارشی کن ، پیامبر فرمود : اگر به تو سفارشی کنم به آن عمل می کنی ؟

پیامبر سه بار این سخن را فرمود و آن مرد هر سه بار جواب داد : آری ، ای رسول خدا پس رسول خدا (ص) به او فرمود : به تو سفارش می کنم که هرگاه خواستی کاری کنی در عاقبت آن بیندیش ، اگر کار درستی بود آن را انجام ده و اگر نادرست و گمراه کننده بود از آن خود داری کن .

- از سفارشهای آدم (ع) به فرزندش شیث (ع) : هرگاه قصد کاری کردید در عاقبت آن بیندیشید، زیرا که من اگر در عاقبت کار خود می اندیشیدم آن به سرم نمی آمد که آمد.

- امام علی (ع) : هر کس بدون عاقبت اندیشی در کارها دست به کاری زند، خود را گرفتار سختیها و مصائب کند.

- هر کس دست به کاری زند بی آن که در عواقب آن بیندیشد ، خود را در مهلکه گرفتاریها اندازد .

- امام جواد (ع) : هر کس نداند کاری را از کجا آغاز کند، از به سر انجام رساندن آن درماند.

- امام صادق (ع) : عاقب اندیشی دلها را بارور می سازد.

- امام علی (ع) : اندیشیدن پیش از کار تو را از پشیمانی ایمن می دارد.

- هر که عاقبت اندیش باشد از گرفتاریها دور ماند ، هر که در عواقب امور بیندیشد از مهلکه ها در امان ماند.
- هر گاه در کرده هایت بیندیشی ، در هر کاری نیک فرجام شوی .
- پیش از کار بیندیش ، تا به سبب کاری که می کنی سرزنش نشوی .
- خردمندترین مردم عاقبت اندیش ترین آنهاست .

دور اندیشی و تصمیم گیری .

- امام علی (ع) : فکر کن تا دور اندیش شوی و چون همه جوانب کار برایت روشن شد آن گاه تصمیم قطعی بگیر.
- بدان که پایداری در تصمیم و اراده از دور اندیشی است .
- پیروزی با دور اندیشی و اراده پایدار به دست می آید.
- عزم درست از دور اندیشی است ، عزم استوار از دور اندیشی است .
- هر که دور اندیشی اش کم باشد، عزمش سست است .
- هر که عزم خود را آشکار سازد دور اندیشی اش باطل و بی اثر گردد.
- در عزم و تصمیمی که با دور اندیشی همراه نباشد خیری نیست .

تفسیر دور اندیشی .

- امام حسن (ع) : در پاسخ به پدر بزرگوارش که پرسید : دور اندیشی چیست ؟ فرمود : این که منتظر رسیدن فرصت خود باشی و چون فرصت دست داد بشتابی .
- امام باقر (ع) : به پیامبر خدا (ص) عرض شد : دور اندیشی چیست ؟ فرمود : مشورت کردن با صاحب نظران و پیروی کردن از نظر آنها.
- امام عسکری (ع) : دور اندیشی و احتیاط اندازه ای دارد که اگر از آن فراتر رود بز دلی است .
- امام علی (ع) : از دور اندیشی است که از خدا تقوی داشته باشید و از عصمت و بیگناهی است که به خدا مغرور و گستاخ نشوید (گستاخ نشدن به خدا و غافل نبودن از عذاب او موجب مصونیت از گناه است).
- امام حسن (ع) : با بد بینی خود را از مردم نگه داشتن همان دور اندیشی است .
- امام علی (ع) : دور اندیشی این است که آنچه را مکلفی نگهداری و آنچه را از دوش تو برداشته شده است واگذاری .
- دور اندیشی نگهداری تجربه است .
- دور اندیشی عاقبت نگری است و رایزنی با خردمندان .
- دور اندیشی همان فرمان بردن از خداست و نافرمانی کردن نفس .
- ریشه دور اندیشی باز ایستادن در هنگام شبهه است .
- پیروزی با دور اندیشی به دست آید و دور اندیشی با رایزنی و رای با راز داری .

دور اندیشی .

- امام علی (ع) : دور اندیش کسی است که فریبندگی دنیا او را از کار برای آخرتش باز ندارد.
- دور اندیش کسی است که دوست خوب برگزیند ، زیرا آدمی به دوست خود سنجیده می شود.

- دور اندیش خود رای نیست .
- دور اندیش کسی است که تجربه ها او را آزموده کرده باشد و دشواریهای زمانه پالوده و آبدیده اش .
- دور اندیش کسی است که خود را به پیکار با نفسش مشغول دارد و آن را اصلاح گرداند و نفس را از خواهشها و لذتهایش باز بدارد و زمام آن را در اختیار گیرد.
- دور اندیش کسی است که همواره سرگرم پیکار با نفس خویش باشد و همه همتش صرف دینش شود و همه تلاشش برای آخرتش باشد.
- دور اندیش را در هر کاری که می کند فضیلت و افتخاری است .
- خرد دور اندیش او را از هرگونه پستی باز می دارد.
- در راه حق کسی جز دور اندیش خردمند پایداری نورزد.
- دور اندیش در گرفتاریها سرگشته نمی شود.
- دور اندیش کسی است که آزار نرساند.
- دور اندیش کسی است که بارهای گران و رنج آور را از دوش خود بیفکند.
- دور اندیش کسی است که با روزگار خود مدارا کند.
- دور اندیش کسی است که دنیا را از بهر آخرت رها کند.
- دور اندیش کسی است که از اسراف و تبذیر دوری کند.
- دور اندیش کسی است که برخوردار از نعمت و ثروت او را از کار برای آخرت باز ندارد.
- دور اندیش کسی است که چون نعمتی به او رو کند شکرش را به جای آورد و هرگاه نعمتی به او پشت کند شکیبایی ورزد و آن را از یاد ببرد.
- دور اندیش کسی است که در هنگام بر افروخته شدن آتش خشم کيفر دادن رابه تاخیر اندازد و به محض دست دادن فرصت ممکن برای جبران کردن احسان بشتابد.
- دور اندیش کسی است که آنچه در دست دارد ببخشد و کار امروزش را به فردا نیفکند.

دور اندیش ترین مردم .

- پیامبر خدا (ص) : دور اندیش ترین مردم کسی است که بیش از هر کس برخشم خویش چیره آید.
- زیرکترین شما کسی است که بیشتر از دیگران به یاد مرگ باشد و دور اندیش ترین شما آماده ترینتان برای آن است .
- امام علی (ع) : دور اندیش ترین شما پارساترین شماست .
- دور اندیش ترین مردم کسی است که کار دنیای خود را به چیزی نگیرد.
- دور اندیش ترین مردم کسی است که از فرط احتیاط خود را ناتوان پندارد.
- دور اندیش ترین مردمان کسی است که شکیبایی و عاقبت اندیشی جامه زیرین و زبرین او باشد.
- دور اندیش ترین مردم کسی است که به وعده خود عمل کند و کار امروزش را به فردا نیفکند.
- صلح جوئی با مخالفان و مدارا بادشمنان کمال دور اندیشی است .
- احتیاط کردن نهایت دور اندیشی است .
- احتیاط کردن برترین دوراندیشی است .

- شکیبایی در برابر دشواریهای روزگار از برترین دور اندیشیهاست .

دور اندیشی (متفرقه).

- امام علی (ع) : اعتماد کردن پیش از آزمودن خلاف دور اندیشی است .
- آفت دور اندیشی از دست دادن کار (و فرصت) است .
- با درست اندیشی دور اندیشی قدرت می گیرد.
- آن که بیازماید دور اندیش تر شود.
- امام رضا (ع) : کسی که بخواهد دور اندیشی کند اما محتاط و برحذر نباشد خود را مسخره کرده است .
- امام علی (ع) : پیروی از انگیزه های زشتکاری فرجام کارها را تباه می کند.
- اندوه .

اندوه .

- امام علی (ع) : اندوه نیمی از پیری است .
- اندوه بدن را آب می کند.
- اندوه دومین پیری است .
- مسیح (ع) : آن که اندوه بسیار خورد تنی بیمار داشته باشد.
- امام صادق (ع) : اندوهها ناخوشیهای دلند، همچنان که بیماریها ناخوشیهای تن .
- امام علی (ع) : غم و اندوه بدن را ضعیف و لاغر می سازد.
- اندوه بدن را متلاشی می کند.
- اندوه بیماری روان است .
- پیامبر خدا (ص) : از غمدوستی به خداپناه برید.

عوامل اندوه زا.

- امام صادق (ع) : دنیا خواهی غم و اندوه می آورد و پشت کردن به دنیا مایه آسایش دل و بدن است .
- پیامبر خدا (ص) : هر که چشمش به دست مردم باشد اندوهش دراز و افسوسش پایدار شود.
- بسا خواهش ولذتی که دمی بپاید اما اندوهی دراز بر جای گذارد.
- امام علی (ع) : هر که بر کسی خشم گیرد که توان آسیب رساندن به وی را ندارد اندوهش دراز گردد و خود را عذاب دهد.
- ستمگری ندیدم که به ستمدیده مانده تر باشد مگر حسود : او جانی خسته دارد و دلی سرگشته و اندوهی پیوسته .
- هر که در عمل کوتاهی کند به اندوه گرفتار آید.
- از بیتابی کردن پرهیز ، که آن امید را قطع می کند و عمل را ضعیف می گرداند و اندوه می آورد.
- آن که جامه عشق به دنیا را بر تن کند دلش از غمها پر گردد و بر صفحه دلش برقصند همچون رقصیدن کف و خاشاک سیلاب در هنگام گذر از پیچ و خم دره ها خواهشی (دنیوی) اندوهگینش می کند و خواهشی دیگر او را سرگرم خود می سازد و سرانجام گلویش گرفته می شود.

- امام صادق (ع) : وقتی آیه ((اگر بعضی از مردان و زنانشان را به چیزی بهره ور ساخته ایم تو بدان نگاه مکن و غم آن را مخور و در برابر مؤمنان فروتن باش)) نازل شد، پیامبر خدا(ص) فرمود: کسی که به دلداری خدا دلخوش و صبور نباشد، جانش بر دنیا حسرتها خورد و هر که چشمش به داراییهای دیگران باشد، اندوهش بسیار شود و نا راحتیش بهبود نیابد.

- پیامبر خدا (ص) : کسی که به دنیا بچسبدمن سه چیز را برای او قطعی می دانم : فقری که هیچ گاه به بی نیازی نمی انجامد، گرفتاری که هرگز از آن خلاصی نیست و غم و اندوهی که هرگز به پایان نمی رسد.

عوامل اندوه زدا (۱).

قرآن .

((بدانید که دوستان خدا را هراسی نیست و اندوهگین نمی شوند)).

- امام علی (ع) : اندوههای دل خویش را با نیروی صبر و شکیبایی و یقین راستین بزداى .

- چه نیکو غم زدایی است یقین .

- چه نیکو غم زدایی است توکل کردن به تقدیر (الهی).

- امام صادق (ع) : اگر همه چیز به قضا و قدر است پس اندوه چرا ؟

!

- امام کاظم (ع) : آن که غم خورد شایسته غم و اندوه است ، پس مؤمن باید که به خدا و آنچه از خدا می رسد خرسند باشد.

- امام صادق (ع) : هر که برای دنیا غم خورد از پروردگار خویش ناخشنود شود.

- خداوند --- از روی عدالت و حکمت و علم خود --- آسایش و شادمانی را در یقین و خشنودی از خدا قرار داد و غم و اندوه

را در شک و ناخشنودی (از خدا)، پس از خدا راضی باشید و در برابر فرمان او گردن نهید.

- پیامبر خدا (ص) : خداوند --- از روی حکمت و لطف خویش --- آسایش و شادمانی را در یقین و خرسندی قرار داد و غم

و اندوه را در شک و ناخشنودی (از خدا).

- امام حسین (ع) : در زیر دیوار یکی از شهرها لوحی پیدا شد که در آن نوشته بود : من خداهستم و جز من خدایی نیست و

محمد پیامبر من است در شگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد چگونه شادی می کند؟

و در شگفتم از کسی که به تقدیر یقین دارد چگونه غم می خورد؟

- امام باقر (ع) : محمد بن مسلم بن شهاب زهری با حالتی افسرده و غمگین خدمت علی بن الحسین (ع) آمد امام سجاده(ع)

به او فرمود : چرا غمگینی ؟

عرض کرد : غمها و اندوهها پایی بر من وارد می شوند ، زیرا از آنان که به نعمتهای من حسادت می ورزند و چشم طمع به مال

من دوخته اند و کسانی که به آنان امید دارم و کسانی که به آنان خوبی می کنم و انتظار مرا برآورده نمی کنند رنج می برم

علی بن الحسین (ع) به او فرمود : زیانت را نگه دار تا برادرانت را از دست ندهی .

- امام علی (ع) : هر گاه بیتابی شدت گرفت باید به خدا پناه برد.

- امام کاظم (ع) : بدان که خداوند از غمزدگان به اندازه غم و اندوهشان گره غم نگشود بلکه به اندازه مهر و رافت خود غمشان

را زدود.

عوامل اندوه زدا (۲).

قرآن .

((تا بر آنچه از دست داده اید اندوه مخورید و برای آنچه به شما داده است شاد مشوید خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد)).

- ابن عباس : بعد از سخن پیامبر خدا(ص) از هیچ سخنی به اندازه نامه ای که علی بن ابی طالب (ع) برای من نوشت بهره مند نشدم او به من نوشت : اما بعد ، آدمی برای نرسیدن به آنچه به او نمی رسید اندوهگین می شود و از رسیدن به آنچه نمی شد به او نرسد شاد می شود پس ، آنجا شادی کن که به چیزی از آخرت خود رسیده ای باشی و آن جا اندوهگین شو که چیزی از آخرت خود را از دست بدهی اگر به چیزی از دنیای خود رسیدی شادی مکن و اگر چیزی از آن را از دست دادی اندوهگین شو هم و غم خود را برای پس از مرگ به کار گیر ، والسلام .

- امام علی (ع) : از دو حال خارج نیست : یا چیزی هست که در گذشته به من نرسیده و در آینده نیز امیدی به رسیدن آن ندارم و یا چیزی هست که تا زمانش نرسد من به آن نخواهم رسید هر چند برای رسیدن به آن از نیروی اهل آسمانها و زمین مدد جویم چه شگفت آور است کار این انسان ، از رسیدن به چیزی که حتما به او می رسید شاد می شود و برای از دست دادن چیزی که هرگز به او نمی رسید اندوهناک اگر می اندیشید دیده بصیرتش باز می شد و می فهمید که برای او از پیش برنامه ریزی شده است و به آنچه آسان می رسد بسنده می کرد و در پی آنچه شدنی نیست نمی رفت و دلش از آنچه بدشواری به دست می آید آسوده می شد : پس ، به خاطر کدام یک از این دو چیز عمر خویش را صرف کنم ؟

- پیامبر خدا (ص) : ای مردم ! دنیا سرای غم است نه سرای شادی ، سرای دشواری است نه سرای آسودگی پس ، هر که آن را شناخت باامیدی شاد نشد و با سختی و عسرتی اندوهگین نگشت .

- امام حسن (ع) : آنچه را از دنیا طلبیده ای و بدان نرسیده ای به منزله آن پندار که هرگز در اندیشه آن نبوده ای .

- امام علی (ع) : زمانه دو روز است : روزی با توست و دیگر روز بر تو اگر با تو باشد، سرمست مشو و اگر بر تو باشد دلگیر نشو .

- پیامبر خدا (ص) : دنیا دست به دست می شود آنچه از دنیا نصیب تو باشد اگر ناتوان هم باشی به تو می رسد و آنچه به زیان تو باشد به زور نمی توانی آن را از خود دور کنی هر که از آنچه از دستش رفته امید بر کند تنش آسوده باشد و هر که به آنچه خداوند روزیش کرده خرسند گرددشادمان باشد .

- امام علی (ع) : برای آنچه از دست رفته است اندوه به دلت راه مده که تو را از آنچه می آید باز می دارد .

عوامل اندوه زدا (۳).

- امام صادق (ع) : هرگاه از سوی حکومت یا دیگران اندوهی به تو رسید جمله ((لاحول ولا قوة الا بالله)) (هیچ قوت و قدرتی مگر به اتکای خدا نیست) را فراوان بگو ، که آن کلید گشایش است و گنجی از گنجهای بهشت .

- پیامبر خدا (ص) : جمله ((لاحول ولا قوة الا بالله)) نود و نه درد را شفا می دهد که ساده ترین آنها اندوه است .

- امام صادق (ع) : هرگاه غمها بر تو فرود آمد بر تو باد به گفتن جمله ((لاحول ولا قوة الا بالله)).

- پیامبر خدا (ص) : جمله ((لاحول ولا قوة الا بالله ، لا ملجأ ولا منجى من الله الا اليه)) (هیچ جنبش و نیرویی مگر به اتکای خدا نیست و پناه و گریزی از خدا جز به سوی او نیست) امت مرا از غم و اندوه در امان می دارد .

- هر که زیاد استغفار کند خداوند گره غمهای او را بگشاید و از هر تنگنایی بیرونش برد و از آن جا که گمانش را هم نمی برد روزیش رساند.

عوامل اندوه زدا (۴).

- امام صادق (ع) : یکی از پیامبران از غم و اندوه به درگاه خداوند شکوه کرد ، خداوند به او دستور داد انگور تناول کند .
 - چون آب فروکش کرد و استخوانهای مردگان نمایان گردید و نوح (ع) آن صحنه را دید بسیار بیتاب شد و اندوهگین گشت پس ، خدای تعالی به او وحی کرد که انگور سیاه بخور تا غمت زدوده شود .
 - امام علی (ع) : شستن جامه ها غم و اندوه را می برد .
 - امام صادق (ع) : هر کس در خود اندوهی بیابد و علت آن را نداند ، سر خود را بشوید .

غم و شادی با هم هستند.

- پیامبر خدا (ص) : هیچ خانه ای نیست که در آن شادی باشد جز این که در پی آن غمی بدان رسد .
 - با هر شادی غمی است .
 - امام علی (ع) : هر نوشی را نیشی است .

گره هر اندوهی گشوده می شود جز اندوه دوزخیان .

قرآن .
 ((وگفتند : سپاس خداوندی را که اندوه ما را زدود ، همانا پروردگار ما آمرزنده و شکر پذیر است)) .
 ((هر گاه ، که خواهند از آن عذاب ، از اندوهی بیرون آیند بار دیگر آنان را بدان باز گردانند که : بپشید عذاب آتش سوزنده را)) .
 - پیامبر خدا (ص) : هیچ اندوهی نیست که زدوده نشود، مگر اندوه دوزخیان .

علت شادی و اندوهی که به ظاهر دلیل ندارند.

- ابوبصیر : با یکی از یارانمان خدمت امام صادق (ع) رسیدیم به آن حضرت عرض کردم : فدایت شوم یابن رسول الله ! من (گاه) بدون آن که بدانم دلیلش چیست غمگین و اندوهناک می شوم ! امام صادق (ع) فرمود : آن غم و شادی از ما به شما می رسد زیرا اگر اندوهی یا سروری به ما رسد بر شما نیز وارد می شود چون ما و شما از نور خدای عزوجل هستیم .
 - جابر جعفی : در حضور امام باقر (ع) دلم گرفت عرض کردم : فدایت شوم ، گاهی اوقات بدون آن که مصیبتی یا گرفتاری به من رسد اندوهگین می شوم چندان که همسرم و دوستم آن را در چهره ام می خوانند فرمود : آری ، ای جابر ! خدای عز و جل مؤمنان را از طینت بهشتی آفرید و از نسیم روح خویش در آنها جاری ساخت ، از این روست که مؤمن برادر تری مؤمن است پس هر گاه به یکی از آن ارواح در شهری اندوهی رسد آن روح دیگر اندوهگین شود، زیرا از جنس اوست .
 - روایت شده است که از عالم (ع) سؤال شد: فردی غمگین می شود بی آن که علت اندوه خود را بداند ؟
 فرمود : اگر اندوهی به او رسد بداند که برادرش غمی دارد همچنین است اگر بی دلیل شاد شود پس ، در ادای حقوق برادران از خدا مدد می جوییم .

اندوه پسندیده .

- امام سجاد (ع) : خداوند دل‌های حزین را دوست دارد.

- امام علی (ع) : بسا اندوه‌گینی که غمش او را به شادمانی همیشگی بکشاند.

- پیامبر خدا (ص) : خدای عز و جل با چیزی همانند اندوه طولانی عبادت نشده است .

- امام باقر (ع) : در کتاب علی (ع) خواندم که مؤمن صبح و شبش را به اندوه می گذراند و جز این به صلاح او نیست .

- امام صادق (ع) : مؤمن صبح و شبش را به اندوه می گذراند و جز این به صلاح او نیست .

- داود (ع) عرض کرد: الهی! فرمانم دادی که صورت و بدن و پاهایم را با آب بشویم , دلم را با چه بشویم ؟

فرمود: با غمها و اندوهها.

- امام صادق (ع) : خداوند به عیسی بن مریم (ع) وحی فرمود : آن گاه که هرزگان می خندند تو بامیل اندوه چشمانت را سرمه

کن .

- امام علی (ع) : هر که در دنیا بر نفس خویش اندوه بسیار خورد خداوند در روز قیامت او را شادمان گرداند و در سرای

ماندگاری جایش دهد.

- پیامبر خدا (ص) --- در پاسخ به این پرسش که : خدا کجاست ؟

- : نزد شکسته دلان .

- امام صادق (ع) : حزن و اندوه همواره با عارفان است به سبب کثرت واردات غیبی بردل‌هایشان و افتخار بسیارشان بر بودن در

زیر پوشش کبریا اگر اندوه لحظه ای از دل‌های عارفان کنار رود دست به استغاثه بر می دارند و اگر در دل‌های دیگران نهاده شود آن

را خوش ندارند.

- امام علی (ع) : هیچ کس سرمه ای چون سرمه اندوه به چشم نکشید.

- روایت شده است که خدای تعالی می فرماید : ای آدمیزاد ! هر روز روزی تو می رسد و تو باز غم به دل راه می دهی و از عمرت

کاسته می گردد اما اندوهی به خود راه نمی دهی چندان می جویی که تو را به طغیان وا می دارد حالی که آنچه داری کفایت می

کند.

- امام صادق (ع) : اگر مرگ حق است , دیگر شادی چرا؟

- امام باقر (ع) به جابر جعفی فرمود : ای جابر ! من غمگینم و دلم مشغول است عرض کردم : اندوه و دلمشغولی شما چیست ؟

فرمود : ای جابر ! هر کس که دین ناب و زلال خداوند به دلش راه یابد او را از هر چه جز اوست باز دارد.

--

--

- امام صادق (ع) : کسی که برای ما نگران باشد و به خاطر ستمی که بر ما برود غمگین , نفس کشیدنش تسبیح است و

غمخواریش برای ما عبادت .

.۲

حسابرسی .

قرآن .

((وگفتند: پروردگار ما! پیش از روز حسابرسی، در رسیدگی به نامه اعمال ما تعجیل کن)).

- پیامبر خدا (ص): هلا! اینک شما در روزی هستید که هنگام عمل است و حسابرسی در آن نیست و زودا که به روزی در روید که روز حسابرسی است نه جای عمل .

- امام علی (ع): حسابرسی پیش از کیفر است، پاداش بعد از حسابرسی (به اعمال).

- پیامبر خدا (ص) --- از سفارشهای آن حضرت به معاذ بن جبل ---: تو را به تقوای خدا سفارش می کنم و نگرانی از روز حسابرسی .

- سوگند به آن که جانم در دست اوست حتی به حساب دو گوسفند که به یکدیگر شاخ زده باشند رسیدگی خواهد شد.

- امام علی (ع): خداوند برای هرکاری پاداشی قرار داده است و برای هرچیزی حسابی .

تشویق به محاسبه نفس .

قرآن .

((ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و هر نفسی بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است از خدا بترسید که خدا به آنچه می کنید آگاه است)).

- امام علی (ع): به حساب اعمال نفس خود رسیدگی کنید و از آن بخواهید که وظایف خود را انجام دهد و از آنجا که رفتنی است برای آن جا که ماندنی است بهره برگیرد پیش از آن که برانگیخته شوید توشه بردارید و خود را آماده کنید.

- نفسهای خود را با حسابرسی به بند کشید و با مخالفت کردن با آن زمامش را در اختیار گیرید.

- امام سجاد (ع): ای فرزند آدم! تا زمانی که خود واعظ خویش باشی و به محاسبه (اعمال نفس) خویش پردازی پیوسته در خیر و خوبی به سر خواهی برد.

- امام علی (ع): تو به حساب نفس خودت رسیدگی کن، زیرا دیگران را حسابرسی جز توهست .

- در زبور آمده است: ای پسر آدم! دنیا را برای شما نشانه هایی بر آخرت قرار دادم وقتی یکی از شما مردی را به مزدوری می گیرد و سپس حسابش را از او می طلبد عضلات بدنش به لرزه در می آید، ولی از کیفر آتش نمی ترسد حالی که بسیار نافرمانی می کنید.

- پیامبر خدا (ص): زیرکترین زیرکان کسی است که نفس خویش را حسابرسی کند و برای بعد از مرگ کار کند و کودن ترین کودنها کسی است که نفس خویش دنباله روهوشش کند و از خدا آرزوها طلبد.

پیش از آن که به حساب شما رسیده شود خود به حساب خویش برسید.

قرآن .

((آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست اگر آنچه درون خود دارید آشکار سازید یا پنهان دارید خداوند به حساب آن می رسد، پس هر که را خواهد ببخشد و هر که را خواهد عذاب کند و خدا بر هر کاری تواناست)).

- پیامبر خدا (ص): پیش از آن که مورد حسابرسی قرار گیرید، خود به حساب نفستان برسید و پیش از آن که سنجیده شوید،

خودنفسان را در ترازوی سنجش بگذارید و برای آن حسابرسی بزرگ آماده شوید.

- امام صادق (ع): از نفسهای خود حساب بکشید پیش از آن که به حساب شما رسیده شود، زیرا در قیامت پنجاه ایستگاه است و توقف در هر ایستگاهی هزار سال به درازا می کشد امام (ع) سپس این آیه را تلاوت کرد: ((در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است)).

- پیامبر خدا (ص): پیش از آن که حسابرسی شوید به حساب نفس خود برسید و پیش از آن که عذاب شوید نفسان را آماده کنید و پیش از آن که برده شوید ره توشه سفر بردارید، که آن جایستگاه عدالت است و به حق داوری می شود و از واجبات و وظایف پرسیده می شود آن که پیشاپیش هشدار داد معذور است.

- ای اباذر! پیش از آن که حسابرسی شوی تو خود به حساب خویش برس، که این کار حسابرسی فردای (قیامت) تو را آسان می سازد، پیش از آن که اعمال سنجیده شود خود اعمال را بسنج و برای آن حسابرسی بزرگ، روزی که بر خدا عرضه می شوی و هیچ امر پوشیده ای بر او پوشیده نیست، آماده شو.

ضرورت محاسبه هر روز نفس.

- امام علی (ع): چه سزاوار است که انسان ساعتی از روز را فقط به حسابرسی نفس خود اختصاص دهد و ببیند که در شبانه روز چه کارهایی به سود یا زیان خود انجام داده است.

- امام صادق (ع): بر هر مسلمانی که نسبت به ما معرفت دارد لازم است در هر روز و شب کار خود را بر نفسش عرضه دارد و به حساب نفس خود برسد اگر دید کار خوبی انجام داده است به دنبال بیشتر از آن باشد و اگر دید کار بدی از او سرزده است استغفار کند تا در روز رستخیز سرشکسته و رسوا نشود.

- هرگاه به بستر خود رفتی در این باره بیندیش که چه خوراکی به معده خود فرستاده ای و در آن روز چه کارهایی کرده ای و به یاد آور که می میری و تو را معادی و رستخیزی است.

- امام کاظم (ع): از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند و ببیند که اگر کار نیکی انجام داده است از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده است از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند.

سخنگیری در محاسبه نفس.

- پیامبر خدا (ص): بنده، مؤمن نباشد مگر آن گاه که سخت تر از حسابرسی شریک از شریکش و آقا از بنده اش، از نفس خود حساب بکشد.

- آدمی در زمره تقوا پیشگان نباشد مگر آن گاه که سخت تر از حسابرسی شریک از شریکش، از خود حساب کشد و بداند که از کجا خورده است، از کجا آشامیده است، از کجا پوشیده است، از حلال یا از حرام؟

چگونگی حسابرسی.

- امام علی (ع) در پاسخ به سؤال از نحوه محاسبه نفس فرمود: چون شب را به صبح رساند و سپس روز را به شب، به سراغ نفس خویش رود و بگوید: ای نفس! امروز را گذراندی و دیگر هرگز بر نمی گردد خداوند از تو خواهد پرسید که آن را چگونه

سپری کردی ؟

در آن روز چه کردی ؟

آیا خدا را یاد کردی یا سپاس و ستایشش گفتی ؟

آیا حق برادر مؤمنی را پرداختی ؟

آیا بارغمی از دل او برداشتی ؟

آیا در نبود او از زن و فرزندانش نگهداری کردی ؟

آیا وقتی درگذشت به بازماندگان او رسیدگی کردی ؟

آیا با استفاده از مقام و موقعیت از غیبت برادر مؤمنی جلوگیری کردی ؟

آیا مسلمانی را یاری رساندی ؟

چه کاری برای او کرده ای ؟

آن گاه کارهایی که کرده است بر می شمرد ، اگر کار خیری از وی سر زده باشد خدا را سپاس گوید و به شکرانه توفیقی که به وی عنایت کرده خدا را به بزرگی یاد کند و اگر دید گناهی یا تقصیری از اوسر زده است از خدای عز و جل آمرزش بخواهد و تصمیم بگیرد که دیگر آن را تکرار نکند.

نمره محاسبه نفس .

- امام علی (ع) : هر کس پیوسته به حساب نفس خود برسد از سالوسی او در امان ماند.

- هر که به محاسبه نفس خود پردازد به عیبهایش آگاه شود و به گناهانش پی ببرد و گناهان راجبران کند و عیبها را برطرف سازد.

- نمره محاسبه اصلاح نفس است .

- هر که به حساب نفس خود برسد سودبرد و هر کس از آن غافل ماند زیان کند و هر کس بترسد ایمن ماند.

- به حساب نفس خود برسد تا از تهدیدهای خدا در امان مانید و به نویدهای او دست یابید.

- هر که نفس خود را حسابرسی کند نیکبخت شود.

نخستین چیزی که انسان درباره آن مورد سؤال قرار می گیرد.

- پیامبر خدا (ص) : نخستین چیزی که بنده درباره آن پرسش می شود محبت ما خاندان است .

- امام صادق (ع) : هنگامی که بنده در برابر خداوند ، جل جلاله ، بایستد نخستین پرسشی که از او می شود درباره نمازهای

واجب ، زکات واجب ، روزه واجب ، حج واجب و ولایت ما اهل بیت است اگر با اعتراف به ولایت و دوستی ما از این دنیا برود ،

نماز و روزه و زکات و حجش پذیرفته می شود .

آنچه مورد باز خواست قرار نمی گیرد (۱).

- پیامبر خدا (ص) : روز قیامت از هر نعمتی باز خواست می شود ، مگر آنچه در راه خدای تعالی صرف شده باشد .

- انسان از هر نعمتی که داشته است باز خواست می شود مگر آنچه در جهاد یا حج مصرف شده باشد .

- امام علی (ع) : هر کس در هنگام خوردن طعام نام خدا را بگوید ، درباره نعمت آن خوراک هرگز مورد سؤال قرار نخواهد

گرفت .

آنچه مورد بازخواست قرار نمی گیرد (۲).

- امام صادق (ع) : سه چیز است که بنده مؤمن درباره آنها بازخواست نمی شود غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد، همسر پاک و مددکاری که به وسیله او از آلوده شدن به گناه محفوظ ماند.
- امام باقر (ع) : سه چیز است که بنده درباره آنها بازخواست نمی شود : تکه پارچه ای که به وسیله آن خود را می پوشاند، تکه نانی که با آن سد جوع می کند و خانه ای که او را از گرما و سرما محفوظ می دارد.

آنچه مورد بازخواست قرار می گیرد (۱).

قرآن .

((سپس به یقین در آن روز از نعمت بازخواست می شوید)).

- امام صادق (ع) درباره آیه ((در آن روز از نعمت سؤال می شوید)) فرمود : این امت درباره نعمت وجود رسول خدا (ص) و سپس اهل بیت (ع) که خداوند به آنان داده است، بازخواست می شوند.
- نیز در ذیل همین آیه فرمود : ما جز آن نعمتیم .
- نیز درباره همین آیه فرمود : خداوند بزرگوارتر از آن است که از مؤمنی درباره خوردن و آشامیدنش بازخواست کند.
- ابوخلد کابلی : خدمت امام باقر (ع) رسیدم دستور داد ناشتایی آوردند من نیز با آن حضرت غذا خوردم هرگز غذایی به آن پاکیزگی و خوشمزگی نخورده بودم وقتی از خوردن دست کشیدیم فرمود : ای ابو خالد ! غذایت --- یا فرمود : غذای ما --- را چگونه یافتی ؟
- عرض کردم : قربانت کردم هرگز غذایی به این پاکیزگی و خوشمزگی ندیده ام، اما این آیه از کتاب خدا به یاد آمد :
- ((سپس آن روز از نعمت بازخواست می شوید)) امام باقر (ع) فرمود : آنچه درباره اش از شما بازخواست می کند عقیده حقی است که شما دارید.

آنچه مورد بازخواست قرار می گیرد (۲).

- پیامبر خدا (ص) : در روز قیامت بنده قدم از جای خود بر ندارد تا آن گاه که از چهار چیز بازخواست شود : از عمرش که در چه راهی صرف کرده است، از جوانیش که در چه راهی به سر آورده است، از مالش که از کجا آورده و در کجا خرج کرده است و از دوستی ما خاندان .
- امام صادق (ع) : از جمله اندرزه‌های لقمان به پسرش این بود : بدان که فردا چون در برابر خدای عز و جل بایستی از چهار چیز بازخواست شوی : جوانیت که در چه راهی به سر آوردی، عمرت که در چه راهی صرف کردی، مال و دارائیت که از کجا آوردی و در چه راهی خرج کردی، پس برای آن هنگام مهیا شو و پاسخی آماده کن .
- درباره آیه ((گوش و چشم و دل همگی بازخواست خواهند شد)) فرمود : از گوش درباره شنیده هایش سؤال می شود و از چشم درباره دیده هایش و از دل درباره آنچه بدان وابسته شده .

آنچه حسابرسی روز رستاخیز را آسان می سازد.

قرآن .

((آنان که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است پیوند می دهند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حسابرسی بیم دارند)).

- امام صادق (ع) : صله رحم حسابرسی روز قیامت را آسان می کند سپس این آیه را تلاوت کرد : ((آنان که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است پیوند می دهند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حسابرسی بیم دارند)).

- پیامبر خدا (ص) : دو چیز است که آدمی آنها را ناخوش دارد : مرگ را ناخوش دارد, درحالی که مرگ مایه آسودگی مؤمن از فتنه و گمراهی است تنگدستی را ناخوش دارد, در حالی که دارایی اندک حسابرسی را کمتر و ساده تر می کند.
- به آنچه به تو داده شده قناعت کن , تا کار حسابرسی بر تو آسان شود.

- امام صادق (ع) : اگر توانستی از دنیا چیزی به دست نیآوری که درباره آن باز خواست شوی این کار را بکن .

- پیامبر خدا (ص) : اخلاقت را نیکوگردان خداوند حساب تو را سبک می کند.

گروههای مردم در حسابرسی .

- پیامبر خدا (ص) --- درباره آیه ((سپس کتاب را به کسانی که برگزیدیم به ارث دادیم)) فرمود --- : کسانی که پیش تاختند بدون حسابرسی وارد بهشت می شوند و کسانی که میانه روی کردند اندکی مورد حسابرسی , قرار می گیرند و آنان که به خود ستم کردند , در تمام مدت محشر نگهداشته می شوند.

- امت من به سه قسمت تقسیم می شوند: یک سوم بدون حساب و عذاب به بهشت می روند یک سوم اندکی حسابرسی می شوند و سپس وارد بهشت می شوند و یک سوم دیگر گداخته و خالص می شوند.

- امام علی (ع) : در آن روز مردم چند گروهند : برخی از آنان مختصری حسابرسی می شوند و شادمان نزد خانواده خود برمی گردند , برخی بدون حسابرسی وارد بهشت می شوند , زیرا هیچ آلودگی دنیوی ندارند , کسی در آن جا حسابرسی می شود که در این جا به دنیا آلوده شده باشد , بعضی هم درباره گودی زیر هسته خرما و پوست نازک بین خرما و هسته آن (درباره کمترین جزئیات اعمالشان) باز خواست و به عذاب آتش شعله ور گرفتار می شوند.

حسابرسی سخت و شدید.

قرآن .

((برای آنان که دعوت پروردگارشان را پذیرفتند پاداش نیکویی است و کسانی که دعوت او را نپذیرفته اند , اگر هر آنچه را که بر روی زمین است و همانند آن را داشته باشند , فدا دهند , آنان به سختی باز خواست خواهند شد و مکانشان جهنم است و بد جایگاهی است)).

((و آنان که آنچه را خداوند به پیوند دادن آن فرمان داده است پیوند می دهند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حسابرسی بیم دارند)).

- امام صادق (ع) درباره آیه ((و از سختی حسابرسی بیم دارند)) فرمود : بدیها و خوبیهایشان به طور دقیق و همه جانبه حسابرسی می شود.

- به مردی که یکی از برادرانش از او شکوه کرده بود فرمود: چرا فلان برادرت از تو شکایت دارد ؟

عرض کرد : آیا از این که تمام حق خود را از او خواسته ام شکایت دارد؟

حضرت با عصبانیت نشست و آن گاه فرمود: خیال می‌کنی از این که تمام حقت را از او خواسته‌ای کار بدی نکرده‌ای؟ آیا وقتی خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ((و از سختی حسابرسی می‌ترسند)) ترسشان از این است که خدا به آنها ستم کند؟ نه به خدا قسم! ترس آنها از حسابرسی کامل و دقیق نیست که خداوند آن را حسابرسی سخت نامیده است، پس هر که تمام حق خود را (مته به خشخاش گذارد) بخواهد بد کرده است.

کسانی که آسان حسابرسی می‌شوند.

قرآن.

((هر کس نامه اعمالش به دست راستش داده شود، آسان حسابرسی خواهد شد)).

- امام باقر (ع): رسول خدا (ص) فرمود: هر که حسابرسی شود عذاب شدنی است کسی به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! پس این سخن خدای عز و جل چه می‌شود که: ((آسان حسابرسی خواهد شد))؟ پیامبر فرمود: آن عرضه داشتن و ورق زدن است (نه حسابرسی).

- روایت شده است که حسابرسی آسان و مختصر عبارت است از پاداش دادن به کارهای نیک و چشمپوشی از گناهان اگر در حسابرسی کسی چون و چرا شود عذاب خواهد شد.

- امام صادق (ع): آن گاه که خداوند مؤمن را از قبرش برانگیزد، همراه او مثالی بیرون آید که پیشاپیش او حرکت می‌کند و هر زمان که مؤمن با یکی از صحنه‌های هراس‌انگیز قیامت رو به رو شود آن مثال می‌گوید: نترس و غم مخور، مژده باد تو را به شادمانی و کرامت خدای عز و جل، تا آن که مؤمن در برابر خدای عز و جل می‌ایستد و مختصری حسابرسی می‌شود.

- پیامبر خدا (ص): سه خصلت است که در هر کسی باشد خداوند حسابرسی اندکی از او به عمل آورد و به رحمت خود او را وارد بهشت کند عرض کردند: آن سه چیست ای رسول خدا؟ فرمود: اگر کسی تو را از چیزی محروم کرد تو برخوردارش سازی، اگر کسی با تو قطع رابطه کرد تو با او پیوند برقرار کنی و اگر کسی به تو ستم کرد از او درگذری.

کسانی که بدون حسابرسی به بهشت می‌روند.

قرآن.

((بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگار خود بترسید برای آنان که در حیات اینجهانی نیکی کرده‌اند پاداش نیک است و زمین خداوند فراخ است مزد صابران بی حساب و کامل داده می‌شود)).

- امام علی (ع): کسی که برای خدای تعالی کار کند خداوند مزد او را در دنیا و آخرت عطا فرماید و خواسته‌های مهم او را در هر دو سرای بر آورد، خدای تعالی فرموده است: ((ای بندگان من که ایمان آورده‌اید از پروردگار خود بترسید برای کسانی که در این دنیا نیکی کنند پاداش نیک است و زمین خدا فراخ می‌باشد جزاین نیست که شکیبایان مزد خود را بی حساب و کامل دریافت می‌کنند)) آنچه را که خداوند در دنیا به آنان بدهد در آخرت با ایشان حساب نمی‌کند.

- امام سجاد (ع): آن گاه که خداوند همه انسانها را گرد آورد، آواز دهنده‌ای جار زند: کجایند شکیبایان که همگی بدون حسابرسی به بهشت روند فرشتگان به ایشان گویند: شما که هستید؟ گویند: صابران فرشتگان پرسند: در چه باره صبر می‌کردید؟ پاسخ دهند: در راه طاعت خدا و خویشتنداری از نافرمانی او شکیبایی ورزیدیم.

- پیامبر خدا (ص) درباره آیه ((آن گاه کتاب را به کسانی که برگزیده ایم به ارث دهیم)) فرمود: آنان که پیش تاخته اند بدون حسابرسی به بهشت روند و آنان که میانه روی کرده اند مختصری حسابرسی شوند و آنان که به خود ستم کرده اند، در طول مدت محشر نگه داشته شوند.

- امام صادق (ع): در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و به در بهشت آیند و در را بکوبند به آنان گفته شود: شما کیستید؟

گویند: ما تهیدستانیم گفته شود: آیا پیش از حسابرسی می خواهید وارد بهشت شوید؟

گویند: به ما چیزی ندادید تا درباره آن باز خواستمان کنید پس، خدای عز و جل فرماید: راست می گویند، به بهشت در آید.

- پیامبر خدا (ص): از دنیا همان اندازه که گرسنگی تو را بر طرف سازد و بدن برهنه ات را بپوشاند، تو را بس است اگر خانه ای باشد که تو را محفوظ دارد خوب است و اگر مرکبی باشد که سوارش شوی چه بهتر و اگر اینها را نداشتی به همان نان و آب سبو بسنده کن که بیش از آن، یا از تو بازخواست خواهد شد یا مایه عذاب تو خواهد گشت.

- امام سجاد (ع): آن گاه که خدای عزوجل همه آدمیان را از اولین تا آخرین نفر جمع کند آواز دهنده ای برخیزد و با صدایی که همگان بشنوند بانگ برآورد: کجايند آنان که برای خدا دوستی می ورزیدند؟

پس گروهی از مردم برخیزند و به آنان گفته شود: بدون حسابرسی وارد بهشت شوید.

- پیامبر خدا (ص): خدای تعالی فرموده است: ای بندگان من که در راه من جنگیدید و در راه من کشته شدید و آزار دیدید و در راه من جهاد کردید به بهشت در آید پس، آنان بی آن که عذابی بینند و حسابرسی شوند به بهشت وارد شوند.

- امام صادق (ع): رسول خدا (ص) فرمود: آن گاه که نامه های اعمال گشوده و ترازوها برپا شود، برای بلادیدگان ترازویی برپا نگردد و نامه عملی گشوده نشود آن گاه این آیه را تلاوت کرد: ((جز این نیست که مزد شکیبایان به طور کامل داده می شود)).

- پیامبر خدا (ص): در روز رستاخیز خداوند برای گروهی از امت من بالهایی می رویاند که به وسیله آنها از گورهای خود به بهشت پرواز می کنند و در آن به گشت و گذار می پردازند و هرگونه بخواهند از نعمتهایش برخوردار می شوند فرشتگان از آنها پرسند: آیا حسابرسی شدید؟

جواب دهند: ما حسابی ندیدیم پرسند: آیا از صراط گذشتید؟

پاسخ دهند: ما صراطی را ندیدیم پرسند: آیا دوزخ را دیدید؟

پاسخ دهند: ما چیزی ندیدیم فرشتگان گویند: شما از امت که هستید؟

پاسخ دهند: از امت محمد (ص) فرشتگان گویند: شما را به خدا سوگند می دهیم به ما بگویید که اعمال شما در دنیا چه بود؟

پاسخ دهند: دو خصلت در ما بود که خداوند به فضل رحمت خود ما را بدین مقام رساند پرسند: آن دو خصلت کدام است؟

گویند: ما در خلوت و تنهایی خود از معصیت خدا شرم می کردیم و به همان اندک روزی که قسمت ما شده بود خرسند بودیم پس فرشتگان گویند: این مقام حق شماست.

کسانی که بدون حسابرسی به دوزخ می روند.

- پیامبر خدا (ص): خداوند عزوجل از همه خلائق حساب می کشد مگر از کسی که به خدا شرک ورزیده باشد در روز قیامت دستور داده می شود که او را بدون حسابرسی به دوزخ افکنند.

- امام سجاد (ع): بندگان خدا! بدانید که برای مشرکان نه ترازویی برپا می شود و نه نامه عملی گشوده می گردد، بلکه دسته

جمعی به سوی دوزخ رانده می شوند برپا شدن ترازوها و گشوده شدن نامه اعمال تنها برای مسلمانان صورت می پذیرد.
- امام صادق (ع) : سه کسند که خداوند آنها را بدون حسابرسی به دوزخ می برد : پیشوای منحرف و ستمگر , تاجر دروغگو و پیرمرد زناکار.

- پیامبر خدا (ص) : شش گروه بدون حسابرسی به دوزخ می روند: فرمانروایان به سبب ستمگری , عربها به سبب عصبیت (قبیله ای و نژادی) , ملاکان به سبب تکبر , بازرگانان به سبب دروغگویی , علما به سبب حسادت و ثروتمندان به سبب بخل .
- شش گروهند که , بدون حسابرسی , به سبب شش خصلت به دوزخ می روند عرض شد : یا رسول الله ! , درود خدا بر تو , آنان کیستند؟

فرمود : فرمانروایان به سبب ستمگری , عربها به سبب عصبیت (قبیله ای و نژادی) , ملاکان به سبب کبر , بازرگانان به سبب خیانت , روستائیان به سبب جهالت و نادانی و علما به سبب حسادت .

سریعترین حسابرسی .

قرآن .

((همانا خداوند حسابها را زود خواهد رسید)).

((سپس به نزد خدا , مولای حقیقی خویش باز گردانده شوند بدان که حکم , حکم اوست و او سریعترین حسابگران است)).

- امام علی (ع) --- در پاسخ به این پرسش : خداوند چگونه به حساب آن همه خلائق می رسد ؟
فرمود --- : همان گونه که آن همه را روزی می دهد.

- در مجمع البیان آمده است : روایت شده است که خدای سبحان در مدتی به اندازه زمان دوشیدن یک گوسفند حسابرسی می کند و این دلیل آن است که حسابرسی هر فرد او را از رسیدن به حساب دیگری باز نمی دارد , نیز نشانگر آن است که خدای سبحان بدون استفاده از زبان و زبانک سخن می گوید و از این روهنگان را همزمان مورد حسابرسی قرار می دهد.

حسد.

حسد.

- امام علی (ع) : حسد دردی بی درمان است .

- حسد خوی فرومایگان و تنگ نظران است .

- حسادت دام بزرگ ابلیس است .

- حسادت زندان روح است .

- حسادت بدترین بیماری است .

- حسادت یکی از دو عذاب است .

- حسادت عیبی رسوا و بخلی سهمگین است و حسود تا به آرزوی خود درباره محسودش نرسد آرام نمی گیرد.

- حسد سر آمد رذیلت هاست .

- هر گاه باران حسادت فرو ریزد گیاه تبهکاری برآید.

- آفرین بر حسادت ! چه عدالت پیشه است ! پیش از همه صاحب خود را می کشد.

- هر که شیفته حسادت باشد نحسی و شور بختی شیفته او گردد.
- حسادت مرکب رنج است .
- ثمره حسادت بدبختی در دنیا و آخرت است .
- هر که حسادت را رها کند محبوب مردمان شود.

حسود.

- قرآن .
- ((و از شر و گزند حسود آن گاه که حسادت ورزد)).
- امام علی (ع) : حسود جز با از بین رفت نعمت (محسود) آرام نمی گیرد.
 - حسود از بدیها (و ناراحتیهای دیگران) شاد می شود و از شادیها (ی مردم) غمگین می گردد.
 - حسود زوال نعمت از محسود را برای خود نعمت می داند.
 - حسود به زبان لاف دوستی می زند و در عمل مخفیانه دشمنی می ورزد و بنا بر این ، او نام دوست را بر خود دارد و صفت دشمن را.
 - ستمگری چون حسود ندیدم که به ستمدیده مانده تر باشد.
 - امام صادق (ع) : حسود پیش از آن که به محسود زیان رساند به خود زیان می زند، مانند ابلیس که با حسد ورزی برای خود نفرین خرید و برای آدم (ع) ، برگزیدگی .
 - امام علی (ع) : ستمگری چون حسود ندیدم که به ستمدیده مانده تر باشد : جانی سرگردان دارد و دلی بیقرار و اندوهی پیوسته .
 - از (رنج) حسود تو را همین بس که وقتی تو شادی او غمگین و ناراحت است .
 - آنچه که حسود (از حسادت خود) می کشد او را بس است .
 - امام صادق (ع) : خیرخواهی از حسود محال است .

ناراحتی حسود از نعمتهای خدا.

- قرآن .
- ((یا بر مردم به خاطر نعمتی که خدا از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است حسادت می ورزند ؟ هر آینه ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگی ارزانی داشتیم)).
- پیامبر خدا (ص) : خدای عزوجل به موسی بن عمران فرمود : ای پسر عمران ! به نعمتی که به مردم عطا کرده ام حسد مبر و چشم به آن نعمت مدوز و دل در پی آن نداشته باش ، زیرا که حسود از نعمتهای من ناراحت است و از قسمتی که برای بندگانم مقرر داشته ام رویگردان .
 - هان ! با نعمتهای خدا دشمنی مکنید ، عرض شد : ای رسول خدا ! چه کسی با نعمتهای خدادشمنی می کند ؟
 - فرمود : آنان که به مردم حسادت می ورزند.
 - امام صادق (ع) : آن گاه که موسی بن عمران در حال مناجات و سخن گفتن با پروردگارش بود، مردی را زیر سایه عرش خدا دید عرض کرد : ای پروردگار من ! این کیست که در سایه عرش توست ؟

خدا فرمود: ای موسی! او از کسانی است که بر نعمتهایی که خدا به مردم داده است حسادت نورزیده است.

حسود.

- امام علی (ع): حسود بسیار افسوس خورد و گناهانش دو چندان باشد.
- حسود (از بیماری حسادت) شفا نمی یابد.
- حسود را دوستی نباشد.
- حسود آقایی نمی کند.
- حسود از تقدیر (خدا) ناراحت و در خشم است.
- امام صادق (ع): بخیل را آسایش نباشد و حسود را لذت.
- حسود آسایش ندارد.
- حسود نباید به آرامش دل چشم امید بندد.
- امام علی (ع): آدم حسود زود خشم می گیرد و دیر کینه از دلش می رود.
- امام صادق (ع): حسود هیچگاه بی نیاز نمی شود.
- امام علی (ع): چه بد رفیقی است حسود.

هر متنعمی محسود است.

- پیامبر خدا (ص): در بر آوردن نیازهای خود از کتمان کمک گیرید، زیرا هر صاحب نعمتی محسود واقع می شود.

حسادت و ایمان.

- امام باقر (ع): همان گونه که آتش هیزم را می خورد، حسد ایمان را می خورد.
- امام صادق (ع): آفت دین، حسد و خودپسندی و فخر فروشی است.
- پیامبر خدا (ص): هان! بیماری امتهای پیشین، یعنی حسادت، به شما سرایت کرده است، این بیماری نه موی سر را، که دین را فرو می ریزاند.
- از حسادت بپرهیزید، زیرا حسنت و نیکیها را فرو می خورد همچنان که آتش هیزم را.

حسد و کفر.

- امام صادق (ع): ابلیس به سپاه خود می گوید: میان آنان حسادت و تجاوزگری افکنید، که این دو خوی نزد خدا برابر با شرک است.
- از حسادت کردن به یکدیگر بپرهیزید، زیرا کفر ریشه اش حسادت است.

زیانهای جسمانی حسادت.

- امام علی (ع): حسادت تن را فرسوده و علیل می کند.
- حسادت بدن را آب می کند.

- حسادت اندوه و دلمردگی می آورد.
- حسود همواره رنجور است .
- حسود همیشه ناراحت است هر چند تنش سالم باشد.
- شگفت است که حسودان از تندرستی غافلند.
- سلامت جسم از کمی حسادت است .
- حسادت نتیجه ای جز زیان و ناراحتی که دلت را سست و تنت را بیمار می گرداند به بار نمی آورد .

حسادت و تقدیر.

- پیامبر خدا (ص) : نزدیک است که حسادت بر تقدیر چیره آید.
- نزدیک است که حسادت از تقدیر پیشی گیرد.

نشانه حسود.

- امام صادق (ع) : لقمان به فرزندش گفت : حسود را سه نشانه است : پشت سر غیبت می کند , رو به رو تملق می گوید و از گرفتاری دیگران شاد می شود.
- پیامبر خدا (ص) : حسود چهار نشانه دارد : غیبت کردن , چاپلوسی کردن و شاد شدن از گرفتاریهای دیگران ((۵)).

در موقع احساس حسد چه باید کرد؟

- پیامبر خدا (ص) : هرگاه فال بد زدی اعتنایی نکن و هرگاه گمان بردی (زود) داوری مکن و چون حسد بردی ستم مکن ((۶)).

حسادت پسندیده .

- پیامبر خدا (ص) : حسادت جز در دو مورد روا نیست : رشک بردن به مردی که خداوند به او مال و ثروتی داده و او آن را شب و روزانفاق می کند و رشک بردن به مردی که خداوند به او قرآن عطا فرموده است و او شب و روز به آن می پردازد.
- منظور از حسادت در این روایت غبطه است : بحار , ج ۷۳ , ص ۲۳۸.
- امام صادق (ع) : مؤمن غبطه می خورد و حسادت نمی ورزد , منافق حسادت می ورزد و غبطه نمی خورد.
- در پاسخ به پرسش از آیه ((آن چیزی را که خداوند با آن برخی را بر برخی دیگر برتری داده است آرزو نمی کنند)) فرمود : مرد , زن یا دختر کسی دیگر را آرزو نمی کند, بلکه آرزومی کند که مانند آنها را داشته باشد.

۲.

دریغ .

دریغ .

دریغ خورترین مردمان .

قرآن .

((آنان را از روز حسرت که کار به پایان آمده و آنان همچنان در حال غفلت و بی ایمانی هستند , بترسان)).

((تاکسی نگوید : ای دریغا بر آنچه در کار خدا کوتاهی کردم و از مسخره کنندگان بدم)).

((روزی که کافر دستان خود را به دندان گزد و گوید : ای کاش راهی را که رسول در پیش گرفته بود , می رفتم)).

- امام علی (ع) : بزرگترین افسوس در روز قیامت , افسوس مردی است که مالی را به ناروا گرد آورده و آن را برای کسی بر جای گذاشته و او آن را در راه طاعت خدای سبحان خرج کرده باشد و بدان سبب به بهشت رود و او به دوزخ .

- در پاسخ به این سؤال که پرحسرت ترین مردمان کیست ؟

فرمود : کسی که مال و دارایی خود را در ترازوی دیگری ببند و خداوند به سبب آن او را به دوزخ برد و وارث وی را به بهشت .

- امام صادق (ع) : بیشترین افسوس را در روز قیامت کسی می خورد که سخن از عدالت بگوید و خود با دیگران به عدالت رفتار نکند.

- پیامبر خدا (ص) : پشیمانترین مردمان در روز رستاخیز کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد.

- امام صادق (ع) : دریغ و پشیمانی و آه همه زان کسی است که از دانش و بینش خود بهره ای نگیرد و نداند که آنچه در کار آنست به سود اوست یا به زیانش .

نیکی .

نیکی .

- پیامبر خدا (ص) : نیکی را نور دل و آرایه رخسار و نیروی کار یافتن و بدی و گناه را سیاهی دل و سستی در کار وزشتی چهره .

تأثیر کار نیک پس از کار بد.

قرآن .

((مگر کسی که مرتکب گناهی شده باشد و پس از بدکاری , نیکوکار شود زیرا من آمرزنده و مهربانم)).

((نماز بگزار در آغاز و انجام روز و ساعاتی از شب : زیرا نیکبها بدیها را از میان می برند)).

- امام باقر (ع) : چه زیبا هستند خوبیهای پس از بدیها و گناهان و چه زشتند بدیهای پس از خوبیهها.

- نیکی و حسنه ای که بعد از بدی و گناهی صورت می گیرد, چنان بشدت در تعقیب آن گناه برمی آید و چنان سریع خود را به آن می رساند (و نابودش می کند) که نظیر آن شدت و سرعت راهرگز در چیزی ندیده ام .

- امام صادق (ع) : هر که در نهان کارزشتی انجام دهد, باید در نهان نیز کار خوبی انجام دهد و هر که آشکارا زشتکاری کند, باید آشکارا نیز کار نیک انجام دهد.

چند برابر شدن نیکبها.

قرآن .

((خداوند همسنگ ذره ای ستم نمی کند اگر نیکی باشد آن را دو برابر می کند و از جانب خود مزدی بزرگ می دهد)).

((هر کس کار نیکی انجام دهد, ده برابر به او پاداش دهند و هر که کار بدی انجام دهد تنها همانند آن کیفر ببندد و به آنان ستم

نمی شود)).

((هرکس که کار نیکی کند، بهتر از آن را پاداش گیرد و نیکوکاران از وحشت آن روز در امان باشند)).

- امام سجاد (ع): بدا به حال کسی که یک هایش بر ده هایش غالب آید --- مراد این است که بدی یک برابر حساب می شود و خوبی ده برابر -

- درباره آیه ((هر که خوبی کند ده برابر مانند آن پاداش بیند)) فرمود: کسی که یک خوبی انجام دهد، ده خوبی برایش منظور شود و هر که یک بدی انجام دهد، برایش همان یکی نوشته می شود به خدا پناه می بریم از کسی که در یک روز ده گناه مرتکب می شود اما یک خوبی هم انجام نمی دهد تا خوبیهایش بر بدیهایش غالب گردد.

- امام صادق (ع): هرگاه مؤمن کار خوبی انجام دهد خداوند هر کار خوب او را هفتصد برابر کند و این سخن خدای تبارک و تعالی است که فرموده است: ((و خداوند برای هر کس که بخواهد مضاعف گرداند)).

بهترین کار نیک.

- پیامبر خدا (ص) --- در پاسخ به این پرسش که برترین کار نیک نزد خدا چیست؟

فرمود ---: خوشخویی و فروتنی و صبر بر بلا و گرفتاری و خرسندی به قضا سؤال شد: بزرگترین بدی نزد خدا کدام است؟
فرمود: بدخویی و بخل مسلط.

خوشحال شدن از کار خوب.

- پیامبر خدا (ص): هر که از کار بدی که می کند ناراحت شود و از کار خویش خوشحال گردد، او مؤمن است.

- امام رضا (ع): مؤمن کسی است که چون کار خوب انجام دهد شادمان شود و هرگاه بدی کند آمرزش بطلد.

- امام باقر (ع): از پیامبر خدا (ص) درباره بهترین بندگان سؤال شد فرمود: بهترین بندگان کسانی هستند که چون کار خوب کنند شادمان شوند و هرگاه بد کنند آمرزش طلبند.
نیکی کردن.

نیکی کردن.

قرآن.

((در آنچه که خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی و بهره ات را از دنیا فراموش مکن و نیکی کن همچنان که خدا به تو نیکی کرده است و دنبال فساد و تبهکاری در روی زمین مباش که خداوند تبهکاران را دوست ندارد)).

((و در راه خدا انفاق کن و خود را با دستهای خویش به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد)).

((همانا خداوند به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان، فرمان می دهد و از فحشا و زشتکاری و ستم نهی می کند او شما را اندرز می دهد باشد که پند گیرید)).

- امام علی (ع): سزاوارترین مردم به نیکی کردن کسی است که خداوند به او نیکی کرده و قدرت در اختیارش نهاده است.

- نیکی کردن خوی و سرشت نیکان است و بدی کردن سرشت بدکاران.

- نیکی کردن محبت است.

- نیکی کردن غنیمت است.

- نیکی کردن گنج است و کریم کسی است که مالک این گنج شود.
- پیامبر خدا (ص): زیور دانش نیکوکاری است.
- امام علی (ع): بر تو باد به نیکوکاری که آن بهترین کشت و سود آورترین کالا است.
- برترین ایمان نیکوکاری است.
- با نیکی کردن و چشمپوشی از گناهان عزت و احترام زیاد می شود.
- امام صادق (ع) --- به اسحاق بن عمار فرمود ---: ای اسحاق: تا می توانی به دوستان من نیکی کن، زیرا هیچ مؤمنی به مؤمن دیگری نیکی و کمک نکرد مگر این که با آن کار روی ابلیس را خراش انداخته و دلش را جریحه دار کرده است.

--

--

- امام علی (ع): نیکی کردن به مردم در راس ایمان است.
- چه نیکو توشه ای است برای معادنیکی کردن به بندگان.
- زکات پیروزی و نیکی کردن است.
- نیکوکاری از فضایل انسان است.
- اگر نیکوکاری مجسم می شد بیگمان آن را در شکل و قیافه ای زیباتر از همه جهانیان می دیدید.

نیکوکاری و محبت.

- امام علی (ع): نیکوکاری محبت است.
- نیکی کردن سبب و ریسمان محبت است.
- آن که احسانش زیاد باشد دوستان و برادرانش او را دوست بدانند.
- آن که بسیار نیکوکار باشد، خدمتکاران و یارانش بسیار شود.
- آن که به مردم نیکی کند همواره از دوستی و محبت آنان برخوردار شود.

با احسان دلها به دست می آید.

- پیامبر خدا (ص): دلها بر محبت کسی که به آنها خوبی کند سرشته شده و بر دشمنی و نفرت از کسی که به آنها بدی روا دارد.
- امام علی (ع): نیکی کردن انسان را بنده می کند.
- انسان بنده احسان است.
- نیکی کردن آدمی را به بند می کشد.
- بسا انسانهایی که بنده احسان شده اند.
- به مردم نیکی کن آنها را بنده خود می کنی.
- مردان کریم به چیزی همانند اکرام به بندگی گرفته نشدند.
- با نیکی کردن دلها تصرف می شود.
- دست نیاز به سوی هر که خواهی دراز کن، اسیر او می شوی، از هر که خواهی بی نیازی جوی، همتای او خواهی شد، به هر که خواهی خوبی کن فرمانروای او خواهی شد.

خوبی کردن به کسی که بدی کرده است .

- امام علی (ع) : خوبی کردن تو به دشمنان و بدخواهانت از بدی کردنت به آنها در ایشان مؤثرتر است و موجب اصلاح آنان می شود.
- پیامبر خدا (ص) : به کسی که در حق تو بدی کرده است ، خوبی کن .
- امام علی (ع) : به آن که بد کرده است خوبی کن مالکش می شوی .
- با کردار نیک خود ، بد کردار را اصلاح کن و با گفتار خوش و زیباییت به خیر و خوبی راهنمایی کن .
- نیکی کردن به بد رفتار نیکوترین احسان است .
- نیکی کردن به آن که بدی کرده است دشمن را آشتی می دهد.
- به پاداش نعمتی که به تو داده شده به کسی که در حقت بدی کرده است خوبی کن .
- آمرزش را به دست نیاورد مگر کسی که بدی را با خوبی پاسخ دهد.
- مبادا قدرت برادرت بر بدی کردن بیشتر از قدرت تو بر خوبی کردن به او باشد.

نیکوکار .

- امام علی (ع) : نیکوکار یاری می شود ، آن که بدی کند خوار و بی کس می ماند.
- نیکوکار زنده است ، هر چند به خانه های مردگان منتقل شود.
- نیکوکار کسی است که به همه مردم نیکی کند.
- همانا مؤمنان نیکوکارند.
- هر نیکوکاری محبوب است .

خداوند با نیکوکاران است .

- قرآن .
- ((و آنان که در راه ما جهاد کنند راههایمان را به ایشان نشان می دهیم و همانا خدا با نیکوکاران است)).
- ((همانا خدا با پرهیزگاران است و با آنانکه نیکوکارند)).
- امام باقر (ع) درباره آیه ((همانا خداوند با نیکوکاران است)) فرمود : این آیه درباره خاندان محمد صلوات الله علیهم و پیروان آنهاست .
- امام علی (ع) : بدانید که من در قرآن به نامهایی ویژه گشته ام ، مبادا بر این نامها چیره شوید که در دین خود گمراه و سرگشته خواهید شد من هستم آن محسن و نیکوکار که خدای عز و جل می فرماید : ((همانا خداوند با نیکوکاران است)).

تفسیر نیکوکاری .

- عمر بن یزید : از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود : هرگاه مؤمن کارش را نیکو انجام دهد، خداوند هر کار نیک او را هفتصد برابر گرداند عرض کردم : نیکوکاری چیست ؟
- فرمود : (نیکوکاری این است که) چون نمازگزاری رکوع و سجودت را نیکو به جای آور و هرگاه روزه گرفتی از هر آنچه

روزه را تباه و باطل می کند دوری کن هر کاری که برای خدا می کنی باید از آلودگی پاک باشد.
 - درباره آیه ((کسی که از روی اخلاص رو به خدا کند و نیکوکار بود)): روایت شده است که از پیامبر (ص) درباره نیکی و احسان سؤال شد، فرمود: احسان این است که خدای را چنان پرستی که گویی او را می بینی، زیرا اگر تو او را نبینی او تو را می بیند.

هر که نیکی کند به خود کرده است.

قرآن .
 ((اگر نیکی کنید به خود می کنید و اگر بدی کنید به خود می کنید و چون وعده دوم فرا رسید، کسانی بر سرتان فرستادیم تا شما را غمگین سازند و چون بار اول که به مسجد درآمده بودند به مسجد در آیند و به هر چه دست یابند نابود سازند)).
 ((پروردگارتان به شما ادراک داده است هر که از روی بصیرت می نگرند به سود اوست و هر که چشم بصیرت برهم نهد به زیان اوست و من نگهدارنده شما نیستم)).
 ((هر که جهاد کند به سود خود کرده است، همانا خدا از همه جهانیان بی نیاز است)).
 - امام علی (ع): تو اگر نیکی کنی خودت را گرامی داشته ای و به خودت نیکی کرده ای، اگر بدی کنی خودت را خوار کرده ای و به خودت زیان رسانده ای.

نتایج نیکوکاری در دنیا.

قرآن .
 ((از پرهیزگاران پرسند: پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟
 گویند: بهترین را، به آنان که در این دنیا نیکی می کنند، نیکی پاداش دهند و سرای آخرت نیکوتر از آن است و جایگاه پرهیزگاران چه جایگاه خوبی است)).
 ((بگو: ای بنندگان من که ایمان آورده اید! از پروردگارتان بترسید برای آنان که در حیات اینجهانی نیکی کرده اند، پاداش نیک است و زمین خدا پهناور است جز این نیست که مزد صابران بی حساب و کامل ادا می شود)).

نتیجه نیکوکاری مشرکان.

- سلمان بن عامر ضبی: عرض کردم: ای رسول خدا! پدرم مردی میهمان نواز و همسایه دار بود، به پیمان وفا می کرد و در گرفتاریها و سختیها دستگیر بود آیا اینها برای او سودی دارد؟
 پیامبر پرسید: آیا او مشرک، مرد؟
 عرض کردم: آری فرمود: اینها به حال او سودی ندارد، اما به سبب این کارها بازماندگان او هرگز گرفتار و خوار و نیازمند نمی شوند.
 - عایشه: عرض کردم ای رسول خدا! ابن جدعان در زمان جاهلیت صله رحم به جا می آورد و مستمندان را اطعام می کرد آیا اینها سودی به حال او دارند؟
 فرمود: ای عایشه! او حتی یک روز نگفت: پروردگارا! در روز جزا گناه مرا ببخش.
 - پیامبر خدا (ص) به عدی بن حاتم فرمود: پدر تو دنبال چیزی بود و به آن رسید، یعنی نام و آوازه.

نمک شناسی .

- امام علی (ع) : نادیده گرفتن احسان (دیگران) به کار زشت منت گذاری می کشاند.

- نمک شناسی موجب محرومیت (از احسان) می شود.

- هر که نیکی (دیگران) را پوشیده دارد به کیفر محرومیت مجازات شود.

نیکی کردن (متفرقه).

- امام کاظم (ع) : هر که بدی برایش ناگوار و رنج آور نباشد، خوبی و احسان نیز در نظرش جایگاهی ندارد.

- امام علی (ع) : کسی که رشته احسان خود را قطع کند، خداوند توانایی او (بر نیکی کردن) را بگیرد.

- کمال احسان منت نهادن به سبب آن است .

۲.

حافظه .**حافظه .**

- امام صادق (ع) --- در حدیث مفضل --- : آیا اندیشیده ای که اگر انسان از میان این ویژگیها فقط حافظه را کم داشت حال

و روزش چگونه بود ؟

و اگر موضوعات سودمند و زیانبار و گرفته ها و داده ها و دیده ها و شنیده های خود را در حافظه اش نگه نمی داشت چه

اختلالاتی در کارها و زندگی و تجربیاتش به وجود می آمد اگر راهی را بارها و بارها می پیمود، باز آن را گم می کرد، اگر همه

عمرش را درس می خواند، دانشی را به خاطر نمی سپرد، به دینی اعتقاد نمی یافت و از تجربه ای بهره مند نمی شد و نمی توانست از

گذشته ها کمترین عبرتی بگیرد، به طور کلی سزاوار بود که از انسان بودن یکسره خارج شود.

بالا تر از نعمت حافظه برای انسان نعمت فراموشی است، زیرا اگر فراموشی نبود هیچ کس هیچ مصیبتی را از یاد نمی برد.

حفظ کردن در خردسالی .

- پیامبر خدا (ص) : حفظ کردن خردسال مانند نشانی است که بر سنگ کنده می شود و حفظ کردن در کهنسالی مانند

نوشتن روی آب است .

- حکایت کسی که در خرد سالی می آموزد همچون نقشی است که روی سنگ کنده می شود و حکایت کسی که در

کهنسالی می آموزد همانند کسی است که بر آب بنویسد.

آنچه حافظه را زیاد می کند.

- پیامبر خدا (ص) : سه چیز فراموشی را از بین می برد و حافظه می آورد : تلاوت قرآن، مسواک زدن و روزه .

- ای علی ! سه چیز حافظه را زیاد می کند و بیماری را می زداید : کندر، مسواک زدن و تلاوت قرآن .

کینه توزی .

کینه توزی .

- امام علی (ع) : کینه توزی پست ترین عیبهاست .
- پست ترین خوی , کینه توزی است .
- کینه توزی انسان را نابود می کند (پژمرده می کند).
- کینه , خشم برانگیز است .
- کینه توزی خصلت حسودان است .
- کینه توزی دردی سخت و بیماری مهلک و مسری است .
- کینه توزی خوبی پست و مرضی کشنده است .
- کینه توزی از خصلتهای اشرار و بدان است .
- کینه توزی آتشی است که جز با پیروز آمدن فرونشاندن نمی شود.
- دلهای خود را از کینه پاک کنید , که آن دردی مهلک است .
- کینه توزی در راس همه عیبهاست .
- دنیا کوچکتر و حقیرتر و ناچیزتر از آن است که در آن از کینه ها پیروی شود.
- امام هادی (ع) : سرزنش و گله گذاری بهتر است از کینه به دل گرفتن .
- امام علی (ع) : خردمند کسی است که کینه ها را از دل بیرون کند.
- علت فتنه ها و آشوبها کینه توزی است .
- جنگ افزار شرارت و بدی , کینه توزی است .
- هر که کینه را دور ریزد, دل و دماغش آسوده گردد.
- آن که کینه بکارد, رنج و محنت بدرود.
- هر که کینه اش زیاد شود, سرزنش و گله گذاری او کم گردد.
- از حدت بخل و کینه توزی و خشم و حسادت بپرهیزید و برای مبارزه با هر یک از آنها جنگ افزاری مانند اندیشیدن در عاقبت آنها , مبارزه با رذیلت و طلب فضیلت و اصلاح کار آخرت و لزوم بردباری و گذشت فراهم آورید.

کینه توز .

- امام علی (ع) : جان کینه توز در عذاب است و اندوهش دو چندان .
- امام عسکری (ع) : کم آسایش ترین مردم کینه توز است .
- پیامبر خدا (ص) : آیا به شما بگویم که بی شباهت ترین شما به من کیست ؟
- عرض کردند : آری , ای رسول خدا , فرمود : دشنامگوی بی پروا از شنیدن دشنام و لوده و بخیل و خودپسند و کینه توز و حسود.
- امام علی (ع) : پرغل و غش ترین دلها , دل کینه توز است .
- بد همنشینی است کینه توز .
- کینه توز را برادری نیست .
- کینه توز پایبند دوستی نیست .

- آدم بزرگوار کینه توز نیست .

کینه در دل مؤمن نمی پاید.

- امام صادق (ع) : کینه مؤمن لحظه ای است و زمانی که از برادر خود جدا شد در دل خود کینه ای نسبت به او نگه نمی دارد , اما کینه کافر مادام العمر است .

- کینه مؤمن تا زمانی است که نشسته است , همین که برخاست کینه نیز از دل او می رود .

- پیامبر خدا (ص) در وصف مؤمن فرمود : کینه اش اندک است .

آنچه کینه می آورد.

- امام علی (ع) : برادرت را با همان وضعی که دارد تحمل کن و زیاد سرزنش نکن , زیرا این کار کینه می آورد .

آنچه کینه را می برد.

- امام علی (ع) : برای درو کردن بدی از سینه دیگران , آن را از سینه خودت ریشه کن کن .

- پیامبر خدا (ص) : خوش رویی کینه را می برد .

- امام علی (ع) : در هنگام سختیها و گرفتاریها کینه ها از بین می رود .

تحقیر.

نهی از حقیر دانستن مردم .

- لقمان (ع) --- به فرزندش فرمود --- : فرزندانم ! هیچ کس را به سبب کهنه بودن جامه اش حقیر مشمار زیرا که پروردگار تو و او یکی است .

- پیامبر خدا (ص) : هیچ یک از شما نباید احدی از بندگان خدا را خوار و بیمقدار شمرد , زیرا نمی داند که کدام یک از آنها دوست و ولی خداست .

بر حذر داشتن از تحقیر مؤمن .

- پیامبر خدا (ص) : هر کس مرد یازن مؤمنی را به سبب تهیدستی یا کم بضاعتی خوار و حقیر شمارد , خدای تعالی در روز رستاخیز او را انگشت نما و سپس رسوایش کند .

- هیچ مسلمانی را خوار و حقیر مشمار , زیرا کوچک آنان هم نزد خداوند بزرگ است .

- امام صادق (ع) : خدای تبارک و تعالی می فرماید : هر که یکی از دوستان مرا خوار شمارد , آماده جنگ با من شده است و من در یاری دادن دوستانم شتابنده ترینم .

- خدای عز وجل می فرماید : هر آن که بنده مؤمن مرا خوار و سبک شمارد با من اعلان جنگ دهد .

- هر که مؤمن بینوایی را حقیر شمارد , خداوند پیوسته او را تحقیر کند و دشمنش دارد تا آن گاه که از تحقیر او دست بردارد .

- پیامبر خدا (ص) : در بدی فرزند آدم همین بس که برادر مسلمان خود را کوچک شمارد .

حق .**حق .**

قرآن .

((ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست جز به حق نیافریدیم و بی تردید قیامت فرا می رسد پس گذشت کن , گذشتی نیکو)).

- امام علی (ع) : حق نیرومندترین پشتیبان است .

- حق شمشیری برانست .

- حق شمشیری است بر ضد باطل گرایان .

- حق برای هر که بدان عمل کند مایه نجات است و برای هر گوینده ای حجت و دلیل .

- حق روشن است و نیازی به حمایت و مشورت ندارد .

- امام صادق (ع) : حق بلند پایه و ارجمند است , پس به آن عمل کنید .

- امام علی (ع) : حق گسترده تر از کره خاک است .

- همانا حق نیکوترین سخن است و کسی که آشکارا حق بگوید مجاهد است و من تو را از حق آگاه می کنم پس , گوش خود را به من سپار .

- هلا! حق مرکبهایی رام هستند که صاحبانشان بر آنها نشستند و زمام آنها را به دست گرفتند پس , این مرکبها سواران خود را به آرامی و ملایمت بردند تا به سایه ای گسترده رسیدند .

حق باطل را درهم می کوبد .

قرآن .

((بلکه حق را بر سر باطل می زنیم , تا آن را درهم کوبد و باطل نابود شونده است و وای بر شما از آنچه به خدا نسبت می دهید)).

((خدا مقرر داشته که : البته من و پیامبرانم پیروز می شویم , زیرا خدا توانا و پیروزمند است)).

- امام علی (ع) : هر که در برابر حق سینه سپر کند نابود شود .

- هر که با حق پنجه در افکند به خاک افتد .

- اندکی حق بسیاری باطل را نابود کند , همچنان که اندکی آتش هیمة های فراوانی را بسوزاند .

- امام صادق (ع) : هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آن که حق بر باطل چیره شود و این سخن خداوند است : ((بلکه

حق را بر سر باطل می زنیم تا آن را درهم کوبد)).

- امام علی (ع) : آن که با توسل به شرو بدی پیروز شود شکست خورده است و آن که با حق بستیزد درهم شکسته شود .

- مغلوب حق پیروز و غالب است .

حق و عزت .

- امام عسکری (ع) : هیچ عزیزی حق را فرو نگذاشت مگر آن که ذلیل شد , و هیچ ذلیلی به آن چنگ نزد مگر این که عزیز گشت .

- امام علی (ع) : هر که به جز حق جویای عزت شود به ذلت در افتد و هر که با حق عناد ورزد خوار گردد.
- امام صادق (ع) : عزت و ارجمندی آن است که چون با حق رو به رو شدی در برابر آن فروتنی کنی .

سنگینی حق .

قرآن .

((یا می گویند که او دیوانه است ؟

نه ، پیامبرشان حق را برای آنان آورد ، ولی بیشتریشان از حق کراهت دارند)).

((هر آینه ما حق را برای شما آوردیم ولی بیشترتان از حق کراهت دارید)).

- امام علی (ع) : همانا حق سنگین است ، اما گوارا و باطل سبک و آسان است ، اما کشنده .

- پیامبر خدا (ص) : حق سنگین و تلخ است و باطل سبک و شیرین و بسا خواهش و شهوتی که ساعتی بیش نپاید اما اندوهی دراز در پی آرد.

- امام علی (ع) : حق همه اش سنگین است ، اما خداوند آن را بر مردمانی که جویای عاقبت و آخرتند سبک می گرداند و از این رو ، جانهایشان را به شکیبایی و ایامی دارند و به درستی وعده خدا به کسانی که در راه خدا صبر و شکیبایی می کنند اطمینان دارند ، پس تو از این عده باش و (در این راه) از خدا کمک بجوی .

تحمل کردن حق .

- مردی از اهالی جبل از امام صادق (ع) استفتایی کرد ، حضرت فتوایی داد که برخلاف میل او بود امام ناراحتی را در چهره او مشاهده کرد ، پس فرمود : ای مرد ! حق را تحمل کن ، زیرا هیچ کس حقی را تحمل نکرد مگر این که خداوند در عوض چیزی که برایش بهتر است به او عطا فرمود .

- امام باقر (ع) : چون هنگام رحلت پدرم علی بن الحسین (ع) فرا رسید مرا در آغوش گرفت و فرمود : فرزندم ! من به تو همان سفارشی را می کنم که پدرم در هنگام فرا رسیدن رحلتش به من کرد و فرمود که پدر او نیز به وی همان سفارش را کرده است : (فرزندم ! حق را تحمل کن هر چند تلخ باشد).

- خود را بر حق شکیبادهار ، زیرا کسی که حقی را رعایت نکند ، به اندازه دو برابر آن گرفتار باطل شود .

- امام علی (ع) : تلخی حق را تحمل کن ، مباد که فریب شیرینی باطل را بخوری .

- حق را تحمل نکنند ، مگر کسی که ارزش آن را شناخته است .

لزوم حق گویی هر چند به زیان خود.

قرآن .

((ای کسانی که ایمان آورده اید ! به عدالت برخیزید و برای خدا شهادت دهید هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان شما بوده باشد)).

- امام علی (ع) : بر نوشته دسته شمشیری از شمشیرهای حضرت رسول چنین آمده بود: حق را بگو هر چند علیه خودت .

- امام کاظم (ع) : حق را بگو اگر چه نابودی تو در آن باشد ، زیرا که نجات تو در آن است و باطل را فروگذار هر چند نجات تو در آن باشد ، زیرا که (در واقع) نابودی تو در آن است .

- پیامبر خدا (ص): با تقواترین مردم کسی است که حق را بگوید، چه به سودش باشد چه به زیانش.
- امام صادق (ع): در روز قیامت سه کس از همه مردمان به خدای عز و جل نزدیکترند تا آن گاه که از حسابرسی فارغ شود: مردی که حق را، به سود یا زیان خود، بگوید.
- امام علی (ع): برترین مردم نزد خدا کسی است که عمل به حق را از عمل به باطل بیشتر دوست داشته باشد، اگر چه برای او زیانمند و غمبار باشد و باطل برایش سودمند و فزاینده.
- امام صادق (ع): نشانه ایمان راستین آن است که حق را، هرچند به زیان باشد، بر باطل، اگرچه سودت رساند، ترجیح دهی.
- مؤمن را بر مؤمن هفت حق است واجبترین آنها این است که آدمی حق را بگوید هرچند بر ضد خود یا پدر و مادرش باشد و به خاطر آنها از حق منحرف نشود.

گفتن حق در حال خشنودی و خشم.

- پیامبر خدا (ص): مؤمن هیچ انفاقی نکرد که نزد خدا محبوبتر باشد از گفتن حق در هنگام خشم و خشنودی.
- امام علی (ع) --- از سفارشهای آن حضرت به فرزندش حسین (ع) ---: فرزندم! تو را سفارش می کنم به ترس از خدا در توانگری و تهیدستی و گفتن حق در حال خشنودی و خشم.

حقگویی در برابر پیشوای ستمگر.

- پیامبر خدا (ص): هان! مبادا ترس از مردم مانع از آن شود که کسی حق را بداند و نگوید بدانید که برترین جهاد سخن حقی است که در برابر فرمانروای ستمگر و منحرف گفته شود.
- امام صادق (ع): پدرم (ع) می فرمود: به حق قیام کن و از پیامدهایش مهراس.

گفتن سخن حق به منظور باطل.

- عبیدالله بن ابی رافع وابسته پیامبر خدا (ص): زمانی که حروریه (خوارج) سر به نافرمانی برداشتند او با علی بن ابی طالب بود آنها می گفتند: داوری جز از آن خدا نیست علی فرمود: این سخن حقی است برای نیت باطلی.
- قتاده: چون علی ندای دعوت کنندگان به حکمیت را شنید، پرسید: اینان کیستند؟
- عرض شد: قاریانند فرمود: نه، آنان خیانتکاران عیجوند گفت: آنها می گویند: داوری جز از آن خدا نیست فرمود: سخن حقی است اما هدف باطلی را از آن دنبال می کنند.

حق پذیری.

- پیامبر خدا (ص): حق را از هر کس که برایت آورد کوچک باشد یا بزرگ بپذیر هر چند دشمنت باشد و باطل را --- کوچک یا بزرگ --- هر که گوید به خودش برگردان هر چند دوست باشد.
- خوشا به حال شتابندگان به سوی سایه عرش عرض شد: ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟
- فرمود: کسانی که چون حق را بشنوند بپذیرند و هر گاه حق از آنان خواسته شود دریغ نورزند و برای مردم همان گونه داوری کنند که برای خود می کنند.

- امام علی (ع) : از حق مگریزید آن گونه که انسان سالم از شخص گرو تندرست از بیمار می‌گریزد.

دریا دلی برای پذیرفتن حق .

- امام صادق (ع) : خداوند هرگاه خوبی بنده ای را بخواهد دلش را برای اسلام فراخ می‌گرداند و هرگاه این نعمت به او داد زبانش را به حق گویا کند و دلش را به آن پیوند زند پس ، او به حق عمل کند و چون خداوند این همه رابه او دهد اسلامش را کامل کرده است و هرگاه خداوند خوبی بنده ای را نخواهد او را به خود واگذارد و سینه اش تنگ و در فشار باشد ، اگر حقی بر زبانش جاری شود، در دل به آن اعتقادی نداشته باشد و چون عقیده قلبی نداشته باشد، خداوند توفیق عمل به آن را به او ندهد.

- امام علی (ع) : کسی که سینه اش تنگ باشد تحمل به جا آوردن حق را ندارد.

روگرداندن از حق .

قرآن .

((سپس ، جز اندکی از شما بقیه پشت کردید و روگردان شدید)).

((کیست ستمکارتر از آن کس که آیات خدا را دروغ پنداشت و از آنها روگردان شد؟

بزودی کسانی را که از آیات ما روگردان شده اند ، به سبب این روگردانی ، به عذابی بدکیفر خواهیم داد)).

کسی که حق سودش ندهد باطل زیانش رساند.

قرآن .

((این الله پروردگار بر حق شماست ، بعد از حقیقت جز گمراهی چیست ؟

پس به کجا روی می‌آورید ؟

)).

- امام علی (ع) : براستی که هرکس را حق سود ندهد باطل زیانش رساند و هرکه به راه هدایت نرود ، به کجراهه گمراهی افتد و هرکه یقین او را سود نبخشد ، شک زیانش رساند.

معیار شناخت حق .

- حارث بن حوط نزد امام علی (ع) آمد و عرض کرد : آیا فکر می‌کنی که من اصحاب جمل را گمراه می‌دانم ؟
حضرت فرمود : ای حارث ! تو پاینت را نگریسته ای و بالایت را نگاه نکرده ای و از این رو در حیرت و سرگردانی به سر می‌بری
تو حق را نشناختی تا اهلش را بشناسی و باطل را نشناختی تا باطل گرایان را بشناسی .

- امام علی (ع) --- در پاسخ به این سخن حارث که : به نظر من طلحه و زبیر و عایشه به حق احتجاج می‌کردند، فرمود --- :
همانا حق و باطل به مردم (و شخصیت افراد) شناخته نمی‌شود بلکه حق را به پیروی کسی که از آن پیروی می‌کند بشناس و باطل را به اجتناب کسی که از آن اجتناب می‌کند.

- در نقل امالی مفید از این روایت آمده است : حارث به آن حضرت عرض کرد : پدر و مادرم فدایت باد ! کاش زنگار از دل‌های ما بزدایی و در این موضوع ما را از بینش لازم برخوردارسازی امام (ع) فرمود: بس کن تو مردی هستی که دچار شبهه شده ای
همانا دین خدا با موقعیت اشخاص شناخته نمی‌شود بلکه با معیار و نشانه حق شناخته می‌گردد ، پس حق را بشناس تا اهلش را

بشناسی .

- امام علی (ع) : حق به شخصیتها شناخته نمی شود , خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی .

عمار با حق است .

- پیامبر خدا (ص) : عمار از سر تا پا به ایمان آمیخته شده , ایمان را با گوشت و خونش درآمیخته است , هر جا حق باشد او نیز هست .

- هر گاه مردم چند دسته شوند فرزندسمیه (عمار) با حق است .

دمدمی مزاج .

- امام صادق (ع) : بدانید که خدای تعالی از بندگانی که هر لحظه ای به رنگی در آیند نفرت دارد پس , هیچگاه از حق و پیروانش جدا نشوید که هر کس به باطل و باطل گرایان بیاویزد هلاک شود و دنیا از دستش برود .

- روایت شده است که : خداوند بندگان منحرف خود را دشمن دارد , پس از حق منحرف نشوید , زیرا کسی که باطل را به جای حق بگیرد , نابود شود و دنیا را از دست بدهد و با ناراحتی از دنیا برود .

- امام علی (ع) : بدانید که خدای تبارک و تعالی بندگان بوقلمون صفت خود را دشمن می دارد پس , از حق و دوستی با اهل حق جدا نشوید , زیرا که هر کس دیگری را به جای ما برگیرد هلاک شود و دنیا را از دست بدهد و [با آه و افسوس] از دنیا برود .

حق دو جانبه است .

- امام علی (ع) : دایره حق در توصیف و گفتار گسترده ترین چیزهاست , اما در عمل تنگترین دایره هاست کسی را حقی نیست جز آن که بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست جز آن که او را نیز (بر دیگری) حقی است اگر بنا بود کسی را حقی باشد اما بر او حقی نه , آن کس فقط خدای سبحان بود .

- رعایت حق کسی مانع از آن نشود که او را از اقامه حق بر او معاف دارید (اگر او به گردن دیگران حقی دارد که باید رعایت شود دیگران نیز به گردن او حقی دارند که باید رعایت کنند).

حق (متفرقه) .

- امام علی (ع) : حق هر جا که باشد برای رسیدن به آن هر رنج و سختی را تحمل کن .

- پیامبر خدا (ص) : هر کس برای اثبات حق ستمدیده ای با او همراهی کند , خدای تعالی در آن روزی که گامها می لغزند گامهای او را استوار گرداند .

- امام علی (ع) : هر که (برای شناخت حق) تعمق (و وسواس) به خرج دهد به آن نرسد .

- هیچ راهنمایی صادقتر از گوش سپردن به حق نیست .

- پیوسته با حق باش تا تو را در آن روزی که جز به حق داوری نمی شود در جایگاه پیروان حق جای دهد .

- هر که از حق فراتر رود , راهش تنگ شود و هر که به اندازه خود بسنده کند , همان پایدارتر ماند .

- پیامبر خدا (ص) : هر که با زبان خود حقی را زنده کند , اجر آن را ببرد .

- امام علی (ع) : خدایتان رحمت کناد ! بدانید که شما در روزگاری به سر می برید که حق گویان اندکند و زبان از راستگویی کند است و پیرو حق خوار و ذلیل .

حقوق .

حقوق خدای تعالی .

- پیامبر خدا (ص) : حقوق خداوند جل ثناؤه بزرگتر از آن است که بندگان آنها را به جای آورند و نعمتهای خدا بیشتر از آن است که بندگان شماره کنند , اما شب و روز توبه کنید.

- امام علی (ع) : اما خدای سبحان حق خود را بر بندگان این قرار داد که او را فرمان برند و درمقابل , برای آنان این حق را قائل شد که , از روی تفضل خویش , چند برابر پاداششان دهد.

- از حقوق واجب خداوند بر بندگان این است که با تمام توانشان خیر خواه یکدیگر باشند و برای بر پاداشتن حق در میان خویش همیاری کنند.

حقوق مردم نسبت به یکدیگر .

- امام علی (ع) : آن گاه خداوند پاک از جمله حقوق خویش , حقوقی را میان بندگان بر یکدیگر واجب فرمود و آن حقها را باهم برابر نهاد و واجب شدن حقی را در مقابل گزاردن حقی قرارداد , حقی برای کسی واجب نشود مگر آن که در مقابلش حقی به گردن او باشد.

- بخشی از خطبه آن حضرت در آغاز خلافتش --- : و به سبب اخلاص و یکتاپرستی مسلمانان در جای خود برای آنان حقوقی مقرر فرمود پس مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او آسوده باشند مگر آن که پای حق در میان آید و آزار رساندن مسلمان روا نیست مگر آن جا که خداوند واجب فرموده است .

مقدم داشتن حقوق مردم .

- امام علی (ع) : خداوند پاک حقوق مردم را بر حقوق خود مقدم داشت , پس هر که حقوق بندگان خدا را رعایت کند این کار به رعایت کردن حقوق خدا بینجامد.

مهمترین حقوق .

- امام علی (ع) : از میان آن حقوق که خداوند سبحان واجب فرموده مهمترینش حق زمامدار بر ملت است و حق ملت بر زمامدار.

حقوق برادران .

- پیامبر خدا (ص) : هر گاه یکی از شما چیزی از حقوق برادر خود را فرو گذارد و او در روز قیامت از وی آن حق را مطالبه کند به سود او و به زیان این داوری شود.

- امام صادق (ع) : هر که دین خدا را ارج نهد , برای حقوق برادران خود نیز ارج قایل باشد و هر که دین خدا را خفیف شمارد , به برادران خود نیز اهمیتی ندهد.

- امام عسکری (ع) : آن که به حقوق برادران خود آشنا تر باشد و در رعایت کردن آنها کوشاتر، نزد خداوند ارجمندتر است .
- امام علی (ع) : به اتکای رفاقت و دوستی ، حق برادرت را ضایع مکن ، زیرا کسی که حقش را ضایع کنی برادر تو نیست .
- امام صادق (ع) : همان گونه که هیچ کس نمی تواند فضل ما و آنچه را خداوند به ما عطا فرموده و حقوقی را که برای ما (بر مردم) واجب کرده است وصف کند هیچ کس نیز نمی تواند حق مؤمن را توصیف کند و حقوقی را که خداوند برای او بر برادر مؤمنش واجب کرده ادا کند .
- خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است .

حقوق مؤمنان بر یکدیگر.

- امام صادق (ع) : مؤمن را بر مؤمن هفت حق است که خدای عز و جل آنها را بر او واجب کرده است و خدا درباره آنها از او بازخواست می کند: او را در چشم خود بزرگ شمارد ، در دل دوستش بدارد ، با مال و دارایی خود یاریش رساند ، بر او همان پسندد که بر خود می پسندد ، غیبت او را حرام بداند ، در بیماری به عیادتش رود ، در تشییع جنازه اش شرکت کند و بعد از مرگ جز به خوبی از وی یاد نکند .
- پیامبر خدا (ص) : مسلمان را بر مسلمان شش حق است : هرگاه با وی رو به رو شوی سلام کن ، چون تو را فراخواند اجابتش کن ، اگر از تو راهنمایی و نصیحت خواست او را ارشاد و نصیحت کن ، هرگاه عطسه کرد و الحمد لله گفت او را (با گفتن جمله یرحمک الله) دعا کن ، اگر بیمار شد به عیادتش برو و چون درگذشت ، در تشییع جنازه اش شرکت کن .
در این باره احادیث فراوانی آمده است نگاه کنید به : کنز العمال ج ۹ ، ص ۲۸ و ۲۹ .
- امام سجاد (ع) : حق برادرت این است که بدانی او دست تو و قدرت تو و نیروی توست پس مبادا او را حربه ای برای نافرمانی خدا و پشتوانه ای برای ستم به بندگان خدا قرار دهی ، از یاری رساندن او در برابر دشمنش و خیرخواهی برای او فرو گذار مباش ، اگر فرمانبردار خدا بود چه بهتر و گرنه باید خداوند نزد تو گرامیتر از او باشد .
- امام کاظم (ع) : از جمله حقوق واجب برادرت این است که آنچه را برای دنیا و آخرت او سودمند است از وی پوشیده نداری ، کینه اش را به دل نگیری هر چند بد کند ، هرگاه تو را فراخواند اجابت کنی ، او را در مقابل دشمنش تنها نگذاری هر چند به او از تو نزدیکتر باشد و در هنگام بیماری به عیادتش روی .
- امام رضا (ع) در پاسخ به سؤال از حق مؤمن بر مؤمن فرمود : از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن این است که در دل او را دوست بدارد ، با مال و ثروتش او را کمک رساند و به او ((اف)) نگوید که اگر چنین بگوید دیگر میان آنها پیوند دوستی نباشد و اگر به او بگوید : تو دشمن من هستی ، یکی از آن دو یار خود را کافر شمرده است ، هرگاه به او تهمت زنی ، ایمان در دلش آب شود همان گونه که نمک در آب حل می شود .
- امام باقر (ع) : از حقوق مؤمن بر مؤمن این است که گرسنگی او را بزداید ، بدن برهنه اش را بپوشانند ، اندوهش را برطرف سازد ، قرضش را بپردازد و پس از مرگش زن و فرزندان او را سرپرستی کند .
- امام صادق (ع) : حق مسلمان بر مسلمان این است که تا برادرش گرسنه است او سیر نخورد و تا برادرش تشنه است او سیراب نگردد و تا برادرش برهنه است او خود را بپوشاند .
- در پاسخ به پرسش از حق مؤمن فرمود : مؤمن را بر مؤمن هفتاد حق است که من تنها هفت حق را برایت می گویم : تا او گرسنه است تو سیر نخوری ، تا او برهنه است تو بپوشی و راهنمای او باشی .

کمترین حق مؤمن بر برادرش .

- امام صادق (ع) --- در پاسخ به سؤال از کمترین حق مؤمن بر برادرش فرمود --- : آنچه را که او بدان نیازمندتر است به خود اختصاص ندهد.
- در بیان حقوق مؤمن بر مؤمن فرمود : کمترین این حقوق آن است که برای او همان چیزی را دوست داشته باشی که برای خود دوست داری و بر او نپسندی آنچه را بر خود نمی پسندی .

لزوم حق شناسی متقابل .

- امام صادق (ع) : اگر کسی حق دیگری را رعایت کند بی آن که آن دیگری حق او را بپردازد چنان است که وی را پرستیده باشد، نه خدا را و فرمود : به برادرت خدمت کن اما اگر از تو خواست خدمتش کنی این کار را نکن و احترامی برایش قائل نشو راوی می گوید : به امام عرض شد : کسی که برای من حق نمی شناسد برایش حقی قائل باشم ؟ فرمود: نه ، هیچ احترامی هم برایش قائل نشو .
- امام علی (ع) : کسی که برای تو حقی قائل است ، کوچک باشد یا بزرگ ، دون پایه باشد یا بلند پایه ، تو نیز برای او حقی قائل شو .

بر خود حق و حقوق واجب نکنید.

- امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) : بر خود حق و حقوق واجب نکن و در برابر مشکلات و سختیها صبور باش .
- امام صادق (ع) : ابو جعفر (ع) ما را جمع کرد و فرمود : فرزندان من ! خود را در معرض حقوق قرار ندهید و بر مشکلات و سختیها صبور باشید اگر برخی از خویشانان شما رابه کاری فرا خواندند که ضرر آن برای شما بیشتر از فایده اش بود قبول نکنید.

احتکار.

احتکار.

- امام علی (ع) : احتکار موجب محرومیت است .
- احتکار خوی نابکاران است .
- احتکار رذیلت است .
- احتکار مرکب رنج است .
- پیامبر خدا (ص) : جز خیانتکاران احتکار نمی کنند.
- کسی جز گنهکار دست به احتکار نمی زند.
- امام علی (ع) : به رنج افکندن خود برای احتکار از خصلتهای ابلهان است .
- امام صادق (ع) : خدای عزوجل بانعمت دانه (گندم) بر بندگانش منت نهاد و شپش را آفت آن قرار داد و اگر نه چنین بود زمامداران آن را نیز همچون زر و سیم می اندوختند.
- امام علی (ع) در فرمان زمامداری مصر به مالک اشتر می فرماید : با این همه ، بدان که بسیاری از آنان در داد و ستد بیش از اندازه سختگیرند و بخل ورزی ناپسندی دارند و به منظور سود بیشتر کالا را احتکار می کنند و به دلخواه نرخ گران می بندند و

این کار برای توده مردم زیانبار و برای حکمرانان عیب و ننگ است بنابراین، از احتکار جلوگیری کن، زیرا که رسول خدا (ص) از آن منع فرموده است.

- هر احتکاری که به مردم زیان رساند و نرخها را بالا برد خیر و برکتی در آن نیست.

محتکر.

- پیامبر خدا (ص) : محتکر از رحمت خدابه دور است.
- امام علی (ع) : محتکر از نعمت خود محروم است.
- محتکر بخیل برای کسی (وارث) گرد می آورد که از او تشکر نمی کند و به سوی کسی (خداوند در آخرت) می رود که عذرش را نمی پذیرد.
- پیامبر خدا (ص) : کسی که در بازار ما دست به احتکار زند به منزله کسی است که کتاب خدا را انکار کند.
- امام علی (ع) : محتکر گنهکار و عصیانگر است.
- پیامبر خدا (ص) : در قیامت بر پیشانی محتکر نوشته شده است : ای کافر! جایگاهت دوزخ باد.
-
-
- چه بد بنده ای است محتکر! اگر خدای تعالی قیمتها را کاهش دهد، او اندوهگین می شود و اگر گران کند شاد می گردد.
- محتکران و آدم کشان در جهنم همردیف و همدرجه اند.

آن که چهل روز احتکار کند.

- پیامبر خدا (ص) : هر کس خوراکی را به امید گران شدن چهل روز انبار کند از خداوند بری شده و خدا نیز از او بری و بیزار است.
- هر کس مواد غذایی بخرد و برای این که آن را به مسلمانان گران بفروشد چهل روز انبار کند و پس از چهل روز آن را بفروشد و همه درآمد آن را هم صدقه بدهد کفاره گناه او نخواهد شد.
- هر کس بیش از چهل روز احتکار کند بوی بهشت، که از مسافت پانصد سال به مشام می رسد، بر او حرام است.
- هر کس خوراکی را بر امت من چهل روز احتکار کند، اگر همه آن را هم صدقه بدهد از او پذیرفته نشود.

حکمت.

حکمت.

- قرآن .
- ((به هر که خواهد حکمت عطا کند و به هر که حکمت عطا شود نیکی فراوان داده شده است و جز خردمندان پند نپذیرند)).
- ((هر آینه خداوند بر مؤمنان انعام فرموده آن گاه که در میان آنان از خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیاتش را بر آنها بخواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد هر چند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند)).
- امام علی (ع) : حکمتها بوستانهای فرزندگان است و دانشها گردشگاه دانشمندان .

- حکمت گلزار خردمندان است گردشگاه فرزندگان .

- حکمت درختی است که در دل می روید و بر زبان به بار می نشیند.

- آن که حکمتها را شناخت در افزودن بر آنها شکیبایی را از دست دهد.

- اگر حکمت بر کوهها افکنده شود آنها را به جنبش در آورد.

- مسیح (ع) : همانا حکمت روشنایی هر دلی است .

- امام علی (ع) : حکمت از خزانه های غیب آشکار می شود.

- لقمان (ع) --- از سفارشهای او به فرزندش --- : فرزندم ! حکمت بیاموز تا ارجمند شوی ! زیرا که حکمت , به دین

رهنمون می شود و بنده را بر آزاده شرافت می بخشد و تهیدست را از ثروتمند بالاتر برد و کوچک را از بزرگ پیش می اندازد.

- پیامبر خدا (ص) : سخن حکیمانه ای را که مؤمن بشنود بهتر از عبارت یک سال است .

- امام علی (ع) : هر کس به حکمت شناخته شود, چشمها بادیده وقار و شکوه به او بنگرند.

حکیم .

- پیامبر خدا (ص) : حکیم به پیامبری نزدیک است .

- امام علی (ع) : حکیم عطش پرسنده را فرو می نشاند و فضایل می بخشد.

- حکیمان گرانمایه ترین , شکیباترین , باگذشت ترین و خوشخوترین مردمان هستند.

- پیامبر خدا (ص) : هیچ بردباری بدون لغزش و هیچ حکیمی بدون تجربه نیست .

- امام علی (ع) : خسته کننده ترین زمان برای شخص حکیم زمانی است که مخاطبش شخصی سفیه و نادان باشد.

- سخن حکیم اگر درست باشد درمان است و اگر نادرست باشد درد است .

حکمت گمشده مؤمن است .

- امام علی (ع) : حکمت گمشده مؤمن است , پس آن را گرچه نزد مشرک بجوید که شما بدان سزاوارتر و شایسته ترید.

- حکمت گمشده مؤمن است , پس , آن را گرچه از منافقان فرا گیرید.

- حکمت گمشده هر مؤمنی است پس , آن را گرچه از دهان منافقان فرا چنگ آورید.

- حکمت را هر کجا باشد فرا گیرید , زیرا که حکمت اگر در سینه منافق باشد پیوسته نا آرام است تا از آن جا خارج شده در سینه

مؤمن در کنار همگنان خود آرام گیرد.

- مسیح (ع) : اگر چراغی بیابید که در دل شب با قطران می سوزد از نور آن بهره می گیرید و بوی بد روغن آن مانع شما از این

کار نمی شود , همچنین باید حکمت را در هر که یافتید فرا گیرید و بی رغبتی او به آن مانع شما نشود.

- امام سجاد (ع) : بیرون کشیدن مرواریدی گرانبها از میان زباله های کثیف را کاری پست و حقیر مشمار , زیرا پدرم فرمود:

شنیدم که امیر المؤمنین (ع) می فرماید : سخن حکمت آمیز به عشق قرار گرفتن در جایگاه واقعی خود در سینه منافق بی تابی

می کند تا آن گاه که بیرون افکنده شود و مؤمن که به آن سزاوارتر و شایسته تر است می شنود و آن را می رباید.

- پیامبر خدا (ص) : سخن حکیمانه گمشده مؤمن است , پس هر جا آن را یافت بر می گیرد, زیرا او به آن سزاوارتر است .

کارهایی که برازنده حکیم نیست .

- امام علی (ع) : حکیم نیست کسی که از شوخی و خوش و بش کردن با غیر خویشاوند و دوست پرهیز نکند.
- حکیم نیست کسی که نیاز خود را نزد شخص غیر کریم برد.
- پیامبر خدا (ص) : از حکمت بدور است آن که با کسی که چاره‌ای از معاشرت با او نیست به خوبی معاشرت نکند تا آن که خداوند او را از دست وی رهایی بخشد.
- امام علی (ع) : خردمند نیست کسی که از سخن ناحق درباره خود ناراحت شود و حکیم نیست کسی که از مدح و ثنای نادان از خود خرسند گردد.
- از حکمت بی بهره است آن که مدارا نکند با کسی که چاره‌ای جز مدارا با او ندارد.

تفسیر حکمت (۱).

- قرآن .
- ((به هر که خواهد حکمت عطا کند و به هر کس حکمت عطا شود خوبی فراوان داده شده است و جز خردمندان پند نپذیرند)).
- امام باقر (ع) --- در تفسیر این آیه فرمود --- : (مراد از حکمت) معرفت است .
- در پاسخ به سؤال ابوبصیر از آیه ((و به هر کس حکمت عطا شود)) فرمود: مراد از حکمت فرمانبری از خدا و شناخت امام است .
- نیز در تفسیر همین آیه فرمود : مراد از حکمت ، شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره است ، که خداوند کیفر آتش برای آنها مقرر داشته است .
- امام صادق (ع) --- نیز در تفسیر همین آیه --- : همانا حکمت عبارت است از شناخت و فهم دین ، پس هر یک از شما که در دین فقیه و فهیم باشد حکیم است .
- امام کاظم (ع) : آن گاه از خردمندان با بهترین نام یاد کرد و زیباترین زیور را بر قامت آنان پوشانید، زیرا فرمود : ((به هر که خواهد حکمت عطا کند)) ای هشام ! خداوند می فرماید: ((هر آینه در آن پند و یاد آوری است برای کسی که دل دارد)) یعنی عقل و خرد و فرمود : ((همانالقمآن را حکمت دادیم)) حضرت فرمود : یعنی فهم و عقل .

تفسیر حکمت (۲).

- قرآن .
- ((هر آینه به لقمان حکمت دادیم و گفتیم : خدا را سپاس گوی ، زیرا هر که سپاس گوید به سود خود سپاس گفته و هر که ناسپاسی کند، خدا بی نیاز و ستودنی است)).
- امام باقر (ع) : به لقمان گفته شد : خلاصه حکمت تو چیست ؟
- گفت : برای تحصیل آنچه مرا کفایت شده است خود را به زحمت نمی اندازم و آنچه را عهده دارش شده ام تباه نمی گردانم .
- امام کاظم (ع) : به لقمان گفته شد : چکیده حکمت تو چیست ؟
- گفت : از آنچه می دانم نمی پرسم و برای آنچه به من مربوط نمی شود خود را به زحمت نمی اندازم .
- لقمان بر داود وارد شد دید زره می بافد خواست از او بپرسد، اما حکمت به سراغش آمد و خاموش ماند وقتی داود کار بافتن زره را تمام کرد آن را پوشید و گفت : چه نیکو جامه جنگی هستی تو لقمان گفت : خاموشی حکمت است و کسانی را که آن را رعایت کنند اندک شمارند داود (ع) به او گفت : بحق تو را حکیم نامیده اند.

تفسیر حکمت (۳).

- امام علی (ع) : نخستین گام حکمت و انهدان لذتهاست و آخرین گام آن دشمن داشتن هر آنچه فانی می شود.
- مرز حکمت رویگرداندن از سرای فانی و دل بستن به سرای جاوید است .
- از حکمت است که با فرا دست خود نستیزی و در برابر فرو دست , خود را خوار نشماری و به کاری که در توان تو نیست نپردازی و زبانت با دلت و گفتارت با کردارت ناسازگار نباشد و درباره آنچه نمی دانی سخن نگویی و وقتی کاری به تو رو می آورد رهایش نکنی و چون از توروی گرداند دنبالش نروی .
- و از حکمت آدمی است خودشناسی او.
- چه سخن حکیمانه و جامعی است این سخن که آنچه بر خود می پسندی برای مردم نیز پسندی و آنچه بر خود نمی پسندی بر آنها نیز پسندی ؟
-
- فقیهان و حکیمان هر گاه با یکدیگر مکاتبه می کردند سه نکته می نوشتند که چهارمی نداشت : هر که همه فکرش آخرت باشد خداوند دنیای او را کفایت کند , هر کس درون خود رادرس گرداند خداوند برونش را اصلاح کند و هر که رابطه میان خود و خدایش را درست کند خداوند رابطه میان او و مردم را سامان دهد.

راس حکمت .

- امام علی (ع) : حفظ دین ثمره شناخت و راس حکمت است .
- دوری از فریبکاری در راس حکمت است .
- پایبندی به حق و فرمانبری از کسی که برحق می باشد اساس حکمت است .
- پیامبر خدا (ص) : ترس از خدا راس حکمت است .
- ترس از خدا در راس هر حکمتی است .
- بهترین سخن یاد خداست و راس حکمت اطاعت از اوست .
- مدارا کردن در راس حکمت است .

آنچه حکمت می آورد.

- امام صادق (ع) : هر که به دنیا پشت کند خداوند حکمت را در دلش استوار گرداند و زبانش را به آن گویا سازد.
- در حدیث معراج آمده است : ای احمد ! هر گاه بنده شکم خویش را گرسنگی دهد و زبانش را نگه دارد, حکمت را به او بیاموزم اگر کافر باشد حکمت او دلیلی بر ضد او و وبال گردنش خواهد بود و اگر مؤمن باشد حکمتش برای او نور و برهان و شفا و رحمت خواهد شد پس , آنچه را نمی دانسته است بداند و آنچه را نمی دیده است ببیند نخستین چیزی که به او نشان دهم عیبهای خودش می باشد تا بدین سبب از پرداختن به عیبهای دیگران باز ماند و دقایق علم را به او نشان دهم تا شیطان به وجود او راه نیابد.
- امام علی (ع) : بر شهوت و خواهش نفس چیره شو , حکمتت به کمال می رسد.
- به دست آوردن حکمت با کوتاه گویی , و در پیش گرفتن نرمی و مدارا میسر می شود.

- حکمت جز با خویشنداری از گناه به دست نمی آید.

- به لقمان (ع) گفته شد: مگر تو بنده خاندان فلانی نیستی؟

گفت: چرا گفته شد: پس از چه راه به این مقام که می بینم رسیدی؟

گفت: با راستگویی، امانتداری، فرو گذاشتن آنچه به من مربوط نمی شود، فروهستن چشمانم (از حرام)، نگه داشتن زبانم، خوردن غذای حلال و پاکیزه پس، هر که کمتر از این باشد فرودست من است و هر که بیش از اینها داشته باشد فراتر از من است و هر که اینها را داشته باشد همتای من است.

آنچه مانع کسب حکمت می شود (۱).

- امام علی (ع): پرخوری حکمت را تباه می کند، شکمبارگی هوش و ذکاوت را می برد.

- پیامبر خدا (ص): آن گاه که معده خالی باشد، دل حکمت را می پذیرد، زمانی که معده پر باشد دل حکمت را بیرون می افکند.

- امام علی (ع): شهوت و حکمت با هم جمع نمی شوند.

- پیامبر خدا (ص): هر کس غذایی را از روی هوس بخورد، خداوند حکمت را بر دل او حرام گرداند.

- امام صادق (ع): خشم، دل حکیم را تباه می کند و کسی که اختیار خشم خود را نداشته باشد اختیار عقل خویش را ندارد.

آنچه مانع کسب حکمت می شود (۲).

- امام کاظم (ع): همانا زراعت در زمین نرم می روید و بر روی سنگ نمی روید حکمت نیز چنین است در دل‌های افتاده آبادان می شود در دل خودستای گردنفرز پرورش نمی یابد، زیرا که خداوند افتادگی را ابزار خرد قرار داده است.

- مسیح (ع): هر خیکی مناسب غسل نیست و همچنین هر دلی حکمت پرور نمی باشد خیک تا زمانی که پاره نشده و نخشکیده و نیوسیده می تواند ظرف غسل باشد همچنین است دلها تا زمانی که از شهوتها پاره نشده و طمع آلوده اش نکرده و خوشی و نعمت آنها را سخت نکرده ظرف حکمت می توانند بود.

- امام هادی (ع): حکمت در جانهای فاسد مؤثر و مفید نمی افتد.

کسی که از حکمت بهره ای نمی برد.

- امام علی (ع): اندیشه ای که از خشم و شهوت رنجور است از حکمت بهره ای نمی برد.

- دل آویخته و بسته به شهوات از پند و اندرزها سودی بر نمی گیرد.

آثار حکمت.

- امام علی (ع): هر چه حکمت نیرومندتر شود، شهوت و خواهشهای نفسانی ناتوانتر می شود.

- هر که حکمت در دلش جای گیرد، عبرت شناس شود.

- کسی که حکمت یاریش نرساند چگونه تواند بر مخالفت دشمنان شکیبایی ورزد؟

- امام صادق (ع): اندیشیدن زیاد در حکمت خرد را بارور می سازد.

مراقبت از حکمت .

- امام کاظم (ع) : حکمت را در اختیار نادانان مگذارید که به آن ستم کرده اید و آن را از اهلش دریغ نکنید که به آنان ستم روا داشته اید.
- امام علی (ع) : حکیمان آن گاه حکمت را تباه کردند که آن را در اختیار ناهلان گذاشتند.
- پیامبر خدا (ص) : کسی که دانش را به ناهلان سپارد چونان کسی است که گوهر و مروارید و طلا را به گردن خوکان بیاویزد.

حکمت‌های تازه و دلنشین .

- پیامبر خدا (ص) : این دلها ، همچون بدن‌ها ، خسته می شوند ، پس (برای زدودن خستگی آنها) سخنان دلنشین حکیمانه را به آنها پیشکش کنید.
- امام علی (ع) : هر چیزی ملال آورمی شود جز سخنان دلنشین حکیمانه .

سوگند خوردن .

نهی از سوگند خوردن به خدای سبحان .

- قرآن .
- ((خدا را وسیله سوگندهای خویش قرار ندهید تا از نیکوکاری و تقوی و اصلاح در میان مردم باز ایستید که خدا شنوا و داناست)).
- پیامبر خدا (ص) : ای علی ! چنانچه ضرورتی در میان نباشد نه به راست و نه به دروغ به خدا سوگند مخور و خدا را وسیله سوگند خود قرار مده ، زیرا خداوند به کسی که سوگند دروغ به نام او یاد کند، رحم نمی کند و از او مراقبت نمی نماید.
- حواریان به عیسی بن مریم عرض کردند: ما را سفارشی کن فرمود : موسی (ع) به قوم خود فرمود : به خدا سوگند دروغ مخورید و من به شما دستور می دهم که نه راست و نه دروغ به خدا سوگند مخورید.
- امام صادق (ع) : راست یا دروغ به خدا سوگند مخورید ، زیرا خداوند عز و جل می فرماید : ((و خدا را وسیله سوگندهای خود قرار مدهید)).

پرهیز از سوگند دروغ .

- قرآن .
- ((و از هر فرومایه ای که بسیار سوگند می خورد پیروی مکن)).
- ((آیا ندیده ای آن کسان را که با مردمی که خدا بر آنها خشم گرفته بود دوستی ورزیدند ؟ ایشان نه از شمایند و نه از ایشان و خود می دانند که به دروغ سوگند می خورند)).
- امام صادق (ع) : هر که سوگندی خورد و بداند که دروغ می گوید به جنگ خدا رفته است .
- خدای عز و جل فرموده است : من رحمت خود را شامل حال کسی که سوگند دروغ بخورد نمی گردانم .
- امام صادق (ع) : هر کس به خدا سوگند می خورد باید راست بگوید و اگر راست نگوید، نزد خدای عز و جل هیچ ارزشی ندارد.

- امام علی (ع) : چگونه از عذاب خدا در امان ماند کسی که بی محابا سوگند دروغ می خورد؟

پیامدهای سوگند دروغ .

- پیامبر خدا (ص) : از سوگند دروغ پرهیزید که آن خانه ها را از ساکنانش خالی می کند.
- سوگند اجباری دروغ برکت و آبادانی را از خانه ها می برد.
- امام صادق (ع) : سوگند اجباری دروغ برای بازماندگان فقر به بار می آورد.
- پیامبر خدا (ص) : سوگند دروغ کالا را رونق می دهد اما برکت را از کسب و کار می برد.

کسانی که شکستن سوگندشان گناه و کفاره ندارد.

- امام صادق (ع) : کسی که , برای دور کردن ستمی از خود , از روی تقيه سوگند بخورد, گناهی مرتکب نشده و کفاره ای به عهده اش نیست .
- ابوبکر حضرمی به امام صادق (ع) عرض کرد : آیا اجازه داریم برای رد کردن مال خود از مرز برای باجگیر سوگند بخوریم ؟
- حضرت فرمود : آری , انسان می تواند از روی تقيه قسم بخورد فرمود : اگر برجان و مال خود ترسیدی , برای دفع شر او از خودت سوگند بخور ولی اگر دیدی سوگند تو هیچ تاثیری در دفع او ندارد سوگند یاد مکن .
- پیامبر خدا (ص) : سوگند خوردن برای بریدن پیوند خویشاوندی قابل اعتنا نیست .
- امام صادق (ع) : سوگند خوردن برای حلال کردن حرامی یا حرام کردن حلالی و برای قطع رحم جایز نیست .
- سوگند خوردن در حال خشم و برای قطع رحم اعتباری ندارد.
- سوگند خوردن برای گناه کردن ارزش و اعتباری ندارد.
- درباره آیه ((خدا را وسیله سوگندهای خود قرار مدهید)) فرمود : به این معناست که انسان سوگند بخورد با برادرش و امثال او حرف نزند , یا با مادرش سخن نگوید.
- سوگند در حال خشم , یا برای قطع ارتباط با خویشان , یا از روی اجبار و یا اکراه اعتبار ندارد.
- درباره آیه ((خدا شمارا به سبب سوگندهای لغوتان باز خواست نمی کند)) فرمود : لغو این است که انسان بی دلیل و جهت بگوید : نه به خدا قسم , آری به خدا قسم .

نحوه سوگند دادن ستمگر.

- امام علی (ع) : هرگاه خواستید ستمگر را سوگند دهید چنین سوگندش دهید که بگوید: از حول و قوه خدا بدور باشم زیرا اگر به دروغ چنین سوگندی یاد کند بیدرنگ سزایش را خواهد چشید اما اگر بگوید : سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست در کيفر او درنگ خواهد شد , زیرا خدای تعالی را به یگانگی ستوده است .

کسی که به دروغ بگوید : خدا می داند.

- امام صادق (ع) : هرگاه بنده دروغ بگوید و بگوید خدا می داند (که این حرف من راست است) خداوند فرماید : آیا کسی غیر از من نیافتی که به او دروغ بندی ؟

- هر که چیزی را که خدا از آن خبر ندارد، بگوید: خدا می‌داند (که چنین است) عرش به احترام خدا بلرزد.

حلال.

حلال.

قرآن .

((از تو می‌پرسند که چه چیز برای ایشان حلال شده است بگو: چیزهای پاکیزه بر شما حلال شده است و نیز خوردن صید آن حیوان که به آن صید کردن آموخته‌اید چون پرندگان و سگان شکاری هرگاه آنها را بدان سان که خدایتان آموخته است تعلیم داده باشید از آن صید که برایتان می‌گیرند و نگه می‌دارند بخورید و نام خدا را بر آن بخوانید و از خدا بترسید که او سریع الحساب است)).

((ای پیامبران! از پاکیزه‌ها بخورید و کار شایسته کنید، که من به آنچه می‌کنید دانا هستم)).

((ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و به دنبال شیطان نروید که او دشمن آشکار شماست)).

- امام علی (ع): بر تو باد به استفاده از حلال و نیکی کردن به خانواده و به یاد خدا بودن در همه حال.

- ام عبدالله، خواهر شداد بن اوس، کاسه شیری برای افطار پیامبر (ص) که روزه داشت، فرستاد پیامبر فرستاده ام عبدالله را نزد او برگرداند که پرسد، این شیر را از کجا آورده است ام عبدالله پاسخ فرستاد که: از میش خودم پیامبر بار دیگر فرستاده او را برگرداند که پرسد میش را از کجا آورده است؟

ام عبدالله جواب فرستاد که: از پول خودم آن را خریده‌ام در این هنگام پیامبر از آن شیر نوشید فردای آن شب ام عبدالله نزد پیامبر آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! برای شما شیر فرستادم و شما فرستاده مرا برگردانید و درباره آن شیر سؤال کردید؟ پیامبر فرمود: پیامبران پیش از من دستور داشتند که جز خوراک حلال و پاکیزه نخورند و جز کارشایسته نکنند.

دشواری به دست آوردن مال حلال.

- ابوجعفر فزاری: امام صادق (ع) مولای خود به نام مصادف را احضار کرد و هزار دینار به او داد و فرمود: آماده شو که به مصر بروی چون خانواده ام زیاد شده است وقتی به مصر نزدیک شدند کاروانی به استقبال آنها آمد و به اطلاعشان رساندند که در مصر از کالاهای آنها چیزی نیست پس باهم عهد و پیمان بستند که کالاهای خود را به کمتر از یک دینار سود در یک دینار بفروشند پس از فروش کالا- و گرفتن پول خود به مدینه برگشتند مصادف با دو کیسه که در هر یک هزار دینار بود خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد: فدایت شوم این کیسه اصل سرمایه است و این یکی سود آن حضرت فرمود: این، سود زیادی است، با کالا چه کردی؟

مصادف برای امام توضیح داد که چه کردند و چگونه باهم عهد و پیمان بستند حضرت فرمود: سبحان الله! علیه گروهی مسلمان همپیمان می‌شوید که کالای خود را به آنان به کمتر از یک دینار سود در یک دینار بفروشید؟

سپس یکی از دو کیسه را گرفت و فرمود: این سرمایه من است و ما را به این سود نیازی نیست آن گاه فرمود: ای مصادف! شمشیر زدن آسانتر از به دست آوردن مال حلال است.

استفاده از مال مؤمن جز با رضایت او حلال نیست.

قرآن .

((ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آن که تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید و یکدیگر را مکشید هرآینه خدا با شما مهربان است)).

- پیامبر خدا (ص) در بخشی از خطبه حجة الوداع فرمود: ای مردم! همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند و بر هیچ مؤمنی استفاده از مال برادرش روا نیست مگر با رضایت خود او.

- برای هیچ کس چیزی از مال برادرش روا نیست مگر با رضایت خود او.

به این مضمون احادیث فراوانی رسیده است نگاه کنید به کنز العمال ج ۱۰، ص ۶۳۷ و بعد: ج ۱، ص ۹۲.

- حرمت مال مسلمان همچون حرمت خون اوست .

بردباری .

بردباری .

- امام علی (ع) : بردباری خصلتی برین است .

- امام حسین (ع) : بردباری زیور است .

- امام علی (ع) : بردباری پرده ای پوشاننده و خرد شمشیری برنده است ، پس عیبهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و با خردت به جنگ با هوی و هوست برخیز .

- بردباری مانعی در برابر آفتهاست .

- بردباری راس ریاست و سروری است .

- بردباری ، خود ، ایل و قبیله ای است .

- بردباری پوزبند سبکسر است .

- بردباری نوری است که گوهرش خرد است .

- بردباری کمال خرد است .

- بردباری مایه سامان یافتن کار مؤمن است .

- ارجمندی و عزتی سودمندتر از بردباری نیست .

- عزتی بالاتر از بردباری نیست .

- بردباری فراگیرید که بردباری دوست و دستیار مؤمن است .

- آدمی را همان وقار بردباری بس است .

- امام صادق (ع) --- در وصف مؤمن فرمود --- : در بردباری او کاستی و در اندیشه اش سستی دیده نمی شود .

- امام علی (ع) : خرد ، دوست مرد است و بردباری دستیار او .

- پیامبر خدا (ص) : من کانون بردباری و کان دانش و قرارگاه شکیبایی برانگیخته شدم .

- امام علی (ع) : بردباری و تحمل را بیش از مردان شجاع یاور خود یافتم .

- شخصیت تو به ادب توست ، پس آن را به بردباری بیارای .

- زیبایی مرد به بردباری اوست .

- هر که با زشتی سبکسری تو را خشمگین کرد تو با زیبایی بردباری او را به خشم آور.

تمرین بردباری .

- امام علی (ع) : اگر بردبار نیستی خویشتن را بردبار جلوه ده , زیرا کمتر کسی است که خود راشیبه گروهی کند و بزودی یکی از آنان نشوند.

- بهترین بردباری وا داشتن خود به بردباری است .

- امام صادق (ع) : اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار.

- امام علی (ع) : کسی که خود را به بردباری وادار نکند بردبار نشود.

- هر که تمرین بردباری کند بردبار شود.

- گاه باشد که انسان غیر بردبار جامه بردباری بپوشد.

- از بهترین کارهای انسان قدرتمند این است که عصبانی شود و بردباری کند.

بردبار .

قرآن .

((همانا ابراهیم بردبار و مهربان و فرمانبردار است)).

- امام علی (ع) : بردبار کسی است که برادران خود را تحمل کند.

- بردبار کسی است که سختی بردباری بر او گران نیاید.

- پیامبر خدا (ص) : آدم بردبار به پیامبری نزدیک است .

- امام علی (ع) در پاسخ به این پرسش که نیرومندترین مردم کیست ؟

فرمود : بردبار.

- امام رضا (ع) : آدمی عابد نباشد مگر آن که بردبار باشد.

آنچه بردباری می آورد.

- امام علی (ع) : با زیاد شدن عقل بردباری زیاد می شود.

- آدمی بردبار نباشد مگر آن گاه که باوقار و متین باشد.

- برتو باد به بردباری که آن ثمره دانش است .

- بردباری و وقار دو همزادند که مولود بلند همتی هستند.

دستاوردهای بردباری .

- امام علی (ع) : هر که بردبار باشد آقایی کند.

- صلح و آشتی میوه بردباری است .

- امام صادق (ع) : بردبار پیروز است .

- امام علی (ع) : بردباری زیور دانش است و علت صلح و آشتی .

- آن که در برابر دشمنش بردباری نشان دهد بر او پیروز شود.

- بردباری آتش خشم را فرو می‌نشاند و تندی، شعله آن را فروزان می‌کند.

- نخستین عوضی که بردبار از این خصلت خود می‌گیرد، این است که مردم در برابر نادان به یاری او بر می‌خیزند.

- آن که در برابر تو از بردباری مدد جوید بر تو چیره شود و بر تری یابد.

- امام صادق (ع): یآوری بردباری کافی است.

- امام علی (ع): به سبب بردباری تعداد یاران زیاد می‌شود.

- بردباری کردن در برابر نادان یاران انسان را بر ضد او زیاد می‌کند.

- پیامبر خدا (ص): حاصل بردباری است: آراسته شدن به خوبیها، همنشینی با نیکان، ارجمندشدن، عزیز گشتن،

رغبت به نیکی، نزدیک شدن بردبار به درجات عالی، گذشت، آرامش و تانی، احسان و خاموشی اینها ثمره حلم و بردباری

خردمند است.

- امام علی (ع): بردباری کردن در اوج خشم آدمی را از خشم جبار در امان می‌دارد.

تفسیر بردباری.

- امام حسن (ع) در پاسخ به پرسش از معنای بردباری فرمود: (بردباری) فرو خوردن خشم و خویشنداری است.

- پیامبر خدا (ص): بردبار نیست آن که با کسی که چاره‌ای از معاشرت با او ندارد به نیکی معاشرت نکند تا این که خداوند برای

او راه نجاتی از معاشرت با وی فراهم آورد.

- امام علی (ع): کسی که چون ناتوان شود هجوم برد و چون قدرت یابد انتقام کشد بردبار نیست، بلکه بردبار کسی است که

قدرت داشته باشد اما گذشت کند و بردباری بر تمامی امور او غالب باشد.

- امام باقر (ع): بردبار نیست آن که از هیچ کس، در جایی که باید ترسید، نترسد.

- امام علی (ع): بردباری فرو خوردن خشم است و خویشنداری.

- هیچ بردباری و حلمی چون شکیبایی و خاموشی نیست.

- مصباح الشریعه: امام صادق (ع) فرمود: بردباری چراغ خداست بردباری پنج صورت دارد: کسی که عزیز و ارجمند باشد و خوار

و تحقیر شود، یا درستکار باشد و تهمت زده شود، یا به حق دعوت کنند اما به سبب آن خوار و خفیف گردد، یا بدون آن که

گناهی کرده باشد آزار ببیند، یا خواهان حق شود اما مردم با او مخالفت ورزند، اگر حق هر یک از این پنج مورد را ادا کردی بردبار

هستی.

- امام علی (ع): کمال دانش به بردباری است و کمال بردباری به تحمل زیاد و فرو خوردن خشم.

بردباری و دانش.

قرآن.

((و خداوند دانا و بردبار است)).

- امام صادق (ع): بر تو باد به بردباری که آن رکن دانش است.

- امام باقر (ع): بردباری جامه دانشمند است، پس خود را از این جامه برهنه مساز.

- هرگز دو چیز با هم آمیخته نشدند که بهتر از آمیخته شدن دانش و بردباری باشند.

- امام علی (ع) : دانش تا با بردباری قرین نشود هرگز به بار نشیند.
- دانش ریشه بردباری است و بردباری زیور دانش .
- پیامبر خدا (ص) : هیچ گاه چیزی به چیزی دیگر اضافه نشد که بهتر و زیننده تر از اضافه شدن بردباری به دانش باشد.
- امام صادق (ع) : مؤمن در دین خودقوی و دانش را با بردباری آمیخته است .
- پیامبر خدا (ص) : سوگند به آن که جانم در دست اوست و چیزی با چیزی جمع نشد که بهتر از جمع علم و حلم باشد.

بردباری در هنگام خشم .

- امام سجاد (ع) : هر آینه مرا خوش آید مردی که هنگام خشم بردباری کند.
- امام علی (ع) : بردباری آتش خشم را فرو می نشاند و تندی و شعله آن را بر می افروزد.
- لقمان (ع) : بردبار جز به هنگام خشم شناخته نشود.

بردبارترین مردم .

- امام علی (ع) در پاسخ به پرسش از بردبارترین مردم فرمود : کسی که خشمگین نمی شود.
- پیامبر خدا (ص) : بردبارترین مردم کسی است که از مردمان نادان بگریزد.
- امام علی (ع) : با حیاترین شما بردبارترین شماست .

آفت بردباری .

- امام علی (ع) : آفت بردباری خواری است .
- آن جا که بردباری تباهی آورد گذشت و عفو نشانگر ناتوانی است .

بردباری خداوند پاک .

قرآن .

- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهایی مپرسید که چون آشکار شوند اندوهگینتان می کنند و اگر سؤال از آنها را تا به هنگام نزول قرآن واگذارید ، برایتان آشکار خواهد شد خدا از آنها عفو کرده است که خدا آمرزنده و بردبار است)).
- ((گفتار نیکو و بخشایش بهتر از صدقه ای است که آزاری به دنبال داشته باشد و خدا بی نیاز و بردبار است)).
- ((و اگر به خدا قرض الحسنه دهید برایتان دو برابرش خواهد کرد و شما را می آمرزد که خدا شکرپذیر و بردبار است)).
- امام علی (ع) : همانا بردباری خدای تعالی تو را به ارتکاب گناهان دلیر کرده و به نابودی و به هلاکت در افکندن خودت ترغیب نموده است .
- در دعا عرض می کند : ستایش خدایی را که در برابر من گذشت و بردباری نشان می دهد ، چنان که گویی مرا هیچ گناهی نیست .

بردباری (متفرقه) .

- پیامبر خدا (ص) : گشاده رویی زیور بردباری است .

- امام علی (ع) : در بردباری آدمی همین بس که چون بامخالفتی رو به رو شود خشم خویش را نگه دارد.
- برترین بردباری فرو خوردن خشم و خویشنداری در هنگام توانایی (داشتن بر گرفتن انتقام) است .
- امام صادق (ع) : شخص بردبار نیز دچار لغزشی می شود.

ستایش .

ستایش از آن خداست .

- قرآن .
- ((بگو : ستایش از آن خدایی است که فرزندی ندارد و او را شریکی در ملکش نیست و به مذلت نیفتد که به یاری محتاج شود پس او را تکبیر گوی ، تکبیری شایسته)).
- ((بگو : ستایش خدا راست بزودی آیات خود را به شما خواهد نمود تا آنها را بشناسید و پروردگار تو از آنچه می کنیدی بی خبر نیست)).
- ((اگر از آنها بررسی که چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است ؟
- هر آینه گویند : خدا ، بگو : ستایش از آن خداست ، اما بیشتر آنها نمی دانند)).
- ((اگر از آنان بررسی که چه کسی از آسمان باران فرستاد و به وسیله آن زمین مرده را زنده کرد ؟
- هر آینه گویند : خدا بگو : ستایش از آن خداست ، اما اکثر آنان نمی فهمند)).
- پیامبر خدا (ص) : هر کار مهمی که باستایش خداوند آغاز نشود به سرانجام نرسد.
- امام علی (ع) : هیچ ستاینده ای جز پروردگار خویش را نمی ستاید و هیچ نکوهنده ای جز خود را نکوهش نمی کند.
- در خطبه روز جمعه فرمود : ستایش خدایی راست که به خشیت و ستایش سزاوارترین است و برترین کسی است که از او پروا شود و بندگی کنند و شایسته ترین کس به تعظیم و تمجید است او را بر کمال بی نیازی و دهش فراوانش و نعمتهای آشکارش و آزمایش و بلای نیکویش می ستاییم .
- ستایش از آن خدایی است که ستایش را کلید یاد خود و مایه فزونی فضل و نعمتش و رهنمای نعمتها و عظمت خویش قرار داد.

سپاس و ستایش کردن خدا در همه حال .

- امام صادق (ع) : پیامبر خدا(ص) هرگاه از چیزی خوشحال می شد می فرمود : خدا را بر این نعمت سپاس و هرگاه امر ناراحت کننده ای به ایشان می رسید می فرمود : در هر حال خدای را سپاس .
- حماقت .

حماقت .

- امام علی (ع) : بی خردی بدترین درد است .
- بی خردی دردی بی درمان و مرضی لاعلاج است .
- بی خردی زیانبارترین همنشین است .
- بی خردی بدبختی است .

- بی خرد در وطن خود نیز غریب است .
- بی خرد در شهر خود غریب است و در میان عزیزان خود خوار.
- زیانبارترین چیز بی خردی است .
- بدترین فقر بی خردی است .
- فقر بی خردی را ثروت برطرف نمی کند.
- زبانی که بی خرد به خود می زند دشمن به دشمنش نمی زند.

صفات احمق .

- امام علی (ع) : احمق را اگر به کار خوبی متوجه کنی غافل می شود , اگر بخواهی از نیکی دست بکشد دست می کشد , اگر به نادانی وادارش کنی در پی نادانی می رود , چون سخن گوید دروغ به زبان آورد , فهم ندارد و اگر هم به او تفهیم کنی نمی فهمد .
- مسیح (ع) --- در پاسخ به این سؤال که احمق کیست ؟
- فرمود --- : خود رای خودپسند , کسی که هرچه فضیلت است از آن خود می داند و برای دیگران بر خود هیچ فضیلتی قائل نیست , همه حقوق را برای خود می داند و هیچ حقی برای دیگران بر خود قائل نیست این همان بی خردی است که چاره ای برای درمان او وجود ندارد.
- امام علی (ع) : کسی که عیبهای دیگران را ببیند و آنها را زشت شمارد اما همان عیبهها را در خود بیسندد احمق واقعی است .
- حماقت انسان از این راه شناخته می شود که در هنگام برخورداری و رفاه سرمست شود و در تنگدستی و سختی خود را بسیارخوار کند.
- حماقت مرد از سه چیز شناخته می شود: یاهه گویی , پاسخ دادن به چیزی که از او سؤال نمی شود و بی باکی و تهور در کارها.
- آدم بی خرد هرگز از عیب و زیانکاری جدا نیست .
- از نشانه های بی خرد این است که هر دم به رنگی در می آید.
- به خود نازیدن بی آن که اسباب آن فراهم باشد و خودستایی بدون برخورداری از شرافت لازم از نشانه های بی خردی است .
- از بی خرد بر حذر باش , زیرا شخص بی خرد خودش را اگر چه بدکار باشد , نیکوکار می داند و ناتوانیش را زیرکی و شرو بدیش را خیر و خوبی می شمارد.
- حماقت موجب دخالتهای بیجا می شود.
- شیفتگی به دخالتهای بیجا و همنشینی با نادان حماقت است .
- بی خرد با تحقیر و خواری هم درست نشود.
- دست زدن به کارهای مهلک نشانه بی خردی است .
- شخص بی خرد با هر سخنش سوگندی همراه است .
- تکیه کردن به آرزو از بی خردی است .
- کسی جز بی خرد نادان دانش و دانشمندان را خفیف نمی شمارد.
- سعی نکن هرچه مردم برای تومی گویند رد کنی که برای نشان دادن حماقت همین بس است .

همنشینی با احمق .

- امام علی (ع) : هرگاه با نابخرد همنشین شدی از او برحذر باش و از بدکار هرگاه با او معاشرت کردی و از ستمگر هرگاه با او برخورد نمودی .

--

--

- امام سجاد (ع) در سفارش به فرزند بزرگوار خود حضرت باقر (ع) می فرماید : فرزندم ! از همنشینی یا آمیزش با نابخرد پرهیز و از او دوری کن و باوی همسخن مشو ، زیرا آدم بی خرد ، غایب باشد یا حاضر ، پست و فرومایه است ، هرگاه زبان به سخن گشاید حماقتش او را رسوا کند و هرگاه خامش شود به دلیل ناتوانی در سخن گفتن باشد ، اگر کاری کند خرابی به بار آورد و چون مسؤولیتی به عهده گیرد آن را تباه سازد ، نه علم خودش به کار او می آید و نه دانش دیگران سودش می رساند ، به سخن خیرخواه خود گوش نمی دهد ، و همنشینی از دست او آسوده نیست ، مادرش آرزوی مرگ او را دارد و همسرش آرزوی از دست دادن او را و همسایه اش آرزوی رفتن از همسایگی اش را و همنشینی آرزوی خلاصی از همنشینی او را اگر کمترین فرد مجلسی باشد بالاتر از خود رابه رنج افکند و اگر بالاترین فرد مجلسی باشد فرو دستان خود را به فساد و تباهی کشاند .

- امام صادق (ع) : هرکه از دوستی بایی خرد دوری نکند بزودی خلق و خوی او را به خود گیرد .

- امام علی (ع) : دشمن دانا بهتر از دوست نادان است .

- دوری بی خرد بهتر از نزدیک بودن اوست و سکوتش بهتر از سخن گفتنش .

- نگاه کردن به آدم بی خرد دیده را تار کند .

- رنج کشیدن از نابخرد عذاب روح است .

- از شخص بی خرد دوری کن ، زیرا مدارا کردن با او تو را به رنج می افکند و سازگاری با او هلاکت می کند و مخالفت با او ازارت می دهد و همراهی با او باعث عذاب تو است .

- دوستی با نابخرد مانند درخت آتش است که شاخه هایش یکدیگر را می سوزانند .

درمان احمق .

- امام صادق (ع) : عیسی بن مریم گفت : بیماران را طبابت کردم و به اذن خدا آنان را درمان کردم کوران مادر زاد و مبتلایان به پیسی رابه اذن خدا بهبود بخشیدم ، مردگان را به اذن خدا زنده کردم ، اما احمق را نتوانستم اصلاح کنم .

دنباله این حدیث در باب ۹۵۴ / ۴۳۹۳ ذکر شد .

احمق ترین مردم .

- امام علی (ع) در پاسخ به سؤال از احمق ترین مردم فرمود : احمق ترین مردم کسی است که بی وفایی و بی اعتباری دنیا را می بیند و باز دلبسته و فریفته آن می شود .

- احمق ترین مردم کسی است که خود را خردمندترین مردم می داند .

- بی خردترین مردمان آن است که خوبی نمی کند و انتظار تشکر دارد و بدی می کند و توقع پاداش نیک دارد .

- نابخردترین مردم کسی است که عیب دیگران را زشت می شمارد ، حالی که خود آن عیب را داراست .

- احمق ترین مردم تهیدست متکبر است .

- پیامبر خدا (ص) : بدترین حماقت نابکاری و هرزگی است .

- امام علی (ع) : بدترین بی خردی غفلت است .
- بزرگترین بی خردی افراط در ستایش و نکوهش است .
- دوستی کردن با نابکاران بالاترین بی خردی است .
- حماقتی بالاتر از فخر فروشی نیست .
- تکبر داشتن در زمان تنگدستی از کمال بی خرد است .

جواب احمق .

- امام علی (ع) : بهترین سرزنش برای احمق خاموشی در برابر اوست .
- سکوت در برابر احمق بهتر از جواب دادن به اوست .

حماقت (متفرقه) .

- امام حسن (ع) : هیچ کس را نمی شناسم جز آن که در رابطه میان خود و خدایش بی خرد و ابله است .
- امام علی (ع) : (دنیای) زودگذر فریب دهنده بی خردان است .
- آرزوها نابخردان را می فریبد .
- دنیا غنیمت نابخردان است .
- هوسرانی نیروی حماقت است .
- شاد شدن به دنیا حماقت است .
- گردنفرازی عین حماقت است .
- نازیدن و گستاخی بر پادشاه از حماقت است .
- شتاب کردن در کاری پیش از توانایی بر آن وسستی کردن بعد از دست یافتن به فرصت نشانه سست اندیشی و نابخردی است .

حمام .

حمام .

- امام علی (ع) : چه نیکو خانه ای است حمام , یادآور آتش (دوزخ) است و چرک را می برد .
- امام صادق (ع) : سه چیز انسان را فربه می کند و سه چیز لاغر می سازد آن سه که فربه می کند : حمام رفتن زیاد , بوییدن بوی خوش و پوشیدن لباس نرم است و آن سه که لاغر می کند : خوردن زیاد تخم مرغ , ماهی و خرما نارس است .
- سه چیز بدن را تباه می کند و حتی کشنده است : خوردن آبگوشت شب مانده , حمام رفتن با شکم پر و نزدیکی کردن با زنان سالخورده .
- زمانی حمام برو که در معده ات اندک چیزی که حرارت آن را فرو نشاند باشد این برای تقویت بدن تو بهتر است باشکم پر نیز حمام نرو .
- امام کاظم (ع) : یک روز در میان حمام رفتن انسان را چاق می کند و هر روز حمام رفتن چربی کرده ها را آب می کند .

نیاز .

نیاز.

- امام علی (ع) : به هر که خواهی خوبی کن فرمانروای او می شوی , دست نیاز به سوی هر که خواهی دراز کن اسیرش می شوی و از هر که خواهی بی نیازی جوی همتای او می شوی .
- به هر که نیاز پیدا کنی نزدش خوار می شوی .
- امام جواد (ع) : نیازها با خواهش خواسته می شود و باقضای الهی نازل می شود و عافیت بهترین عطاست .

بر آوردن نیازها.

- امام کاظم (ع) : خدا را در زمین بندگانی است که برای رفع نیازهای مردم می کوشند اینان در روز قیامت در امان هستند.
- امام صادق (ع) : هر که برای رضای خدا در راه بر آوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد, خداوند عزوجل هزار هزار حسنه برایش بنویسد.
- در ضمن حدیثی مفصل می فرماید : اگر برای بر آوردن نیاز برادر خود بکوشم تا نیازش برطرف شود نزد من خوشتر است از این که هزار بنده آزاد کنم و هزار اسب زین و لگام بسته در راه خدا هدیه کنم .
- پیامبر خدا (ص) : کسی که در راه بر آوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد چنان است که نه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری خدا را عبادت کرده باشد.
- امام صادق (ع) : کسی که به فکر بر آوردن نیاز برادر مؤمن مسلمان خود باشد تا زمانی که در فکر نیاز او باشد خداوند در کار نیاز وی باشد.

محبوبترین مردم نزد خدا سودمندترین آنها برای مردم است .

- امام صادق (ع) : خدای عز و جل فرموده است : مردم خانواده من هستند , پس محبوبترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربانتر و در راه بر آوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند.
- درباره آیه ((و هر جا باشم مرا با برکت قرار داد)) فرمود : یعنی سودمند.

گام برداشتن برای رفع حاجت مؤمن .

- امام صادق (ع) : هر کس در راه بر آوردن نیاز برادر مؤمنش گام بردارد تا بر آورده شود و از این کار ثواب الهی را بجوید, خدای عز و جل به پاداش این کار برایش ثواب یک حج و یک عمره پذیرفته و روزه دو ماه حرام با اعتکاف این دو ماه در مسجد الحرام بنویسد و هر کس به نیت روا ساختن حاجت او قدم بردارد اما موفق به این کار نشود خداوند به پاداش آن ثواب یک حج پذیرفته شده را منظور دارد پس , در کار خیر شوق نشان دهید.
- زمانی که بنده برای برطرف ساختن نیاز برادر مؤمن خود قدم بردارد خداوند عزوجل دو فرشته را , یکی در سمت راست او و دیگری در سمت چپش , بر وی بگمارد که از پروردگارش برای او آمرزش طلبند و برای روا شدن حاجتش دعا کنند.
- پیامبر خدا (ص) : کسی که برای کمک به برادر خود و سود رساندن به او اقدام کند پاداش مجاهدان در راه خدا را خواهد داشت .
- امام صادق (ع) : کسی که در راه برطرف ساختن نیاز برادر خود قدم بردارد چونان کسی است که سعی میان صفا و مروه به جای

آرد.

- روایت شده است که در میان بنی اسرائیل هرگاه عابدی به نهایت درجه عبادت می رسید برای برآوردن نیازها و رفع مشکلات مردم به راه می افتاد.

روا ساختن حاجت مؤمن .

- پیامبر خدا (ص) : هرکس یک نیاز برادر مؤمن خود را برآورد چنان است که همه عمر خویش را به عبادت خدا سر کرده باشد.
- امام صادق (ع) : هر کس یک نیاز از برادر مؤمن خود را روا سازد خداوند عز و جل در روزستاخیز صد هزار نیاز او را برآورد که نخستین آنها بهشت است .
- امام کاظم (ع) : همانا مهر پایان اعمال شما برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حد توانتان است , اگر چنین نباشد هیچ عملی از شما پذیرفته نشود.
- پیامبر خدا (ص) : هر کس یک نیاز مؤمنی را روا سازد خداوند نیازهای فراوان او را روا سازد که کمترینش بهشت است .
- امام صادق (ع) : هرگاه مسلمانی نیاز مسلمانی را برآورد خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد که : پاداش تو به عهده من است و من به کمتر از بهشت برای تورا می شوم .

روا ساختن حاجت مؤمن برتر از حج است .

- امام صادق (ع) : برآوردن نیاز مؤمن به یقین برتر از یک حج و بیشتر و بیشتر است (تا ده حج شمرد).
- روا ساختن حاجت مؤمن نزد خدا از بیست حج که برای هر حج صد هزار (درهم یادینار) خرج شده باشد , محبوبتر است .
- امام باقر (ع) : اگر سرپرستی یک خانواده مسلمان را بر عهده گیرم و آنان را از گرسنگی و برهنگی برهانم تا آبرویشان را نزد مردم حفظ کنم نزد من خوشتر است از این که ده بار حج روم و باز حج روم و حج روم تا به ده حج و بیشتر از آن تا به هفتاد حج رسد.
- امام صادق (ع) : برآوردن نیاز مؤمن برتر است از هزار حج که بامناسکش پذیرفته شود و از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و اهدای هزار اسب با زین و لگامهایشان در راه خدا.

کسی که از برآوردن نیاز برادر خود امتناع کند.

- امام صادق (ع) : اگر مسلمانی دست نیاز به سوی مسلمانی دراز کند و او بتواند نیازش را برآورد و نکند, خداوند در روز قیامت او را سخت توبیخ کند و فرماید : برادرت برای نیازی نزد تو آمد و من برآوردن آن را در دست توقرار دادم اما به ثواب این کار بی رغبتی کردی و دست رد به سینه او زدی به عزت خودم سوگند که , چه دوزخی باشی یا آمرزیده , به هیچ حاجتی از تو اعتنایی نکنم .
- امام کاظم (ع) : کسی که برادرش مشکل خود را نزد او برد و از وی کمک بخواهد و او بتواند و کمکش نکند پیوند خود با خدای عز و جل را بریده است .
- امام صادق (ع) : کسی که برادر مؤمنش در هنگام تنگدستی نیاز خود را به او بگوید و او بتواند خودش یا از طریق کسی دیگر حاجتش را روا سازد و نکند خداوند در روز قیامت وی را دست بسته به گردن محشور فرماید و تا فارغ شدن از حساب بندگانش همچنان او را نگه دارد.

- امام کاظم (ع) : هر که برادر مؤمنش برای حاجتی نزد او آید (بداند که) این رحمتی است که از سوی خدای تبارک و تعالی به او روی آورده است پس اگر حاجت او را روا سازد خود را به ولایت ما پیوند زده است و ولایت ما به ولایت خدا پیوسته است اما اگر می تواند حاجت او را برآورد و برنیورد خداوند در قبرش ماری آتشی براو مسلط گرداند که تا روز قیامت وی را بگذرد.
- امام صادق (ع) : هر گاه مؤمنی بتواند برادر خود را یاری رساند، اما کمکش نکند، خداوند درد دنیا و آخرت او را تنها گذارد.
- هیچ مؤمنی نیست که از آبروی خود برای برادر مؤمنش مایه بگذارد مگر آن که خداوند روزی او را بر آتش حرام گرداند و در روز قیامت سختی و خواری به او نرسد و هر مؤمنی که از برادر مؤمن خود مقام و آبروی بیشتر داشته باشد اما در استفاده از مقام و آبروی خود برای کمک به او دریغ ورزد درد دنیا و آخرت سختی و خواری بیند و در روز قیامت شعله های آتش چهره اش را فرو گیرد، خواه دوزخی باشد یا آمرزیده .
- امام باقر (ع) : کسی که از کمک به برادر مسلمان خود و برآوردن حاجت او دریغ کند، خداوند او را گرفتار کمک به کسی کند که به سبب آن کمک گناهکار شود و مزدی هم نبرد.
- پیامبر خدا (ص) : کسی که بتواند حاجت نیازمندی را برآورد و دست رد به سینه او زند گنااهش چون گناه باجگیر است .
- امام صادق (ع) : هرگاه یکی از برادران ما دست حاجت به سوی یکی از شیعیان ما دراز کند و او بتواند کمکش کند و دریغ ورزد، خداوند عز و جل او را به برآوردن نیاز یکی از دشمنان ما مبتلا می کند و به سبب آن در روز قیامت عذاب شود.
- هر مؤمنی که برادر مؤمن نیازمند خود را از مال خویش محروم کند، به خدا قسم که طعم خوراک بهشت را نچشد و از شراب ناب مهرشده (بهشت) ننوشد.

کسی که خود را از دسترس مؤمن نیازمند دور نگه دارد.

- امام صادق (ع) : کسی که برای طلب حاجت خود یا برای سلام و احوالپرسی نزد برادر مؤمن خود رود و او خود را از وی مخفی کند، تا زنده است پیوسته نفرین خدا نثار او شود.
- هر مؤمنی که خود را از دسترس مؤمن دیگر دور نگه دارد، خداوند عزوجل میان او و بهشت هفتاد هزار حصار بکشد که میان هر حصار با حصار دیگر هزار سال راه است .
- امام باقر (ع) : هرگاه مسلمانی برای دیدار مسلمانی دیگر یا حاجت خواهی از او به منزل وی رود و اجازه ورود بخواهد و او بیرون نیاید تا زمانی که همدیگر را دیدار کنند، پیوسته در لعنت خدا باشد.

کسی که برادر مؤمن خود را ببوشاند.

- امام صادق (ع) : هر که مؤمن برهنه ای را ببوشاند خداوند استبرق بهشتی بر تن او کند و هر که جامه ای بر تن مؤمن پوشیده (اما فقیر) کند تا تکه ای از آن جامه باقی است پیوسته او در پوشش خدا باشد.
- پیامبر خدا (ص) : هر که برادر مؤمن برهنه خود را ببوشاند خداوند از سندس و استبرق و حریر بهشت بر تن او کند و تا زمانی که نخ از آن جامه باقی است، پیوسته او در رضوان الهی غوطه ور باشد.
- امام صادق (ع) : هر که لباسی زمستانی یا تابستانی به برادر خود ببوشاند، برخداست که از جامه های بهشت برتن او کند و سختیهای مردن را بر وی آسان گرداند و در قبرش بر او گشایش دهد و آن گاه که سر از گور بردارد فرشتگان با بشارت به استقبالش روند.

شتاب در برآوردن نیازها.

- امام صادق (ع): هرگاه مردی دست نیاز به سوی من دراز کند، در رفع نیاز و مشکل او شتاب می‌ورزم، زیرا بیم آن می‌رود که کار از کار بگذرد و اقدام من در کمک به او دیگر به کارش نیاید.
- من در برآوردن حاجت دشمن خود شتاب می‌کنم، زیرا می‌ترسم دست رد به سینه او زدم و او از من بی‌نیاز شود.

آداب حاجت خواهی.

- امام حسین (ع): حاجت خود را جز نزد سه کس مبر: دیندار، یا جوانمرد، یا بزرگزاده، زیرا دیندار برای حفظ دین خود نیابت را برآورد و جوانمرد از مردانگی خود شرم می‌کند و بزرگزاده می‌داند که تو با روانداختن به او آبرویت را فروختی و با برآوردن نیابت آبروی تو را حفظ می‌کند.

حاجت خواهی از نوکیسه.

- امام صادق (ع): اگر دست خود را تا آرنج در دهان اژدها کنی بهتر است تا این که دست نیاز به سوی تازه به دوران رسیده‌ای دراز کنی.
- امام باقر (ع): حکایت کسی که نیازمند نوکیسه باشد حکایت درهمی است که در دهان افعی است که هم به آن نیاز داری و هم از افعی در خطری.

نیازمند شدن به بدان.

- امام سجاد (ع) خطاب به کسی که در حضور آن حضرت عرض کرد: خدایا! مرا از بندگانت بی‌نیاز گردان فرمود: اینچنین نیست زیرا مردم به هم محتاجند، بلکه بگو: خدایا! مرا از بدان خلقت بی‌نیاز گردان.
- امام علی (ع): خدایا! مرا به هیچ‌یک از بدان خلقت نیازمند مگردان، اگر مرا محتاج کسی کردی به خوش‌روترین و بخشنده‌ترین کس و آن که نیازم را با زبان خوش برآورد و کمتر بر من منت نهد، محتاج گردان.
- گفتم: بار خدایا (مرا محتاج هیچ‌یک از بندگانت مکن پیامبر خدا (ص) فرمود: ای علی! این گونه مگو، زیرا هیچ کس نیست که به مردم نیاز نداشته باشد عرض کردم: ای رسول خدا! پس چه بگویم؟
- فرمود: بگو: خدایا مرا به بندگان بدت محتاج مکن عرض کردم: ای پیامبر خدا! بندگان بد او کیستند؟
- فرمود: کسانی که چون چیزی بدهند منت گذارند و هرگاه ندهند سرزنش و نکوهش کنند.

احتیاط.

برای دین خود احتیاط کن.

- امام علی (ع): برادر تو دین توست، پس تا جایی که می‌توانی مواظب دین خود باش.
- امام صادق (ع): در دین خود دوراندیش و محتاط باش.
- در همه کارهایی که برایت ممکن است، محتاط باش.

چاره.**چاره.**

- امام علی (ع): هر چیزی چاره ای دارد.
- چاره حاصل اندیشیدن است .
- هر که به چاره اندیشی برنخیزد ,سختیها او را از جای برکنند.
- حکمروایی دولتها (درگرو) چاره اندیشی است .
- چاره اندیشی سودمندتر از واسطه است .
- کسی که از آرای گوناگون آگاه نباشد چاره اندیشی نتواند.
- بسا چاره اندیشی که چاره اش او را به خاک افکند.
- امام رضا (ع) : هر کس کاری را از راهش بجوید نلغزد و اگر هم لغزید چاره اندیشی به کمکش آید .

زندگی.**زندگی.**

- امام علی (ع) : بدانید که هیچ چیزی نیست جز این که دارنده اش از آن سیر و خسته می شود مگر زندگی , زیرا در مرگ آسودگی نمی بیند و آن همچون حکمت است که مایه حیات دل مرده و بینایی چشم کور و شنوایی گوش کر و سیرابی تشنه کام است و در آن بی نیازی کامل (از دنیا) و سلامت (ماندن از عذاب آخرت) است .
- امام باقر (ع) : خدای عز و جل زندگی را پیش از مرگ آفرید.

آب و زندگی.

- قرآن .
- ((آیا کافران نمی دانند که آسمانها و زمین بسته بودند وما آنها را گشودیم و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم ؟ چرا ایمان نمی آورند؟
- ((.
- امام صادق (ع) : مزه آب , زندگی است .

بهتر از زندگی.

- امام عسکری (ع) : بهتر از زندگی آن چیزی است که هرگاه آن را از دست دهی از زندگی بیزارشوی و بدتر از مرگ آن چیزی است که هرگاه بدان گرفتار آیی آرزوی مرگ کنی .

زندگی حقیقی.

- امام علی (ع) : زندگی جز به دینداری نیست و مرگ جز با از دست دادن یقین , پس , از آب شیرین و گوارا بنوشید, تا شما

را از خواب غفلت بیدار کند و از سموم کشنده بپرهیزد.

- یکتا پرستی مایه حیات جان است .

انواع زندگی .

- امام علی (ع) : نام نیک یکی از دو زندگی است .

- نام نیک یکی از دو عمر است (اولین عمر همان عمر طبیعی است).

- دانش یکی از دو زندگی است .

- شب زنده داری یکی از دو زندگی است .

- دانش فراگیرید تا به شما و زندگی بخشد.

- زندگی به دانش است .

حیوانات .

حقوق حیوانات .

- پیامبر خدا (ص) --- ماده شتری را دید که زانویش بسته شده و جهاز همچنان بر پشت اوست , پرسید --- : صاحب آن کجاست ؟

به او بگویند خودش را برای شکایت (این شتر در قیامت) آماده کند.

- خداوند مدارا کردن را دوست دارد و برانجام آن کمک می کند پس , هرگاه چارپایان لاغر را سوار شدید , آنها را در منزلهایشان فرود آورید اگر زمین خشک و بی گیاه بود با شتاب از آن بگذرید و اگر سرسبز و پر علف بود, آنها در آن جا استراحت دهید.

- چارپایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و آنها را کرسی خطابه و صحبت‌های خود در کوچه ها و بازارها نکنید, زیرا بسامرکوبی که از سواره اش بهتر است و بیشتر از او به یاد خدای تبارک و تعالی است .

- اگر ستمی که به حیوانات می کنید بر شما بخشیده شود بسیاری از گناهان شما بخشوده شده است .

- آیا در باره این بی زبانی که خداوند در اختیار تو گذاشته است از خدا نمی ترسی ؟

آن حیوان بی زبان از درد و رنجی که به او می رسانی نزد من شکایت کرد.

- نفرین خدا بر کسی که حیوانی را مثله کند.

- سومین نفری که بر پشت ستور نشیند ملعون است (سه پشته نباید حیوان را سوار شد).

- حیوان شش حق به گردن صاحب خود دارد : هر گاه از آن پیاده شد علفش دهد , هر گاه از آبی گذشت آن را آب دهد , بی دلیل آن را نزند , بیشتر از قدرتش آن را بار نکند , بیشتر از توانش آن را راه نبرد و مدت زیادی روی آن درنگ نکند.

- امام باقر (ع) : پیامبر خدا (ص) شنید که مردی شتر خود را نفرین می کند , فرمود : برگرد , با شتر نفرین شده همراه ما نیا.

- در حدیث رحلت امیرالمؤمنین (ع) آمده است : ام کلثوم گفت : آن گاه امام (ع) به حیاط خانه رفت در صحن خانه چند غاز بود که به برادرم حسین (ع) هدیه شده بود , غازها دنبال امام (ع) به راه افتادند و بال می زدند و رو به روی ایشان فریاد می کردند تا آن شب چنین سر و صدایی راه نینداخته بودند سپس امام فرمود : دخترم ! به حقی که مرا برتوست سوگند این حیوانات را

آزاد کن من چیزی را نگه داشته ام که زبان ندارد و نمی تواند بگوید گرسنه است یا تشنه یا آنها را آب و غذا بده یا آزادشان کن که از علفها و سبزه های زمین بخورند.

- پیامبر خدا (ص) : حیوانات می گویند : خدایا ! صاحب خوبی نصیب من کن , کسی که مراسیر آب و غذا کند و بیش از توانم بر من بار نهد.

زدن حیوانات .

- پیامبر خدا (ص) : به صورت حیوانات نزنید, زیرا آنها حمد و تسبیح خدا می گویند.
- علی بن حسین (ع) : چهل بار با شتر خود به حج رفت و یک تازیانه بر آن نزد.
- پیامبر خدا (ص) : حیوان را برای چموشی و سرکشی کردن بزنید, اما برای لغزیدن و به سر در آمدن نزنید.
- پیامبر خدا (ص) : الاغی را دید که صورتش را داغ کرده اند, فرمود : مگر نشنیده اید که من نفرین کرده ام آن کسی را که صورت حیوان را داغ کند یا بر چهره اش تازیانه زند؟

ثواب مهربانی با حیوانات .

- پیامبر خدا (ص) : زنی بدکاره سگی را دید که بر سرچاهی له له می زند و کم مانده است از تشنگی بمیرد او کفش خود را در آورد و آن رابه روسری خود بست و به وسیله آن از چاه آب کشید (و به آ حیوان داد), پس خداوند گناهان او را به سبب این کار آمرزید.

کیفر آزار دادن حیوانات .

- پیامبر خدا (ص) : زنی به سبب آن که گربه ای را بسته بود و اجازه نمی داد برای غذای خودشکار کند و بدین سبب مرد , مستوجب آتش دوزخ گشت .
- امام صادق (ع) : زنی به سبب آن که گربه ای را بسته بود تا از تشنگی مرد , به عذاب گرفتار آمد .
- پیامبر خدا (ص) : در دوزخ زنی را دیدم که گربه اش از هر طرف او را گاز می گرفت , علتش این بود که (در دنیا) آن حیوان را بسته بود و نه غذایش می داد و نه آزادش می کرد که خودش حیوانی را شکار کند.

کشتن به ناحق حیوانات .

- پیامبر خدا (ص) : هر حیوانی — پرنده یا جز آن — که به ناحق کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد.
- هر کس گنجشکی را بی سبب بکشد آن گنجشک در روز قیامت از او به درگاه خدا بنالد و بگوید : پروردگار من ! فلانی مرا نه برای استفاده که بی سبب کشت .
- هر کس گنجشکی را , بدون رعایت حق آن , بکشد خدای تعالی در روز قیامت از او بازخواست کند عرض شد : حق گنجشک چیست ؟

فرمود : این که او را ذبح کند, نه این که گردنش را بکند.

- ابن عباس : [رسول الله (ص)] از کشتن هر جاننداری نهی فرمود, مگر آن که آزار برساند.

نهی از به جان هم انداختن حیوانات .

- ابن عباس : پیامبر (ص) از به جان هم انداختن حیوانات نهی فرمود.

شرم .

شرم .

قرآن .

((یکی از آن دو زن که به آزم راه می رفت نزد او آمد و گفت : پدرم تو را می خواند تا مزد آب دادنت را بدهد چون نزد او آمد و سرگذشت خویش بگفت , گفت : مترس , که تو از مردم ستمکاره نجات یافته ای)).

- مصباح الشریعة : امام صادق (ع) فرمود: شرم نوری است که گوهر آن سینه ایمان است , معنای شرم این است که در برابر هر آنچه با توحید و معرفت ناسازگار است خویشتنداری کنی .

- امام علی (ع) : شرم وسیله رسیدن به هر زیبایی و نیکی است .

- پیامبر خدا (ص) : شرم جز خوبی به بار نمی آورد.

- امام علی (ع) : زیباترین جامه های دین شرم است .

- شرم کمال بزرگواری و بهترین خوی است .

- شرم کلید همه خوبیهاست .

- پیامبر خدا (ص) : شرم سراسر خیر و خوبی است .

- شرم از آیینهای اسلام است .

- امام علی (ع) : هرکس که شرم جامه خود را بر او پوشاند عیبش بر مردم پوشیده ماند.

- امام صادق (ع) : در نامه ای که به اصحاب خود نوشت و به آنان دستور داد پیوسته آن را بخوانند و از نظر بگذرانند می فرماید : بر شما باد به شرم و دوری کردن از آنچه مردمان صالح پیش از شما از آنها دوری کردند.

- پیامبر خدا (ص) : بی شرمی با هیچ چیز همراه نشد مگر این که آن را زشت گردانید و حیا با هیچ چیز همراه نگشت مگر این که آن را آراست .

- اگر شرم به صورت مردی مجسم می شد هر آینه مردی صالح و نیکوکار بود.

- خداوند, با شرم پاکدامن را دوست دارد و از بی شرم گدای سنج نفرت دارد.

- امام علی (ع) : خردمند ترین مردم با شرمترین آنهاست .

شرم در راس مکارم اخلاق است .

- امام صادق (ع) : مکارم اخلاق یکی بسته به دیگری است , خداوند آنها را به هر که خودخواهد می دهد ممکن است در مرد باشد و در فرزندش نباشد , در بنده باشد و در آقايش نباشد (این خوبیها عبارتند از : راستگویی , صداقت با مردم , عطا کردن به

سائل , جبران کردن خوبیها , امانتداری , صله رحم , دوستی و مهربانی با همسایه و یار , میهمان نوازی و در راس همه حیا.

پیامدهای شرم .

- امام علی (ع) : شرم مانع زشتکاری می شود.
- علت پاکدامنی حیاست .
- شرم ریشه جوانمردی و پاکدامنی میوه آن است .
- (اندازه) پاکدامنی به اندازه شرم و حیا بستگی دارد.
- در شرم و حیای آدمی همین بس که از او رفتار ناخوشایند نسبت به کسی سر نزنند.
- حیا فروهستن چشم است .
- پیامبر خدا (ص) : اما آنچه از حیا نشات می گیرد : نرمش ، مهربانی ، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان ، سلامت ، دوری کردن از بدی ، خوشرویی ، گذشت و بخشندگی ، پیروزی و خوشنامی در میان مردم ، اینها فوایدی است که خردمند از حیا می برد خوشا کسی که نصیحت خدا را بپذیرد و از رسواگری او بترسد.

شرم و ایمان .

- امام کاظم (ع) : شرم از ایمان است و ایمان در بهشت جای دارد و بی شرمی از نافرهیختگی است و نافرهیختگی در آتش است .
- امام صادق (ع) : حیا و پاکدامنی و کندی --- کندی زبان نه کندی دل --- از ایمان است و زشتگویی و بدزبانی و دریدگی از نفاق و دورویی است .
- امام باقر (ع) : حیا و ایمان به هم پیوسته اند ، هرگاه یکی از آنها برود دیگری هم در پی آن روانه شود.
- پیامبر خدا (ص) : هر دینی را خوبی است ، خوی اسلام حیاست .
- حیا همه دین است .
- امام علی (ع) : حیای زیاد مرد نشانه ایمان اوست .
- امام حسن (ع) : حیا ندارد کسی که دین ندارد.
- امام صادق (ع) : ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.
- امام علی (ع) : ایمانی چون حیا و بخشندگی نیست .

شرم نکوهیده .

- امام صادق (ع) : هر که کم رو باشد کم دانش شود.
- امام علی (ع) : هیبت و شکوه با نومیدی قرین است و کمرویی با محرومیت .
- کمرویی با محرومیت قرین است .
- کمرویی محرومیت زاست .
- کمرویی مانع روزی است .

حیای خردمندان و حیای نابخردانه .

- پیامبر خدا (ص) : حیا دو گونه است حیای ناشی از خرد و حیای برخاسته از نابخردی حیای خرد خیز دانش است و حیای نابخردانه جهل و نادانی .

- امام صادق (ع) : حیا بر دو گونه است ، یک حیا ضعف و ناتوانی است و حیای دیگر قدرت و اسلام و ایمان .
- امام علی (ع) : کسی که از گفتن حق شرم کند احمق است .

نتیجه بی شرمی .

- امام عسکری (ع) : کسی که از روی مردم شرم نداشته باشد از خدا شرم ندارد.
- امام علی (ع) : کسی که از مردم حیا نکند از خدای سبحان حیا نداشته باشد.
- پیامبر خدا (ص) : کسی که در آشکار از خدا شرم نکند ، در نهان نیز از او شرم نمی کند.

آدم بی شرم از هیچ کاری ابا ندارد.

- پیامبر خدا (ص) : از مثل های پیامبران (ع) جز این سخن مردم بر جای نمانده است : وقتی حیا نداشتی هر کاری می خواهی بکن .
- امام کاظم (ع) : از مثل های پیامبران (ع) جز این جمله بر جای نمانده است : ((اگر که حیا نداری هر کاری می خواهی بکن)) : این جمله درباره بنی امیه است .
- پیامبر خدا (ص) : آخرین سخنی که از نخستین پیامبران به مردم رسیده این است : چون حیاندشتی هر کاری می خواهی بکن .
- آخرین سخنی که مردمان جاهلی از سخن وحی گرفتند این است : اگر حیا نداری هر کار که می خواهی بکن .
- امام صادق (ع) : کسی که از عیب و ننگ شرم نداشته باشد و در پیری دست از خلافتکاری نکشد و در نهان از خدا نترسد ، بی خیراست .

شرم داشتن از خدا.

- امام سجاد (ع) : از خدا بترس چون او بر تو تواناست و از او شرم کن زیرا که به تو نزدیک است .
- امام کاظم (ع) : در نهان از خدا شرم کنید همچنان که در آشکار از مردم شرم دارید.
- پیامبر خدا (ص) : از خدا شرم کن همچنان که از همسایگان خوب خود شرم می کنی ، زیرا شرم از خدا بر یقین می افزاید.
- امام علی (ع) : برترین حیا شرم داشتن از خداست .
- شرم از خدا بسیاری از گناهان را پاک می کند.

شرم داشتن از دو فرشته همراه آدمی .

- پیامبر خدا (ص) : هر یک از شما باید از دو فرشته ای که با خود دارد شرم کند ، همچنان که ازدو همسایه خوب خود که شب و روز در کنارش هستند شرم می کند.
- از سفارشهای آن بزرگوار به ابوذر : ای اباذر ! از خدا شرم داشته باش ، به خدا سوگند من هنگامی که برای قضای حاجت می روم از شرم دو فرشته همراهم چهره خود را با جامه ام می پوشانم .

شرم حقیقی .

- امام باقر (ع) : پیامبر خدا (ص) فرمود: از خدا چنان که باید شرم کنید عرض شد: ای پیامبر خدا! چه کسی از خدا چنان که باید شرم دارد؟
- فرمود: کسی که از خدا براستی حیا داشته باشد باید اجل خود را در برابر دیدگانش قرار دهد، به دنیا و فریبندگیهای آن پشت کند، مواظب سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خود باشد و گور و پوسیده شدن بدن را از یاد نبرد.
- امام کاظم (ع) : رحمت خدا بر کسی که از خدا چنان که باید شرم کند، پس، سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خویش را پاس دارد و مردن و پوسیدن را به یاد داشته باشد و بداند که بهشت در میانه سختیهاست و دوزخ در میانه خواهشها و هوسها.

اوج شرم.

- امام علی (ع) : بهترین حیا شرمت از خویش است.
- اوج حیا این است که آدمی از خودش شرم کند.
- شرم داشتن مرد از خود میوه ایمان است.
- شرم داشتن از خود کمال جوانمردی است.
- بهترین پارسایی این است که کاری را که در آشکار از انجامش شرم می کنی در تنهایی خود نکنی.

شرم (متفرقه).

- پیامبر خدا (ص) : کسی که تن پوش حیا را دور افکنند، غیبت او اشکال ندارد.
- حیا ده جز دارد، نه جز آن در زنان است و یک جز در مردان.
- امام صادق (ع) : دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، عزت را سلب می کند و حیا را می برد.
- امام علی (ع) : از سه کار شرم نباید کرد، خدمت کردن به میهمان، از جا برخاستن در برابر پدر و آموزگار خویش و طلبیدن حق گر چه اندک باشد.

حرف خا

- ۵ --- الخاتمة: ((فرجام)) ۱۳۶۵.
- ۵ --- المخدر: ((مواد مخدر)) ۱۳۷۳.
- ۵ --- الخدمة: ((خدمت کردن)) ۱۳۷۷.
- ۵ --- الخوارج: ((خوارج)) ۱۳۸۱.
- ۵ --- الخسران: ((زیانکاری)) ۱۳۹۷.
- ۵ --- الخشوع: ((خشوع)) ۱۴۰۵.
- ۵ --- الخصومة: ((مشاجره)) ۱۴۱۱.
- ۵ --- الخطبة: ((خطبه)) ۱۴۱۵.
- ۵ --- الخط: ((خط و خوشنویسی)) ۱۴۱۹.
- ۵ --- الاخلاص: ((اخلاص)) ۱۴۲۳.
- ۵ --- الاختلاف: ((اختلاف)) ۱۴۴۱.

- ۵ --- الخلافة: ((جانشینی)) ۱۴۵۳.
- ۵ --- الخلقه: ((آفرینش)) ۱۴۵۷.
- ۵ --- الخالق: ((آفریدگار)) ۱۴۷۳.
- ۵ --- اخلاق ۷۹۷.
- ۵ --- شراب ۸۱۱.
- ۵ --- خمس ۸۱۷.
- ۵ --- گمنامی ۸۱۹.
- ۵ --- ترس ۸۲۳.
- ۵ --- خیانت ۸۳۳.
- ۵ --- خوبی ۸۳۷.
- ۵ --- طلب خیر از خدا ۸۵۱.
- ۵ --- خیاطی ۸۵۵.

فرجام.

فرجام.

- پیامبر خدا (ص): مؤمن پیوسته از بدفرجامی هراسان است و تا زمان جان کندن و ظاهر شدن ملک الموت بر او یقین ندارد که به رضوان و خشنودی الهی خواهد رسید.
- امام علی (ع): اگر فرجامت با نیکبختی قرین شود به سوی نعمتها خواهی رفت و شهریاری مطاع خواهی شد و در امان و بدور از هراس خواهی بود، فرزندان با جامهایی از چشمه خوشگوار که سفید است و نوشندگان را لذت بخشد، چونان رشته مروارید بر گرد شما بچرخند.
- هر آفریده ای به سوی سرنوشتی نامعلوم (برای او) پیش می رود.

ملاک کار عاقبت آن است.

- مسیح (ع): مردم می گویند: ساختمان به شالوده آن است اما من به شما چنین نمی گویم عرض کردند: پس شما چه می گویی ای روح الله؟
- فرمود: حقیقتی را به شما بگویم: آخرین سنگی که کار گرمی گذارد همان شالوده ساختمان است.
- ابو فروه، راوی حدیث، می گوید: مراد آن حضرت عاقبت کار است.
- پیامبر خدا (ص): بهترین کارها خوش فرجام ترین آنهاست.
- ملاک کار فرجام آن است.
- کارها به تمام شدن آنهاست و اعمال به عاقبت آنها.
- امام علی (ع): کار ناخوشایندی که فرجام آن پسندیده باشد بهتر است از کار خوشایندی که فرجامش نکوهیده باشد.
- خوشبختی حقیقی آن است که کار انسان به خوشبختی ختم شود و بدبختی واقعی آن است که فرجام کارش با بدبختی قرین

شود.

- پیامبر خدا (ص): (گاه) آدمی زمانی دراز کار اهل بهشت را انجام می دهد اما سرانجامش به کار اهل دوزخ ختم می شود و (گاه) انسان روزگاری دراز مرتکب کارهای دوزخیان می شود اما در عاقبت به کارهای بهشتیان روی می آورد.
- همانا بنده (گاه) کاری می کند که به نظر مردم کار اهل بهشت است حالی که او از دوزخیان است و (گاه) کارهایی می کند که در نگاه مردم کار دوزخیان است در حالی که او بهشتی است همانا اعمال به عاقبت آنهاست .
- تا عاقبت کار کسی بر شما معلوم نشده از (اعمال خوب) او به شکفت نیاید چه آن که آدمی (گاه) زمانی دراز از عمر خود یا برهه ای از روزگارش را کارهای شایسته می کند که اگر با همان وضع بمیرد به بهشت می رود اما ناگهان تغییر می کند و کارهای ناشایست انجام می دهد.
- عمرو بن جرموز شمشیر زیر را نزد علی بن ابی طالب آورد حضرت آن را گرفت و بدان نگاهی کرد و فرمود: به خدا قسم چه بسیار رنج و اندوهها که صاحب این شمشیر از چهره پیامبر خدا(ص) زدود.
- امام علی (ع): دنیا سراسر نادانی است مگر آن جا که علم باشد و علم همه اش حجت (بر ضد عالم) است مگر آنچه مورد عمل قرار گیرد و عمل یکسره ریاست مگر آن که از روی اخلاص باشد و اخلاص در معرض خطر است تا بنده بنگرد که عاقبتش چون است .
- امام صادق (ع): گاه انسان خوشبخت راه شوربختان را می پیماید، چندان که مردم می گویند: چقدر او شبیه نگونبختان است و بلکه یکی از آنان است اما سرانجام خوشبختی به سراغش می آید و گاه انسان (سرانجام) بدبخت (در آغاز) راه نیکبختان را می پوید تا آن جا که مردم می گویند: چقدر او شبیه سعادت‌مندان است و بلکه از خود آنان است اما سرانجام بدبختی او را در می رسد کسی که علم خدا بر خوشبختی او تعلق گرفته است اگر از عمر دنیا به اندازه فاصله میان دو شیر دوشیدن شتر باقی مانده باشد و سرانجام خوشبخت می شود.

موجبات نیک فرجامی .

قرآن .

- ((کسان خود را به نماز فرمان ده و خود در آن کارپافشاری کن از تو روزی نمی خواهیم ما به تو روزی می دهیم و عاقبت از آن پرهیزگاری است)).
-
-
- ((این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است)).
- امام صادق (ع) --- به یکی از مردم ---: اگر می خواهی که عملت ختم به خیر شود و در هنگام مردن با بهترین اعمال بمیری حق خدا را پاس داشته نعمتهایش را در راه معصیت صرف نکن و به سبب بردباری که نسبت به تو نشان می دهد دچار غرور و غفلت نشو و هر کس را که دیدی از ما به نیکی یاد می کند یا دم از محبت مامی زند گرامی بدار.
- امام کاظم (ع): پایان اعمال شما به این است که در حد توان خود نیازهای برادرانتان را بر آورید و به آنان نیکی کنید در غیر این صورت اعمال شما پذیرفته نشود با برادران خود مهربان و دلسوز باشید تا به ما بیوندید.
- امام علی (ع): اگر می خواهی که خداوند تو را از بدعاقبتی نگه دارد بدان که هر خوبی که به تومی رسد از فضل و توفیق

خداست و هر بدی که به تو می رسد خداوند به تو مهلت و فرصت داده است از بردباری و گذشت او نسبت به خودت بترس .
- امام صادق (ع) : آن که خردمند باشد فرجامش ، به خواست خدا ، بهشت است .

موجبات بد فرجامی .

قرآن .

((پیش از شما سنتهایی بوده است ، پس بر روی زمین بگردید و بنگرید که پایان کار آنها که پیامبران را به دروغگویی نسبت می دادند چه بوده است)) .
((بر آنها بسی باران بارانندیم ، پس ، بنگر که عاقبت مجرمان چگونه بود)) .
((و بر سر راهها منشینید تا مؤمنان به خدا را بترسانید و از راه خدا رویگردان سازید و به کجروی و ادا نداشتن و به یاد آرید آن گاه که اندک بودید ، خدا بر شمار شما افزود و بنگرید که عاقبت مفسدان چگونه بوده است)) .
((چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته بودند و هنوز از تاویل آن بی خبر بودند کسانی که پیش از آنان بودند نیز پیامبران را چنین به دروغ نسبت دادند پس بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بوده است)) .

مواد مخدر .

مصرف مواد مخدر .

- پیامبر خدا (ص) : زمانی فرا رسد که امت من چیزی به نام بنگ استعمال می کنند من از این افراد بیزار و بدورم و آنان از من دورند .
- به یهود و نصاری سلام کنید اما به مصرف کننده بنگ سلام نکنید .
- کسی که گناه کشیدن بنگ را ناچیز شمارد کافر است .
- هر کس بنگ استعمال کند چنان است که هفتاد بار کعبه را ویران کند و هفتاد فرشته مقرب را بکشد و هفتاد پیامر مرسل را به قتل رساند و هفتاد قرآن را بسوزاند و هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کند چنین کسی از رحمت خدا دورتر است تا شرابخوار و رباخوار و زناکار و سخن چین .

خدمت کردن .

خدمت کردن .

- پیامبر خدا (ص) : بنده پیوسته از خداست و خدا از او تا زمانی که خدمت نشود وقتی کسی به او خدمتی کرد باید حساب پس دهد .
- هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت کند خداوند به تعداد آنان در بهشت به او خدمتکار دهد .
- روایت شده است که خدای تعالی به داود (ع) وحی فرمود که : چه شده است که تو را گوشه گیر می بینم ؟
داود عرض کرد : بندگانت در راه تو مرا خسته کرده اند فرمود : چه می خواهی ؟
عرض کرد : محبت تو را فرمود : محبت من به این است که از بندگانم در گذری و اگر دیدی کسی خواستار من است ، او را خدمت کنی .

- امام صادق (ع) : مؤمنان خدمتکار یکدیگرند جمیل می گوید : عرض کردم : چگونه خدمتکار یکدیگرند ؟ فرمود : به یکدیگر سود می رسانند.

- پیامبر خدا (ص) : خدمت کردن مؤمن به برادر مؤمنش مقامی است که فضیلت و ثواب آن جز با همانند آن (خدمت متقابل) به دست نیاید.

- امام صادق (ع) : برادر خود را خدمت کن ، اما اگر او از تو خدمت خواست خدمتش نکن ووقعی بدو مگذار.

خوارج .

قاسطین ، ناکثین ، مارقین .

- امام علی (ع) : من به جنگ با سه گروه فرمان دارم : قاسطین و ناکثین و مارقین قاسطین شامیانند و ناکثین را نام برد و مارقین نهروانیانند --- یعنی حروریه (خوارج) -

- پیامبر (ص) به من سفارش کرد که با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگم .

- آن گاه که خلافت را به دست گرفتم گروهی پیمان شکستند و دسته ای از دین بیرون شدند و گروهی راه ستم در پیش گرفتند گویی نشنیدند که خدای سبحان می فرماید : ((آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان سرکشی و فساد نیستند و پایان نیک از آن پرهیزگاران است)) آری ! به خدا سوگند که آنان این سخن را شنیدند و آن را فهم کردند، اما دنیا در چشمان آنها آراسته شد و زرق و برق آن شیفته شان کرد.

ناکثین .

- امام صادق (ع) : گروهی از مردم بصره نزد من آمدند و درباره طلحه و زبیر نظرم را پرسیدند ، گفتم : آنان دو تن از پیشوایان کفر هستند علی صلوات الله علیه ، در روز بصره (جنگ جمل) وقتی سواران خود را آرایش داد، به یارانش فرمود که در جنگ با این قوم شتاب مکنید تا میان خود و خدای تعالی و آنان حجت را تمام کنم پس نزد آنان رفت و به بصریان فرمود : آیا فکر می کنید که من در حکومت مرتکب ستمی شده ام ؟

گفتند : نه سپس نزد یاران خود برگشت و فرمود : خداوند در کتاب خودمی فرماید : ((اگر پس از پیمان بستن عهد و سوگندهای خود را شکستند و در دین شما طعن زدند با پیشوایان کفر قتال کنید)) پس ، امیرالمؤمنین (ع) فرمود : سوگند به آن که دانه راشکافت و مردمان را آفرید و محمد (ص) را به نبوت برگزید این آیه درباره شماست و از زمانی که نازل شده با چنین گروهی جنگ نشده است .

مارقین .

قرآن .

((بگو : آیا زیانکارترین مردمان را به شما بشناسانم ؟

آنان که کوشششان در زندگی دنیا تباه شد و حال آن که می پندارند کاری نیکو می کنند)).

- امام علی (ع) --- در پاسخ به کسی که این آیه را در حضور آن حضرت تلاوت کرد --- : حروریان (خوارج) از این افرادند.

- پیامبر خدا به من فرمود: بزودی گروهی آشکار خواهند شد که سخن حق می گویند اما از حلقومشان فراتر نمی رود، از حق بیرون می شوند همچون بیرون شدن تیر (از کمان).

- پیامبر خدا (ص): گروهی در دین ژرفکاو می کنند و همچنان که تیر از کمان خارج می شود از دین بیرون می روند.

- در آخر الزمان گروهی پیدا می شوند کم سال و سبکسر سخن بهترین خلق خدا را به زبان می آورند و قرآن می خوانند اما از حنجره های آنان فراتر نمی رود، از دین خارج می شوند همچون خارج شدن تیر از کمان هر گاه آنان را دیدید بکشیدشان، زیرا که کشندگان آنها در روز قیامت نزد خدا پاداش دارند.

- امام علی (ع): شنیدم که پیامبر خدا (ص) می فرماید: در آخر الزمان مردمی سر بر می دارند کم سال و سبکسر بهترین سخنان را به زبان می آورند، بیش از شما نماز می خوانند، بیش از شما قرآن تلاوت می کنند، اما ایمان آنها از استخوان چنبره --- یا فرمود: از حنجره هایشان --- فراتر نمی رود، همانند خارج شدن تیر از کمان، از دین خارج می شوند این افراد را بکشید.

ابن ابی الحدید می نویسد: اخباری که درباره وعده ثواب خدا به کشندگان خوارج از زبان پیامبر (ص) نقل شده چندان زیاد است که به حد تواتر رسیده است.

- پیامبر خدا (ص) به من دستور داده است که با قاسطین، همیان که به سوی آنها در حرکتیم و با ناکثین، همانانی که جنگ با آنان را پشت سر گذاشتیم و با مارقین که هنوز با آنان رو به رانشده ایم، بجنگیم پس، پیش به سوی قاسطین که اهمیت آنان برای ما از خوارج بیشتر است، پیش به سوی قومی که با شما می جنگند، تا جبارانی گردند و مردم آنان را به خداوندگاری بگیرند و آنان بندگان خدا را به بندگی گیرند و اموالشان را میان خود دست به دست کنند.

- ابو ایوب انصاری: پیامبر خدا (ص) به ما سفارش فرمود که همراه علی با ناکثین بجنگیم و ما هم با آنان جنگیدیم، سفارش کرد که در رکاب علی با قاسطین بجنگیم و اینک به سوی آنان یعنی معاویه و یاراناش --- می رویم، و سفارش کرد که همراه علی با مارقین بجنگیم اما هنوز آنان را ندیده ام.

- پیامبر خدا (ص): بزودی مردمی سر بر می دارند که قرآن می خوانند اما از استخوان چنبره شان فراتر نمی رود مانند خارج شدن تیر از کمان، از دین خارج می شوند.

- اندکی مال نزد پیامبر آوردند آن حضرت به تقسیم کردن آنها پرداخت قسمتی از آن را بر می داشت و لحظاتی به سمت راست خود متوجه می شد مثل این که با کسی حرف می زند و سپس آن مال را به کسانی که نزدش بودند می داد حضار فکر می کردند که ایشان با جبرئیل سخن می گوید در این حال مردی سیاه و بلند قد و آستین بر زده و سر تراشیده که در پیشانی اثر سجده بود از راه آمد و گفت: ای محمد! به خدا قسم عدالت نمی ورزی پیامبر (ص) خشمگین شد چندان که گونه هایش سرخ گشت و فرمود: وای بر تو! من عادل نباشم چه کسی عادل است؟

اصحابش عرض کردند: گردنش را بزیم؟

فرمود: نمی خواهم مشرکان بشنوند که من اصحاب خود را می کشم، او با امثال و نظایر و هم مسلکان خود سر بر می دارند و شیطان در دینشان نفوذ می کند و همچون در رفتن تیر از کمان از دین به دور می روند و به هیچ چیزی از اسلام پایبند نیستند.

- پیامبر (ص) در روز (جنگ) حنین شمشهای طلا را تقسیم می کرد، مردی از راه رسید و گفت: ای محمد! عادل باش! پیامبر فرمود: وای بر تو! اگر من عادل نباشم چه کسی عادل است؟

- یا فرمود: پس از من عدالت را نزد چه کسی خواهید یافت؟

- آن گاه فرمود: زودا که مردمی چون این بیایند که خواهان کتاب خدا باشند حالی که دشمن آنند، کتاب خدا را می

خوانند اما از حنجره های آنان فراتر نمی رود، سرهای تراشیده دارند، هر گاه اینان سر بر داشتند گردنشان را بزنید.

خبر دادن پیامبر از دو حکم.

- پیامبر خدا (ص): بنی اسرائیل دچار اختلاف شدند و همچنان با هم در اختلاف به سر می بردند تا آن که (برای رفع اختلاف خود) دو حکم و داور انتخاب کردند اما آن دو خود گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند این امت نیز بزودی دچار اختلاف خواهند شد و همچنان با یکدیگر در اختلاف به سر خواهند برد تا آن که دو حکم برگزینند که کجراهه روند و پیروانشان را نیز به کجراهه کشانند.

احتجاج امام در موضوع حکمین.

- یکی از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) برخاست و به آن حضرت عرض کرد: ابتدا ما را از پذیرفتن حکمیت باز داشتی و سپس دستوردادی آن را بپذیریم، نمی دانیم کدام یک درست تر است؟
حضرت دست بر دست زد و فرمود: این (حیرت و سرگشتگی) سزای کسی است که دور اندیشی را رها کند به خدا سوگند اگر آنگاه که شما را فرمان دادم بدانچه دادم، به کاری ناخوشایند که خدا خیری در آن نهاده بود شمارا وا داشتم و اگر پایدار می ماندید هدایتان می کردم و اگر کج می رفتید راستان می کردم و اگر سرباز می زدید مجبورتان می کردم البته این روش استوارتر بود اما به کمک چه کسی و یاری خواستن از که؟

- امام علی (ع) به اردوگاه خوارج که بر نپذیرفتن حکمیت پا فشاری می کردند، رفت و به آنان فرمود: آیا هنگامی که قرآنها را از روی حيله و فریب و مکر و خدعه بر سر نیزه ها کردند نگفتید: آنها برادران ما و همدینان ماوند از ما خاتمه جنگ می خواهند و به کتاب خدای سبحان روی آورده اند درست آن است که در خواست آنها را بپذیریم و اندوهشان را بر طرف سازیم؟ آن زمان من به شما گفتم: این کار آنها ظاهرش ایمان است و باطنش دشمنی، آغازش دلسوزی است و فرجامش پشیمانی.

- زمانی که امیرالمؤمنین (ع) حکمین را پذیرفت خوارج گفتند: دو انسان را حکم قرار دادی؟

حضرت فرمود: من هیچ مخلوقی را حکم قرار ندادم بلکه قرآن را داور کردم.

- امام علی (ع): من شما را از این حکمیت باز داشتم اما شما چون دشمن (یا مخالف) از پذیرش دستور من سرباز زدید تا جایی که رای خود را در کار هوای شما کردم که گروهی سبکسر و نابخرد هستید من برای شما --- ای ناکسان شر و بدی نیاوردم و زیان و ضرری برایتان نخواستم.

- ابو جعفر محمد بن جریر طبری در ((تاریخ)) خود می گوید: وقتی علی (ع) وارد کوفه شد بسیاری از خوارج با آن حضرت به آن جا آمدند و شمار فراوانی از آنان نیز در نخيله و دیگر جاها ماندند و به کوفه نیامدند حرقوص بن زهیر سعدی و زرعۀ بن برج طائی --- از سران خوارج --- نزد علی آمدند حرقوص گفت: از گناه خودت توبه کن و با ما بیا تا با معاویه بجنگیم علی (ع) فرمود: من شما را از حکمیت باز داشتم اما شما نپذیرفتید و اینک آن را گناه می شمارید؟

بدانید که حکمیت گناه نیست بلکه ناشی از ناتوانی رای و سستی تدبیر است و من شما را از اینها باز داشتم زرعۀ گفت: به خدا قسم اگر از داور قرار دادن این مردان توبه نکنی تو رابرای رضای خدا می کشم علی (ع) فرمود: بینوای نگو نبخت! گویا کشته تو را می بینم که باد بر آن می وزد! زرعۀ گفت: این آرزوی من است.

- امام علی (ع): آن گاه رای بزرگان شما بر این شد که دو مرد را انتخاب کنند و ما از آنان پیمان گرفتیم که مطابق قرآن عمل کنند

و از آن فراتر نروند و زبانشان با قرآن باشد و دل‌هایشان پیرو آن ، اما هر دو از قرآن دست کشیدند و حق را فرو گذاشتند در حالی که آن رامی دیدند.

- طوفان شن بر شما بوزد و نسلتان بریده شود ! آیا پس از ایمان به خدا و جهاد در رکاب پیامبر خدا (ص) بر کفر خویش گواهی دهم ؟

در این صورت گمراه باشم و از رهیافتگان نباشم ، به بدترین سرنوشت گرفتار آید و به راه گذشتگان خود روید ! بدانید که پس از من خواری و ذلتی تمام شما را فرا خواهد گرفت و به شمشیری بران دچار خواهید شد و ستمگران ستم بر شما را شیوه خود خواهند کرد.

خبر دادن امام از سرنوشت خوارج .

- امام علی (ع) --- در جنگ با خوارج --- :قتلگاه آنان این سوی نهر است ، به خدا سوگند از آنان ده نفر نخواهند گریخت و از شما ده نفر کشته خواهند شد.

ابن ابی الحدید می نویسد : این خبر چندان مشهور و در میان مردم نقل می شود که از اخبار تقریباً متواتر است و از جمله معجزات امام و پیشگوییهای مفصل ایشان می باشد.

- ابو سلیمان مرعش : من همراه علی به نهران رفتم او فرمود : سوگند به آن که دانه را (دردل زمین) شکافت و مردمان را بیافرید از شما ده تن کشته نمی شوند و از آنان ده تن بر جای نمی مانند مردم (یاران امام) با شنیدن این سخن بر نهرانیان حمله کردند و آنها را کشتند.

- امام علی (ع) : بر آنان بتازید که به خدا قسم از شما ده تن کشته نشوند و از آنان ده تن جان سالم به در نبرند پس ، بر آنان تاخت و خردشان کرد از یاران امام (ع) نه نفر کشته شدند و از خوارج هشت نفر گریختند.

علت نامگذاری خوارج به حروریه .

- ابوالعباس : علت نامگذاری حروریه (به این نام) این است که وقتی علی (ع) --- بعد از مناظره ابن عباس با خوارج --- با ایشان مناظره کرد از جمله به ایشان فرمود : مگر نه این که وقتی این جماعت قرآنهارا برافراشتند من به شما گفتم : این یک مکر و نشان ضعف آنهاست اگر مقصودشان داوری قرآنها باشد پیش من می آمدند مگر نه این که هیچ کس به اندازه من حکمیت را ناخوش نمی داشت ؟

گفتند : درست است فرمود : مگر نه این که شما مرا ناچار به پذیرفتن حکمیت کردید ؟

! پس دو هزار نفر از خوارج به همراه امام (ع) از محل تجمع خود در حرورا برگشتند علی به آنان فرمود : چه نامی بر شما گذاریم ؟

آن گاه فرمود : چون در حرورا فراهم آمده اید شما را حروریه می نامم .

کشته شدن عبدالله بن خباب .

- ابوالعباس : عبدالله بن خباب در حالی که به گردن خود قرآنی آویخته و با همسر باردارش بر الاغی سوار بود با خوارج روبه برو شد آنها به او گفتند : همان که به گردنت آویخته ای ما را به کشتن تو فرمان می دهد عبدالله به آنان گفت : آنچه را قرآن زنده کرده است زنده کنید و آنچه را میرانده است بمیرانید از میان خوارج مردی برجست و خرمایی را که از درخت افتاده بود

برداشت و در دهان گذاشت هم مسلکانش سر او داد کشیدند و او از روی پرهیزگاری خرما را از دهانش بیرون انداخت! نیز به یکی از آنان خوکی حمله کرد و او آن حیوان را زد و از پا در آورد یارانش گفتند: این کار فساد در زمین است و کشتن خوگ را ناروا شمردند.

آن گاه به ابن خباب گفتند: از پدرت برایمان حدیثی بگو عبدالله گفت: از پدرم شنیدم که گفت: شنیدم پیامبر خدا (ص) می فرماید: پس از من فتنه ای پدید خواهد آمد که دل آدمی در آن می میرد همچنان که تن می میرد شب مؤمن است و روز کافر و توعبدالله مقتول باش نه قاتل خوارج گفتند: نظرت درباره علی پس از تحکیم و حکمیت چیست؟ عبدالله گفت: علی خداشناسترین و دیندارترین و با ینش ترین مردمان است خوارج گفتند: تو از حق و هدایت پیروی نمی کنی بلکه از نام و شهرت افراد پیروی می کنی! سپس او را به ساحل رود بردند و به پهلو خواباندند و سرش را بریدند. ابوالعباس می گوید: خوارج از یک نفر نصرانی خواستند درخت خرمایش را به آنها بفروشد او گفت: نخل از شما باشد خوارج گفتند: ما آن را جز در برابر پول نمی گیریم نصرانی گفت: شگفتا! شما مردی مثل عبدالله بن خباب را می کشید و حالا می گوید میوه درخت خرمایی را جز در برابر پول قبول نمی کنید.

نظر امام درباره قاتلان ابن خباب .

- ابو عبیده --- پس از کشته شدن ابن خباب --- (علی ع) درباره قتل عبدالله بن خباب خوارج را استنطاق کرد آنان به کشتن او اقرار کردند حضرت فرمود: گروهی شوید تا حرفهای هر یک از گروههای شما را جداگانه بشنوم آنها گروه گروه شدند و هر گروهی مثل گروه دیگر به قتل ابن خباب اعتراف کردند و گفتند: تو را هم مثل او می کشیم علی (ع) فرمود: به خدا قسم، اگر همه مردم دنیا به اینچنین کشتن او اعتراف کنند و من توانایی کشتن آنها را داشته باشم همه آنها را می کشم آن گاه رو به اصحابش کرد و فرمود: بر اینان سخت گیرید که من نخستین کسی هستم که بر آنان سخت می گیرم . در روایتی از امام علی (ع) درباره اصحاب جمل آمده است: به خدا سوگند اگر حتی یک نفر از مسلمانان را بدون جرم و گناهی، به عمد می کشتند کشتن همه آن سپاه بر من روا بود، زیرا آن لشکر حضور داشته اند و کشتن آن بی گناه را زشت نشمرده و از وی دفاع نکرده اند.

پس از کشته شدن خوارج .

- امام علی (ع) --- در هنگام عبور از جنازه خوارج ---: بدا به حال شما، آن کس که فریبتان داد به شما زیان رساند عرض شد: ای امیرمؤمنان! چه کسی فریبتان داد؟ فرمود: شیطان گمراه کننده و نفس فرمان دهنده به بدی، به آرزوهای خام فریب شان داد و میدان گناهان را بر آنان فراخ گردانید و به آنان وعده پیروزی داد و آن گاه آنان را در کام آتش فرو برد. - خوارج که کشته شدند به امیر المؤمنین (ع) عرض شد: ای امیرمؤمنان! این جماعت همه نابود شدند حضرت فرمود: هرگز، به خدا قسم که آنها نطفه هایی در پشت مردان و زهدانهای زنان هستند هر گاه شاخی از آنان بروید قطع گردد تا این که سرانجام از آنان عده ای راهزن و دزد بر جای ماند. - قتاده: پس از آن که امام علی (ع) خوارج را کشت مردی گفت: سپاس و ستایش خدایی را که آنان را نابود و ما را از شرشان آسوده کرد علی فرمود: هرگز، سوگند به آن که جانم در دست اوست برخی از آنها هنوز در پشت مردان هستند و زنان باردارشان نشده اند آخرین افراد آنها به جماعتی دزد و چپاولگر تبدیل خواهند شد.

- ابو جعفر فرا، وابسته علی (ع) : علی شنید که یکی از فرزندانش، حسن یا حسین، می گوید: خدای را شکر که امت محمد را از شر این جماعت آسوده کرد علی فرمود: اگر از امت محمدتنها سه نفر بر جای ماند یکی از آنها بر عقیده این جماعت خواهد بود آنان (هنوز) در پشت مردان و زهدانهای زنان هستند.

- پیامبر خدا (ص) : هر شاخی که قطع شود شاخی دیگر بروید تا آن که از میان باقیمانده آنان دجال سر بر آرد.

- امام علی (ع) : ای مردم! من چشم فتنه رادر آوردم و در زمانی که تاریکی آن موج می زد و هاری و سختی آن اوج گرفته بود کسی جز من جرات دفع آن را نداشت.

نهی امام از کشتن خوارج بعد از ایشان .

- امام علی (ع) : بعد از من با خوارج نجنگید (خوارج را نکشید — خ ل)، زیرا کسی که طالب حق باشد و به آن نرسد همچون کسی نیست که جویای باطل باشد و به آن دست یابد.

ابن ابی الحدید می نویسد: مراد حضرت این است که به سبب گرفتار آمدن به یک شبهه گمراه شدند آنان طالب حق بودند و اجمالا به دین تمسک داشتند و از عقیده خود دفاع می کردند گواهی که در آن، راه خطا پیمودند اما معاویه خواهان حق نبود بلکه راه باطل می پیمود و از عقیده ای که با شبهه آمیخته شده باشد دفاع نمی کرد رفتار و کردار او خود گواه این امر بود او پایبند دین نبود با چنین اوصافی در معاویه بر مسلمانان روا نبود که از حکومت او دفاع کنند و با شورشیان علیه او بجنگند هر چند کجراه می رفتند، زیرا آنان وضع بهتری از معاویه داشتند، چه نهی از منکر می کردند و قیام در برابر فرمانروایان ستمگر را واجب می دانستند.

نهی از جنگیدن با خوارج در صورتی که با فرمانروای ستمگر مخالفت کنند.

- امام علی (ع) شنید که مردی خوارج را دشنام می دهد، فرمود: خوارج را دشنام ندهید، اگر با پیشوای عادل یا جماعت مسلمانان از راه مخالفت در آمدند، با آنان بجنگید که برای این کار پاداش می برید اما اگر با پیشوایی ستمگرمخالفت کردند (در کنار ستمگر) با ایشان نجنگید، زیرا برای خواسته و دلیلی (مخالفت با ستم و ناحق) می جنگند.

- در جمعی سخن از خوارج به میان آمد و آنان را دشنام دادند، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: اگر در برابر پیشوای هدایتگر قد علم کردند دشنامشان دهید اما اگر بر ضد پیشوای ستمگرشوریدند دشنامشان ندهید، زیرا برای این کار خود خواسته و دلیلی دارند.

زیانکاری .

آنان که خود را به زیان افکنده اند.

قرآن .

((بگو: از آن کیست آنچه در آسمانها و زمین است؟

بگو: از آن خداست بخشایش را بر خود مقرر داشته است همه شما را در روز قیامت، که در آن تردیدی نیست، گرد می آورد آنان که خود را به زیان افکنده اند همانان ایمان نمی آورند)).

((آنان که ترازوی اعمالشان سبک گشته است کسانی هستند که به آیات ما ایمان نیاورده بودند و از این رو به خود زیان رسانیده اند)).

((پس جز او هر چه را خواهید پرستید بگو: زیانکاران کسانی هستند که در روز قیامت خود و خاندانشان را به زیان افکندند و بدانید که این همان زیان آشکار است)).

- امام باقر (ع): درباره آیه ((بگو: زیانکاران کسانی هستند که)) فرمود: در روز قیامت خود و خانواده شان را مغبون کردند.
- امام علی (ع): کسی که از نفس خود حساب بکشد سود برد و هر که از آن غافل ماند زیان کند.
- در نامه ای به معاویه می فرماید: خویشتن را دریاب و خویشتن را دریاب که خداوند راحت را برای تو روشن کرده است و تا همین جا که پیش رفته ای به نهایت زیانکاری و جایگاه کفر و نافرمانی تاخته ای.
- آن کس که در روزهای امید خود (به عمل) و پیش از فرا رسیدن اجلش کوتاهی کند، زیانکار باشد و اجلش به او ضرر زند.

زیانکاران.

قرآن.

- ((هر کس دینی جز اسلام بجوید هرگز از وی پذیرفته نشود و در آخرت از زیانکاران باشد)).
- پیامبر خدا (ص): زیانکار کسی است که از آباد کردن آخرت غافل ماند.
- کسی که عمر خود را در طلب دنیا صرف کند در این معامله زیان کرده و توفیق را از دست داده است.
- امام علی (ع): بسا کوشایی که کار را تباه می کند و بسا زحمتکشی که زیان می بیند.
- بر بهترین فرد این امت از عذاب خدا ایمن باش و زیرا خدای بزرگ می فرماید: ((از مکر و کفر) خدا جز مردم زیانکار خود را ایمن نپندارند)).
- بپرهیز از این که خداوند تو را در حال معصیت خود ببیند و در حال طاعتش نبیند که در این صورت از زیانکاران خواهی بود.

زیانکاری در دنیا و آخرت.

قرآن.

- ((و از میان مردم کسی است که خدا را فقط در یک حال می پرستد اگر خیری به او رسد دلش بدان آرام گیرد و اگر آزمایشی پیش آید رخ برتابد (و دگرگون شود) در دنیا و آخرت زیان بیند و این همان زیان آشکار است)).
- امام سجاده (ع): برخی مردمان دنیا و آخرت را از دست می دهند دنیا را به خاطر دنیا و می گذارند، لذت ریاست باطل را برتر از لذت اموال و نعمتهای مباح و حلال می دانند و این همه را برای دست یافتن به ریاست رهامی کنند.
- امام علی (ع) --- در پاسخ به این سؤال که: بدبخت بزرگ کیست؟
- : مردی که دنیا را به خاطر دنیا وا گذارد و بدین سبب دنیا را از دست دهد و آخرت را زیان کند و مردی که برای خودنمایی عبادت و کوشش کند و روزه بگیرد، چنین کسی به خاطر دنیا از لذتهای دنیا محروم گشته و خود را به رنجی در افکنده است که اگر برای خدا می بود سزاوار پاداش او می شد.
- ای مردم! (ای مسلمانان خ ل) از خدا بترسید، زیرا چه بسیار آرزومندی که به آرزوی خود نرسد و بسا سازنده عمارتی که در آن ساکن نشود و بسا مال اندوزی که همه را واگذارد و شاید که آن مال را از راه ناروا گرد آورده و یا با نپرداختن حقی، یا از راه رسیدن به حرامی که به خاطر آن زیر بار گناه رفته است، پس گناه آن را به دوش کشد و بادریغ و اندوه نزد پروردگارش رود چنین کسی ((در دنیا و آخرت زیانکار باشد و این همان زیان آشکار است)).
- در مسیر امیرالمؤمنین (ع) به شام، گروهی از زمینداران انبار به آن حضرت بر خوردند و به احترام ایشان از اسبها پیاده

شدند و پیشاپیش او دویدند حضرت فرمود: این چه کاری بود که کردید؟

گفتند: این روش ماست که بدان امیران خود را احترام می‌نهم حضرت فرمود: به خداسوگند که امیران شما از این کار سودی نمی‌برند و شما نیز با این کار در این جهان خود را به رنج می‌افکنید و در آن جهان به بدبختی گرفتار می‌آید چه زیانبار است رنجی که در پی آن عذاب باشد و چه سودمند است آسایشی که رهایی از آتش دوزخ همراه آن باشد.

- امام علی (ع): --- خطاب به قاضی خود شریح بن حارث ---: توجه کن ای شریح! مبادا این خانه را جز از مال خودت خریده باشی یا بهای آن را جز از مال حلال داده باشی در غیر این صورت هم در دنیا و هم در سرای آخرت زیان کرده‌ای.

زیانکارترینان .

قرآن .

((بگو: آیا به شما خبر دهیم زیانکارترین مردمان کیست؟

کسانی که کوشش آنان در زندگی این جهان هدر رفت و می‌پندارند که کار نیک می‌کنند)).

((شک نیست که آنان در آخرت زیانکارترند)).

((ایشان همان کسانی که عذاب سخت از آن آنهاست و در آخرت زیانکارترینند)).

((می‌خواستند برای ابراهیم مگری بیندیشند ولی ما زیانکارترشان کردیم)).

- امام علی (ع): زیانکارترین مردم کسی است که بتواند حق بگوید و نگوید.

- زیانکارترین مردم در داد و ستد و ناکامترینشان در سعی و تلاش مردی است که تن خویش در طلب مال بفرساید و مقدرات با خواست او مساعدت نکند و آن گاه با دریغ و حسرت از دنیا رود و با وزر وبال آن به آخرت روی نهد.

- امام باقر (ع): درباره آیه ((بگو: آیابه خبر دهیم زیانکارترین مردمان کیست؟

((فرمود: آنان مسیحیان، کشیشان، راهبان و مسلمانان پیرو شبهات و خواهشهای نفس و حروریه (خوارج) و بدعتگذاران هستند.

- امام علی (ع): چه کسی زیانکارتر از آن که آخرت را با دنیا عوض کرد؟

- چه زیانکار است کسی که او را در آخرت نصیب و بهره‌ای نباشد!

- زیانکارترین شما ستمکارترین شماست .

- در نامه خود به مصقله، کارگزار خود در اردشیر خره، نوشت: درباره تو گزارشی به من رسیده است که اگر برآستی آن گونه

عمل کرده باشی خدایت را به خشم آورده‌ای و امام خود را نافرمانی کرده‌ای، تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسبهای آنان

فراهم آورده و خونشان برای آن ریخته شده است میان عربهای قوم خود که تو را برگزیده‌اند تقسیم کرده‌ای دنیای خویش را با

نابود کردن دینت آباد مگردان، که در این صورت از زیانکارترین مردمان خواهی بود.

خشوع .

خشوع .

قرآن .

((آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده که دل‌هایشان در برابر یاد خدا و آن سخن حق که نازل شده است خاشع شود؟ و همانند آن مردمی نباشند که پیش از این کتابشان دادیم و چون مدتی بر آمد دل‌هایشان سخت شد و بسیاری نافرمان شدند)).

((و به رو در می افتند و می گریند و بر خشوعشان افزوده می شود)).

- امام سجاد (ع) --- در دعا --- : خدایا! به تو پناه می برم از نفسی که قانع نمی شود و شکمی که سیر نمی گردد و دلی که نرم و خاشع نمی شود.

- پیامبر خدا (ص) : نخستین چیزی که از میان این امت رخت بر می بندد امانتداری و خشوع است ، چندان که تقریباً مسلمان خاشعی نمی یابی .

- امام صادق (ع) : ایمان نباشد مگر باعمل ، عمل نباشد مگر با یقین و یقین در کار نباشد مگر با خشوع .

- امام علی (ع) : خشوع نیکو یآوری است برای دعا.

- بدان که خودپسندی خلاف درستی و آفت خردهاست اگر می خواهی راه راست را پیمایی تا می توانی در برابر پروردگارت خاشع باش .

- در حدیث معراج به نقل از خدای تعالی آمده است : هیچ بنده ای مرا نشناخت و در برابرم خاشع نشد مگر آن که همه اشیا در برابر او خشوع کردند.

صفات خاشعان .

قرآن .

((دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زانش را برایش شایسته گردانیدیم اینان در کارهای نیک شتاب می کردند و با امید و بیم ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند)).

- پیامبر خدا (ص) : نشانه خاشع چهار چیز است : حساب بردن از خدا در نهان و آشکار، انجام کارهای نیک ، اندیشیدن برای روز قیامت و راز و نیاز با خدا.

- در پاسخ به پرسش از خشوع --- : تواضع داشتن در نماز و این که بنده با تمام دل و وجود به پروردگارش عز و جل روی آورد.

- امام علی (ع) : کسی که دلش خاشع شد، اندامهایش نیز خاشع شود.

- دلت باید برای خدای سبحان خاشع شود، زیرا که هر کس دلش خاشع شد همه ارکان بدنش خاشع شود.

خشوع زیور اولیاست .

قرآن .

((دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زانش را برایش شایسته گردانیدیم اینان در کارهای نیک شتاب می کردند و با امید و بیم ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند)).

- امام صادق (ع) : خدای تعالی به عیسی بن مریم (ع) وحی فرمود که : ای عیسی ! از چشمان خوداشک و از دل خود خشوع به من ببخش و آن گاه که هرزگان خوش و خندانند تو با میل اندوه چشمان خود را سرمه کن و بر سر گورهای مردگان بایست و با فریاد آنان را صدا بزن شاید پند(لازم) خود را از ایشان بگیری و بگو که من هم همراه دیگران به ایشان خواهم پیوست .

- از وحیهای خدای تعالی به موسی و هارون : همانا دوستان من با خواری و خشوع و ترس که در دل‌هایشان می روید و بر

بدنهایشان آشکار می شود ، خود را برای من می آریند.

- از سخنان خدای تعالی به موسی (ع) : حلاوت تورات را با آوازی خاشع و حزین به گوش من برسان .

- امام علی (ع) --- در وصف شیعیان خود --- : هر یک از آنان را در دین نیرومند می بینی و در عین نرمی دورانیدیش و در عبادت خاشع .

- در وصف مؤمنان --- : هیاتشان خشوع است .

خاشع نمایی منافقانه .

- پیامبر خدا (ص) : از خشوع نمایی منافقانه پرهیزید و آن چنین است که بدن را خاشع نشانه دهی و در حالی که دل خاشع نیست .

- از خشوع منافقانه به خدا پناه برید ، خشوع تن و نفاق دل .

- کسی که پیکرش بیش از دلش خاشع باشد این خشوع نفاق آمیز است .

مشاجره .

مشاجره .

قرآن .

((این دو گروه درباره پروردگارشان به مشاجره برخاسته اند برای آنان که کافرنند جامه هایی از آتش بریده اند و از بالا بر سرشان آب جوشان می ریزند)).

- امام صادق (ع) : مشاجره نکند مگر کسی که از آنچه در سینه دارد به تنگ آمده باشد.

- ستیزه نکند مگر مردی که ورع ندارد یا آن که گرفتار شک و تردید است .

- مشاجره نکند مگر آن که در دین خود شک دارد یا کسی که ورع ندارد.

- امام باقر (ع) : مشاجره دین را نابود و عمل را باطل می کند و شک و تردید به بار می آورد.

- امام کاظم (ع) : به یاران خود دستوریده که زبانشان را نگه دارند و مشاجره کردن در دین را واگذارند و در عبادت خدای عزوجل کوشا باشند.

- امام صادق (ع) : از مشاجره پرهیزید که دل را مشغول می کند و موجب نفاق می شود و کینه به بار می آورد.

- از مشاجره در دین پرهیزید که آن دل را از یاد خدای عز و جل باز می دارد و موجب نفاق می شود و کینه به بار می آورد و راه بر دروغ می گشاید.

- امام باقر (ع) : از مشاجره ها پرهیزید که شک و تردید به بار می آورند و عمل را بی اجر می کنند و مشاجره کننده را نابود می گردانند و بسا انسان (در هنگام مجادله کردن) سخنی نابخشودنی به زبان آرد.

- از مشاجره گران و دروغگویان پرهیزید ، چه آنان آنچه را باید بیاموزند رها کرده اند ، اما برای آموختن آنچه به آموختنش فرمان ندارند خود را به زحمت می اندازند چندان که در فرا گرفتن علم آسمان خود را به تکلف وا می دارند.

- امام علی (ع) : آن که در مشاجره زیاده روی کند گنهکار است و آن که در مشاجره کوتاهی کندستم کرده است مشاجره گر نمی تواند تقوای الهی داشته باشد.

- غیاث بن ابراهیم : امام صادق (ع) هرگاه بر گروهی می گذشت که مشغول مشاجره کردن بودند از آنها رد نمی شد مگر آن

که سه بار با صدای بلند می فرمود : از خدا بترسید.

- امام علی (ع) : مشاجره , نادانی انسان را آشکار می کند و چیزی به حق او نمی افزاید.

خطبه .

خطبه .

قرآن .

((فرمانرواییش را استواری بخشیدیم و او را حکمت و فصاحت در سخن عطا کردیم)).

- سعد بن ابراهیم از پدرش نقل می کند : نخستین کسی که بر منبر خطابه خواند ابراهیم (ع) بود و آن زمانی بود که رومیها لوط را

اسیر کردند و ابراهیم با آنان جنگید و او را از دست آنان نجات داد.

- جابر : پیامبر (ص) هرگاه خطبه می خواند چشمانش سرخ می شد و صدایش رسا می گشت و خشمش اوج می گرفت , گویی

قراول سپاهی است که آنان را از خطر حمله دشمن آگاه می کند.

--

--

- ابو امامه : پیامبر (ص) هرگاه فرماندهی را به جنگ می فرستاد می فرمود : خطابه را کوتاه و سخن را کم کن .

- عمار بن یاسر : پیامبر خدا (ص) , ما را به مختصر برگزار کردن خطبه ها فرمان داد.

- جابر بن سمره سوائی : پیامبر خدا (ص) در روز جمعه موعظه را طولانی برگزار نمی کرد , بلکه سخنانی کوتاه ایراد می فرمود.

خط و خوشنویسی .

خط و خوشنویسی .

قرآن .

((تو پیش از قرآن هیچ کتابی را نمی خواندی و به دست خویش کتابی نمی نوشتی اگر چنان بود اهل باطل به شک افتاده

بودند)).

- امام علی (ع) : خط , زبان دست است .

- به کاتب خود عبیدالله بن ابی رافع فرمود: در دوات خود ليقه بگذار و نوک قلمت را درازترش و میان خطها فاصله بگذار و

حرفها را نزدیک هم بنویس , زیرا این کار باعث زیبایی خطمی شود.

- نوک قلمت را بشکاف و پره آن را ستبر گردان و آن را از راست برش بزن تا خطت خوش شود.

- پیامبر خدا (ص) : دوات را ليقه بگذار , قلم را کج برش زن , حرف با (در بسم الله الرحمن الرحيم) را بکش , سین را باز

بنویس , میم را شکم نده , الله را زیبا بنویس , رحمان را بکش و رحیم را نیکو بنویس .

- درباره آیه ((یا نشانه ای از دانش)) فرمود : مقصود خط است .

- عطا بن یسار : از پیامبر خدا (ص) درباره خط سؤال شد , فرمود : پیامبری آن را تعلیم داد و همراهیانش آموختند.

اخلاص .

اخلاص .

قرآن .

((گفت : سوگند به عزت تو که همه آنان را گمراه می کنم مگر بندگان مخلص تو را)).

((فقط تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم)).

- امام علی (ع) : اخلاص عالیترین هدف است .

- اخلاص , نهایت است .

- اخلاص نهایت دین است .

- اخلاص عبادت مقربان است .

- اخلاص ملاک و معیار عبادت است .

- اخلاص , اوج ایمان است .

- اخلاص خوی برترین مردمان است .

- رقابت خردمندان و صاحب‌دلان در خالص گردانیدن اعمال است .

- رهایی و نجات در اخلاص است .

- پیامبر خدا (ص) : جبرئیل از جانب خدای عزوجل خبر داد که اخلاص سری از اسرار من است و من آن را به دل بندگانی که

دوستشان دارم , می سپارم .

- امام علی (ع) : هر عملی را که خالص انجام دهی در آخرت به هدفی دست می یابی .

- پیامبر خدا (ص) : تفاوت و برتری درجات مؤمنان بر یکدیگر به اخلاص است .

- برای خدا کار کن , تو را از همگان کفایت می کند.

- امام علی (ع) : غایت یقین اخلاص است .

- مصباح الشریعه : امام صادق (ع) فرمود : بنده باید در تمام حرکات و سکنات خود نیت خالص داشته باشد , زیرا اگر چنین

نباشد غافل است و غافلان را خداوند چنین وصف کرده است که ((آنان همچون چارپایانند و بلکه گمراهترند)).

- امام صادق (ع) : خداوند عزوجل نعمتی بالاتر از این به بنده اش نداده است که در قلبش جز خدا نباشد.

- امام علی (ع) : خوشا آن که عمل و علمش , دوستی و دشمنی اش , انجام دادن و رها کردنش , سخن و سکوتش و کردار و

گفتارش فقط برای خدا باشد.

- خوشا آن که عبادت و دعایش را برای خدا خالص گرداند و آنچه می بیند دلش را به خود مشغول نسازد و آنچه می شنود او را از

یاد خدا غافل نکند و به سبب آنچه به دیگران داده شده سینه اش را غم و اندوه نگیرد.

- امام سجاد (ع) --- در مناجات --- : جهاد ما را در راهت و کوشش ما را مصروف طاعت خود گردان و در معامله با خودت

نیت‌هایمان را خالص کن .

- پیامبر خدا (ص) : سه چیز است که دل مرد مسلمان در آنها آمیخته با ناخالصی نمی شود: کارمخلصانه برای خدا , خیر

خواهی و نصیحت رهبران مسلمانان و همراهی با جامعه مسلمانان .

- همانا خداوند این امت را به سبب ناتوانان آنها و دعا و اخلاص و نمازشان یاری و پیروزی داد.

دشوار بودن اخلاص .

- امام علی (ع) : پاک کردن عمل (از ناخالصیها) بهتر از خود عمل است .
- خالص گردانیدن عمل سخت تر از خود عمل است و پاک کردن نیت از فساد و ناخالصی برای عمل کنندگان از جهاد طولانی دشوارتر است .
- امام صادق (ع) : پایداری بر عمل تا آنجا که خالص شود , سخت تر از خود عمل است .

کافی بودن کار اندک اما مخلصانه .

- پیامبر خدا (ص) : دلت را خالص گردان , کار اندک تو را بس است .
- دینت را خالص گردان , کار اندک تو را کفایت است .
- از سخنان خدای تعالی به موسی (ع) : ای موسی ! هر کاری که برای من انجام شود اندکش زیاد است و آنچه برای غیر من انجام گیرد زیادش ناچیز است .

مخلص .

- پیامبر خدا (ص) : خوشا به حال مخلصان , آنان چراغهای هدایتند و هر فتنه تیره ای به سبب آنها زدوده می شود .
- امام عسکری (ع) : اگر همه دنیا را یک لقمه کنم و آن را در دهان کسی گذارم که از روی اخلاص خدا را عبادت می کند , به نظرم در حق او کوتاهی کرده ام .
- امام علی (ع) : خدا را بندگانی است که با دل و درونی خالص با وی معامله می کنند و خداوند نیز پاداش خالص خود را به آنان می دهد , اینان در روز قیامت نامه های اعمالشان خالی است و چون در برابر او بایستند آنها را از رازی که با او در میان گذاشته اند پر کند .
- امام صادق (ع) --- به مفضل بن صالح --- : همانا خداوند را بندگانی است که خالصانه با وی معامله کنند و خدا نیز از اجر و پاداش خالص خود به ایشان دهد اینان کسانی هستند که در روز قیامت نامه های اعمالشان خالی است و چون در برابر خدای تعالی بایستند آنها را از رازی که با وی در میان گذاشته اند پر کند (راوی می گوید) : عرض کردم : سرورم ! چرا چنین است (نامه های اعمالشان سفید و خالی است) ؟
- فرمود : زیرا خداوند شان آنان را بالاتر از این قرار داده که فرشتگان نگهبان از رابطه میان خود و ایشان آگاه شوند .
- امام علی (ع) : کجایند آنان که اعمال خود را برای خدا خالص گردانیدند و دلهایشان را با جایگاههای یاد خدا پاک کردند .
- جبرئیل (ع) --- در پاسخ به سؤال پیامبر از اخلاص --- : مخلص کسی است که از مردم هیچ نخواهد تا خود بدان دست یابد و هرگاه بدان دست یافت خشنود شود و هرگاه چیزی از آن نزدش باقی ماند به دیگران بخشد , زیرا کسی که از مخلوق چیزی نخواهد به عبودیت برای خدای عز و جل اقرار کرده است و چون به نیاز خود رسید و خشنود گشت از خدا خشنود شده است و خدای تبارک و تعالی از او خشنود است و هرگاه آنچه برایش باقی مانده برای خدای عزوجل ببخشد به مرتبه اعتماد به پروردگارش رسیده است .
- امام هادی (ع) : اگر مردمان هریک به وادی و دره ای روند من به وادی آن مردی قدم می گذارم که خدای یگانه را مخلصانه عبادت می کند .
- پیامبر خدا (ص) : عالمان همه به هلاکت درافتند مگر آنان که به علم خود عمل کنند و عاملان همه هلاک شوند , مگر آنان که از روی اخلاص کار کنند و مخلصان در خطرند .

اخلاص موسی (ع).

- در داستان موسی و شعیب (ع) آمده است: زمانی که موسی نزد شعیب رفت، شعیب آماده خوردن شام بود پس، به موسی گفت: ای جوان! بنشین شام بخور موسی گفت: پناه به خدا شعیب گفت: چرا؟ مگر گرسنه نیستی؟

موسی گفت: چرا، اما می ترسم این پاداش آبی باشد که به دخترانت دادم، من از خاندانی هستم که اگر همه زمین پر از طلا شود کمترین کار آخرت رابه آن نمی فروشیم شعیب گفت: ای جوان! به خدا این پاداش آن کار تو نیست، بلکه میهمان نوازی و اطعام رسم و عادت ما و پدران ماست در این هنگام موسی نشست و شام خورد.

نقش اخلاص در پذیرفته شدن اعمال.

- پیامبر خدا (ص): هرگاه کاری کردی، آن راتنها برای خدا انجام ده، زیرا او تنها اعمال خالص بندگانش را می پذیرد.
- اعمال خود را برای خدا خالص گردانید، زیرا خداوند نپذیرد مگر آنچه را که خالص برای او باشد.
- خدای تعالی تنها آن عمل را می پذیرد که خالص و محض رضای او باشد.
- امام علی (ع): نماز به قیام و قعود تو نیست، بلکه نماز آن است که از روی اخلاص و تنها از روی خدا خواهی باشد.
- امام صادق (ع): خدای تعالی فرموده است: من بهترین شریک هستم، هر کس در عمل خود برای من شریک بیاورد هرگز آن را نپذیرم، مگر عملی را که خالص برای من باشد.

غیر مخلص.

- امام علی (ع): اگر هوی و هوس از میان برود، غیر مخلص از عمل شانه خالی کند.
- اعمال همه بر باد است مگر آنچه از روی اخلاص باشد.
- هر که مقصدی جز خدا داشته باشد گم و تلف شود.

دین خالص.

قرآن.

((آگاه باشد که دین خالص از آن خداست)).

((بگو: من مامور شده ام که خدا را پرستم و برای او دین را خالص گردانم و فرمان دارم که نخستین مسلمانان باشم)).

- امام صادق (ع): هر کس از روی اخلاص بگوید ((لا اله الا الله)) به بهشت رود و اخلاصش به این است که ((لا اله الا الله)) او را از آنچه حرام کرده باز دارد.

- پیامبر خدا (ص): ای مردم! هر کس از روی اخلاص گواهی دهد که خدایی جز الله نیست و هیچ چیز دیگری را به این شهادت خود نیامیزد و با این حال خدا را دیدار کند وارد بهشت شود علی بن ابی طالب، صلوات الله علیه، برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد، چگونه آن را با اخلاص و بدور از هر شائبه ای بگویم، بیان فرما تا بدانیم.

پیامبر فرمود: آری، آزمندی به دنیا و به دست آوردن آن از راه غیر حلال و دل خوش کردن به آن و مردمانی هستند که سخنان نیکان را بر زبان می رانند اما رفتارستمگران را در پیش می گیرند کسی که از این خصلتها پاک باشد و ((لا اله الا الله)) بگوید

- و خدای عز و جل را دیدار کند، به بهشت رود و کسی که دنیا را چنگ زند و آخرت را واگذارد به دوزخ رود.
- امام علی (ع): اخلاص کامل، دوری کردن از گناهان است.
- پیامبر خدا (ص): دوری کردن از حرامها کمال اخلاص است.

حقیقت اخلاص.

- پیامبر خدا (ص): هر حقی را حقیقتی است و بنده به حقیقت اخلاص نرسد مگر آن گاه که دوست نداشته باشد در برابر کاری که برای خدا می کند تمجید و ستایش شود.
- ابو ثمامه: حواریون به عیسی (ع) عرض کردند: یا روح الله! مخلص خدا کیست؟ فرمود: کسی که برای خدا کار کند و دوست نداشته باشد مردم برای آن او را بستایند.
- پیامبر خدا (ص): نشانه مخلص چهار چیز است: قلبی سلیم دارد، اعضا و جوارحش تسلیمند، خیرش به دیگران می رسد و از بدی کردن خوددار است.
- امام صادق (ع): عمل خالص آن است که نخواهی کسی جز خدای عز و جل، تو را بر انجام آن بستاید.
- امام علی (ع): کسی که ظاهر و باطنش و کردار و گفتارش یکی باشد، امانت را پرداخته و عبادت را خالص گردانیده است. عبادت خالص این است که آدمی جز به پروردگار خویش امید نبندد و جز از گناه خویش نترسد.
- امام باقر (ع): بنده، خدای را چنان که حق عبادت اوست عبادت نکند مگر آن گاه که از همه خلق بریده، به خدا روی آورد در این هنگام خداوند فرماید این خالص برای من است و به لطف و کرم خویش او را پذیرا شود.
- امام علی (ع): پارسایی، سرشت و خوی مخلصان است.
- خداوند روزه را واجب کرد تا اخلاص بندگان را بیازماید.
- ابو حامد غزالی، بعد از بازگو کردن سخنان بزرگان درباره حقیقت اخلاص، می گوید: در این باره اقوال زیاد است ولی با روشن شدن حقیقت، نقل همه آنها فایده ای در بر ندارد بیان کافی و شافی در این موضوع همان بیان سرور جهانیان است که وقتی از آن حضرت درباره اخلاص سؤال شد، فرمود: اخلاص آن است که بگویی پروردگار من خداست و سپس، همچنان که فرمان داری، بر این گفته خویش پایدار مانی یعنی هوی و هوس و نفس خود را نپرستی و جز پروردگارت را پرستش نکنی و در عبادت او، همچنان که خداوند فرمانت داده است، پشتکار به خرج دهی این اشاره به چشم نداشتن به هیچ چیز جز خدای عز و جل است و این همان اخلاص حقیقی است.

آنچه اخلاص می آورد.

- امام علی (ع): علت اخلاص یقین است.
- اخلاص میوه یقین است.
- اخلاص عمل ناشی از نیروی یقین و درستی و پاکی نیت است.
- اخلاص میوه عبادت است.
- اخلاص عمل (برخاسته از) یقین است.
- خلوص نیت به اندازه شدت دینداری است.
- میوه دانایی (به مبدا و معاد) اخلاص عمل است.

- آرزوهایت را کم کن ، اعمال خالص می شود.
- گام اول اخلاص چشم امید برکندن از دست مردمان است .
- ریشه اخلاص نومید شدن از دست مردمان است .
- کسی که خواهان آنچه نزد خداست باشد، عمل خود را خالص گرداند.
- امام باقر (ع) : وجود شر و بدی را باحضور علم از خود بران و با عمل خالصانه وجود علم را به کارگیر و در عمل خالص با هوشیاری شدید از غفلت دوری کن و با خوف راستین (از خدا) هوشیاری کامل را به دست آر.

موانع اخلاص .

- امام علی (ع) : کسی که هوی و هوس بر او چیره باشد، چگونه اخلاص تواند داشت .
- ابو حامد غزالی در توضیح حقیقت اخلاص نوشته است : همچنان که اگر عشق خدای عز و جل و آخرت برجان کسی چیره شود رفتارهای معمولی او نیز رنگ آن را به خود می گیرد ومخلصانه می شود ، کسی که حب دنیا و برتری و ریاست --- و به طور کلی محبت غیرخدا --- برجانش مستولی گردد نیز همه حرکات و رفتارهای عادی و ویژگی آن را به خود می گیرد و نماز و روزه و سایر عباداتش سالم نمی ماند مگر به ندرت بنابراین ، برای درمان درد بی اخلاصی باید لذت‌های نفسانی را درهم شکست و چشم طمع از دنیا برید و یکسره آخرتی شد ، به طوری که این خوی بر دل چیره شود در چنین وضعی اخلاص کاری آسان می شود چه بسیار اعمالی که انسان برای انجام آنها خود را به رنج و زحمت می اندازد و گمان می برد که برای خدا می کند حال آن که سعی بیهوده می برد، زیرا از آفت آنها بی خبر است از قول یکی از همین افراد نقل می شود که گفت : من نمازهای سی سال خود را که در مسجد در صف اول جماعت خوانده بودم قضا کردم ، زیرا یک روز به دلیلی در آمدن به مسجد تاخیر کردم و در صف دوم جماعت به نماز ایستادم و از این که مردم مرا در صف دوم دیدند خجالت کشیدم از آن جا فهمیدم که من از این که مردم مرا در صف اول ببینند ناخود آگاه خوشحال می شده ام و آرامش دل پیدا می کرده ام .

آثار و پیامدهای اخلاص .

- پیامبر خدا (ص) : هیچ بنده ای چهل بامداد برای خدا اخلاص نوزید مگر آن که چشمه های حکمت از دلش به زبانش جاری شد.
- خدای عز و جل فرماید : هرگاه دل بنده ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم به جا می آورد ، راستگردانی و تدبیر او را خود به عهده گیرم .
- امام صادق (ع) : همه اشیا در برابر مؤمن خاشعند و از هیبت او می هراسند سپس فرمود: اگر برای خدا اخلاص ورزد خداوند همه چیز ، حتی گزندگان و درندگان زمین و پرندگان هوا را از او بترساند.
- امام سجاد (ع) : حق خدای بزرگ بر تو این است که او را بپرستی و شریکی برایش قائل نشوی ، اگر از روی اخلاص چنین کنی ، (خداوند) کفایت کردن کار دنیا و آخرت تو را به عهده گیرد.
- امام علی (ع) : غایت اخلاص رهایی و خلاص است .
- مخلص سزاوار اجابت (دعا) است .
- چون اخلاص تحقق یابد دیده بصیرت روشنی گیرد.
- به سبب اخلاص ، اعمال (به درگاه خدا) بالا می رود.

- اگر نیتها خالص شود اعمال پاکیزه گردد.
- هر که نیت را خالص گرداند از پستی دور ماند.
- موفقیت کارها به خالص کردن نیتهاست .
- اخلاص داشته باش , کامروا می شوی .
- هر که اخلاص ورزد به آرزوهایش برسد.
- امام کاظم (ع) : مسیح (ع) فرمود : ای بندگان بد ! گندم را پاک و تمیز کنید و خوب آردش نمایید تا طعم آن را بچشید و گوارایتان گردد همچین ایمان را خالص و کامل گردانید تا شیرینی آن را بیابید و سرانجامش شما را سود رساند.
- در کتاب ادريس (ع) آمده است : آن که ایمانش خالص باشد, دینش سالم و در امان ماند.
- امام سجاد (ع) --- در دعا --- : خدایا ! بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که در میان خانه های ستمگران (برای نابود کردن آنها) جستجو می کنند و از همدمی با نادانان می گریزند و با روشنایی اخلاص به سوی مراتب عالیة بالا می روند.
- امام علی (ع) : خداوند با اخلاص و یکتاپرستی گره حقوق مسلمانان را محکم کرد (زیرالایمه اخلاص و یکتاپرستی حفظ حرمت حقوق مسلمانان و زیر پا نگذاشتن آنهاست).

میان اخلاص و ریا.

- امام باقر (ع) : میان حق و باطل جز کم خردی (حایل) نیست عرض شد : چگونه , ای زاده رسول خدا ؟
- فرمود : بنده کاری را که موجب رضای خداست برای غیر خدا انجام می دهد در صورتی که اگر آن را محض رضای خدا انجام می داد, زودتر به هدف خود می رسید تا برای غیر خدا انجام دهد .

اختلاف.

(جدید)

- مردم امتی واحد بودند.
- قرآن .
- ((مردم یک امت بودند , پس خدا پیامبران بشارت دهنده و ترساننده را بفرستاد و بر آنها کتاب بر حق نازل کرد تا آن کتاب در آنچه مردم اختلاف دارند حکم کند ولی جز کسانی که بر آنها کتاب نازل شد در آن اختلاف نکردند)).
- ((مردم جز یک امت نبودند , میانشان اختلاف افتاد و اگر نه آن سخنی بود که پیش از این از پروردگارت صادر گشته بود در آنچه اختلاف می کنند داوری شده بود)).
- امام باقر (ع) : پیش از نوح مردم یک امت بودند و بر سرشت خدایی نه رهیافته و نه گمراه پس خداوند پیامران را برانگیخت .
- امام صادق (ع) --- در پاسخ به سؤال از آیه ((مردم یک امت بودند)) --- : پیش از نوح مردم یک امت بودند در سرگشتگی به سر می بردند نه مؤمن بودند , نه کافر و نه مشرک .

اگر خدا می خواست شما را یکپارچه می کرد.

قرآن .

((اگر خدا می خواست همه شما را یک امت می کرد ولی خواست تا شما را در آنچه ارزانتان کرده است بیازماید)).

((اگر خدا می خواست همه شما را یک امت کرده بود ولی هر که را بخواهد گمراه می سازد و هر که را بخواهد هدایت می کند و به یقین از هر کاری که می کنید باز خواست می شوید)).

((اگر خدا می خواست همه را یک امت کرده بود ولی او هر کس را که بخواهد به رحمت خویش در آورد و ستمکاران هیچ دوست و یآوری ندارند)).

در تفسیر علی بن ابراهیم ذیل آیه ((اگر خدا می خواست همه را یک امت کرده بود)) آمده است : اگر خدا می خواست همه مردمان را مانند فرشتگان ، معصوم و بدون غرایز بیافریند، می توانست چنین کند ((ولی او هر که را که بخواهد به رحمت خویش در آورد)).

امت اسلامی یکبار چه است .

قرآن .

((این امت شما یک امت است و من پروردگار شما هستم ، پس مرا بپرستید)).

((همانا این امت شما یک امت است و من پروردگار شما هستم ، پس از من بترسید)).

در تفسیر علی بن ابراهیم پیرامون ((امۀ واحده)) گفته است : یعنی یک مذهب و آیین .

در تفسیر المیزان آمده است : امت به معنای جماعت و گروهی است که هدفی واحد آنها را گرد هم آورده است سبک آیات نشانگر آن است که خطاب در این آیه عام است و همه انسانهای مکلف را در بر می گیرد و مراد از امت نیز نوع انسان است که نوعی واحد می باشد آوردن اسم اشاره مؤنث در آیه ((هذه امتکم)) به دلیل مؤنث بودن خبر است .

پس معنای آیه این است : ای انسانها ! این نوع انسانی امت شماست و یکی بیش نیست و من خدای یگانه بلند نام --- پروردگار شما هستم ، چون مالک شما بوده ام و کار شما را تدبیر و چاره کرده ام ، پس فقط مرا بپرستید و بس .

تشویق به دور افکندن اختلاف .

قرآن .

((همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و از نعمتی که خدا به شما ارزانی داشته است یاد کنید : آن گاه که دشمن یکدیگر بودید و او دلهایتان را به هم مهربان ساخت و به سبب این نعمت او با هم برادر شدید)).

- امام حسن (ع) : هرگز گروهی در کاری یکدست و متحد نشوند مگر آن که کارشان استحکام یافت و پیوندشان استوار گشت پس شمانیز در نبرد با دشمن خود معاویه و سپاهش گرد هم آید و از یاری یکدیگر دست نکشید.

- امام علی (ع) : با اکثریت جامعه همراه شوید زیرا دست خدا با جماعت است از پراکندگی بپرهیزید که جدا شده از مردم طعمه شیطان است ، همچنان که گوسفند جدا شده از رمه طعمه گرگ است .

- باید که اسلام و متانت آن شما را از ستمگری و یاوه گویی نسبت به یکدیگر باز دارد و یک سخن و متحد شوید به دین خدا که هیچ دینی جز آن از کسی پذیرفته نمی شود و به کلمه اخلاص (توحید) که جانمایه و اساس دین است چنگ زنید.

پیامدهای اختلاف .

- امام علی (ع): از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت‌های پیش از شما آمد پرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید و از این که چون آنان باشید دروی کنید.

اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید همان کاری را عهده دار شوید که عزیزشان گرداند و دشمنان‌شان را از آنان دور ساخت و تندرست نگاهشان داشت و نعمت و فراوانی به سراغشان آمد و نیکوکاری و بزرگواری باعث پیوند آنان گردید و آن از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدن و به یکدیگر مهربانی کردن و همدیگر را به این کار تشویق نمودن است و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد دوری کنید، کارهایی چون کینه ورزی دل‌ها و دشمنی سینه‌ها و پشت کردن جانها به یکدیگر و دست شستن از یاری هم و در احوال مؤمنان پیش از خود نیز بیندیشید و بنگرید که آنان چگونه بودند آن گاه که جمعیتها فراهم بودند و خواستها یکی بود و دل‌ها یکسان بود و چگونه دستها یار هم بودند و شمشیرها به کمک یکدیگر می آمدند و پیشها ژرف و اراده‌هایی آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر کرده جهانیان شهر یاری نمی کردند؟

نیز به فرجام کار آنها بنگرید آن گاه که در میان‌شان جدایی افتاد و رشته الفت از هم گسست و سخنها و دل‌هایشان از هم جدا گشت و به دسته‌های گونه‌گون تقسیم شدند و دسته دسته شده به جان هم افتادند در این هنگام خداوند جامه کرامت را از تن آنان بر کند و نعمتهای فراوانش را از ایشان گرفت و داستان سرگذشت آنها در میان شما ماند تا درس عبرتی برای عبرت آموزان باشد.

- به خدا سوگند می خورم که هیچ امتی پس از پیامبر خود دچار اختلاف نشد جز آن که باطل گرایان آن امت بر حق خواهانش چیره گشتند، مگر آن جا که خدا نخواست.

- پیامبر خدا (ص): هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار اختلاف نشد مگر آن که باطل گرایان آن بر حق خواهانش پیروز گشتند.

- امام علی (ع): از چند رنگی و اختلاف در دین خدا پرهیزید، زیرا یکپارچگی در آنچه حق است ولی شما آن را ناخوش می دارید از پراکندگی در آنچه باطل است اما خوشایند شما می باشد بهتر است خدای سبحان به هیچ یک از گذشتگان و باقی ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی خیر و خوبی عطا نکرده است.

- همانا شیطان راههای خود را برای شما آسان و هموار می کند و می خواهد بند بند دین شما را بگسلاند و به جای یکپارچگی پراکندگی نصیبتان کند و بر اثر پراکندگی فتنه و فساد پدید آورد پس از وسوسه‌ها و افسون‌هایش رویگردان شوید.

- به خدا سوگند، گمان می کنم که این قوم بزودی بر شما چیره شوند، زیرا آنان در باطل خود یکپارچه و متحدند و شما در حق خود دچار تفرقه و پراکندگی هستید.

- پیامبر خدا (ص): با هم اختلاف نکنید، که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند و نابود گشتند.

- بایکدیگر ناسازگاری مکنید که دل‌هایتان ناسازگار و پراکنده می شود.

- از نزد من با هم و یکپارچه رفتید و پراکنده برگشتید؟

جز این نیست که پیشینیان شما را، تفرقه و پراکندگی نابود کرد.

- امام علی (ع): تا زمانی که میان بنی امیه اختلاف نیفتد حکومت پیوسته در دست آنان خواهد بود.

- بنی امیه را میدان مهلتی است که در آن می تازند و آن گاه که در میان‌شان اختلاف افتد کفتارها بر آنان چیره گردند.

- هیچ گاه دو دعوت بر خلاف یکدیگر نشد مگر این که یکی از آن دو (دعوت به) گمراهی بود.

اختلاف کیفری الهی است.

قرآن.

((بگو: او قادر است که از فراز سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه در هم افکند و خشم و

کین گروهی را به گروه دیگر بچشاند بنگر که آیات خدا را چگونه گوناگون بیان می کنیم باشد که به فهم دریابند!!).
- پیامبر خدا (ص): من نماز بیم و امید گزاردم و سه چیز از پروردگرم طلبیدم که دو تای آنها را به من داد و یکی دیگر را نداد از خداوند خواستم امت مرا به قحطی گرفتار نکند، پذیرفت خواستم دشمنشان را بر آنان چیره نگرداند پذیرفت خواستم که جامه پراکندگی بر آنان نپوشاند پذیرفت.

- امام باقر (ع) --- درباره آیه ((یا جامه پراکندگی بر شما بپوشاند)) ---: مقصود پراکندگی در دین وانگ زدن آنان به یکدیگر است ((وخشم و کین گروهی را به گروه دیگر بچشاند)) این است که یکدیگر را بکشند همه اینها درباره مسلمانان است.
- یک نفر یهودی به علی (ع) گفت: هنوز پیامبر خود را دفن نکرده درباره او دچار اختلاف شدید! حضرت فرمود: ما در جانشینی او اختلاف کردیم نه درباره خود او اما شما هنوز پاهایتان از آب دریا نخشکیده بود که به پیامبرتان گفتید: ((همچنان که آنان را خدایان است برای ما نیز خدایی در نظر گیر، پس او گفت: شما مردمی نادانید)).

معنای ((پراکندگی امت من رحمت است)).

- پیامبر خدا (ص): پراکندگی امت من رحمت است.
- عبدالؤمن انصاری به امام صادق (ع) عرض کرد: عده ای روایت می کنند که پیامبر خدا (ص) فرمود: پراکندگی امت من رحمت است امام فرمود: راست می گویند (عبدالؤمن می گوید): عرض کردم: اگر پراکندگی آنان رحمت است پس یکپارچگی ایشان عذاب است؟
حضرت فرمود: معنای این حدیث آن گونه که تو و آنان فهمیده اید نیست بلکه منظور پیامبر این سخن خدای عز و جل است که: ((چرا از هر گروهی از ایشان جماعتی کوچ نمی کنند)) خداوند به آنان فرمان داد که از هر سو نزد پیامبر خدا (ص) بروند و آموزش ببینند و سپس نزد مردم خود برگردند و تعلیمات را به آنها نیز بیاموزند منظور پیامبر پراکنده و جدا شدن آنها از شهرهایشان است نه پراکندگی در دین خدا، زیرا دین یکی بیش نیست.

معنای ((پراکندگی اصحاب من رحمت است)).

- حریر به امام صادق (ع) عرض کرد: برای من چیزی گرانتر از اختلاف اصحابمان نیست حضرت فرمود: این از طرف خود من است.
- امام کاظم (ع): اختلاف اصحاب من برای شما رحمت است و فرمود: با ظهور حق و قیام قائم شما را یکپارچه می کنم درباره اختلاف و پراکندگی اصحاب ما از ایشان سؤال شد، فرمود: من خود این کار را با شما کرده ام اگر بر یک امر فراهم می آمدید گردنهایتان زده می شد.

معنای جماعت و جدایی.

- امام علی (ع): اما اهل جماعت، من و پیروان من هستیم هر چند پیروانم اندک باشند و این حق به دستور خدا و پیامبر او می باشد اما اهل تفرقه مخالفان من و پیروان من هستند هر چند فراوان باشند.
- امام صادق (ع): از پیامبر خدا (ص) درباره جماعت امتش سؤال شد، فرمود: جماعت امت من حقگرایانند هر چند اندک باشند.
- پیامبر خدا (ص) --- در پاسخ به این پرسش که: جماعت امت تو کیست؟

-: کسانی که بر حق باشند هر چند از ده نفر فراتر نروند.

- امام علی (ع): جماعت همان پیروان حقند گرچه تعدادشان اندک باشد و جدایی همان باطل گرایانند هر چند شمارشان فراوان باشد.

- پس آن مردم بر جدایی همداستان شدند و از جماعت جدا گشتند گویی آنان پیشوای قرآند نه قرآن پیشوای آنان.

علت تفرقه و جدایی .

- امام علی (ع): شما برادر دینی یکدیگرید و آنچه میان شما جدایی انداخته درون پلید و نهاد بد است، به این سبب بار یکدیگر را بر نمی دارید و برای هم خیرخواهی نمی کنید و به هم بذل و بخشش نمی کنید و باهم دوستی نمی ورزید.

- اگر نادان خاموشی می گزید مردم دچار اختلاف نمی شدند.

- علت جدایی اختلاف است .

جانشینی .

جانشین خدا.

قرآن .

((و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی می گمارم، گفتند: آیا کسی را می گماری که در آن جا

فساد کند و خونها بریزد و حال آن که ما به ستایش تو تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم؟

گفت: آنچه من می دانم شما نمی دانید)).

((ای داود! ما تو را خلیفه روی زمین گردانیدیم در میان مردم به حق داوری کن و از پی هوای نفس مرو که تو را از راه

خدا منحرف سازد آنان که از راه خدا منحرف شوند، بدان سبب که روز حساب را از یاد برده اند، به عذابی سخت گرفتار می شوند)).

- پیامبر خدا (ص): کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در روی زمین و جانشین کتاب او و جانشین پیامبر

اوست .

آفرینش .

(جدید)

منشا آفرینش .

قرآن .

((و او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید و عرش او بر آب بود)).

((و خداوند هر جنبه ای را از آب آفرید پس بعضی از آنها روی شکم خود می روند و بعضی بر دو پا می روند و بعضی بر چهار پا

می روند خدا هر چه بخواهد می آفریند، زیرا خدا بر هر کاری تواناست)).

- پیامبر خدا (ص): هر چیزی از آب آفریده شده است .

- امام باقر (ع): همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب بود پس خداوند، عز ذکرة، آب را فرمان داد، آتشی شعله ور شد سپس

فرمان داد آتش خاموش شد و از آن دودی برخاست پس خداوند عز و جل آسمانها را از آن دود بیافرید و خداوند عزوجل زمین را از خاکستر (آن آتش) خلق کرد.

- پیامبر خدا (ص): خداوند آسمان دنیا را از موج مهار شده آفرید.

- از امام علی (ع) سؤال شد: آسمانها از چه آفریده شده است؟

فرمود: از بخار آب.

- حبه عنری: یک روز شنیدم که علی (ع) چنین سوگند می خورد: سوگند به آن که آسمان را از دود و آب آفرید.

- امام علی (ع): از نشانه های توانایی و سلطنت خداوند و شگفتی آفرینشهای او این است که از آب دریای ژرف بر هم ریخته پر موج، خشک و جامدی را آفرید، آن گاه از آن طبقاتی خلق کرد و آن طبقات را به هفت آسمان شکافت.

نخستین آفریده خدای سبحان.

- از امام علی (ع) درباره نخستین آفریده خدا سؤال شد، فرمود: نور را آفرید.

- پیامبر خدا (ص): نخستین چیزی که خدا آفرید قلم بود، پس به آن فرمان داد و قلم هر آنچه را که باید خلق می شد نوشت.

- نخستین چیزی که خدا آفرید قلم بود و به آن فرمود: بنویس گفت: پروردگارا، چه بنویسم؟

فرمود: مقدرات هر آنچه را تا روز قیامت پدید خواهد آمد، بنویس.

- نخستین چیزی که خدا آفرید عقل بود.

- امام صادق (ع): خدای جل ثناؤه عقل را بیافرید و آن نخستین آفریده روحانی خداست.

- امام باقر (ع): نخستین چیزی که خدا آفرید و همان منشا همه موجودات شد، آب بود.

- پیامبر خدا (ص): نخستین چیزی که خدا بیافرید نور من بود.

- نخستین موجودی که خداوند عز و جل بیافرید ارواح ما بود، پس آنها را به توحید و تمجید خود گویا کرد، آن گاه فرشتگان را خلق فرمود.

- یکی از علمای شام خدمت امام باقر (ع) رسید و عرض کرد: من از شما درباره نخستین آفریده خدا می پرسم، زیرا این سؤال

را از دیگران نیز پرسیده ام، یکی گفت: تقدیر، دیگری پاسخ داد: قلم، و بعضی هم گفتند: روح امام (ع) فرمود: جوابی نداده

اند اگر نخستین مخلوقی که خدا آفرید از شئی (نه لاشئی) آفریده شده باشد در این صورت خداوند هرگز منقطع (از موجودات)

نبوده و همواره با او چیزی بوده که خدا بر او تقدم نداشته است (همواره موجودی قدیم به قدمت خدا وجود داشته است) درحالی

که خدا بود و هیچ چیز با او نبود و سپس چیزی را آفرید که منشا همه موجودات شد و آن آب است که دیگر اشیا را از آن بیافرید

پس هر چیزی را به آب منسوب کرد و آب را به چیزی نسبت نداد (بلکه از عدم آفرید).

آفرینش جهان.

قرآن.

((آیا کافران نیندیشیدند که آسمانها و زمین درهم بسته بود و ما آن دو را گشودیم و هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم پس،

آیا ایمان نمی آورند؟

((

((ستایش از آن خداوندی است که آسمانها و زمین را بیافرید و تاریکیها و روشنی را پدیدار کرد، یا این همه، کافران باپروردگار

- خویش دیگری را برابر می دانند)).
- ((آیا شما به خلقت سخت ترید یا این آسمان که او بنا نهاد؟
- سقفش را برافراشت و پردازشش شبش را تاریک ساخت و روشنایی اش را آشکار کرد و پس از آن زمین را بگستراند و از آن آب بیرون آورد و چراگاهها پدید کرد و کوهها را استوار گردانید)).
- امام باقر (ع) --- درباره آیه ((آیا کافران نیندیشیدند که)) --- : آسمان درهم بسته بود و باران نمی بارید و زمین درهم بسته بود و گیاهی نمی رویاند ، پس خداوند با باران آسمان را گشود و زمین را با رویاندن گیاه باز کرد.
- امام علی (ع) : خداوند موجودات را بدون در دست داشتن هیچ نمونه ای و بدون مشورت با هیچ مشاوره و بدون کمک گرفتن از هیچ یآوری آفرید و خلقت به فرمان او تمام و کامل شد و همگی به طاعتش اقرار کردند.
- اشیا را از ماده ای ازلی یا نمونه هایی ابدی نیافرید بلکه آفرید آنچه آفرید و حدودش را تعیین کرد و صورتی داد به آنچه داد و آن صورت را به نیکوترین شکل نگاشت .
- موجودات را بدون نمونه ای که از غیر او صادر شده باشد خلق کرد و در آفریدن آنها از هیچ یک از مخلوقاتش کمک نگرفت .
- (اوست) آفریننده آفریدگان به علم خویش و پدید آورنده آنها به فرمان خود، بی پیروی یا آموزش و یا الگو گرفتن از نمونه سازنده ای حکیم و یا به خطا رفتن و یا جماعتی را (برای مشورت) گرد آوردن .
- امام باقر (ع) : خدای تبارک و تعالی موجودات را بیافرید اما نه از چیزی و هر کس بگوید که خدای تعالی موجودات را از چیزی آفریده کافر است ، زیرا اگر آن چیز که اشیا را از آن آفریده باشد قدیم به قدمت و ازلیت خدا باشد ازلی خواهد بود.

آفرینش آسمانها.

-
-
- امام علی (ع) : و از نشانه های آفرینش خدا پدید آوردن آسمانهای استوار بدون ستون و ایستای بدون تکیه گاه است خداوند اراده ایجاد آنها را فرمود و آنها با میل و رغبت و بی هیچ درنگ و کندی اجابتش کردند اگر اقرار آنها بر خداوندی او و اعتراف آنها به طاعت و بندگی نبود آنها را جایگاه عرش خویش و مکان فرشتگان و محل فرا بردن گفتار و کردار شایسته بندگانش قرار نمی داد ستارگان آسمان را نشانه هایی ساخت تا افراد سرگردان در آمد و شد راههای زمین به وسیله آنها راه خویش را بیابند ، پرده های شب تار پرتو نور آنها را پوشانده و ردهای سیاه شبهای تاریک توانایی محو درخشش نور پراکنده ماه در آسمان را ندارد.
- راههای گشاده آسمانها را بی آن که به جایی پیوسته باشد منظم ساخت و شکافهای وسیعش را به هم پیوست و میان هر آسمانی با آسمانهای دیگر ارتباط برقرار کرد و برای فرود آیندگان به فرمان او و بالا روندگانی که اعمال و کردار بندگان را می برند و دشواری (آمد و شد) آن را آسان نمود و به آسمانها که از دود بودند ندا داد که به هم پیوندند و گرد آیند و پس از جمع شدن و گرد آمدن درهای بسته آنها را گشود و از ستاره های درخشان بر راههای آسمان نگهبان گماشت و با قدرت خویش از به جنبش در آمدن آنها در فضای شکافته جلوگیری کرد و بفرمود تا در جای خویش بایستند و به امر او تسلیم باشند.
- خورشید آسمان را نشانه ای روشنگر برای روز و ماه آن را که نورش محو می شود آیتی برای شب قرار داد و آنها را در مسیرشان روانه ساخت و حرکت آنها را در منازل و راههایی که باید طی کنند تعیین نمود، تا باسیر آنها شب و روز مشخص و شمار سالها و حساب کارها دانسته شود.

سپس، فلک را در فضا معلق نگهداشت و زینتهایش را به آن آویخت که عبارتند از ستارگانی پنهان همانند در سفید و ستارگانی همانند چراغ روشن، و با شهابهای تابان شیطانهایی را که گوش می‌کشند براند و جای ستارگان ثابت و مسیر ستارگان سیار و فرود و صعود و سعد و نحس هر یک را تحت تسخیر خویش قرار داد.

هفت آسمان .

قرآن .

((خداست آن که هفت آسمان و همانند آنها زمین بیافرید فرمان او میان آسمانها و زمین جاری است، تا بدانید که خدا بر هر چیزی قادر است و علم او بر همه چیز احاطه دارد)).

- امام رضا (ع) دست چپ خود را باز کرد و دست راستش را روی آن گذاشت و فرمود: این زمین دنیاست و آسمان دنیا گنبد روی آن است و زمین دوم روی آسمان دنیاست و آسمان دوم گنبد روی آن است و آسمان هفتم روی آن (زمین هفتم) گنبد است و عرش خدای تعالی بر فراز آسمان هفتم جای دارد این است معنای سخن خداوند که: ((خدایی که هفت آسمان را بیافرید)).

آفرینش آسمانها و زمین در شش روز.

قرآن .

((پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید، سپس به عرش پرداخت، ترتیب کارها را از روی تدبیر بداد جز به رخصت او شفاعت کننده ای نباشد این است الله پروردگار شما او را بپرستید چرا پند نمی‌گیرید؟)).

((او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید و عرشش بر آب بود)).

((بگو: آیا به کسی که زمین را در دو روز آفرید کافر می‌شوید و برای او همتایان قرار می‌دهید؟

اوست پروردگار جهانیان بر روی زمین کوهها پدید آورد و آن را بر برکت ساخت و به مدت چهار روز روزی همه را معین کرد، و یکسان برای همه سائلان سپس به آسمان پرداخت و آن دودی بود پس به آسمان و زمین گفت: خواه یا ناخواه بیاید گفتند: فرمانبردار آمدیم آن گاه هفت آسمان را در دو روز پدید آورد و در هر آسمانی امرش را به آن وحی کرد و آسمان فرودین را به چراغهایی بیاراستیم و محفوظش داشتیم این است تدبیر آن پیرومند دانا)).

- امام رضا (ع) --- درباره آیه ((و او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز بیافرید)) ---: خدای تبارک و تعالی، پیش از آفریدن آسمانها و زمین، عرش و آب و فرشتگان را بیافرید و فرشتگان از وجود خود و عرش و آب به وجود خدای عز و جل راه می‌بردند سپس عرش خود را بر روی آب قرار داد تا بدین گونه قدرت خویش را بر فرشتگان آشکار سازد و آنها بدانند که او بر هر کاری تواناست، آنگاه درحالی که بر عرش خویش بود آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد او می‌توانست آنها را در یک چشم به هم زدن بیافریند اما در شش روز آفرید تا آنچه را از آسمان و زمین بتدریج می‌آفریند بر فرشتگان آشکار کند تا از طریق پدید آمدن پدیده‌ها اندک اندک به وجود خدای تعالی پی ببرند.

آسمان نزدیک .

- پیامبر خدا (ص) --- در پاسخ به سؤال مردی که پرسید: ای رسول خدا، این آسمان چیست ---: آن موجی است که از شما

باز داشته شده است .

- امام علی (ع) --- نیز در پاسخ به این سؤال که آسمان دنیا از چه درست شده است --- : از موجی مهار شده .

ستون آسمان .

((الله همان خداوندی است که آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید برافراشت سپس به عرش پرداخت و خورشید و ماه را که هریک تا زمانی معین در حرکتند رام کرد کارها را می گرداند و آیات را بیان می کند باشد که به دیدار پروردگارتان یقین کنید)).

((آسمانها را بی هیچ ستونی که ببینید بیافرید و بر روی زمین کوهها را بیفکنند تا شما را نلرزاند و از هر گونه جنبنده ای در آن بپراکند و از آسمان آب فرستادیم و در زمین هر گونه گیاه نیکویی رویاندیم)).

- حسین بن خالد از امام رضا (ع) درباره آیه ((والسما ذات الحبک)) پرسید , حضرت انگشتان دو دستش را درهم فرو برد و فرمود : آسمان به زمین محکم بسته شده است .

(حسین بن خالد می گوید :) عرض کردم : چگونه به زمین بسته است در حالی که خداوند می فرماید : ((آسمان را بدون ستونی که ببینید برافراشت)) ؟

حضرت فرمود : سبحان الله ! مگر نه این که خداوند می فرماید : ((بدون ستونی که ببینید)) ؟

عرض کردم : چرا فرمود : ستونی وجود دارد اما شما آن را نمی بینید.

- امام صادق (ع) : چشم آفریده های گوناگون پیوسته و وابسته به هم را دید و دل او را به این نکته رهنمون شد که آنها را آفریدگاری است , چه , دل در آنچه دیدگان می بیند از شکوه آسمان و برافراشته شدن آن در فضا بی آن که ستون و تکیه گاهی نگهش داشته باشد و بی آنکه پس رود در نتیجه محو شود , یا پیش آید و در نتیجه زوال گیرد , و نه یکباره فرو افتد و نزدیک شود و نه بر شود و ناپدید گردد , اندیشه کرد.

عرش و کرسی .

قرآن .

((پروردگار عرش عظیم)).

((آنان که عرش را حمل می کنند و آنان که برگرد آن هستند به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان آورده اند و از او برای مؤمنان آمرزش می خواهند)).

((کرسی او آسمانها و زمین را در بر دارد نگهداری آسمانها و زمین بر او دشوار نیست او بلند پایه و بزرگ است)).

- پیامبر خدا (ص) : هفت آسمان در برابر (عظمت) کرسی همچون حلقه ای ((۷)) است فتاده در یک بیابان و زیادتى عرش بر کرسی همانند برتری آن بیابان است بر آن حلقه .

- امام صادق (ع) : عرش , به یک معنا , مجموعه آفرینش است و کرسی ظرف آن به معنایی دیگر , عرش آن علمی است که خداوند پیامبران و رسولان و حجت‌های خویش را بر آن آگاه کرد و کرسی آن علمی است که خداوند هیچ یک از پیامبران و رسولان و حجت‌های خویش را بر آن آگاه نکرد.

- درباره آیه ((کرسی او آسمانها و زمین را در بردارد)) فرمود : مقصود علم اوست .

شکوه و عظمت آفرینش پنهان از دید ما.

- امام علی (ع) : ای خدای پاک ! چه عظیم و پرشکوه است آنچه از آفرینش تو می بینیم ! و چه خرد است هر بزرگی در برابر قدرت تو ! و چه هول انگیز است آنچه ما از ملکوت تو می بینیم ! و چه حقیر است آنچه ما می بینیم در برابر قدرت و سلطنت ناپیدای تو از دیدگان ما ! چه بسیار است نعمتهای تو در این دنیا ! و چه اندک است این نعمتها در برابر نعمتهای آخرت !
- چه بزرگ است آنچه ما از آفرینش تو می بینیم و از قدرت تو در پدید آوردن آن به شگفت می آییم و آن را به عنوان نشانه بزرگی و قدرت تو وصف می کنیم ! و چه بزرگتر از اینهاست آنچه از ما پنهان است و دیدگان ما از دیدن آنها قاصر است و خردهای ما را به آنها دسترسی نیست و پرده های غیب میان ما و آنها حایل شده است !!

خصوصیت جهان برین .

- امام علی (ع) --- در پاسخ به پرسش از جهان برین --- : صورتهایی است برهنه از ماده , فراتر از قوه و استعداد , خداوند بر آن صور تجلی کرد و آنها نور وجود یافتند و به آنها نگریست و درخشان شدند , مثال خود را در ماهیت آنها افکند پس افعال خود را از آنها پدیدار ساخت .

جهانها.

قرآن .

((پروردگار جهانها)).

- امام باقر (ع) : شاید فکر می کنی که خداوند همین یک جهان را آفریده و بشری جز شما خلق نکرده است , به خدا سوگند که خداوند هزار هزار جهان و هزار هزار آدم بیافریده که تو در آخرین آن جهانها و آن آدمیان هستی .
- خداوند عز و جل از زمانی که زمین را آفرید هفت عالم بیافرید که از فرزندان آدم نیستند .
- امام صادق (ع) : خدای عز و جل را دوازده هزار عالم است که هر کدام آنها از هفت آسمان و هفت زمین بزرگتر است .

آفرینش نیکو.

قرآن .

((آن که هرچه را آفرید به نیکوترین وجه آفرید و خلقت انسان را از گل آغاز کرد)).

- پیامبر خدا (ص) (مردی را دید که ازارش ((۸)) تا روی زمین افتاده بود , فرمود: ازارت را بالا بزن , عرض کرد : ای پیامبر خدا , من کج پا هستم و زانوهایم به هم می خورد پیامبر فرمود : ازارت را بالا بزن , هرچه خدا آفریده خوب است .
- ابو امامه : ما در خدمت پیامبر خدا(ص) بودیم که عمرو بن زراره انصاری با جامه ای فروافتاده تا روی زمین از راه رسید پیامبر کنار لباس او را گرفت عمرو عرض کرد : ای پیامبر خدا , ساقهای پای من کج است , پیامبر خدا(ص) فرمود: ای عمرو بن زراره ! خدا هر چه آفرید خوب آفریده است ای عمرو بن زراره ! خداوند کسانی را که دامن پیراهن خود را تا روی زمین رها کنند دوست ندارد .

- پیامبر خدا (ص) --- درباره آیه ((همه چیز را خوب آفرید)) --- : البته نشیمنگاه بوزینه زیبا نیست اما خلقتش استوار است .
در تفسیر قرطبی آمده است : ((احسن)) یعنی متقن و استوار و بی نقص آفرید)) بنابراین آنچه آفریده در جهت هدفی که

برای آن خلق شده مناسب و نیکوست و از همین باب ابن عباس وعکرمه گفته اند: نشیمنگاه بوزینه نیکو و زیبا نیست. به قول ابن عباس: این کلمه در لفظو معنا عام و فراگیر است یعنی خلقت هر چیزی را نیکو قرار داد حتی سنگ را به بهترین وجه آفرید قتاده می گوید: نشیمنگاه بوزینه هم به نوعی نیکوست. در تفسیر المیزان آمده است: ((اندیشیدن و تامل کردن در آفرینش اشیا و این که هر کدام آنها اجزایشان متناسب با یکدیگر و مجموع وجودش، برای رسیدن به کمال و سعادت، به نحو اتم و اکمل مجهز به ابزار و وسایل لازم هست نشان می دهد که هر پدیده ای به جای خود از کمال حسن و نیکویی برخوردار است)).

آفریدگار.

(جدید)

دعوت عقل به دفع ضرر احتمالی.

- امام صادق (ع) --- به عبدالکریم بن ابی العوجا که منکر مبدا و معاد بود ---: اگر حقیقت چنان باشد که تو می گویی --- که البته چنین نیست هم ما و هم تو نجات یافته ایم و اگر حقیقت آن باشد که ما می گوییم --- که همین درست است --- مانجات یافته ایم و تو هلاک گشته ای عبدالکریم رو به همراهان خود کرد و گفت: در قلبم سوزش و اندوهی ((۹)) می یابم، مرا ببرید یارانش او را بردند و عبدالکریم مرد.

- نیز به ابن ابی العوجا: اگر حقیقت آن باشد که اینها (یعنی طواف کنندگان کعبه) می گویند که همین هم هست --- آنان به سلامت رسته اند و شما به هلاکت در افتاده اید و اگر موضوع چنان باشد که شما می گوئید --- که البته چنین نیست --- شما و آنها یکسان هستید.

- جماعتی در خدمت امام رضا (ع) بودند که زندیقی وارد شد حضرت به او فرمود: اگر سخن شما درست باشد --- که نیست --- در این صورت آیا ما و شما یکسان نیستیم و نماز و روزه و زکات و ایمان ما زیانی به ما نمی رساند؟ زندیق خاموش ماند.

ابوالحسن (ع) فرمود: اگر سخن ما درست باشد --- که هست --- آیا شما به هلاکت در نیفتاده اید و مانجات نیافته ایم؟

- امام صادق (ع) --- در مناظره با پزشک هندی ---: گفتم: اگر عقیده تو درست باشد، آیا کیفر خدا که من تو را از آن می ترسانم برای من ترسی دارد؟

گفت: نه گفتم: اگر عقیده من درست باشد، که همین است و حق به جانب من می باشد، آیا من به کیفر خدا که از آن می ترسیده ام اعتماد نکرده ام و تو با انکار و تکذیب خود به هلاکت نیفتاده ای؟
گفت: چرا گفتم: پس کدام یک از ما دور اندیش تر و به نجات نزدیکتریم؟
گفت: تو.

- ابیات زیر منسوب به امام علی (ع) است بعضی هم آنها را از دیگری دانسته اند:

منجم و طیب هر دو گفتند که معادی در کار نیست، گفتم خود ببینید.

اگر سخن شما درست باشد من زیان نکرده ام و اگر سخن من درست باشد شما کیفر خواهید دید.

فاتوانی خردها از انکار خدا.

- امام علی (ع) : ستایش خدایی را که با آفرینش موجودات برای جهانیان آشکار گشته و به برهان خویش در دل‌های آنان نمودار است .

- ستایش خدایی را که به امور پنهانی داناست و نشانه‌های آشکاری بر هستی او گواهند و دیدن او با دیدگان بینای ظاهری ممکن نیست ، پس ، نه چشمی که او را ندیده است انکارش می‌کند و نه دلی که هستی او را اثبات می‌کند به کنه ذاتش پی می‌برد اوست آن که نشانه‌های هستی بر اقرار باطنی منکران او گواهی می‌دهد .

- و از دلایل آشکاری که بر لطف و نیکویی آفرینش او و بر بزرگی و شکوه قدرت او گواهند این است که خردها به او اعتراف دارند و در برابرش منقادند و سر تسلیم فرود دارند و دلایل وحدانیت او در گوشه‌های ما فریاد می‌زنند .

- خدایی که نهانی‌های امور را می‌داند و به سبب نشانه‌های تدبیر که در آفریده‌هایش دیده می‌شود برخوردار است ، خدایی که درباره او از پیامبران پرسیدند اما آنان او را به حد و جز توصیف نکردند بلکه به افعالش وصف کردند و از طریق نشانه‌هایش به او راهنمایی نمودند ، اندیشه‌های متفکران نتواند وجود او را انکار کند ، زیرا کسی که آسمانها و زمین و آنچه را که در آنها و در بین آنهاست آفریده است قدرتش انکار ناپذیر است .

- هشام بن حکم : زندیقی مصری آوازه دانش امام صادق (ع) را شنیده بود از این رو به مدینه آمد تا با ایشان مناظره کند اما آن حضرت را در مدینه نیافت به او گفته شد : حضرت در مکه است زندیق راهی مکه شد .

چون ابو عبدالله (ع) از طواف فارغ شد زندیق نزد ایشان آمد و در مقابل آن حضرت که ما نیز جمع بودیم نشست حضرت به زندیق فرمود : آیا می‌دانی که زمین را پایین و بالایی است ؟

عرض کرد : آری فرمود : آیا پایین زمین رفته ای ؟

عرض کرد : خیر فرمود : پس چه میدانی که پایین زمین چیست ؟

عرض کرد : نمی‌دانم ، ولی گمان می‌کنم که زیر آن چیزی نیست ابو عبدالله (ع) فرمود : تا به چیزی یقین نیابی گمان کارساز نیست .

امام صادق (ع) فرمود : آیا به آسمان بالا رفته ای ؟

عرض کرد : خیر فرمود : میدانی در آن جاییست ؟

عرض کرد : خیر فرمود : آیا به مشرق و مغرب رفته ای و آن سوی آنها را دیده ای ؟

عرض کرد : خیر حضرت فرمود : شگفتا از تو ، تو نه به مشرق رفته ای نه به مغرب ، نه زیر زمین فرو رفته ای و نه به آسمان بر رفته ای و آن جاها را نیازموده ای تا بدانی در ورای آنها چیست و با این حال آنچه را در آنهاست انکار می‌کنی ! آیا عاقل چیزی را که نمی‌داند انکار می‌کند؟

در این هنگام زندیق گفت : تاکنون کسی جز شما با من اینچنین سخن نگفته بود ابو عبدالله (ع) فرمود : بنابراین ، تو در این موضوع شک داری که شاید درست باشد یا درست نباشد؟
زندیق گفت : شاید چنین باشد .

امام صادق (ع) فرمود : ای مرد ! کسی را که نمی‌داند بر آن که می‌داند برهانی نیست و جاهل را بر عالم حجت نباشد .

ای برادر مصری ! از من بشنو که ما درباره خدا هرگز شک نداریم آیا نمی‌بینی خورشید و ماه و شب و روز بی آن که دچار خطا شوند می‌آیند و می‌روند .

هشام گفت : آن زندیق در پایان به دست ابو عبدالله (ع) ایمان آورد .

هر پدیده قائم به غیر معلول است .

- امام علی (ع) : هر آنچه قائم به غیر خود باشد مصنوع است و هر موجودی که به سبب غیر خود وجود یابد معلول است .
- هر آنچه به خود ((۱۰)) شناخته شود مصنوع است و هر قائم به غیر خود معلول است .

دلیل بر حدوث اجسام چیست ؟ .

- امام صادق (ع) --- در مناظره خود با ابن ابی العوجا چون پرسید : دلیل بر حادث بودن اجسام چیست ؟
 - : من هیچ چیز خرد و کلانی را ندیده ام مگر آن که هر گاه مانندش به آن ضمیمه شود بزرگتر گردد و این موجب می شود تا آن شیء از حالت نخستین خود در آمده حالتی دیگر به خود گیرد اگر آن شیء (نه حادث که) قدیم بود زوال و تغییر در آن راه نمی یافت ، زیرا آنچه دستخوش زوال و تغییر می شود می تواند هستی یابد و نیست شود پس با هستی یافتن پس از نیستی به مرحله حدوث راه می یابد و در حالت نخست (عدم) در دنیای عدم قدم می گذارد حال آن که صفت ازل و عدم هرگز در یک شیء جمع نمی شود.

اثبات وجود خدا.

(۱) شناخت فطری .

قرآن .

((با یکتا پرستی روی به دین آور فطرتی است که خداوند همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست دین پاک و پایدار این است ولی بیشتر مردم نمی دانند)).

((این نگارگری خداست و چه کسی از خدا خوش نگارتر است ؟

ما پرستندگان او هستیم)).

((و پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید : آیا من پروردگارتان نیستم ؟

گفتند : آری ، گواهی می دهیم تا در روز قیامت نگویند که ما از آن بی خبر بودیم)).

((اگر از آنان پرسید که چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است ، هر آینه می گویند : خدا)).

((روی آوردگان به خدا باشید و شرک نیابردگان به او ، و هر کس که به خدا شرک آورد ، چونان کسی است که از آسمان فروافتد و مرغ او را بر باید یا بادش به مکانی دور اندازد)).

- امام صادق (ع) --- درباره آیه ((فطره الله)) فرمود --- : مقصود توحید است .

- امام باقر (ع) --- نیز درباره همین آیه فرمود --- : آنان را بر سرشت خداشناسی آفرید اگر چنین نبود در پاسخ به این پرسش که چه کسی پروردگارشان است و چه کسی آنها را روزی می دهد، در می ماندند.

- امام صادق (ع) --- درباره آیه ((و اذ اخذ ربك من بنی آدم)) فرمود : خداشناسی در دلهايشان استوار گشت و روز الست را از یاد بردند اما روزی به یادش می آورند اگر چنین نبود هیچ کس نمی دانست که چه کسی او را آفریده و که روزیش می دهد.

- پیامبر خدا (ص) : هر نوزادی بر فطرت زاده می شود ، یعنی می داند که خدای عزوجل آفریدگار اوست این است معنای سخن خداوند که : ((اگر از آنان پرسید چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است هر آینه گویند : خدا)).

- از امام باقر (ع) سؤال شد مراد از آیین حنیف در آیه ((حنفا لله)) چیست؟

فرمود: مراد فطرتی است که خداوند مردم را بر آن سرشته است، خداوند خلق را با سرشت خداشناسی آفریده است.

- پیامبر خدا (ص): هر مولودی بر فطرت (توحید) زاده می‌شود و این پدر و مادر او هستند که وی را یهودی و نصرانی بارمی‌آورند.

- در یکی از غزوات که طی آن مسلمانان فرزندان مشرکان را کشتند فرمود: بدانید که بهترین افراد شما فرزندان همان مشرکان هستند سپس فرمود: هان! نسل کشی نکنید، هر مولودی بر اساس فطرت (توحید) به دنیا می‌آید و پیوسته بر آن است تا آن که زبانش از آن پرده برمی‌دارد اما سپس پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی بار می‌آورند.

اثبات وجود خدا.

(۲) شناخت فطری.

قرآن.

((چون به آدمی گزندى رسد چه بر پهلو خفته باشد و چه نشسته یا ایستاده ما را به دعا می‌خواند و چون آن گزند را از او دور سازیم چنان می‌گذرد که گویی ما را برای دفع آن گزندى که به او رسیده بود هرگز نخوانده است اعمال اسرافکاران اینچنین در نظرشان آراسته شده است)).

((چون به آدمیان زیانی رسد پروردگارش را بخوانند و به درگاه او توبه کنند و چون رحمت خویش به آنها بچشانند گروهی را بینی که به پروردگارشان شرک می‌آورند)).

((چون به آدمی گزندى رسد به پروردگارش روی می‌آورد و او را می‌خواند، آن گاه چون به او از جانب خود نعمتی بخشده‌ام دعاها را که پیش از این کرده بود از یاد می‌برد و برای خدا همتیانی قرار می‌دهد تا [خود و دیگران را] از طریق او گمراه کند بگو: اندکی از کفرت بهره مند شو، که تو از دوزخیان خواهی بود)).

- امام عسکری (ع) --- در تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم ((--- : الله هموست که هر مخلوقی در هنگام نیازها و گرفتاریها وقتی امیدش از همه، جز او، قطع می‌شود ورشته هر سببی جز او بریده می‌گردد به وی روی می‌آورد می‌گویی: بسم الله یعنی در همه کارهایم از خدایی کمک می‌گیرم که عبادت و پرستش سزاوار جز او نیست و هرگاه فریاد خواهی شود به فریاد می‌رسد و هرگاه خوانده شود اجابت می‌کند این همان نکته‌ای است که مردی به امام صادق (ع) عرض کرد: یا بن رسول الله، مرا به وجود خدا راهنمایی کن که مجادله گران بر من هجوم آورده سرگشته و حیرانم کرده اند، امام صادق (ع) به او فرمود: ای بنده خدا! آیا هرگز کشتی سوار شده‌ای؟

عرض کرد: آری فرمود: آیا پیش آمده که کشتی بشکند و در آن جا نه کشتی دیگری باشد که تو را برهاند و نه شنا کردن کارساز باشد؟

عرض کرد: آری فرمود: آیا در آن هنگام دلت متوجه موجودی شده است که می‌تواند تو را از هلاک نجات دهد؟

عرض کرد: آری امام صادق (ع) فرمود: آن موجود همان خدای توانایی است که آن جا که از هیچ منجی خبری نیست نجات می‌دهد و آن جا که فریادرسی نیست به فریاد می‌رسد.

- امام رضا (ع): از آفرینش خدا به وجود او پی برده می‌شود و با خردها شناخته می‌شود و با فطرت برهان بر وجود او ثابت می‌شود.

- امام علی (ع) --- در تفسیر ((الله)) --- : او کسی است که هر مخلوقی در هنگام نیازها و گرفتاریها، وقتی امیدش از همه کس

قطع می شود ورشته همه سببها , جز او , بریده می گردد به وی روی می آورد , چه آن که هر انسانی هر چند در این دنیا مقام و ثروت داشته باشد و دیگران به او نیاز فراوان داشته باشند, نیازهایی برایشان پیدا خواهد شد که آن شخص قادر به بر آوردن آنها نیست و برای خود چنین شخصی نیز نیازهایی پیش می آید که توان بر آوردن آنها را ندارد پس , در هنگام ضرورت و نیازمندی به خدا روی می آورد اما چون نیازش بر آورده شود دوباره ره شرک می پوید.

اثبات وجود خدا.

(۳) قانون علیت .

قرآن .

((آیا از ناچیز آفریده شده اند یا خود آفریننده خویشند ؟

یا آسمانها و زمین را آفریده اند ؟

نه , بلکه به یقین نرسیده اند)).

- امام علی (ع) : هر کس چیزی بسازد آن را از چیزی ساخته است , اما خداوند آنچه را ساخته از چیزی نیافریده است .

- یکی از علمای شام از امام باقر (ع) پرسید: پس اشیا را از چیز آفریده است یا از ناچیز ؟

حضرت فرمود : اشیا را آفرید نه از چیزی که پیش از آن وجود داشته باشد اگر شیء را از شیء آفریده باشد هرگز میان او و اشیا انقطاع نبوده و همواره چیزی با خدا بوده است حال آن که خدا بوده و چیزی با او نبوده است .

- زندیقی در مناظره با امام صادق (ع) عرض کرد: خداوند اشیا را از چه آفریده است ؟

فرمود : از هیچ چیز عرض کرد : چگونه چیز از ناچیز به وجود می آید ؟

فرمود : اشیا از دو حال خارج نیستند : یا از چیزی آفریده شده اند یا از ناچیز اگر از چیزی آفریده شده اند که آن چیز پیوسته با خدا بوده پس آن چیز قدیم است و قدیم نه حادث می شود نه فانی می گردد و نه تغییر می پذیرد حال , آن شیء یا یک جوهر و یک رنگ (و ماهیت) است , در این صورت این رنگها (و ماهیتهای) گوناگون و جواهر فراوان موجود در این عالم از کجا آمده است ؟

اگر آن چیزی که اشیا همه از او پدید آمده زنده است پس مرگ از کجا آمده است ؟

و اگر آن چیز مرده است حیات و زندگی از کجا آمده است ؟

ممکن نیست که از یک مرده و یک زنده قدیمی ازلی به وجود آمده باشند زیرا از زنده ازلی مرده پدید نمی آید همچنین ممکن نیست که مرده ازلی و قدیم وجود داشته باشد , زیرا موجود مرده را قدرت و بقایی نیست (زندیق) گفت : از چه رو گفته اند که موجودات ازلی اند ؟

حضرت فرمود: چرخش فلک و هر آنچه در آن است و حرکت زمین و هر آنچه بر آن است و دگرگونی زمانها و اختلاف زمان و حوادثی که در عالم رخ می دهد و مرگ و پوسیدگی و ناگزیری نفس به اقرار به این که او را آفریدگار و مدبری می باشد همگی نشانگر حدوث اشیا است مگر نمی بینی که شیرین ترش می شود و خوشمزه تلخ و نو فرسوده و هر چیزی به سوی دگرگونی و نابودی می رود؟

- امام صادق (ع) سؤال شد : دلیل بر یگانگی خدا چیست ؟

فرمود : نیازمندی آفریده ها.

- امام علی (ع) : سپاس و ستایش خداوندی را که حدوث آفریدگانش را دلیل قدیم بودن و وجود خود قرار داد حدوث اشیا را گواه ازلی بودن خود گرفت و ناتوانی آنها را گواه قدرت خود و فنای حتمی آنها را گواه جاودانگی خویش .

- ستایش خداوندی را که آفریدگان خود را دلیل بر وجود خویش ساخت و حادث بودن آنها را دلیل بر ازلیتیش .

- امام صادق (ع) --- در پاسخ به این پرسش ابوشاکر دیصانی که --- : دلیل بر این که تو را آفریدگاری است چیست ؟

فرمود : خودم را از دو حال خالی نیافتم : یا من خود را آفریده ام یا کسی دیگر مرا آفریده است اگر من خود را آفریده ام از دو حال خارج نیستم : یا بوده ام و خود را آفریده ام و یا نبوده ام و خود را پدید آورده ام اگر قبلا بوده ام و خود را پدید آورده ام نیازی به پدید آوردن ندارم و اگر نبوده ام تو می دانی که معدوم چیزی را به وجود نمی آورد ، پس شق سوم ثابت می شود و آن این که مرا آفریدگاری است و آن همان خدای پروردگار جهانیان است ابوشاکر که پاسخی برای گفتن نداشت برخاست .

اثبات وجود خدا.

(۴) نشانه های هستی .

قرآن .

((و در آفرینش شما و پراکنده شدن جنبدگان نشانه هایی (بر وجود خدا) است برای اهل یقین)).

((همانا در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز نشانه هایی است برای خردمندان)).

- امام علی (ع) --- در پاسخ به سؤال از اثبات صانع فرمود --- : پشکل شتر بر وجود شتر دلالت دارد و سرگین الاغ بر وجود الاغ و رد پابر وجود رهگذر پس ، چگونه پیکره ای آسمانی با این لطافت و کالبدی زمینی با این ستبری بر وجود خدایی لطیف و خبیر دلالت ندارد؟

- امیر المؤمنین چون از نماز شب فراغت می یافت این جمله را بسیار می گفت : گواهی می دهم که آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست ، نشانه هایی بر وجود تو و گواههایی است بر آنچه به سوی آن دعوت کردی هر آنچه حجت تو را بیان می کند و به پروردگاری تو گواهی می دهد نشان آثار نعمتهای تو و علایم تدبیر تو را بر خود دارد.

- امام علی (ع) : از آفریده های خدا به وجود او راه برده می شود و با خردها وجودش شناخته می شود و با تفکر و اندیشه برهان برهستی او آشکار می گردد و از طریق آیات و نشانه های اوحجت وی بر خلقش تمام می شود.

- آثار حکمت خداوند در بدایعی که پدید آورده آشکار است و هر چیزی که آفرید حجت او شد و نسبت بدو یافت پس ، اگر آفریده ای بی زبان و خاموش باشد (آثار) تدبیر خدا در آن حجت گویای اوست .

- امام رضا (ع) --- در پاسخ به پرسش از دلیل حدوث عالم فرمود --- : تو نبودی و سپس بود شدی (از طرفی هم) می دانی که تو خود خودت را به وجود نیاورده ای و مانند تو نیز تو را هستی نبخشیده است .

- امام باقر (ع) : درباره آیه ((کسی که در این دنیا کور باشد در آخرت نیز کور است)) فرمود : کسی که آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز و چرخش خورشید و ماه و دیگر نشانه های شگفت آور او را به این نکته رهنمون نشود که در پس همه اینها خبر بسیار بزرگتری هست ((در آخرت نیز کور است)) فرمود : یعنی از مشاهده آنچه ندیده کور است و ره گم کرده تر.

- امام رضا (ع) : نیز ذیل همین آیه فرمود : یعنی از دیدن حقایق هستی کور و ناتوان است .

- امام صادق (ع) : در پاسخ به زیدیقی که پرسید : دلیل وجود آفریدگار جهان چیست ؟

فرمود : وجود کارها و پدیده هایی که نشان می دهد سازنده ای آنها را ساخته است ، مگر نه این که وقتی ساختمانی را می

بینی پی می بری که آن را معمار و سازنده ای است هر چند او را ندیده و مشاهده اش نکرده باشی؟

- نخستین پند و دلیل بر وجود آفریدگار، جل قدسه، پدید آوردن این جهان و ترکیب اجزای آن و نظم بخشیدن آن اجزا به شکل فعلی است هر گاه درباره این جهان به اندیشه و خرد خویش تامل و دقت کنی آن راهمانند خانه ای یابی که هر آنچه بندگانش بدان نیاز دارند در آن فراهم است آسمان همچون سقف برافراشته شده و زمین همانند فرش گسترده است و ستارگان مانند چراغها کنار هم چیده شده اند و گوهرها همانند گنجینه ها در دل زمین اندوخته شده اند هر چیز عالم به جای خود فراهم گشته است و انسان همچون مالک این خانه است و صاحب همه اثاث و لوازم آن انواع گیاهان برای اهداف او آماده گشته و حیوانات گوناگون در خدمت مصالح و منافع او می باشند این همه آشکارا نشانگر این است که عالم بر اساس یک برنامه و حکمت و نظم و هماهنگی آفریده شده و آفریدگار آن یکی است.

- امام علی (ع): اگر در قدرت شگرف و نعمتهای عظیم (خداوند) می اندیشیدند بیگمان به راه می آمدند و از عذاب دوزخ می هراسیدند اما دلها بیمار و اندیشه ها آفت دیده است.

آیا به موجود کوچکی که او آفریده است نمی نگرند که چگونه آن را استوار آفرید و اجزایش را به دقت به هم پیوست و برایش سوراخ گوش و چشم گشود و استخوان و پوست برایش پدید آورد؟

به همین مورچه ریز و نازک اندام که تقریباً به چشم نمی آید و با اندیشه درک نمی گردد بنگرید که چگونه روی زمین راه می رود و برای به دست آوردن روزیش تلاش می کند.

اگر در مجاری خوراک و سر و ته مورچه و اطراف و پهلوهای شکمش و در چشم و گوشش بیندیشی از آفرینش او شگفت زده می شوی و در وصف آن به زحمت می افتی.

به خورشید و ماه و گیاه و درخت و آب و سنگ و گردش این شب و روز و جریان این دریاها و فراوانی این کوهها و بلندی این قله ها و پراکندگی این لغات و زبانهای گوناگون بنگر.

وای بر آن کس که ناظم و مدبر این همه را انکار کند تصور می کنند که همچون گیاهان خودروهستند و برزگری ندارند و برای اشکال گوناگون آنها آفریننده ای نیست اینان برای ادعای خود به دلیلی پناه نبردند و در باورهای خود تحقیق نکردند آیا ممکن است ساختمانی بدون سازنده و یا (حتی) جنایتی بدون جنایتگر پدید آید؟

آفرینش انسان از خاک.

قرآن.

((باید که انسان بنگرد از چه چیز آفریده شده است)).

((از نشانه های قدرت اوست که شما را از خاک بیافرید تا انسان شدید و به هر سو پراکنده گشتید)).

((اوست که آدمی را از آب بیافرید و او را نسب و پیوند ساخت و پروردگار تو به این کارها تواناست)).

((انسان را از لخته خون آفرید)).

((ما آدمی را از نطفه ای آمیخته بیافریدیم تا او را امتحان کنیم و شنوا و بینایش ساخته ایم)).

((شما را در شکم مادرانتان در چند مرحله در درون تاریکیهای سه گانه آفرینش بخشید این است خدای یکتا پروردگار

شما فرمائید از آن اوست خدایی جز او نیست پس ، چگونه رویگردانتان می سازند ؟
))

- امام صادق (ع) : شگفت از بنده ای است که می پندارد خداوند بر بندگان خود پوشیده است حالی که اثر آفرینش را در وجود خود با ترکیبی حیرت آور و پیوندی که دلایل بر دلایلش (بر رد خدا) خط بطلان می کشد ، مشاهده می کند به جان خودم سوگند اگر در این پدیده های بزرگ می اندیشیدند بیگمان این ترکیب روشن و تدبیر آشکار و پدید آمدن اشیا می که نبوده اند و تغییر و تحول آنها از حالی به حالی دیگر و از ساختاری به ساختاری دیگر، آنها را به وجود آفریدگار رهنمون می شد.

- امام علی (ع) : ای انسانی که از نظر خلقت بی کم و کاست و متناسبی و درزهدانهای تاریک و پرده های تو در تو پدید آمده و محافظت می شدی آفرینش از عصاره گل آغاز شد و سپس از این جایگاه به محیطی که آن راننده بودی و راه به دست آوردن منافعتش را نمی دانستی بیرون آورده شدی چه کسی تو را به مکیدن شیر از پستان مادرت هدایت کرد؟
 و چه کسی جایگاههای طلب و خواستن را به تو آموخت ؟

- آیا این انسان همان کسی نیست که خداوند او را در تاریکیهای زهدان و پرده های غلاف مانند آفرید ، از نطفه ای که ریخته شد آن گاه به او دلی حفظ کننده و زبانی گویا و چشمی بینابخشید تا بفهمد و عبرت گیرد و از زشتکاریها باز ایستد اما چون قد راست کرد و به نهایت رشد خود رسید گردنفرزانه روی برگرداند.

- امام باقر (ع) : درباره آیه ((از نطفه ای آمیخته)) فرمود : آب مرد و زن که باهم آمیخته شوند.

- امام رضا (ع) : در پاسخ به زندیقی که پرسید: دلیل وجود خدا چیست ؟

فرمود : من وقتی به کالبد خود نگریستم و دیدم که نمی توانم در قد و پهنای آن کم و زیاد کنم و بدیها را از آن دورسازم و سود و منفعتی به آن برسانم دریافتم که این ساختمان را معمار و سازنده ای است پس به وجود او اقرار کردم .

علاوه بر این ، از مشاهده چرخش فلک به قدرت او و پدید آوردن ابرها و به حرکت در آوردن بادهای و حرکت خورشید و ماه و ستارگان و دیگر نشانه های متقن شگفت آور پی بردم که این همه را مدبر و پدید آورنده ای است .

- امام صادق (ع) : به ابن ابی العوجا فرمود: ای ابن ابی العوجا ! آیا تو مخلوقی یا غیر مخلوق ؟

عبدالکریم گفت : غیر مخلوق امام فرمود: اگر مخلوق بودی چگونه بودی ؟

ابن ابی العوجا در جواب ماند و برخاست و رفت .

- نیز در همین مناظره آمده است : آیا تو مخلوق هستی یا غیر مخلوق ؟

عبدالکریم بن ابی العوجا گفت : من غیر مخلوق هستم امام (ع) فرمود : به من بگو اگر مخلوق بودی چگونه وضعی داشتی ؟

عبدالکریم مدت درازی خاموش ماند و جوابی نداد و در حالی که با چوبی که مقابلش بود بازی می کرد می گفت : دراز ، پهن ، گود ، کوتاه ، متحرک ، ساکن ، همه اینها صفت مخلوق است امام (ع) فرمود : اگر برای مخلوق صفاتی جز اینها نمی دانی پس خودت را مخلوق بدان ، زیرا که این صفات را در خودت می یابی .

صورتگری در زهد آنها.

قرآن .

((اوست که شما را در رحم مادران به هر سان که خواسته باشد می نگارد نیست خدایی جز او که پیروزمند و حکیم است))

((اوست خدایی که آفریدگار است ، صورت بخش است ، اسمهای نیکو از آن اوست ، هر چه در آسمانها و زمین است

تسیحگویی او هستند و او پیروزمند و حکیم است)).

--

--

- امام صادق (ع) : خدای تبارک و تعالی هر گاه بخواهد کسی را بیافریند هر شکل و صورتی که میان او و پدرش تا آدم وجود دارد جمع می کند و سپس وی را به شکل یکی از آنها می آفریند ، بنابر این ، هیچ کس نباید بگوید که این اصلا شبیه من یا شبیه پدران من نیست .

- امام علی (ع) : دو نطفه (زن و مرد) در رحم با هم می آمیزند و هر یک از آن دو بیشتر باشد نوزاد شبیه او می شود.

- پیامبر خدا (ص) به امیرالمؤمنین (ع) فرمود : بگو نخستین نعمتی که خدای عزوجل به تو ارزانی داشت چیست ؟

عرض کرد : این که مرا آفرید سومین نعمت چیست ؟

گفت : این که بحمد الله مرا در بهترین شکل و متناسبترین ترکیب به وجود آورد فرمود : درست گفתי .

آفرینش روح .

قرآن .

((چگونه به خدا کفر می ورزید در حالی که مرده بودید و شما را زنده کرده و سپس شما را می میراند و آن گاه دوباره زنده می کند و سرانجام به سوی او بازمی گردید)).

((زنده را از مرده پدید می آورد و مرده را از زنده و زمین مرده را زنده می گرداند و این چنین بیرون آورده می شوید)).

آفرینش جفتها.

قرآن .

((و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان جفتها آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد همانا در این نشانه هایی است برای مردمی که بیندیشند)).

((آفریدگار آسمانها و زمین است برای شما از خودتان جفتهایی آفرید و نیز برای چارپایان جفتهایی پدید آورد با آفرینش همسران بر شمارتان می افزاید هیچ چیز همانند او نیست و اوست شنوا و بینا)).

((خدای ما را از خاک و سپس از نطفه بیافرید آن گاه جفتهای یکدیگرتان قرار داد هیچ زنی آبستن نمی شود و نمی زاید مگر به علم او و عمر هیچ سالخورده ای به درازانکشد و از عمر کسی کاسته نگردد ، جز آن که همه در کتابی نوشته شده است و این کارها بر خدا آسان است)).

- امام صادق (ع) : اگر دیدی که یکی از دولنگه در زلفین دارد آیا گمان می بری آن زلفین بی خود و بی جهت نصب شده است ؟

نه ، بلکه بی شک پی می بری که تعبیه شده تا با لنگه دیگر جفت و بسته شود لذا لنگه دیگر رافراهم می آوری تا از اجتماع آنها سودی حاصل شود به همین صورت است ، وجود حیوان نرگویی فردی از یک جفت است که برای فرد ماده فراهم آمده است پس نر و ماده با هم جفت می شوند زیرا که دوام و بقای نسل در این است هلاک و نومید و نگونبخت بادا این مدعیان فلسفه ! چگونه دیده دلشان این آفرینش شگفت را نمی بیند چندان که وجود تدبیر و آگاهی و قصد را در آن انکار می کنند؟

جفت بودن اشیا.

قرآن .

((منزه است آن خدایی که همه جفتها را بیافرید ، چه از آنچه زمین می رویاند و چه از خودهایشان و چه آن چیزهایی که نمی شناسند)).

((آیا به زمین ننگریستند که در آن از هر گیاهی جفتی نیکو رویانیدیم همانا در این عبرت و نشانه است ولی بیشترشان ایمان نمی آورند)).

((و از هر چیز جفتی بیافریده ایم ، باشد که عبرت گیرید)).

- امام علی (ع) --- در توصیف خدای تعالی با ذکر برخی افعال او --- : اشیا دور و متباین را به هم نزدیک کرد و میان نزدیکها جدایی افکند تا با جدایی افکندن میان آنها بر جدا کننده رهنمون شود و با نزدیک و فراهم آوردن آنها بر فراهم آوردن این است معنای سخن خدای تعالی که می فرماید : ((از هر چیزی جفتی بیافریدیم باشد که عبرت گیرید)).

- (پدید آمدن) اشیا را به زمان خودشان موکول کرد ، میان اشیا گوناگون سازگاری پدید آورد و به هر یک سرشت و نهادی مخصوص ارزانی داشت و هریک را با همانندش همراه کرد.

- خداوند هیچ چیزی را به صورت فردی مستقل و بدون جفت نیافریده است تا از این طریق مردم را به خود راهنمایی و وجود خویش را (برای آنان) اثبات کند ، زیرا که خدای تبارک و تعالی یکتا و یگانه است و او راثانی نیست تا قوامش به او باشد و حمایتش کند ، اما مخلوقات ، به اذن و مشیت خدا ، به یکدیگر وابسته اند.

- پیامبر خدا (ص) : این اشیا بی که می بینیم هریک به دیگری نیازمند است ، زیرا قوام و بقای هریک بسته به دیگری است همچنان که اجزای یک ساختمان محتاج و وابسته به یکدیگرند و گرنه هماهنگ و مستحکم نمی ماندهمچنین است دیگر چیزهایی که می بینیم .

- امام علی (ع) --- در توصیف افریدن خداوند اشیا را --- : پس کجی و ناراستی همه اشیا را راست گردانید و حدودشان را واضح و روشن قرار داد و با قدرت خود میان اشیا متضاد و ناسازگار هماهنگی و سازگاری پدید آورد و وسایل ارتباط آنها را فراهم ساخت .

- امام رضا (ع) --- ابزارها خود را محدود می کنند، و آلات به همانندهای خود اشارت دارند --- : افعال و کردار موجودات در خود آنها یافت می شود (نه در واجب الوجود) ، اشیا با کلمه ((منذ)) (از زمان) از ملک قدم خارج می شوند و با کلمه قد (که محدودیت زمانی رامی رساند) از ازلیت بیرون می آیند و با کلمه ((لولا)) (تکمله) ، از کامل بودن دور می شوند اشیا از هم جدا و پراکنده شدند و بدین سان بر فاعل جداکننده دلالت کردند و با یکدیگر مابین شدند و از وجود کسی که آنها را از یکدیگر متمایز کرده است پرده برداشتند و بدین سان آفریننده اشیا بر خردها آشکار و جلوه گر شد.

- ابزارها خود را محدود می کنند، و آلات و اسباب به همانندهای خود اشارت دارند، افعال و کردار اشیا در خود آنها یافت می شود اگر موجودات از هم جدا نشده بودند تا بدین سان بیانگر وجود جداکننده ای باشند و اگر از یکدیگر متمایز و متباین نمی شدند تا از این راه بر وجود خدایی که میان آنها تباین و تمایز ایجاد کرده دلالت کنند ، هر آینه سازنده آنها بر خردها آشکار و هویدا نمی گشت .

قرآن .

((ای مردم! نعمتی را که خدا به شما ارزانی داشته است یاد کنید آیا جز خدا آفریننده دیگری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟

خدایی جز او نیست، پس چگونه عقیده شما را دگرگون می سازند؟
((

((آیا کیست که به شما روزی دهد اگر او روزی خویش باز دارد؟
نه، در سرکشی و دوری از حق لجاج می ورزند)).

- امام صادق (ع): چه زشت است که آدمی در قلمرو خداوند هفتاد یا هشتاد سال زندگی کند و از نعمتهای او بهره گیرد اما خدای را چنان که باید نشناسد.

- ای مفضل! در افعالی چون خوردن و که در وجود انسان نهاده شده است بیندیش اگر قرار بود انسان از روی آگاهی به نیازهای بدنش به خوردن غذا مبادرت می ورزید و در نهاد او انگیزه ای وجود نداشت که او را به این کار ناچار سازد بیگمان در خوردن غذا تبلی و سستی می ورزید، چندان که بدنش فرسوده می شد و ازمیان می رفت .

- امام علی (ع): ای انسانی که در کمال اعتدال و تناسب آفریده شده ای و در تاریکیهای زهدانها و پرده های تو در تو شکل گرفته و پرورده شده ای، آفرینش از عصاره گل آغاز شد و در جایگاهی آرام و امن (زهدان مادر) تازمانی مشخص و مهلتی تعیین شده نهاده شدی آن گاه که جنین هستی در شکم مادرت می جنبی و نه سخنی را پاسخ می دهی و نه آوازی را می شنوی آن گاه از قرارگاه خود به سرای بیرون آورده شدی که آن را ندیده ای و راههای کسب سود و منافع آن را نمی دانی چه کسی تو را به مکیدن شیر از پستان مادرت راهنمایی کرد؟
و چه کسی جایگاههای طلب و خواستن را به تو آموخت؟

تعیین حد و اندازه اشیا.

قرآن .

((گفت: پروردگار ما همان کسی است که هر چیزی را خلقتی در خور ارزانی داشت و سپس هدایتش کرد)).

((خدا می داند که هر ماده ای چه باردار است و در رحمها چه از آن می کاهد و چه بدان می افزاید و هر چیز را در نزد او مقداری معین است)).

((آن کس که از آن اوست فرمانروایی آسمانها و زمین و فرزندی نگرفته است و او را شریکی در فرمانروایی نیست و هر چیز را بیافرید و آن را به اندازه آفرید)).

((ما هر چیز را به اندازه آفریده ایم)).

- امام صادق (ع): در پاسخ به پرسش محمدبن مسلم از آیه ((آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشت و سپس هدایتش کرد)) فرمود: هیچ موجودی از آفریده های خداوند نیست مگر آن که از ظاهر خود نر و ماده را می شناسند عرض کردم: جمله ((سپس هدایتش کرد)) به چه معناست؟

فرمود: هر موجودی را به جفت شدن و نزدیکی کردن با جنس مخالف از نوع خود راهنمایی کرد.

در تفسیر المیزان ذیل آیه ((پروردگار ما کسی است که آفرینش هر چیزی را بدو ارزانی داشت)) آمده است: بر این معنا حمل

می شود که خداوند میان قوا و ابزارهایی که وجود هر پدیده ای مجهز به آنهاست و آثاری که آن شیء را به سوی هدف نهایی وجودش پیش می برد ارتباط برقرار ساخت .

تعلیم انسان .

قرآن .

((خدایی که به وسیله قلم آموزش داد به آدمی آنچه را که نمی دانست بیاموخت)).

((خدا شما را از بطن مادرانتان بیرون آورد و هیچ نمی دانستید و برایتان چشم و گوش و دل بیافرید ، شاید سپاس گوید)).

تنوع زبانها و رنگها.

قرآن .

((و از نشانه های خداست آفرینش آسمانها و زمین و گونه گونی زبانها و رنگهای شما هر آینه در این نشانها هایی است برای دانشمندان)).

((در زمین چیزهایی با رنگهای گوناگون آفرید همانا در این نشانه ای است برای مردمی که پند می گیرند)).

((و به سبب آن (باران) میوه های رنگارنگ آفریدیم و از کوهها راهها پدید آوردیم ، سفید و سرخ و رنگارنگ و به غایت سیاه

از مردم و جنبندگان و چارپایان نیز به رنگهای گوناگون آفریدیم هر آینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از اومی ترسند)).

- امام علی (ع) : وای بر کسی که وجود خدای مقدر و مدبر را انکار کند پندارند که چون گیاه خودرویند و آنان را برزگری نیست و شکلها و قیافه های گوناگون آنان را سازنده ای نه اینان برای اثبات ادعای خود دلیل و برهانی ندارند و در باورشان تحقیق نکرده اند.

پوشاک ، سایه ، خانه .

قرآن .

((ای بنی آدم ! برای شما جامه ای فرستادیم تا بدن برهنه تان را بپوشانید و نیز جامه زینت و جامه پرهیزگاری از هر جامه ای بهتر است و این یکی از آیات خداست)).

((اوست که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و از آن زیورهایی بیرون آورید و خویشتن را بدانها بیاراید و کشتیها را بینی که دریاها را می شکافند و پیش می روند تا از فضل خدا روزی بطلبند ، باشد که سپاس گوید)).

((خدا برای شما از چیزهایی که آفریده است سایه ها پدید آورد و در کوهها برایتان غارها ساخت و جامه هایی که شما را از گرما حفظ می کند و جامه هایی که در جنگ نگهدار شماست)).

((خدا خانه هایتان را جای آرامشتان قرار داد و از پوست چارپایان برایتان خیمه ها ساخت تا به هنگام سفر و به هنگام اقامت در رنج نیفتید و از پشم و کرک و مویشان تاروزقیامت برایتان اثاث خانه و اسباب زندگی ساخت)).

- امام باقر (ع) : درباره آیه ((که غیر از پرتو آن (آفتاب) برایشان هیچ پوششی قرار نداده ایم)) فرمود : خانه سازی بلد نبودند.

خواب .

قرآن .

((و از نشانه های وجود او خوابیدن شما در شب و روز و روزی طلبدن شماست در این (پدیده) نشانه هایی است برای مردمی که می شنوند)).

((آیا نمی بینند که شب را پدید آوردیم تا در آن بیارامند و روز را روشنی بخشیدیم همانا در این (پدیده) نشانه هایی است برای مردمی که ایمان می آورند)).

- امام صادق (ع): ای مفضل! درباره کارهایی چون خوردن و خوابیدن و که در وجود انسان نهاده شده است بیندیش اگر انسان باندیشیدن در نیازش به آسودگی بدن و تجدید قوا به سوی خواب می رفت چه بسا که در این کار سنگینی و تنبلی می کرد تا جایی که بدنش فرسوده و نابود می شد.

گردش شب و روز.

قرآن .

((بگو: چه تصور می کنید اگر خداوند شبستان را تا روز قیامت طولانی سازد؟

جز او کدام معبودی است که شما را روشنایی ارزانی دارد؟

مگر نمی شنوید؟

((.

((بگو: چه تصور می کنید اگر خداوند روزتان را تا روز قیامت طولانی سازد؟

جز او کدام معبودی است که شما را شب ارزانی دارد که در آن بیاسایید؟

مگر نمی بینید؟

((.

آفرینش زمین .

قرآن .

((و در زمین نشانه هایی است برای یقین دارندگان)).

((و از نشانه های اوست که آسمان و زمین به فرمان او بر پای ایستاده اند سپس چون شما را از زمین فرا خواند شما [از زمین]

بیرون می آید)).

((همانا خداوند آسمانها و زمین را نگه می دارد تا نیفتند و اگر بیفتند، پس از او هیچ یک از شما نمی تواند آنها را نگه دارد هر

آینه خدا بردبار و آمرزنده است)).

((خداست که زمین را قرارگاه شما ساخت و آسمان را چون بنایی بیفراشت و شما را صورت بخشید و صورتهایتان را نیکو

ساخت و از چیزهایی پاکیزه و خوش روزیتان داد این است خدا پروردگار شما، برتر و بزرگوار است خدا پروردگار جهانیان)).

- امام علی (ع): زمین را ایجاد کرده آن را نگه داشت بی آن که وی را مشغول سازد و آن را بر جایی بدون قرار استوار کرد و

بی هیچ پایه ای برپایش داشت و بی هیچ ستونی برافراشتش و آن را از کجی و انحراف نگاهداشت و از افتادن و شکافتن آن

جلوگیری کرد.

- کوههای زمین را از دشتها و پستیهایش بر آمده ساخت و ریشه آنها را در دل زمینهای اطرافشان و جاهایی که برقرار هستند فرو برد

و آنها را تکیه گاه زمین و میخهای نگهدارنده آن قرار داد پس، آن گاه زمین در عین متحرک بودن آرام گرفت تا ساکنان خود

را در سقوط واضطراب قرار ندهد، یا آنچه را حمل کرده است فرو نیندازد، یا آن را از جای خویش جا به جانکند.

- آسمان را بدون ستون و تکیه گاه برافراشت و زمین را بدون تکیه به ستونی در هوا بگستراند.

- امام سجاد (ع): درباره آیه ((آن خدایی که زمین را بستر شما کرد)) فرمود: زمین را مناسب با طبایع شما و سازگار با بدنهایتان قرار داد آن را نه چندان گرم و حرارتی کرد که شما را بسوزاند و نه آن چنان سرد که یخ زیند و نه آن چنان خوشبو که سردرد گیرید و نه چندان بد بو که شما را به سختی اندازد.

- امام علی (ع): (خشکیهای) زمین را بر روی امواج پرهیجان و متلاطم و دریاها را مملو از آب قرار داد و خشکیهای زمین در دل امواج گسترده شد و زمین به سبب نفوذ کوهها در آن و فرو رفتن ریشه های آن در منافذش از لرزش باز ایستاد و آرام گرفت.

- و جنبش و لرزش زمین را به وسیله سنگهای بزرگ و کوهها میخکوب و استوار گردانید.

- امام صادق (ع): ای مفضل! در این معدنها و گوهرها و کانیهای گوناگونی که از آنها استخراج می شود بیندیش، کانیهایی چون گچ و آهک و زرنیخ و مرتک (مردار سنگ) و تونیون و جیوه و مس و سرب و نقره و طلا و زبرجد و یاقوت و زمرد و انواع سنگها و نیز زفت و مومیا (قیرطبیعی) و گوگرد و نفت و دیگر چیزهایی از این دست که مردم به وسیله آنها نیازهایشان را برطرف می سازند آیا بر هیچ خردمندی پوشیده است که همه این ذخایر در دل این زمین برای انسان اندوخته شده اند تا آنها را استخراج کنند و به کارشان بزنند؟

سپس چاره اندیشیهای حریصانه و آزمندانه مردم برای ساختن این کانیها به جایی نرسید اگر آنها در کوشش خود برای دست یافتن به دانش ساختن این مواد موفق می شوند بیگمان در دنیا چندان طلا و نقره زیاد می شد که از نظر مردم می افتادند و ارزش خود را از دست می دادند.

آفرینش کوهها.

قرآن .

((آسمانها را بی هیچ ستونی که بینید بیافرید و بر روی زمین کوهها را بیفکنند تا شما را نلرزاند و از هر گونه جنبه ای در آن بپراکند و از آسمان آب فرستادیم و در زمین ازهر گیاهی جفتی نیکو برویاندیم)).

- امام علی (ع): و جنبش و لرزش زمین را به وسیله صخره ها و کوهها میخکوب و استوار کرد.

- حرکات زمین را به وسیله صخره های عظیم و قله کوههای بلند و محکم تعدیل کرد.

- و صخره ها و تپه های بلند و کوههای زمین را آفرید و آنها را در جاهای خود استوار نگاهداشت، پس ستیغ کوهها در فضا برافراشته شد و ریشه های آنها در آب فرو رفت و کوههای آن را از پستیها و دشتهایش برآمده ساخت و ریشه های آنها را در دل زمینهای اطرافشان و جاهایی که برقرار هستند فرو برد، قله های آنها را به سوی آسمان کشید و نوک آنها را دراز گردانید و آنها را تکیه گاه زمین و میخهای نگهدارنده آن قرار داد، پس زمین در عین متحرک بودن آرام گرفت.

آفرینش آبها.

قرآن .

((و از نشانه های اوست که تو زمین را خشک می بینی و چون آب بر آن بفرستیم به جنبش آید و گیاه برویاند، آن کس که آن را زنده می کند همان زنده کننده مردگان است که او برهر چیزی تواناست)).

((آیا آبی را که می نوشید دیده اید؟

آیا شما آن را از ابر فرو می فرستید یا ما فرو فرستنده ایم؟
اگر می خواستیم آن را تلخ می گردانیدیم پس چرا سپاس نمی گوید؟
((

((آیا کافران نمی دانند که آسمانها و زمین بسته بودند، ما آنها را گشودیم و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟
چرا ایمان نمی آورند؟
((

رام کردن دریاها.

قرآن .

((او خدایی است که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و از آن جامه ای که می پوشید استخراج کنید و کشتیها را می بینی که دریاها را می شکافند و پیش می روند تا فضل او را بجویند، باشد که سپاس گوید)).
((آیتی دیگر برای آنان این است که نیاکانشان را در آن کشتی انباشته شده سوار کردیم و برایشان همانند کشتی چیزی آفریدیم که بر آن سوار شدند و اگر می خواستیم همه را غرق می ساختیم و آنها را هیچ فریادری نبود و رهایی نمی یافتند)).
- امام علی (ع) --- در مناجات خود --- : تو آنی که بزرگیت در آسمان است و قدرتت در زمین و شگفتیهایت در دریاها و نورت در تاریکیها.

- امام صادق (ع) : اگر خواهی که به گستردگی حکمت آفریدگار و ناچیزی دانش آفریدگان پی بری به انواع ماهیهای دریاها و جنبندگان آبی و صدفها و دیگر انواع و اصناف (جانوران دریایی) بنگر که منافع آنها به شماره نیاید و جز اندک اندک شناسایی نشوند که مردم با ابزارها و وسایل نو پدید به آنها پی می برند.

آفرینش گیاهان .

قرآن .

((همانا خداست که دانه و هسته را می شکافد و زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد این است خدای یکتا، پس از کجا باز می گرداندتان؟
((

((و زمین را گسترده کردیم و در آن کوههای عظیم افکندیم و از هر چیز به شیوه ای موزون و سنجیده در آن رویانیدیم)).
((اوست خدایی که از آسمان باران فرستاد و بدان باران هر گونه نباتی را رویانیدیم به میوه هایش آن گاه که پدید می آیند و آن گاه که می رسند بنگرید که در آنها نشانه هایی است برای آنان که ایمان می آورند)).
((آیا به زمین ننگریسته اند که چقدر از هر گونه گیاهان نیکو در آن رویانیده ایم در این نشانه هایی است ولی بیشترشان ایمان نمی آورند)).

((آیا چیزی را که می کارید دیده اید؟

آیا شما می رویانیدش یا ما رویانیده ایم؟

اگر می خواستیم خاشاکش می ساختیم تا درشگفت بماند)).

((آیا آن آتشی را که می افروزید دیده اید؟

آیا درختش را شما آفریده اید یا ما آفریننده ایم ؟
))

فرستادن بادهای.

قرآن .

((و از نشانه های قدرت او آن که بادهای مژده دهنده رامی فرستد تا رحمت خود را به شما بچشاند و تا کشتیها به فرمان او روان باشند و از فضل او روزی بجوید باشد که سپاس گوید)).

((آیا ندیده ای که خدا ابرهایی را به آهستگی می راند ، آن گاه آنها را به هم می پیوندد و ابری انبوه پدید می آورد و باران رابینی که از خلال آن بیرون می آید و از آسمان ، از آن کوهها که در آن جاست تگرگ می فرستد و هر که را خواهد با آن می زند و از هر که می خواهد بازش می دارد روشنایی برفش نزدیک باشد که دیدگان را کور سازد)).

- پیامبر خدا (ص) : بادهای هشت نوعند چهار نوع آن عذاب است و چهار نوع رحمت ، آن چهار باد که عذابند اینهاست : طوفان ، بادهای بسیار سرد پر سر و صدا ، بادهای سوزان و بادهای شدید ویرانگر و آن چهار باد رحمت اینهاست : بادهای پخش کننده ، بادهای نوید دهنده ، بادهای فرستنده (ابرزا) و بادهای پراکنده کننده .

خداوند بادهای مرسل را می فرستد که ابرها را به وجود می آورند ، سپس بادهای نوید دهنده رامی فرستد که ابرها را بارور می سازند ، آن گاه بادهای پراکنده کننده رامی فرستد که ابرها را به حرکت در می آورند و ابرها مانند ماده شتر پر شیر پر باران می شوند و سپس می بارند اینها ابرهای بارور شده اند ، سرانجام بادهای پخش کننده را می فرستد که به وسیله آنها آنچه را که بخواهد پراکنده می کند.

آفرینش خورشید و ماه .

قرآن .

((و از نشانه های اوست شب و روز و خورشید و ماه در برابر خورشید و ماه سجده نکنید بلکه خدایی را که آنها آفریده است سجده کنید اگر براستی او را می پرستید)).

((و خورشید به سوی قرارگاه خود روان است این فرمان خدای پیروزمند و داناست)).

((نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب را که از روز پیشی گیرد هر یک در مدار خود شناورند)).

((اوست آن که خورشید را فروغ بخشید و ماه را روشنایی داد و برایش منازلی معین ساخت تا از شمار سالها و حساب آگاه شوید خدا همه اینها را جز به حق نیافرید و آیات را برای مردمی که می دانند به تفصیل بیان می کند)).

- امام سجاد (ع) --- از دعای ایشان در هنگام رؤیت هلال --- : ای آفریده فرمانبردار و ای رونده شتابان ، که در منزلهای معین شده آمد و شد داری و در فلک تدبیر و نظم می چرخی ! به آن که تاریکیها را به سبب تو روشن کرد و ظلمتها را به نور تو زدود و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی خویش قرار داد ایمان آوردم .

آفرینش آسمانها.

قرآن .

((هر آینه آفرینش آسمانها و زمین مهمتر از آفرینش مردمان است اما بیشتر مردم نمی دانند)).

((و از نشانه های اوست آفریدن آسمانها و زمین و جنبدگانی که در زمین پراکند و او, اگر بخواهد, بر گرد آوردن آنها تواناست)).

((همانا در آسمانها و زمین نشانه هایی است برای مؤمنان)).

((بگو: بنگرید که چه چیزهایی در آسمانها و زمین است این آیات و هشدارها قومی را که ایمان نمی آورند سود نمی بخشد)).

((چه بسیار نشانه هایی در آسمانها و زمین است که بر آن می گذرند و از آن رخ بر می تابند)).

((و ما آسمان را سقفی نگهداشته شده قرار دادیم حالی که آنان از نشانه های آن روی بر می تابند)).

- امام علی (ع): پاک خدایا! چه بزرگ است آنچه از آفریده های تو می بینیم! و چه خرد و اندک است هر بزرگی در برابر قدرت تو! چه هولناک است آنچه از ملکوت و پادشاهی تومی بینیم! و چه خرد و حقیر است اینها در برابر آنچه از قدرت تو از دیدگان ما پنهان است! چه بسیار است نعمتهای تو در دنیا! و چه ناچیزند این نعمتها در برابر نعمتهای آخرت!!

اثبات وجود خدا.

(۵) برهم زدن تصمیمها و درهم شکستن آهنگها.

- امام حسین (ع): مردی در برابر امیرالمؤمنین (ع) برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! خدا را به چه شناختی؟ حضرت فرمود: به برهم زدن تصمیم (تصمیمها خ ل) و درهم شکستن آهنگها وقتی آهنگ کاری کردم میان من و آهنگم مانعی به وجود آمد و آنگاه که تصمیمی گرفتم قضای الهی با تصمیم من ناسازگاری کرد پس دانستم که تدبیر کننده ای جز من وجود دارد.

- امام صادق (ع): در پاسخ به این سؤال که: خدایت را به چه شناختی؟

فرمود: به درهم شکستن شدن تصمیم و برهم خوردن خواست و اراده تصمیم گرفتم و تصمیم را درهم شکست و اراده کردم اما اراده ام را برهم زد.

- امام علی (ع): من خدای پاک را به درهم شکستن عزمها و فرو ریختن تصمیمها و برهم خوردن اراده ها و خواستها شناختم.

- از امام علی (ع) سؤال شد دلیل بر اثبات صانع چیست؟

فرمود: سه چیز: دگرگونی حالات, سست و ناتوان شدن اعضای بدن و برهم خوردن خواست و اراده.

طبیعت و نسبت دادن آفرینش به آن.

- مفضل به امام صادق (ع) عرض کرد: سرورم! عده ای می گویند آفرینش کار طبیعت است, امام فرمود: از آنان پرس که آیا

این طبیعت دارای علم است و توانایی انجام چنین کارهایی را دارد یا نه؟

اگر جواب دهند که آری علم و قدرت دارد, در این صورت چه چیز مانع از آنها می شود که آفریدگار را اثبات کنند (چرا به وجود آفریدگاری با این خصوصیات قابل نباشند)?

, زیرا طبیعت ساخته و آفریده اوست اگر گفتند که طبیعت این کارها را بدون آگاهی و قصد انجام می دهد, با توجه به این که در کارهای آن درستی و حکمت مشاهده می کنی معلوم می شود که این فعل (طبیعت) کار آفریدگار حکیم است و آنچه را که آنان طبیعت می نامند همان قانونی است که خداوند در آفرینش و عالم هستی جاری کرده است.

- مفضل به امام صادق (ع) عرض کرد: طبیعتون می گویند: طبیعت هیچ کار بی معنا و هدفی نمی کند و از محدوده طبیعت هر شیء فراتر نمی رود می گویند حکمت (موجود در طبیعت) گواه این مطلب است (در پاسخ باید) از آنها پرسیده شود:

چه کسی این حکمت را به طبیعت داده و آن را از حدود اشیا آگاه کرده به طوری که از آن فراتر نمی رود؟ این نکته ای است که خردها پس از آن همه تجربه از درک آن در مانده اند آنها که برای طبیعت حکمت (و دانش) و توانایی بر انجام چنین کارهایی را لازم می شمارند در حقیقت به وجود آنچه که انکارش می کنند اعتراف کرده اند، زیرا اینها صفات خالق است و اگر بگویند که حکمت و قدرت را فعل طبیعت نمی دانند این ظاهر طبیعت است که ندا در می دهد (طبیعت مخلوق است و) کار آفریدگاری حکیم می باشد.

خدانشناسی حیوانات .

قرآن .

((دیدم که خودش و مردمش به جای خدا خورشید راسجده می کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان بیاراسته است و از راه خدا منحرفشان کرده است و به راه راست نمی آیند چرا خدایی را که نهان آسمانها و زمین را آشکار می کند و هر چه را پنهان می دارید یا آشکار می سازید می داند و سجده نکنند)).

((هیچ جنبه ای در روی زمین نیست و هیچ پرنده ای با بالهای خود در هوا نمی پرد مگر آن که چون شما امتهایی هستند مادر این کتاب هیچ چیزی را فروگذار نکرده ایم و سپس همه نزد پروردگارشان گردآورده می شوند)).

- امام صادق (ع) : اگر هر چیز بر بهایم مبهم و پوشیده ماند چهار امر بر آنها پوشیده نیست : آگاهی از این که آفریدگاری دارند و آگاهی از طلب روزی .

- امام کاظم (ع) : در عهد سلیمان بن داود (ع) مردم گرفتار خشکسالی سختی شدند پس ، به آن حضرت شکایت برده از ایشان خواستند که طلب باران کند سلیمان (ع) فرمود : بعد از نماز صبح برای طلب باران بیرون خواهم رفت چون نماز صبح را خواند به همراه مردم بیرون رفت در راه مورچه ای را دید که بر دو پای خود ایستاده دست به آسمان برداشته است و می گوید : پروردگارا ، ما نیز از آفریدگان تو هستیم و از روزی تو بی نیاز نیستیم ما را به سبب گناهان آدمیان هلاک مفرما در این هنگام سلیمان (ع) به مردم گفت : برگردید که به سبب موجوداتی جز شما باران داده شدید پس در آن سال چنان بارشی داده شدند که هرگز مانند آن را به خود ندیده بودند.

علت انکار خدا.

قرآن .

((سپس عاقبت آن کسان که مرتکب کارهای بد شدند این شد که آیات خدا را دروغ انگاشتند و آنها را به تمسخر می گرفتند)).
 ((بلکه قرآن آیتی است روشن که در سینه اهل دانش جای دارد و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی کنند)).
 ((می دانیم که سخنانشان تو را اندوهگین می سازد ، آنان تو را تکذیب نمی کنند بلکه این ستمگران سخن خدا را انکاری کنند)).
 ((با آن که در دل به آن یقین آورده بودند ولی از روی ستم و برتری جویی انکارش کردند پس بنگر که عاقبت تبهکاران چگونه بود)).

((آن کسانی را که به ناحق در زمین سرکشی می کنند ، زودا که از آیات خویش رویگردان سازم)).

((بگو : بنگرید که چه چیزهایی در آسمانها و زمین است و این آیات و هشدارها قومی را که ایمان نمی آورند سود نمی دهد)).
 - امام صادق (ع) : به جان خودم سوگند که مردمان نادان (و خدا شناس) را خداوند نادان نیافریده است آنان دلالتهای آشکار و نشانه های روشن را در آفرینش خود می بینند و ملکوت آسمانها و زمین و آفرینش شگفت آوری را که در کمال اتقان

و نظم است و بر وجود آفریدگار دلالت دارد مشاهده می کنند اما آنان مردمانی هستند که درهای گناهان را به روی خود گشودند و راه شهوتها را بر خویش هموار کردند و در نتیجه هواهای نفس بر دلهایشان چیره گشت و به سبب ستمی که بر خویش روا داشتند شیطان برایشان مسلط گشت و خداوند اینچنین بر دلهای متجاوزان مهر می نهد (و در نتیجه خدای را انکار می کنند).

--

پاورقی ها

- ۱- در متن حدیث تعبیر ((لم تناظروا)) آمده است که آن را چند گونه معنا کرده اند ابن ابی الحدید می گوید: یعنی بزودی از شما انتقام گرفته خواهد شد در شرح خوبی آمده است: وحدت اسلامی از هم شکافته می شود ابن میثم می نویسد: خداوند از آن محافظت و مراقبت نخواهد کرد او همچنین احتمال می دهد که مقصود این باشد که دشمنان به شما نمی نگرند و شما را حرمت نمی نهند --- م .
- ۲- رهط: یک گروه مرکب از سه تا ده نفر --- م .
- ۳- حجون: جایی یا کوهی است در مکه --- م .
- ۴- دانگ: یک ششم درهم --- م .
- ۵- در همه نسخه ها همین سه نشانه ذکر شده و چهارمین نشانه افتاده است .
- ۶- بغی در اصل لغت به معنای رشک و حسد است اما بر ستمی که از حسادت ناشی می شود اطلاق شده است .
- ۷- حلقه به معنای داغ گردی که بر شتران می نهند نیز آمده و ممکن است در این جا همین معنا مورد نظر باشد --- م .
- ۸- ازار: جامه ای که قسمت پایین بدن را بپوشاند، پایین پوش، شلوار، دامن .
- ۹- حزازه: اندوه دل، درد کینه که موجب سوزش و جراحت دل شود --- م .
- ۱۰- شارح خوئی: هر چیزی که ذات و حقیقت آن شناخته شود شارح معتزلی: هر چیزی که از طریق مشاهده و حس شناخته شود --- م .

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

